

- عبادت مصباح: ایران به خدا؛ عامل تمام جلوه
- آیت‌الله جوادی: ملت برگزیده خدا ره‌ها مرگند
- سقیفه، ساجاد، عاشورا، نقش مردم در تربیت امام
- وظایف و تکالیف مردم از نگاه معصومین
- مردم و چهره‌ی دوم تفاق در کام دوم
- مسئولیت‌پذیری مردم مهم‌ترین شرطیت برای کام دوم





#### امام خمینی رحمته:

مردم یک پارچه پشتیبان این حکومت هستند، اگر حکومت یک گرفتاری پیدا بکند، این مردمند که رفع می کنند گرفتاری را، اگر جنگ برای دولت پیش می آید، این مردمند که جبهه ها را پر می کنند و پشت جبهه ها را هم خدمت می کنند در پشت جبهه ها، این خاصیت حکومت مردمی است.

۱۳۶۲/۵/۱۱



#### امام خامنه ای رحمته:

نهیب ملت ایران دشمن را به عقب می راند و عزم راسخ او معادلات غلط آنان را به هم می ریزد. مسئولان کشور قدر این پدیده ی بی نظیر را بدانند و با استقامت کامل و روحیه ی انقلابی و عمل جهادی به ملت عزیز خدمت و از آرمان های انقلاب دفاع کنند. آینده متعلق به ملت بیدار و بصیر ماست، ما مسئولان باید بکوشیم از ملت عقب نمانیم. ولا تهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین .

۱۳۹۶/۱۷/۲۲



### فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

شماره چهل و دوم

نشریه دانشجویی دفتر پژوهش‌های فرهنگی  
زمستان ۱۳۹۸

صاحب‌امتیاز: مجتبی مصباح

مدیر مسئول: سیداحمد رهنمایی

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره: حسن ابراهیم‌زاده، سید عبدالمجید اشکوری

محسن مؤمنی، علی‌اکبر عالمیان

مدیر اجرایی: علیرضا دهشیری

طراح و گرافیک: علی محمد خواسته

حروف‌نگار و امور مشترکین: حسن نیازمند رودسری

ویراستار: نجما دهشیری

فرهنگ پویا در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

آثار مندرج در نشریه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان آن‌هاست.

این نشریه از داخل و خارج کشور مشترک می‌پذیرد.

نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر مأخذ مجاز است.

مطالب ار سال شده به تحریریه پویا بازگردانده نمی‌شود.

نشانی: قم / خیابان امام، چهارراه غفاری / خیابان ایستگاه / کوچه

بوعلی / کوچه ۱۷ / پلاک ۲۷

Email: FPuya@chmail.ir

@farhang\_puya

صندوق پستی: ۳۷۱۶۵/۱۴۶

تلفکس: ۰۲۵-۳۶۶۲۲۵۹۷

تلفن: ۰۲۵-۳۶۶۲۴۸۱۱

### قابل توجه خوانندگان ارجمند

با توجه به افزایش هزینه نشریه، از قبیل چاپ، کاغذ و...

در این شماره جهت جبران بخشی از هزینه‌های نشریه،

مجبور به افزایش قیمت آن می‌باشیم.

به همین منظور، فصل‌نامه فرهنگ پویا با قیمت دویست هزار

ریال (بیست هزار تومان) عرضه می‌گردد.

### فهرست مطالب

حرف اول / انقلاب اسلامی ایران؛ مردمی‌ترین انقلاب تاریخ / ۲

مسئولیت‌ها و نقش‌های مردم در جامعه از نگاه قرآن / علی‌اکبر عالمیان / ۴

نقش مردم در جامعه و حکومت و وظایف و تکالیف آن‌ها از منظر نهج‌البلاغه /

هادی محقق / ۱۲

وظایف و تکالیف مردم (شیعیان) از نگاه معصومین علیهم‌السلام / هادی مازندرانی / ۱۸

یک کشور وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشد /

بیانات امام خمینی ره درباره بیانیه گام دوم / ۲۲

مردم صاحبان اصلی کشور هستند /

بیانات امام خامنه‌ای درباره بیانیه گام دوم / ۲۶

ملت بی‌کار را خدا رها می‌کند! /

نقش مردم در گام دوم انقلاب با تاکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی رحمته‌الله / ۳۰

ایمان به خدا؛ عامل تعالی جامعه /

گفتگوی نشریه فرهنگ پویا با علامه مصباح رحمته‌الله / ۳۶

سقیفه، ساباط، عاشورا، نقش مردم در غربت ائمه / علی‌اکبر عالمیان / ۴۶

مردم‌سالاری دینی در گام دوم انقلاب از منظر فقه سیاسی /

محمدحسین علیچان‌زاده / ۵۲

نقش مردم در مشارکت‌های اجتماعی / محسن مومنی / ۵۸

مردم و چهره‌ی دوم نفاق در گام دوم / حسن ابراهیم‌زاده / ۶۶

مسئولیت‌پذیری مردم مهم‌ترین ظرفیت برای گام دوم / هادی مجیدی / ۷۰

الگوی رفتاری ضد مردم‌سالاری اصلاح‌طلبان در انتخابات /

سیدعبدالمجید پیش‌بین اشکوری / ۷۶

تحلیل و بررسی فتنه‌ی ۹۸ / کامیل مومنی / ۸۰

بلاها و شرور، زمینه امتحان‌های جدید /

سخنرانی و پرسش و پاسخ از حضرت علامه مصباح یزدی / ۸۶

حرف آخر / مردم در گام دوم بیشتر و جوان‌تر شده‌اند / ۹۶

## انقلاب اسلامی ایران؛ مردمی‌ترین انقلاب تاریخ

مسیر گام دوم انقلاب، به ویژه در سختی‌ها و شداید ناشی از رویارویی با دشمنان قسم خورده‌ی انقلاب از هر جهت کاملاً مورد تأیید قرار گرفته است. از منظر مقام معظم رهبری نیز «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷، بیانیه‌ی گام دوم: بند ۳ از بیانیه: شعارهای جهانی و فطری انقلاب اسلامی).

تاکنون هیچ یک از مسئولین عالی‌رتبه‌ی جمهوری اسلامی به اندازه‌ی امام راحل و رهبر عظیم‌الشان انقلاب این همه و در هر شرایطی از حضور مردم انقلابی در صحنه‌های گوناگون پاسداری از دستاوردهای نظام، تقدیر و تشکر نکرده است. از طرفی، رابطه‌ی متقابل مردم با هیچ یک از مسئولین هیچ‌گاه به اندازه‌ی رابطه‌ی ولایی و انقلابی آنان با امامین انقلاب این همه مستحکم نبوده است. بدیهی است ایفای نقش حمایتی وفادارانه‌ی مردم نسبت به انقلاب اسلامی از عمق فطرت مومنانه و حق طلبانه‌ی آنان سرچشمه می‌یابد. در تبیین مبانی فطری این وفاداری‌های مردمی می‌توان به گرایش مردم انقلابی به کمالات و ارزش‌هایی؛ چون استقلال، آزادی، معنویت، عدالت، عزت، عقابیت، بصیرت، حقیقت‌جویی، حق‌طلبی، سعادت و رستگاری اشاره کرد. سومین بند از بیانیه‌ی گام دوم نیز بر این نکته تأکید دارد که فطرت بشر در همه‌ی عصرها با ارزش‌های فوق به مثابه‌ی شعارهای اصیل و جهانی انقلاب اسلامی سرشته شده است. این شعارها، «هیچ کدام به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند.» (همان)

ویژگی برجسته‌ی مردمی بودن انقلاب اسلامی مطلبی نیست که حتی از نظر واقع بین بیگانگان دور مانده باشد. از باب نمونه، نشریه‌ی فرانسوی لوموند دیپلماتیک<sup>۱</sup> می‌نویسد: «ایران قدرت برتر منطقه با مردمی با فرهنگ و مرزهای امن است.» این نشریه می‌افزاید: «ایران کشوری با مرزهای امن، مذهبی، دارای قومیت‌های متفاوت و با فرهنگ و نیز از لحاظ زبانی همگون پسند است.» (پایگاه تحلیلی-خبری فتن، ۱۳۹۴/۵/۸) هم‌چنین، دکتر «تیم اندرسون»، پژوهشگر و استاد دانشگاه سیدنی در رشته‌ی اقتصاد سیاسی، در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی کیهان اظهار می‌دارد: «چهل سال درخشان ثابت کرد رهبری منطقه براننده‌ی ایران است.» به نظر وی، «مهم‌ترین مسئله این است که در انقلاب ایران یک ترکیب کاملاً منحصر به فردی توسط خود مردم و بر اساس تاریخ و فرهنگشان ایجاد شد که همین اصالت به این فرایندهای شکل گرفته در انقلاب ایران عمق و پایداری می‌بخشد.»

(روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۹۶/۱۱/۲۰)

گو اینکه مردم با ایمان و انقلابی دوران شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به مفاد خطابات یا ایها الناس<sup>۲</sup> قرآن در خصوص شناخت و پذیرش

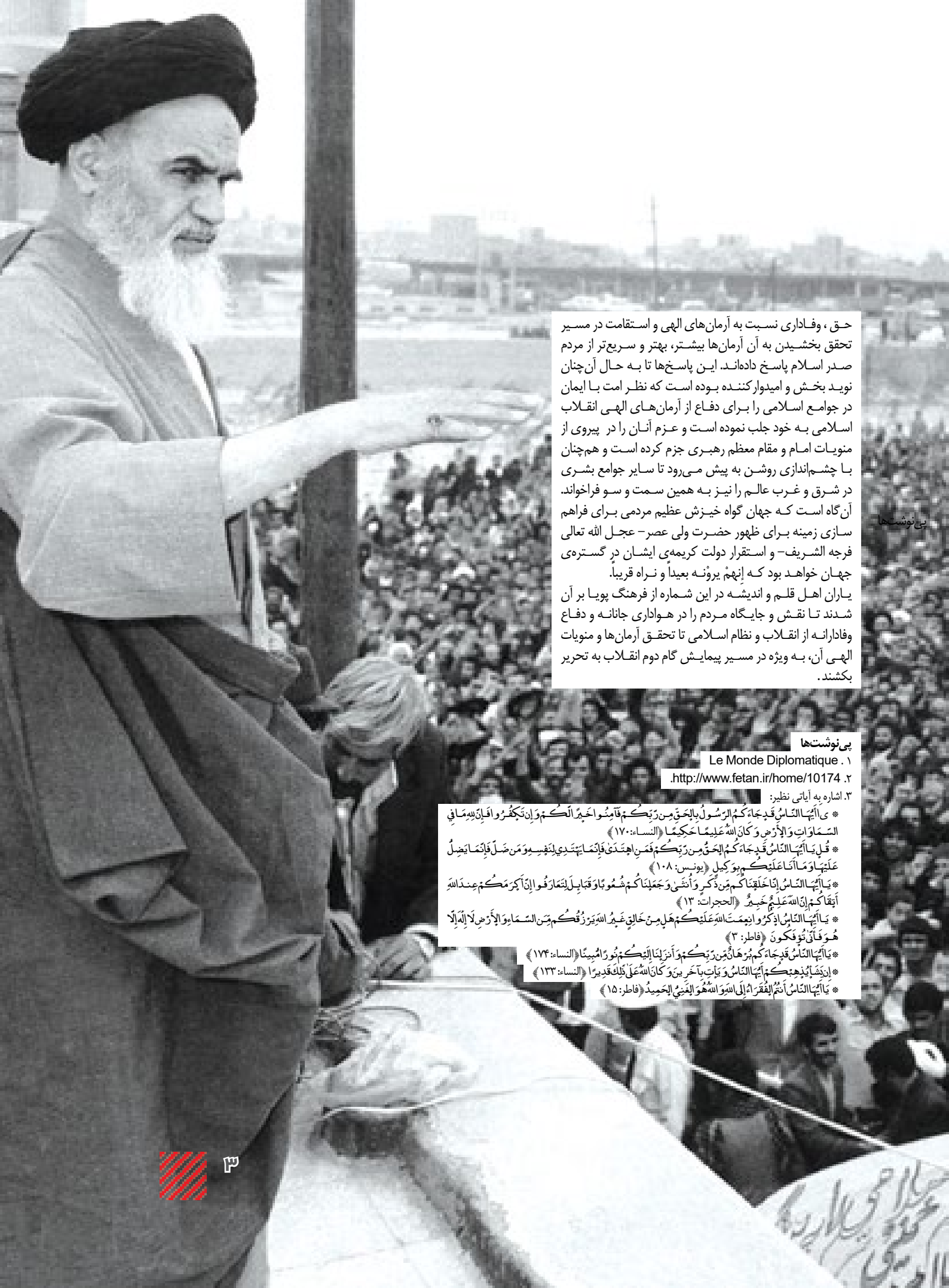
انقلاب اسلامی ایران مردمی‌ترین انقلابی است که در طول تاریخ انقلاب‌های جهان به منصفی ظهور رسیده است. مردم با تکیه بر ایمان راسخ و استوار خویش در حساس‌ترین موقعیت‌ها و شدیدترین شرایط از حرکتی الهی پشتیبانی کردند که به قیامی فراگیر در سراسر ایران اسلامی منجر گردید. بنیانگذار انقلاب اسلامی از آغاز قیام الهی خویش بر اساس بصیرت و درایت خود، به حضور مردم با ایمان و حمایت آنان از این قیام ایمان داشتند. حضرت امام راحل - قدس سره - بر این باور بودند که مردم این دوران به مراتب وفادارتر از مردم هم عصر پیامبر و اهل بیت - علیهم السلام - هستند. ایشان در بخشی از وصیت‌نامه‌ی الهی-سیاسی خود در شان مردم می‌فرمایند:

«من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده‌ی میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین بن علی هستند. آن حجاز که در عهد رسول الله ﷺ، مسلمانان نیز از ایشان اطاعت نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند - که خداوند تعالی در سوره‌ی توبه با آیاتی آن‌ها را توبیخ فرموده و وعده‌ی عذاب داده است- و آن قدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند. آن اهل عراق و کوفه آن قدر با امیرالمومنین بدرفتاری کردند و از اطاعتش سرباز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا<sup>۳</sup> آن شد که شد و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند، یا از معرکه گریختند و یا نشستند تا آن جنایت واقع شد.

اما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی، انتظامی، سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر، داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده می‌کنند و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند و این‌ها همه از عشق، علاقه و ایمان سرشار آنان به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان است. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - هستند و نه در محضر امام معصوم - صلوات الله علیه - و انگیزه‌ی آنان ایمان و اطمینان به غیب است و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری در پیشگاه چنین ملتی هستیم.»

تاریخ شهادت خواهد داد که این نگاه امام به مردم در کوران انقلاب، قبل و بعد از پیروزی انقلاب، به ویژه طی هشت سال دفاع مقدس و به دنبال آن در طول چهل سال نخست انقلاب و هم‌چنان تاکنون در





بی نوشتها

حق ، وفاداری نسبت به آرمان های الهی و استقامت در مسیر تحقق بخشیدن به آن آرمان ها بیشتر، بهتر و سریع تر از مردم صدر اسلام پاسخ داده اند. این پاسخ ها تا به حال آن چنان نوید بخش و امیدوار کننده بوده است که نظریات با ایمان در جوامع اسلامی را برای دفاع از آرمان های الهی انقلاب اسلامی به خود جلب نموده است و عزم آنان را در پیروی از منویات امام و مقام معظم رهبری جزم کرده است و هم چنان با چشم اندازی روشن به پیش می رود تا سایر جوامع بشری در شرق و غرب عالم را نیز به همین سمت و سو فراخواند. آن گاه است که جهان گواه خیزش عظیم مردمی برای فراهم سازی زمینه برای ظهور حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و استقرار دولت کریمه ای ایشان در گستره ای جهان خواهد بود که اینهم بیرونه بعیدا و نراه قریبا.

یاران اهل قلم و اندیشه در این شماره از فرهنگ پویا بر آن شدند تا نقش و جایگاه مردم را در هواداری جانانه و دفاع وفادارانه از انقلاب و نظام اسلامی تا تحقق آرمان ها و منویات الهی آن، به ویژه در مسیر پیمایش گام دوم انقلاب به تحریر بکشند.

بی نوشتها

Le Monde Diplomatique . ۱

<http://www.fetan.ir/home/10174> . ۲

۳. اشاره به آیهی نظیر:

﴿ یَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴾ [النساء: ۱۷۰]

﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَنبَغِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴾ [یونس: ۱۰۸]

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴾ [الحجرات: ۱۳]

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِذْ كُورُوا بِيَمِينَتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرُزُّكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّقُوا كُونَ ﴾ [فاطر: ۳]

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِّثْرًا مُّبِينًا ﴾ [النساء: ۱۷۴]

﴿ إِنَّ دِينَنَا يُدْهِبُكُمْ مِثْلَ آبِ النَّاسِ وَيَأْتِي بآخِرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ قَدِيرًا ﴾ [النساء: ۱۳۳]

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴾ [فاطر: ۱۵]



# مسئولیت‌ها و نقش‌های مردم در جامعه از نگاه قرآن

علی اکبر عالمیان

اشاره: یکی از مباحث مهمی که در قرآن بدان اشاره گردیده است، مسئولیت‌ها و نقش‌هایی است که یک انسان به عنوان خلیفه‌الله می‌تواند و باید ایفاء نماید. مقاله حاضر به همین مسئله از دیدگاه آیات الهی می‌پردازد.



## ویژگی‌های انسان از نگاه قرآن

با نگاهی به آیات قرآن، خداوند متعال خصوصیت‌ها و ویژگی‌هایی را برای انسان ذکر کرده است که ذیلاً این شاخصه‌ها را بیان می‌کنیم:

۱- بسیار نومید و ناسپاس: «وَلَيْسَ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رُحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَفُورٌ»<sup>۱</sup> و اگر از جانب خویش، نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود!

۲- ضعیف: «وَوُضِعَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»<sup>۲</sup> و انسان، ضعیف آفریده شده است.

۳- عجزول: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»<sup>۳</sup> و انسان، همیشه عجزول بوده است.

۴- ستمگر و ناسپاس: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»<sup>۴</sup> انسان، ستمگر و ناسپاس است

۵- تنگ نظر: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا»<sup>۵</sup> و انسان تنگ‌نظر است!

۶- مجادله‌گر: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»<sup>۶</sup> انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد!

۷- حریص: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا»<sup>۷</sup> به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است.

۸- بسیار کفران‌کننده: «وَأِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَلِإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ»<sup>۸</sup> و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می‌شود، و اگر بلایی بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آن‌ها رسد (به کفران می‌پردازند)، چرا که انسان بسیار کفران‌کننده است!

۹- دشمن آشکار: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ»<sup>۹</sup> انسان را از نطفه بی‌ارزشی آفرید؛ و سرانجام (او موجودی فصیح، و) مدافع آشکار از خویشتن گردید!

۱۰- مغرور: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»<sup>۱۰</sup> ای انسان! چه باعث شده تا به خدای کریم

مغرور گشتی؟

۱۱- طغیان‌گر: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»<sup>۱۱</sup> نه چنین است انسان سرکشی کند که بپندش بی‌نیاز شود.

این‌ها برخی از صفاتی بود که در مورد انسان در قرآن آمده است. اما نباید فراموش کرد که قرآن این اوصاف را در مورد آن دسته از انسان‌هایی به کار می‌برد که صالح و مومن نیستند. یکی از آشکارترین آیاتی که در آن خداوند انسان بد و خوب را از هم جدا کرده و ذکر می‌کند، بخشی از آیات سوره مبارکه معارج است.

خداوند در این آیات ابتدا صفات انسان‌های بد را ذکر کرده و این‌گونه می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا»<sup>۱۲</sup> به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند، و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد). اما بعد از این آیات بلافاصله برخی از افراد را استثناء کرده و آنان را جزء انسان‌های صالح ذکر می‌کند. این افراد عبارتند از:

۱- نمازگزاران: «إِلَّا الْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»<sup>۱۳</sup> مگر نمازگزاران، آن‌ها که نمازها را پیوسته بجا می‌آورند.

۲- آن‌ها که در اموالشان حق معلومی است: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ»<sup>۱۴</sup>

۳- مؤمنین به روز جزا: «وَالَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ»<sup>۱۵</sup> و آن‌ها که به روز جزا ایمان دارند.

۴. بیمناکان از عذاب الهی: «وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ»<sup>۱۶</sup> و آن‌ها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند.

۵- پاکدامنان: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ حَافِظُونَ»<sup>۱۷</sup> و آن‌ها که دامان خویش را (از بی‌عفتی) حفظ می‌کنند

۶- وفای به عهد کنندگان: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»<sup>۱۸</sup> و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند.

۷- ادای شهادت کنندگان: «وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ

بر اساس آیات قرآن، می‌توان

اقسام گوناگونی را برای

مسئولیت‌های انسان متصور

شد. مسئولیت‌های عبادی،

وظایف اجتماعی و فرهنگی

و سیاسی و اقتصادی از جمله

مسئولیت‌هایی است که با تتبع

در آیات قرآن می‌توان برای

انسان‌ها متصور شد.

قَائِمُونَ»<sup>۱۹</sup> و آن‌ها که با ادای شهادتشان قیام می‌نمایند. ۸- مراقبت کنندگان بر نماز: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحَافِظُونَ»<sup>۲۰</sup> و آن‌ها که بر نماز مواظبت دارند.

### اهمیت مسئولیت‌پذیری انسان

آن‌چه در این مقاله به دنبال آن هستیم، بحث مسئولیت‌ها و وظایف یک انسان از نگاه قرآن است. «مسئولیت» به معنای موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می‌باشد. «وظیفه» نیز به آن چیزی اطلاق می‌شود که شرعاً یا عرفاً بر عهده کسی باشد. آیاتی از قرآن وجود دارد که براهمیت مسئولیت‌پذیری در انسان تاکید می‌ورزد. به عنوان نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»<sup>۲۱</sup> هیچ گناه‌کاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. در جایی دیگر نیز آمده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»<sup>۲۲</sup> از آن چه نمی‌دانی پیروی نکن؛ چرا که گوش و چشم و دل‌ها همه مسئولند. انسان باید مسئولیت‌پذیر باشد چرا که بیهوده آفریده نشده است: «فَخَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا»<sup>۲۳</sup> آیا پنداشتید شما را بیهوده آفریدیم؟ و: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»<sup>۲۴</sup> آیا انسان پندارد که آزاد و رها و بی‌مسئولیت است؟ خداوند متعال، یکی از شرایط مهم مسئولیت‌پذیری انسان را، قدرت برانجام یا ترک عمل می‌داند همان‌گونه که می‌فرماید: «لَا يَكِلُفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلَّا وَسِعَهَا»<sup>۲۵</sup> بر اساس همین اصل مسئولیت‌پذیری است که خداوند امانت عظیم خود را به انسان سپرده است: «أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»<sup>۲۶</sup> ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم آن‌ها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان، آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود. خداوند، انسان را به دلیل تصرف در نعمت‌های الهی، در برابر خداوند، پاسخ‌گو می‌داند: «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۲۷</sup> به طور قطع از نعمت‌هایی که در اختیار آدمیان قرار گرفته است، پرسش خواهد شد. خداوند این بار مسئولیت‌پذیری انسان را تا امتداد قیامت می‌داند؛ آنجایی که می‌فرماید: «وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عَقِبِهِ وَنُخْرِجُهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا»<sup>۲۸</sup> و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) البته قرآن، مسئولیت حقیقی انسان را در مقابل خداوند می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۲۹</sup> جن و انس را نیافریدم جز این که مرا عبادت کنند. در این میان اما مسئولیت خواص جامعه قابل مقایسه با سایر افراد یک جامعه نیست همان‌گونه که در مورد پیامبران بر این نکته تاکید می‌شود که: «لنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ»<sup>۳۰</sup> ما حتماً از پیامبران پرسش می‌کنیم. همین طور، اگر در انجام وظایف خود

کوتاهی کند و چیزی به دروغ به خدا نسبت دهد، با او معامله‌ای سخت می‌کند. اگر پیامبر حتی یک کلمه از پیش خود جعل کند و به خدا نسبت دهد با دست توانای خود او را گرفته و رگ حیاتش را قطع می‌کند: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»<sup>۳۱</sup>

### مسئولیت‌ها و وظایف انسان‌ها:

بر اساس آیات قرآن، می‌توان اقسام گوناگونی را برای مسئولیت‌های انسان متصور شد. مسئولیت‌های عبادی، وظایف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی از جمله مسئولیت‌هایی است که با تتبع در آیات قرآن می‌توان برای انسان‌ها متصور شد. در این میان با تقسیم این وظایف به دو بخش فردی و اجتماعی، به کلیاتی در این مورد اشاره می‌کنیم:

#### الف- مسئولیت‌های فردی

##### ۱-۱- مسئولیت در برابر خود

منظور از مسئولیت‌های انسان در برابر خود، انجام واجبات و ترک محرّمات و در یک کلام، عبودیت الهی است. خداوند به انسان دستور می‌دهد تا او را بپرستند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۳۲</sup> ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیز کار شوید. ذکر و یاد خدا کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»<sup>۳۳</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید. نعمت‌های او را به یاد بیاورند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»<sup>۳۴</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت؛ از خدا پرهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

هیچ‌گاه خدا را فراموش نکنند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۳۵</sup> - و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خودفراموشی گرفتار کرد، آن‌ها فاسقاند.

تقوا پیشه کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»<sup>۳۶</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پرهیزید!

توبه و استغفار کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَكْفَرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَآغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۳۷</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص؛ امید است





در تبیین نقش مردم در تعالی

حکومت و جامعه باید ابتدا

به این موضوع اشاره کرد که

مردم می‌توانند با ایفای نقشی

مهم در جامعه، سهم شگرفی

در سعادت و یا شقاوت آن

جامعه ایفاء نمایند.

وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ<sup>۳۶</sup> - در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) از بدگمانی، غیبت و تجسس در امور دیگران پرهیز کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بََعْضُكُم بَعْضًا<sup>۳۷</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید دوری گزینید از بعضی گمان‌های (بد)، که آن گمان‌ها گناه است، و تجسس در عیوب دیگران نکنید (از چیزهایی که از بدی ایشان بر شما پنهان است) و غیبت و بدگویی از یگدیگر نکنید. با مردم برخورد کریمانه داشت: «وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا<sup>۳۸</sup> و چون با لغو مواجه شوند، بزرگوارانانه از آن می‌گذرند. و حرمت و کرامت مردم را حفظ کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ<sup>۳۹</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آن‌ها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!»

<sup>۱-۲</sup> - مسئولیت در برابر دین:

دفاع از دین و ارزش‌های آن: «... وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

(با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می‌گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو پر هر چیز توانائی!» از شیطان پیروی نکنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»<sup>۴۰</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد.

واجبات را اداء کنند؛ واجباتی مانند نماز: «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَبُوا مَعَ الرَّاكِبِينَ<sup>۴۱</sup> - و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)! یا روزه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ<sup>۴۲</sup> - ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید. - و یا هر واجب دیگری.

از محرمات و گناهان دوری کنند: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ<sup>۴۳</sup> - و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! - این محرمات چه ربا باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ<sup>۴۴</sup> - ای مؤمنان ربا را چند برابر نخورید و تقوی الهی داشته باشید، شاید رستگار شوید. چه زنا باشد: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا<sup>۴۵</sup> - و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است. چه شرابخواری باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ<sup>۴۶</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهایی که با آن‌ها تقسیم می‌کنید، پلید است و از کارهای شیطان، پس از آن دوری کنید تا شاید رستگار شوید. چه اسراف و زیاده‌روی باشد: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ<sup>۴۷</sup> - و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. و چه هر حرام دیگری.

نوع دیگری از مسئولیت‌های مردم در برابر خود، الزامات اخلاقی است. مثلاً قرآن تأکید دارد که باید: نزاکت و ادب را رعایت کرد: «وَأَقْصِدْ فِي مَشِيكَ



تَعْلَمُونَ»<sup>۵۰</sup> با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کنید و این برای شما بهتر است؛ اگر بدانید.

پادشاه دفاع از دین نیز دو چیز است. اول: «نصرت خدا» و یاری دادن او: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ»<sup>۵۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (ایین و دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام هایتان را استوار می‌دارد. دوم نیز «هدایت ویژه الهی»: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»<sup>۵۲</sup> آنان را که در راه ما جهاد کنند، به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد.

جهاد در راه خدا: «وجاهدوا فی الله حق جهاده»<sup>۵۳</sup> و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید. - «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»<sup>۵۴</sup> - همگی به سوی میدان جهاد حرکت کنید؛ سبک‌بار باشید یا سنگین‌بار! و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید! - «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۵۵</sup> - ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند. هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛ و اگر یک‌هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد؛ و خدا با صابران است -

دشمنی با دشمنان دین: یکی دیگر از مسئولیت‌های انسان در قبال دین، ابراز برائت و دشمنی با دشمنان قسم‌خورده دین است. این دشمنی خود ابعادی دارد؛ گاهی در قالب برخورد شدید با آنان معنا می‌یابد: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِذَا انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»<sup>۵۶</sup> - و با آن‌ها پیکار کنید، تا فتنه (شرک و سلب آزادی) برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد! و اگر آن‌ها (از راه شرک و فساد بازگردند، و از اعمال نادرست) خودداری کنند، (خداوند) آن‌ها را می‌پذیرد؛ خدا به آن‌چه انجام می‌دهند بیناست. و با در قالب قطع رابطه با آنان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خِيَالًا وَدُوا مَا عَيْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>۵۷</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هرگونه شر و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام)‌شان آشکار شده؛ و

آن‌چه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! دیگر راه نیز عدم اعتماد به آنان است: «وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسُّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصُرُونَ»<sup>۵۸</sup> - و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فروگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید. و بالاخره؛ عدم دوستی و رابطه با آنان: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْيَةً وَ يُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»<sup>۵۹</sup> - نباید مؤمنان کافران را دوست خود گیرند، و هر کس چنین کرد چیزی پیش خدا ندارد، مگر آن‌که از ایشان تقیه کند، یک تقیه مصلحتی و بظاهر، برای مدتی دوستی کنید و خداوند شما را از خود می‌ترساند، و به سوی خداوند است بازگشت.

ب- مسئولیت‌های اجتماعی  
اطاعت از ولی جامعه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»<sup>۶۰</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که جانشینان معصوم پیامبرند) اطاعت نمایید. «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَكُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»<sup>۶۱</sup> - بگو: «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست! «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ»<sup>۶۲</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید. -

استقامت و پایداری در حفظ و ترویج دین: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۶۳</sup> - ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است. - در جای دیگر نیز تاکید می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۶۴</sup> - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید! کمک به هم‌نوعان: «وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۶۵</sup> - چه شده است شما را که در راه خدا انفاق نمی‌کنید؟ در حالی که میراث آسمان‌ها و زمین مال خداست. وَ انْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقْتُ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ»<sup>۶۶</sup> - از آن‌چه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آن‌که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: پروردگار! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تاخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه



**خداوند تاکید دارد که برای**

**رسیدن به قله‌های تعالی، همه**

**باید احساس مسئولیت کنند و**

**نپندارند که با کناره‌گیری از**

**امور، می‌توانند تنها خود را نجات**

**دهند. در آیات سوره عصر،**

**چهار عامل: ایمان و عمل صالح و**

**توصیه دیگران به حق و صبر راه**

**تعالی دانسته شده است.**

الْآخِرَةَ وَ سَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا»<sup>۳۲</sup> هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است، به‌زودی هر که را خواهیم [نصبی] از آن می‌دهیم، آنگاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرر می‌داریم، و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، آنان‌اند که تلاش آن‌ها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد.

خداوند تاکید دارد که برای رسیدن به قله‌های تعالی، همه باید احساس مسئولیت کنند و نپندارند که با کناره‌گیری از امور، می‌توانند تنها خود را نجات دهند. در آیات سوره عصر، چهار عامل: ایمان و عمل صالح و توصیه دیگران به حق و صبر راه تعالی دانسته شده است. توامی به حق و صبر یعنی مسئولیت‌پذیری در برابر دیگران. این حس مسئولیت نسبت به دیگران تا اندازه‌ای است که حضرت موسی علیه السلام به شخصی که قصد سوراخ کردن کشتی را دارد، تذکر می‌دهد که این کار او همه را غرق خواهد کرد: «فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا»<sup>۳۳</sup> پس رهسپار گردیدند تا وقتی که سوار کشتی شدند. آن عالم، کشتی را سوراخ کرد. موسی گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟! واقعا به کار ناروایی مبادرت ورزیدی.

افزون بر این موارد، قرآن در آیات گوناگون خود، نقش انسان در جامعه را تا آن‌جایی می‌داند که آنان را عامل شقاوت و سقوط خود ذکر می‌کند. مثلا در یکی از آیات

دهم و از صالحان باشم؟! -

مردم داری: «وَإخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» - بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر -<sup>۳۷</sup> «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»<sup>۳۸</sup> - با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد -

### نقش مردم در تعالی و یا سقوط حکومت و جامعه

در تبیین نقش مردم در تعالی حکومت و جامعه باید ابتدائاً به این موضوع اشاره کرد که مردم می‌توانند با ایفای نقشی مهم در جامعه، سهم شگرفی در سعادت و یا شقاوت آن جامعه ایفاء نمایند. این مهم از آن‌جایی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم که بر اساس آیات الهی انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۳۹</sup> (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی (نماینده‌ای) قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا! «آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.» نقش مردم در تعالی و یا سقوط یک جامعه به اندازه‌ای است که خداوند تغییرات اجتماعی در یک اجتماع و قوم را، جز با تغییرات نخست فردی و سپس جمعی میسور نمی‌داند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُمْ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۴۰</sup>؛ در حقیقت خدا وضع قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان خودشان وضع خود را تغییر دهند. این تغییرات تا آن‌جایی است که قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَم يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۴۱</sup>؛ این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان آن‌چه را در روان‌ها و جان‌های خویش دارند، تغییر دهند و خدا شنوای داناست. به تعبیر قرآن، انسان‌ها در سرنوشت خود و جامعه‌شان دخیل هستند: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَ مَنْ أَرَادَ





آمده است: «وَتِلْكَ الْقَرْىَ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا»<sup>۳۴</sup>؛ و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکتشان موعدی مقرر داشتیم. در آیه‌ای دیگر نیز می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقَرْىِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۳۵</sup>؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

البته ناگفته پیداست که میزان نقش مردم، به اندازه استطاعت و توانایی آن‌هاست: «لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»<sup>۳۶</sup> خداوند هیچ کس را جز بقدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

آن چه (از خوبی) به دست آورده به سود او و آن چه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست. همان گونه که حضرت شعیب رضی الله عنه می‌فرماید: «إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»<sup>۳۷</sup>؛ من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آن جا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به [باری] خدا نیست، بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم.

### برخی از مهم‌ترین نقش‌های مردم در جامعه

۱- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی دیگر از مهم‌ترین نقش‌های مردم در جامعه به شمار می‌آید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ

هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۳۸</sup>- باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند. - «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»<sup>۳۹</sup>- شما بهترین گروهی هستید که برای مردم برگزیده شده‌اید، زیرا به معروف فرمان می‌دهید و از منکر جلوگیری می‌کنید و به خداوند یکتا ایمان دارید.

۲- ایجاد و اجرای عدالت

ایجاد و اجرای عدالت از دیگر نقش‌های مهم مردم در جامعه محسوب می‌شود. در قرآن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَعْدِلُوا بِالْعَدْلِ...»<sup>۴۰</sup> - خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید!

در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ سَاهِدًا لِّبِ اللَّهِ وَ لَوِ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الوَالِدِينَ وَ الأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فَلْيَنْ أَلَّهِ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا»- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیوسته به عدل و داد بر پا نموده، برای (خشنودی) خداوند گواهان باشید اگر چه (آن گواهی) به زبان خودتان، یا پدر و مادر و خویشان باشد، (آن کس که برایش گواهی می‌دهید) اگر توانگر باشد یا درویش، خداوند به آن‌ها سزاوارتر است، پس (در گواهی دادن) از خواهش و کام دل پیروی نکنید که از حق به در روید - یا: گواهی به حق ندهید - و اگر زبان بیچنانید - یعنی به ناحق گواهی دهید - یا (از گواهی دادن) روی بگردانید، خداوند بدان چه می‌کنید آگاه است.<sup>۴۱</sup>

۳- وحدت‌بخشی و انسجام‌دهی

وحدت بخشی و انسجام‌دهی، یکی از مهم‌ترین نقش‌های مردم در جامعه به شمار می‌آید. خداوند در این مورد می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>۴۲</sup>- و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید. - در جایی دیگر نیز هشدار می‌دهد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ البَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۴۳</sup>- و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آن که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن‌ها عذاب عظیمی دارند.

۴- تحقق و استمرار حکومت اسلامی

بی‌گمان یکی از مهم‌ترین نقش‌های مردم در جامعه، تحقق و استمرار حکومت اسلامی است. در این مورد به بخش‌هایی از کتاب «ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت» اثر حضرت آیت‌الله جوادی آملی، عینا اشاره می‌شود: «حاکمیت دین حق و نظام اسلامی، همانند هر نظام دیگری، با آرزوها تحقق نمی‌پذیرد، بلکه حضور مردم و اتحاد آنان بر محور حق را می‌طلبد، مردم،

## بی‌نوشت‌ها

۱. ۹/هود. ۵۰. توبه/۴۱  
 ۲. ۲۸/نساء. ۵۱. محمد/۷  
 ۳. ۱۱/اسراء. ۵۲. عنکبوت/۶۹  
 ۴. ۳۴/إبراهیم. ۵۳. حج/۷۸  
 ۵. ۱۰۰/اسراء. ۵۴. توبه/۴۱  
 ۶. ۵۴/کھف. ۵۵. انفال/۶۵-۶۶  
 ۷. ۱۹/معارج. ۵۶. انفال/۳۹  
 ۸. ۴۸/شوری. ۵۷. آل عمران/۱۱۸  
 ۹. ۴/نحل. ۵۸. هود/۱۱۳  
 ۱۰. ۶/إنفطار. ۵۹. آل عمران/۲۸  
 ۱۱. ۷۶/علق. ۶۰. نساء/۵۹  
 ۱۲. معارج/۱۹ الی ۲۱. ۶۱. نور/۵۴  
 ۱۳. معارج/۲۲ و ۲۳. ۶۲. محمد/۳۳  
 ۱۴. معارج/۲۴. ۶۳. بقره/۱۵۳  
 ۱۵. معارج/۲۶. ۶۴. آل عمران/۲۰۰  
 ۱۶. معارج/۳۷. ۶۵. حدید/۱۱-۱۰  
 ۱۷. معارج/۲۹. ۶۶. منافقون/۱۰  
 ۱۸. معارج/۳۲. ۶۷. حجر/۸۸  
 ۱۹. معارج/۳۳. ۶۸. لقمان/۱۸  
 ۲۰. معارج/۳۴. ۶۹. بقره/۳۰  
 ۲۱. انعام/۱۶۴. ۷۰. رعد/۱۱  
 ۲۲. اسراء/۳۶. ۷۱. انفال/۵۳  
 ۲۳. مؤمنون/۱۱۵. ۷۲. اسراء/۱۹-۱۸  
 ۲۴. قیامت/۳۶. ۷۳. کھف/۷۱  
 ۲۵. بقره/۲۸۶. ۷۴. کھف/۵۹  
 ۲۶. احزاب/۷۲. ۷۵. اعراف/۹۶  
 ۲۷. تکوین/۸. ۷۶. بقره/۲۸۶  
 ۲۸. اسراء/۱۳. ۷۷. هود/۸۸  
 ۲۹. ذاریات/۵۶. ۷۸. آل عمران/۱۰۴  
 ۳۰. اعراف/۶. ۷۹. آل عمران/۱۱۰  
 ۳۱. الحاقه/۴۴ الی ۴۶. ۸۰. نساء/۵۸  
 ۳۲. بقره/۲۱. ۸۱. نساء/۱۳۵  
 ۳۳. احزاب/۴۱. ۸۲. آل عمران/۱۰۳  
 ۳۴. مائده/۱۱. ۸۳. آل عمران/۱۰۵  
 ۳۵. حشر/۱۹. ۸۴. بقره/۲۴۹: چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند  
 ۳۶. آل عمران/۱۰۲. ۸۵. قصص/۴۰: ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم؛ اکنون بنگر پایان کار ظالمان چگونه بود  
 ۳۷. تحریم/۸. ۸۶. قصص/۸۱: سپس ما، او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم.  
 ۳۸. نور/۲۱. ۸۷. الحاقه/۷: خداوند این تندباد بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت.  
 ۳۹. حجرات/۱۱. ۸۸. نور/۶۲

با پذیرش دین اولاد و پذیرش ولایت حاکم اسلامی ثانیاً، دین خدا را در جامعه متحقق می‌سازند و چنین مردمی اگر چه اندک باشند، خداوند نصر خود را به آنان می‌رساند و در جنگ با بیگانگان، همه معادلات ریاضی و سیاسی و نظامی را برهم می‌زند: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>۸۴</sup> انبیاء الهی که با عده‌ای خاص قیام کردند، با این که فاقد همه امکانات مادی بودند و دشمنان آنان از همه امکانات مادی برخوردار بودند، چون مؤمنین به قدر میسور، به دستور خدا عمل می‌کردند، خداوند سلاطین ستم و باطل را نابود می‌ساخت؛ عده‌ای از آنان را به صورت: « فَأَخَذْنَاَهُمْ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»<sup>۸۵</sup> گروهی را: « فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ »<sup>۸۶</sup> و برخی را: « سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَایَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا»<sup>۸۷</sup> و جمعی دیگر را با سایر جنود الهی از میان برد. پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان، از کمترین امکانات جنگی و مادی برخوردار بودند، ولی در همان جنگ‌های نابرابر، خداوند آنان را یاری کرد و اکنون نیز که انقلاب اسلامی حکومتی دینی برپا کرده است، اگر مردم در صحنه نباشند و حضور جدی نداشته باشند، حتی اگر رهبر آنان در حد وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین ﷺ باشد، نظام اسلامی سقوط می‌کند. رهبری مانند علی بن ابی‌طالب ﷺ که جز شخص پیامبر ﷺ هیچ کس در روی زمین به عظمت علمی و عملی آن حضرت نمی‌رسد و از نظر شجاعت و سلحشوری و سیاست نظامی نیز بی‌همانند است و پیروزی بیشتر جبهه‌ها به عهده آن حضرت بود، وقتی که مردم با او هماهنگ نباشند و او را نپذیرند، هرگز پیروز نمی‌شود. در سوره مبارکه «نور»، درباره حضور مردم آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوا إِنْ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»<sup>۸۸</sup>؛ یعنی مؤمنان واقعی کسانی هستند که گذشته از ایمان به خدا و پیامبر، در مسائل اجتماعی نیز رهبران الهی خود را رها نکنند و در این زمینه، از جهت ملاک حکم، تفاوتی میان آن که رهبر، پیامبر باشد یا امام معصوم یا جانشینان آنان در عصر غیبت، وجود ندارد. بنابراین، حکومت اسلامی هیچ گاه بدون خواست و اراده مردم متحقق نمی‌شود و تفاوت اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های جابر در همین است که حکومت اسلامی، حکومتی مردمی است و بر پایه زور و جبر نیست، بلکه بر اساس عشق و علاقه مردم به دین و حاکم اسلامی صورت می‌پذیرد و هر چه مردم از اخلاق و معارف دینی بهره‌مندتر باشند و هر چه احکام دینی را بیشتر عمل کنند و هر چه از اتحاد و همبستگی و الفت الهی برخوردار باشند، حکومت اسلامی نیز استوارتر و در رسیدن به اهدافش موفق‌تر است و هیچ‌گاه نباید تصور نمود که اگر مردم با حکومت اسلامی نباشند و اگر مؤمنان راستین کمر همت نیندند، خداوند حکومت اسلامی را برپا می‌دارد.»

اشاره: مقاله حاضر  
به نقش مردم در  
جامعه و حکومت  
و وظایف و تکالیف  
آن‌ها و مسئولین در  
برابر مردم از منظر  
نهج‌البلاغه می‌پردازد.

# نقش مردم در جامعه و حکومت و وظایف و تکالیف آن‌ها از منظر نهج‌البلاغه

هادی محقق

## مردم؛ پایه دین

انما عماد الدین و جماع المسلمین ، و العده للاعداء ، العامه من الامه. پایه دین و جمعیت مسلمانان و ذخیره دفاع از دشمنان تنها توده ملت هستند.<sup>۱</sup> نقش متقابل مردم و زمامداران در اصلاح همدیگر فلیست تَصْلُحَ الرَّعِيَّةِ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ وَلَا تَصْلُحَ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ...؛ مردم جز با اصلاح زمامداران اصلاح نمی‌شود و زمامداران تنها با استقامت رعیت اصلاح می‌شود.<sup>۲</sup>

## نقش مردم در شکل‌گیری حکومت

أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لِيُولَا حُضُورَ الْحَاضِرِ، وَقِيَامَ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كَفِّهِ ظَالِمٍ، وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ، لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَلَسَقَيْتُ أُخْرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا؛ بهوش باشید! سوگند به آفریدگاری که دانه را شکافت و به جنبه‌ها جان بخشید اگر: حضور انبوه مردم در صحنه نبود و اگر وجود این همه یاران، حجت را تمام نمی‌کرد و اگر نبود آن تعهدی که خدا از دانشمندان گرفته است تا در برابر شکم‌بارگی ستمگر و گرسنگی مظلوم بی‌تفاوت نمانند، مهار شتر خلافت را بر کوهانش می‌افکندم و آخرین شتر این کاروان را به کاسه اولین آن سیراب می‌کردم.<sup>۳</sup>

## نقش مردم در سقوط حکومت

فانما اهلك من كان قبلكم انهم منعوا الناس الحق فاشتروه ، و اخذوهم بالباطل فاقنوده. هلاکت و بدبختی کسانی که پیش از شما بودند به دو دلیل بود: نخست این‌که آن‌ها مردم را از حق خود باز داشتند لذا ناچار شدند حق خویش را [از طریق رشوه و راه‌های نادرست از ایشان] خریداریکنند. دیگر این‌که آن‌ها مردم را به باطل سوق دادند و آنان از وی پیروی کردند.<sup>۴</sup>

## نیاز مردم به حکومت

فرض الله...الامامة نظاما للامة. خداوند امامت - تشکیل حکومت و وجود رهبری - را برای پایداری امت لازم نمود.<sup>۵</sup>

## حقوق متقابل مردم و مسئولین

ایها الناس ان لی علیکم حقا ، و لکم علی حق : فاما حقکم علی فالنصیحه لکم ، و توفیر فیئکم علیکم و تعلیمکم کیلا تجهلوا و تادیبکم کیما تعلموا واما حقی علیکم فالوفاء بالبیعه و النصیحه فی المشهد و المغیب و الاجابه حین ادعوکم ، و الطاعة حین امرکم. مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی است اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال شما را در راه شما صرف کنم و شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و تربیتتان کنم تا فراگیرید. و اما حق من بر شما این است که در بیعت خویش با من وفادار باشید و در آشکارا و نهان خیرخواهی را از دست ندهید. هر وقت شما را بخوانم اجابت نمائید و هر گاه فرمان دادم اطاعت کنید.<sup>۶</sup>

## وظایف و تکالیف مردم

### اطاعت از خداوند

ایها الناس ، انه من استنصح الله وفق ، و من اتخذ قوله دلیلا هدی [للتی هی اقوم] فان جار الله آمن ، و عدوه خائف ، و انه لا ینبغی لمن عرف عظمه الله ان یتعظم ، فان رفعه الذین یعلمون ما عظمته ان یتواضعوا له و سلامه الذین یعلمون ما قدرته ان یتسلموا له. ای مردم هر کس از خداوند درخواست نصیحت کند [و اطاعت اوامرش را بنماید] موفق می‌شود و آن‌کس که قول خداوند را دلیل و راهنمای خود قرار دهد به استوارترین راه هدایت یابد. زیرا کسی که به خدا پناه آورد ایمن گردد و دشمن خداوند همواره خائف است. سزاوار نیست آن‌کس که عظمت خدا را شناخت خود را بزرگ بشمرد بلکه بزرگی و عظمت آنان که از مقام بزرگ خدا آگاه می‌شوند در این است که در برابرش متواضع و سلامت آنان که از قدرت نامحدود او آگاهند این است که در برابرش تسلیم گردند.<sup>۷</sup>

### تبعیت از قرآن

وَأَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغِشُّ، وَالْهَادِي الَّذِي لَا يَضِلُّ، وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ، وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ: زیاده فیهدی، أو نقصان من عمی؛ و نیز بدانید این قرآن تنها ناصحی است که نصیحت خود را به خیانت نمی‌آید، و تنها هدایتگری است که هرگز به گمراهی نمی‌کشانند و تنها سخنگویی است که هیچگاه دروغ نمی‌گوید. کسی با قرآن هم‌نشین نشد مگر این‌که با فزونی و کاستی برخاست، فزونی هدایت و کاستی در کور دلی و ناآگاهی.<sup>۸</sup>

### تبعیت از پیامبر اسلام

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالذِّينِ الْمَشْهُورِ، وَالْعِلْمِ الْمَأْتُورِ، وَالْكِتَابِ الْمُسْتُورِ، وَالنُّورِ السَّاطِعِ، وَالضِّيَاءِ اللَّامِعِ، وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ، إِزَاحَهُ لِلشُّبُهَاتِ، وَاجْتِاجَا بِالْبَيِّنَاتِ، وَتَحْذِيرَا بِالْآيَاتِ ، وَتَخْوِيفَا بِالْمَثَلَاتِ؛ گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده خداوند است که او را با آئینی پراوازه و پرچمی برافراشته و کتابی نگاشته و فروغی درخشان و شعاعی تابان و فرمانی قاطع و بران، گسیل داشت تا شبهه‌ها را بزاید و با حقایق روشنگر برهان آورد و با آیات الهی هشدار دهد و با یادآوری سنت‌های تاریخ مردم را بیم دهد.<sup>۹</sup>

### تبعیت از اهل بیت

انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمعهم، و اتبعوا اثرهم، فلن یخرجوکم من هدی، و لن یعدوکم فیردو، فان لبسوا فالبدوا، و ان نهضوا فانهضوا، و لا تسبقوهم ففضلوا، و لا تتأخروا عنهم فتهلكوا. خاندان پیامبرتان را به دقت بنگرید و خود را به همسویی با آنان ملزم کنید و گام به گام از آنان پیروی کنید، زیرا که آنان هرگز از راه هدایت بیرونشان نمی‌کنند و دیگر بار به پرتگاه جاهلیت شما را نمی‌افکنند. پس اگر نشستند، همراه آنان بنشینید و اگر برخاستند با نهضتشان هماهنگ شوید، نه بر آنان پیشی بگیرید که به گمراهی درافتید و نه از آنان واپس مانید که هلاک شوید.<sup>۱۰</sup>

### حفظ حریم و حدود الهی

إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ، فَلَا تَصِيعُوهَا؛ وَحَدَّ لَكُمْ حُدُودًا، فَلَا تَعْتَدُوهَا؛ وَنَهَاكُمْ عَنْ أَسْيَاءٍ، فَلَا تَنْتَهِكُوهَا؛ وَسَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَسْيَاءٍ وَلَمْ يَدْعُهَا نِشْيَانًا، فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا؛ خدای بزرگ فریضه‌هایی را بر شما واجب شمرده است، پس تباہشان مسازید و مرزهایی تعیین کرده است، از آن حدود پا فراتر مگذارید و شما را از اموری نهی کرده است، حرمت این حریم‌ها را نشکنید، در مواردی نیز سکوت کرده است که بی‌گمان از روی فراموشی آن‌ها را وانتهاده است پس خود را - با کاوش بیهوده در مورد آن‌ها - به رنج و زحمت می‌اندازید.<sup>۱۱</sup>

### توجه به معاد و قیامت

فَإِنَّ الْآلِيَةَ أَمَامَكُمْ، وَإِنَّ وِرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ، تَخَفُّوا تَلْحُقُوا، فَإِنَّمَا يُنْتَظَرُ بِأَوْلِيكُمْ آخِرُكُمْ؛ پایان راه فراروی شماست و قیامت از پشت سر، شما را به پیش می‌راند. سبکبار شوید تا به پشت‌ازان ببینید، چرا که اولین‌های این کاروان، آخرین نفرهایش را انتظار می‌برد.<sup>۱۲</sup>

### بیدار شدن از خواب غفلت

فافق ایها السامع من سكرتك، و استيقظ من غفلتك، و اختصر من عجلتك و انعم الفكر فيما جاءك على لسان النبي الامي صلى الله عليه و آله و سلم مما لا بد منه و لا محيص عنه، و خالف من خالف ذلك الى غيره، ودعه و ما رضى لنفسه، وضع فخرک، و احطط کبرک و اذکر قبرک، فان علی ممرک، و کما تدین تدان، و کما تززع تحصد و ما قدمت الیوم تقدم علیه غذا، فامهد لقدمک و قدم لیومک فالحذر الحذر ایها المستمع و الجد الجد ایها الغافل.

ای شنونده از مستی خود به هوش آیی از غفلت بیدار شو و از عجله و شتابت بکاه و در انجام آن چه از زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله و سلم به تو رسیده که راه فراری از آن نیست فکر را به کار بند و با کسیکه این روش را به کار نمی‌بندد و به جانب دیگری متمایل می‌گردد مخالفت کن و او را با آن چه برای خویش پسندیده است واگذار. فخر فروشی را کنار بگذار و از مرکب تکبر به زیر آیی. به یاد قبرت باش که گذرگاه تو به سوی عالم آخرت از آن جاست. همان گونه که به دیگران جزا می‌دهی به تو جزا خواهند داد و همان گونه که بذر می‌افشانی درو خواهی کرد و آن چه امروز از پیش می‌فرستی فردا بر آن وارد خواهی شد. پس برای خود در سرای دیگر جانی مهیا ساز و برای آن روزت چیزی از پیش فرست. ای شنونده زنده، زنده، زنده و ای غافل کوشش کوشش.

### اجتناب از هوای نفس

إِيَّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى، وَطُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخْرَةَ؛ ای مردم، دو چیز است که بیش از هر موضوع دیگر از گرفتاری شما به آن‌ها نگران و بیمناکم: یکی تبعیت از هوای و هوس و دیگر آرزوی دور و دراز، زیرا پیروی از هوس‌ها مانع - اجرا و عمل به - حق می‌شود و آرزوهای دراز، آخرت را به فراموشی می‌سپارد.<sup>۱۳</sup>

### عدالت خواهی و حق طلبی

وَلَا تَطْتَبُوا بِي اسْتِقْلَالَ فَيَحِقَّ قِيلَ لِي، وَلَا تَلْتَمَسُوا إِعْظَامَ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مِثْلُ اسْتَنْقَلِ الْحَقِّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوَالْعَدْلُ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ، كَأَنَّ الْعَمَلَ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ فَلَا تَكْفُوا عَنِّ مَقَالَهُ بِحَقِّ، أَوْ مَشُورَهُ بِعَدْلِ،... فَإِنَّمَا أَنَا وَأَنْتُمْ عَبِيدُ مَمْلُوكُونَ لِرَبِّ لَا رَبَّ غَيْرَهُ؛ يَمْلِكُ مَنَّا مَا لَا يَمْلِكُ مِنِّ أَنْفُسِنَا؛ و چنین مپندارید که اگر با من سخن حقی گفته شود مرا گران می‌آید و نیز گمان مبرید که من خواهان بزرگداشت خویش - تملق - هستم زیرا آن که از شنیدن حق و یا از پیشنهاد عدالت احساس سنگینی کند، عمل به آن دو، برایش سنگین تر خواهد بود. پس، از گفتن سخن حق و ارائه نظر عدل دریغ نکنید... واقعیت این است که من و شما همگی بندگان پروردگاری هستیم که جز او خدایی نیست و او بیش از آن چه ما نسبت به خود مالکیم بر ما تملک دارد.<sup>۱۴</sup>

### صبر و استقامت تا رسیدن به هدف

الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهَايَةَ النَّهَايَةَ، وَالْأَسْتِقَامَةَ الْأَسْتِقَامَةَ، ثُمَّ الشَّبِيرَ الصَّبْرَ، وَالْوَرَعَ الْوَرَعَ إِنَّ لَكُمْ نِهَائِيَةً فَاتَّبِعُوا إِلَيَّ نِهَائِيَتَكُمْ، وَإِنَّ لَكُمْ عِلْمًا فَاهْتَدُوا بِعِلْمِكُمْ، وَإِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَاتَّبِعُوا إِلَى غَايَتِهِ؛ عمل! عمل! پس از آن: عاقبت، عاقبت! و نیز: استقامت، استقامت! و سپس: صبر، صبر! و: پارسایی، پارسایی! بی‌گمان هر یک از شما را نهایت و هدفی معین است، پس راه خود به آخر برید. و بی‌تردید برای شما پرچم و نشانی است، به دنبال پرچم خویش هدایت جویید، اسلام را نیز غایت و هدفی است، شما باید به سوی آن هدف نهایی به پیش روید.<sup>۱۵</sup>

### پرهیز از اشرافی‌گری و رفاه طلبی

وَ اللَّهُ مُسْتَأْدِيكُمْ سُكْرَهُ وَ مُورِثُكُمْ أَمْرَهُ، وَ مَمِّهِكُمْ فِي مَضْمَارِ مَحْدُودٍ، لِنَتَّازِعُوا سَبْقَهُ، فَشِدُوا عَقْدَ الْمَازِرِ، وَاطْبُوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ، وَلَا تَجْتَمِعْ عَزِيمَةً وَوَلِيمَةً. ما أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ، وَأَمْحَى الظِّلْمَ لِنَذَاكِرِ الْهَمِّ؛ خدای تبارک و تعالی ادای شکر خویش را از شما طلبیده است و وارث امر خود قرارتان داده است. او شما را در میدان زندگی فرصت تمرین و آزمایش داده است تا از یکدیگر گوی سبقت برابرید، پس کمر بندها را محکم ببندید شکم‌ها را از طعام افزون تهی نگه دارید، بدانید که هرگز عزم استوار با سوراخ‌چرانی قابل جمع نیست! چه بسیار خواب شبانه، که آرزوهای روز را درهم می‌شکند و چه بسیار سپاهی‌ها و تاریکی‌ها - ی گونه‌گون - که بر یاد آوری و توجه به اهداف پرده می‌پوشد.<sup>۱۶</sup>

### عبرت‌گیری

إِنَّ مَن صَرَخَتْ لَهُ الْعِبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَبَزَتْهُ التَّنْفُؤَى عَن تَقْحَمِ الشَّبِيهَاتِ؛ بی‌گمان کسی که حوادث عبرت‌آموز تاریخ، بازتاب‌های هشدار دهنده خود را فرو ریش نهاده باشد، پرهیزکاری - حاصل از تجربه‌های تلخ - او را از فرو افتادن در امواج فتنه‌ها و شباهت‌ها خواهد داشت.<sup>۱۷</sup>



## پرهیز از دنیا دگی

فلتكن الدنيا في عينكم اصغر من حثاله القرخ ، و قراضه الجلم ، و اتعظوا بمن كان قبلكم ، قبل ان يتعظ بكم من بعدكم ، و ارفضوها ذميمه ، فانها قد رفضت من كان اشغف بها منكم. ای مردم دنیا در چشم شما باید کم ارزش تر از پوست درخت و اضافیهای مقرضهائی که با آن پشم حیوانات را می چینند بوده باشد از پیشینیان بند بگیرید پیش از آنکه آیندگان از شما پند بگیرند این جهان پست و مذموم را رها کنید زیرا که افرادی را که از شما شیفته تر نیست به آن بوده اند رها ساخت.<sup>۳۳</sup>

## وظایف مسئولین در برابر مردم

## خدمت‌گرایی

وَإِنَّ عَمَلَك لَبَسَ لَكَ بَطْئَمَهُ وَلَكِنَّهُ فَيَعْتُكَ أَمَانَهُ، وَأَنْتَ مُسْتَرْعِي لِمَنْ قَوْفِكَ، لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَّتِهِ، وَلَا تَخَاطِرُ إِلَّا بِوَيْثِقِهِ؛ بی‌گمان کاری که به تو سپرده شده است، لقمه‌ای چرب نیست، بلکه بار امانتی برگردن تو است که در حفظ آن باید در برابر ما فوق خودت پاسخگو باشی. تو را نرسد که درباره مردم، خودسرانه تصمیم بگیری و یا بدون مجوز و پشتوانه اطمینان بخشی به کارهای خطیر اقدام کنی.<sup>۳۴</sup>

## مشورت

مَنْ مَلَكَ اسْتَأْذَرَ وَمَنْ اسْتَبَدَّ بَرَأْيُهُ هَلَكَ، وَمَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهُمْ فِي عَقُولِهِمْ؛ هر کس که فرمانروایی باید خود را بر دیگران ترجیح دهد و هر که خودکامگی پیشه کند در گرداب نابودی درافتد و هر که با مردم مشورت کند در اندیشه آنان شرکت جوید.<sup>۳۵</sup>

## مهربانی

فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ... با مردم، فروتن و نرم خو و مهربان باش...<sup>۳۶</sup>

## رسیدگی به نیازهای مردم

تَفَقَّدَ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعِيُونَ وَ تَحْفَرُهُ الرِّجَالُ. فَفَرِّغْ لِأَوْلَائِكَ تَقْتِكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَاضُعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ، ثُمَّ اَعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ. به کارهای کسانی که به تو دسترسی ندارند، آنان که در

## بصیرت

إِنَّ الْفَتَنَ إِذَا أَقْبَلَتْ سَبَّهَتْ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ؛ يُنْكَرَنَّ مُقْبِلَاتٍ، وَيُعْرَفَنَّ مُدْبِرَاتٍ، يَحْمَنُ حَوْمَ الرِّيحِ، يُصَبِّنُ بَلْدًا وَيَخْطِنُ بَلْدًا؛ بی‌گمان، فتنه‌ها چون روی می‌آورند فضا را به شبهه می‌آیند (فضا را مشتبه می‌کنند) و چون پشت می‌کنند، آگاهی می‌بخشند. بهنگام روی آوردن - در آغاز - ناشناخته‌اند، اما به گاه رفتن - و بروز آفات - شناخته می‌شوند هجومشان گردبادی کور را می‌ماند که به شهری فرود می‌آیند و شهری دیگر را نادیده می‌گیرند.<sup>۳۸</sup>

## نیکی و احسان

فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لِيُحْسِنَ مِنْهُ الضِّيَافَةَ وَ لِيُفِكَ بِهِ الْأَسِيرَ وَ الْعَانِي وَ لِيُعْطَ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَ الْعَارِمَ وَ لِيَصْبِرَ نَفْسَهُ عَلَى الْحَقُوقِ وَ التَّوَابِ اِبْتِغَاءَ التَّوَابِ؛ هر کس که خدا مالی را به او ببخشد باید به خویشاوند خود ببخشد، و سفره‌های مهمانی بگستراند و اسیر و رنج‌دیده را آزاد کند و از آن به نیازمند و بدهکار بپردازد و برای به دست آوردن ثواب الهی در برابر پرداخت حقوق، شکیبایی کند.<sup>۳۹</sup>

## مردم‌داری

خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِثْمَ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَإِنْ عَشْتُمْ حَنُوا إِلَيْكُمْ، و درود خدا بر او ، فرمود: با مردم آن‌گونه معاشرت کنید ، که اگر مُردید بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید ، با اشتیاق سوی شما آیند.<sup>۴۰</sup>

پرهیز از جهل و بی‌بصیرتی  
إِلَى اللَّهِ اءَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهْلًا، وَ يَمُوتُونَ ضَلَالًا به خداوند شکوه می‌کنم از مردمی که در جهل زیستند و در ضلالت مردند.<sup>۴۱</sup>

## جهاد و مقاومت

فَمَنْ تَرَكَ رَغْبَةَ عَنِ السِّبَةِ اللَّهُ ثُوبُ الذَّلِّ ، و شمله البلاء و دیت بالصغار و القماءه ، و ضرب علی قلبه بالاسهاب و ادیل الحق منه بتضییع الجهاد ، و سییم الخسف ، و منع النصف استنهاض الناس. مردمی که از جهاد روی برگردانند خداوند لباس ذلت بر تن آن‌ها می‌پوشاند و بلا به آنان هجوم می‌آورد حقیر و ذلیل می‌شوند عقل و فهم‌شان تباه می‌گردد و به خاطر تضییع جهاد حق آن‌ها پامال می‌شود و نشانه‌های ذلت در آن‌ها آشکار می‌گردد و از عدالت محروم می‌شوند.<sup>۴۲</sup>



خاندان پیامبران را به

دقت بگیرد و خود را

به همسویی با آنان ملزم

کنید و گام به گام از آنان

پیروی کنید، زیرا که

آنان هرگز از راه هدایت

بیرونتان نمی‌کنند و دیگر

بار به پر نگاه جاهلیت شما

رانمی‌افکنند. پس اگر

نشستند، همراه آنان بنشینید

و اگر برخاستند با نهضتشان

هماهنگ شوید، نه بر آنان

پیشی بگیرید که به گمراهی

درافتید و نه از آنان واپس

مانید که هلاک شوید.

دیده‌ها خوانند و بزرگان آن‌ها را کوچک می‌شمارند، کسانی را که مورد اعتماد هستند و خداترس و فروتن باشند، برای تفقد حال آن گروه وقت بگذار تا درخواست‌های آنان را بدون کم و کاست به تو برسانند.<sup>۳۷</sup>

#### دوری از تبعیض

و اسی بینهم فی اللحظه و النظره حتی لایطمع العظمی فی حیفک لهم و لایبئس الضعیف من عدلک علیهم. به همگان به یک چشم بنگر، خواه به گوشه چشم بنگری و خواه خیره شوی تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوان نبندند و ناتوانان از عدالت مأیوس نگردند.<sup>۳۸</sup>

#### کنمان کردن اسرار و عیوب مردم

و لیکن ابعده رعیتک منک ، و اشناهم عندک ، اطلبهم لمعائب الناس فان فی الناس عیوبا الوالی احق من سترها فلا تکشفن عما غاب عنک منها فانما علیک تطهیر ما ظهر لک ، و الله یحکم علی ما غاب عنک فاستر العوره ما استطعت یستر الله منک ما تحب ستره من رعیتک. باید آن‌ها که نسبت به رعیت عیب‌جو ترند از تو دورتر باشند زیرا مردم عیوبی دارند که والی در ستر و پوشاندن آن عیوب از همه سزاوارتر است. در صدد مباحث که عیب‌پنهانی آن‌ها را به دست آوری بلکه وظیفه تو آن است که آن‌چه برایت ظاهر گشته اصلاح کنی. و آنچه از تو مخفی است خدا درباره آن حکم می‌کند بنابراین تا آن‌جا که توانائی داری عیوب مردم را پنهان ساز تا خداوند عیوبی را که دوست داری برای مردم فاش نشود مستور دارد.<sup>۳۹</sup>

#### پرهیز از کینه‌جویی و دشمنی

اطلق عن الناس عقده کل حقد و اقطع عنک سبب کل وتر و تغاب عن کل ما لا یضح لک ، [یا برخورد خوب] عقده آن‌ها را که کینه دارند بگشا و اسباب دشمنی و عداوت را قطع کن و از آنچه برایت روشن نیست تغافل نما.<sup>۴۰</sup>

#### خوشبین کردن مردم

و اعلم انه لیس شیء بادی الی حسن ظن راع برعیته من احسانه الیهم و تخفیفه المؤمنات علیهم ، و ترک استکراهه ایاهم علی ما لیس له قلیهم فلیکن منک فی ذلک امر یجتمع لک به حسن الظن برعیتک ، فانه حسن الظن یقطع عنک نصبا طویلا و ان احق من حسن ظنک به لمن ساء بلاؤک عنده ، و ان احق من ساء ظنک به لمن ساء بلاؤک عنده. بدان که هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به وفاداری رعیت بهتر از احسان به آن‌ها و تخفیف هزینه‌ها بر آنان و عدم اجبارشان به کاری که وظیفه ندارند نیست در این راه آن‌قدر بکوش تا به

وفاداری آنان خوشبین شوی [و بر آنان اعتماد کنی] که این خوشبینی بار رنج فراوانی را از دوشت برمی‌دارد. سزاوار است به آن‌ها که بیشتر مورد احسان تو قرار گرفته‌اند خوشبین‌تر باشی و به عکس آن‌ها که مورد بدرفتاری تو واقع شده‌اند بدبین‌تر.<sup>۳۱</sup>

#### حل مشکلات مردم

و اجعل لذوی الحاجات منک قسما تفرغ لهم فیه شخصک و تجلس لهم مجلسا عاما فتتواضع فیه الله الذی خلقک. برای مراجعان خود وقتی مقرر کن که به نیاز آن‌ها شخصاً رسیدگی کنی مجلس عمومی و همگانی برای آن‌ها تشکیل ده و درهای آن‌ها را به رویه‌ی هیچ‌کس نبند و بخاطر خداوندی که ترا آفریده تواضع کن.<sup>۳۲</sup>

#### سعه‌صدر و گشاده‌رویی

ثم احتمال الخرق منهم و العی و نح عنهم الضیق و الانف یسط الله علیک بذلک اکناف رحمته، و یوجب لک ثواب طاعته. خشونت و کندی آن‌ها را در سخن تحمل کن در مورد آن‌ها هیچ‌گونه محدودیت و استکبار روا مدار که خداوند به واسطه این کار رحمت و اسعش را بر تو گسترش خواهد داد و موجب ثواب اطاعت او برای تو خواهد شد.<sup>۳۳</sup>

#### پرهیز از رانت‌خواری و فامیل‌بازی

ثم ان للوالی خاصه و بطانه ، فیهم استتار و تطاول ، و قله انصاف فی معامله فاحسم ماده اولئک بقطع اسباب تلک الاحوال و لا تقطعن لاحد من حاشیتک و حامتک قطیعه و لا یطمعن منک فی اعتقاد عقده ، تضر بمن یلیها من الناس فی شرب او عمل مشترک ، یحملون مؤنثه علی غیرهم فیکون مهنا ذلک لهم دونک ، و عیبیه علیک فی الدنیا و الاخره. سپس بدان برای زمامدار خاصان و صاحب اسراری است که خودخواه و دست‌درازند و در داد و ستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند ریشه ستم آنان را با قطع وسائل از بیخ برکن و به هیچ‌یک از اطرافیان و بستگان خود زمینی از اراضی مسلمانان وامگذار و باید طمع نکنند که قراردادی به سود آن‌ها منعقد سازی که مایه ضرر سایر مردم باشد خواه در آبیاری و یا عمل مشترک دیگر به طوری که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند که در این صورت سودش برای آن‌ها است و عیب و ننگش برای تو در دنیا و آخرت است.<sup>۳۴</sup>

#### لزوم مسئولیت‌پذیری در برابر مردم

و ایاک و الاستتار بما الناس فیه اسوه و التغابی عما تعنی به مما قد وضح للعیون فانه ماخوذ منک لغیرک و عما قلیل

تکشف عنک اغطیه الامور ، و یتنصف منک للمظلوم. از امتیازخواهی برای خود در آنچه مردم در آن مساوی هستند بپرهیز و از تعافل از آنچه مربوط به توسست و برای همه روشن است برحذر باش چرا که به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسؤولی و بزودی پرده از روی کارهایت کنار می‌رود و انتقام مظلوم از تو گرفته می‌شود.<sup>۲۵</sup>

#### رحمت و محبت

و اشعر قلبک الرحمه للرعیه ، و المحبه لهم ، و اللطف بهم و لا تکونن علیهم سبعا ضاریا تفتنم اکلهم ، فانهم صنفان : اما اخ لک فی الدین ، او نظیر لک فی الخلق. قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری زیرا آنها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تو و یا انسان‌هایی همچون تو هستند. گاه از آنها لغزش و خطا سر می‌زند.<sup>۲۶</sup>

#### انصاف

انصف الناس من نفسک ، و من خاصه اهلک ، و من لک فیهِ هوی من رعیتک فانک الا تفعل تظلم و من ظلم عباد الله کان الله خصمه دون عباده. نسبت به خداوند و نسبت به مردم از جانب خود و از جانب افراد خاص خاندانت و از جانب رعایائی که به آنها علاقمندی انصاف به خرج ده که اگر چنین نکنی ستم نموده‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند خداوند پیش از بندگان دشمن او خواهد بود.<sup>۲۷</sup>

#### جلب رضایت مردم

احب الامور الیک اوسطها فی الحق ، و اعمها فی العدل ، و اجمعها لرضی الرعیه فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه ، و ان سخط الخاصه یغتنفر مع رضی العامه. باید محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشند که در حق با عدالت موافق‌تر و با رضایت توده مردم هماهنگ‌تر است. چرا که خشم توده مردم خشنودی خواص را بی‌اثر می‌سازد اما ناخشنودی خاصان با رضایت عموم جبران‌پذیر است.<sup>۲۸</sup>

#### عدالت و دادگری

فاخفص لهم جناحک ، و الن لهم جانیک ، و ابسط لهم وجهک و آس بینهم فی اللحظه و النظره ، حتی لا یطمع العظماء فی حیفک لهم. بال‌های محبتت را برای آنها بگستر و پهلوی نرمش و ملایمت را بر زمین بگذار چهره خویش را برای آنها گشاده دار و تساوی در بین آنها حتی در نگاه‌هایت را مراعات کن تا بزرگان کشور در حمایت بی‌دلیل تو طمع نورزند و ضعفاء در انجام عدالت از تو مایوس نشوند.<sup>۲۹</sup>

#### پی‌نوشت‌ها

۱. نامه ۵۳.
۲. خطبه ۲۱۶.
۳. خطبه ۳.
۴. نامه ۷۹.
۵. خطبه ۳۳.
۶. خطبه ۳۴.
۷. خطبه ۱۴۷.
۸. خطبه ۱۷۴.
۹. خطبه ۲.
۱۰. خطبه ۹۶.
۱۱. حکمت ۱۰۵.
۱۲. خطبه ۲۱.
۱۳. خطبه ۴۲.
۱۴. خطبه ۲۱۶.
۱۵. خطبه ۱۷۴.
۱۶. خطبه ۲۳۸.
۱۷. خطبه ۱۶.
۱۸. خطبه ۹۲.
۱۹. خطبه ۱۴۲.
۲۰. حکمت ۱۰.
۲۱. خطبه ۱۷.
۲۲. خطبه ۲۷.
۲۳. خطبه ۳۳.
۲۴. نامه ۵.
۲۵. حکمت ۱۶۱.
۲۶. نامه ۵۳.
- ۲۷.
۲۸. نامه ۲۷.
۲۹. نامه ۵۳.
۳۰. نامه ۵۳.
۳۱. نامه ۵۳.
۳۲. نامه ۵۳.
۳۳. نامه ۵۳.
۳۴. نامه ۵۳.
۳۵. نامه ۵۳.
۳۶. نامه ۵۳.
۳۷. نامه ۵۳.
۳۸. نامه ۵۳.
۳۹. نامه ۲۷.



#### از امتیازخواهی برای خود

در آن چه مردم در آن

مساوی هستند بپرهیز و از

تعافل از آنچه مربوط به

توست و برای همه روشن

است برحذر باش چرا که

به هر حال نسبت به آن در

برابر مردم مسؤولی و بزودی

پرده از روی کارهایت کنار

می‌رود و انتقام مظلوم از تو

گرفته می‌شود.

# وظایف و تکالیف مردم (شیعیان) از نگاه معصومین علیهم‌السلام

**اشاره:** مطلب پیش رو نگاهی  
به برخی از روایات و احادیثی  
است که در آن حضرات  
معصومین علیهم‌السلام به برخی از  
وظایف و تکالیف شیعیان اشاره  
کرده‌اند. با توجه به این احادیث  
می‌توان وظایف ملت ایران در  
گام دوم را نیز استخراج کرد.

هادی مازندرانی

## وظایف و مسئولیت‌ها در حوزه مسائل فردی

### تسلیم

امام صادق علیه السلام: اگر مردمی خدای یگانه و بی‌شریک را پرستند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و به حج خانه کعبه روند و ماه رمضان را روزه دارند و سپس درباره چیزی که خدا یا رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام دهند، بگویند خوب بود خلاف آن را انجام می‌دانند، یا این را در دل خود بگذرانند، به واسطه آن مشرک گردند. [و سپس این آیه را خواند: ] (نه؛ سوگند به پروردگارت ایمان ندارند تا تو را درباره آن چه در آن ستیزه دارند حکم سازند و در دل خود، گرفتگی و نگرانی از آن چه حکم کنی نداشته باشند و به خوبی تسلیم شوند). [و در ادامه فرمود: ] بر شما باد به تسلیم. ۱.

### تقوای خدا

امام محمد باقر علیه السلام: تقوای خدا پیشه کنید و دیتان را با ورع و تقوا حفظ کنید. ۲.

### دینداری

امام علی علیه السلام: دین را پناهگاه و عدالت را اسلحه خود قرار ده تا از هر بدی نجات پیدا کنی و بر هر دشمنی پیروز گردی. ۳.

### تعقل

پیامبر صلی الله علیه و آله: همه خوبی‌ها با عقل شناخته می‌شوند و کسی که عقل ندارد، دین ندارد. ۴.

### ادای حقوق

امام سجاد علیه السلام: آگاه باش خداوند تو را رحمت کند، تو در محاصره مجموعه‌ای از حقوق قرار گرفته‌ای که باید آن‌ها را رعایت کنی. هر حرکت و سکونی که داری مشمول حقی از حقوق است. همین طور اگر عضوی از اعضای بدنت یا ابزار دیگری را برای کارهای خود مورد استفاده قرار دهی حقوقی به آن‌ها تعلق می‌گیرد، اگر در جایگاه و موقعیت اجتماعی قرار بگیری، باز حقوقی را بر عهده تو قرار می‌دهد. برخی از این حقوق بزرگتر از برخی دیگرند، در این میان، بزرگترین حقی که وجود دارد، حق خداوند است که اصل و منشأ حقوق است. سایر حقوق متفرع بر این حق است. ۵.

دوری از گناه و محرمات امام باقر علیه السلام: به خدا قسم کسی به خدا تقرب نمی‌یابد مگر بوسیله طاعت و بندگی، ما مدرکی برای دوری از آتش در دست نداریم و نه کسی به نفع خود از خدا حجتی گرفته است، (بنابراین) هر کس مطیع و فرمانبر خدا باشد او برای دوست و نزدیک است

و هر کس خدا را معصیت کند دشمن ما شمرده می‌شود، و (بدانید که) رسیدن به ولایت و دوستی ما جز از راه عمل و دوری از حرام میسر نیست. ۶.

### امانتداری

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و آنگاه بمیرد بر دین من نمرده است و با خدا دیدار می‌کند در حالی که بر او خشمگین است. ۷.

### اصلاح میان مردم

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: آیا شما را به چیزی با فضیلت‌تر از نماز و روزه و صدقه (زکات) آگاه نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است، زیرا تیره شدن رابطه میان مردم ریشه‌کن کننده دین است. ۸.

### استفاده درست از مواهب دنیا

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردی را دیدند که موهای ژولیده و جامه‌ای چرکین و سر و وضع نامرتبی داشت، فرمودند: بهره بردن از نعمت‌های خدا و آشکار ساختن نعمت جزء دین است. ۹.

### اجتناب از دروغ و خیانت

امام صادق علیه السلام: مؤمن در سرشتش دروغ و خیانت نیست و دو صفت است که در منافق جمع نگردد: سیرت نیکو و دین‌شناسی. ۱۰.

### مهربانی با مردم

قلب خویش را از مهر مردم و دوستی و لطف آنان سرشار کن: هرگز مبدا که درنده‌ی خون‌آشام باشی که خوردن مردم را غنیمت بشماری، چرا که مردم دو گروه‌اند: یا برادران دینی توی‌اند یا در آفرینش همانند توی‌اند. ۱۱.

### رعایت انصاف

نسبت به خدا و بندگانش انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و خانواده و زیردستان انصاف داشته باش، که اگر انصاف را پیشه‌ی خود نسازی ستم کرده‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند، خدا دشمن او است. ۱۲.

### خدمت رسانی به مردم

امام صادق علیه السلام: ای پسر جندب! هر که در راستای برآوردن حاجت برادر (دینی) اش گام بردارد، چون کسی باشد که میان صفا و مروه (برای انجام حج) گام برداشته است. و برآورنده حاجت برادر (دینی) همچون کسی است که در جنگ بدر

و احد (در صدر اسلام) در راه خدا، به خون خویش آغشته است (و به شهادت رسیده است) خدا هیچ امتی را دچار عذاب نساخته مگر هنگامی که به حق و حقوق برادران مستمندشان سستی (و بی اعتنائی) نموده اند». در ادامه می‌فرماید: ای پسر جذب! به شیعیان ما برسان و به آن‌ها بگو: مبدا گروه‌ها (و طرز فکرای منحرف) شما را اغفال کنند، به خدا سوگند! به ولایت ما (اهل بیت) نتوان دست یافت مگر با تقوا... و یاری کردن برادران دینی (با مال و جان) در راه خدا و هر کس بر مردم ستم نماید، شیعیان ما به شمار نیاید». ۱۳

#### کردار و رفتار نیکو

امام صادق علیه السلام: به هر کس که پیرو ما است و به گفته‌های ما گوش فرا می‌دهد سلام مرا ابلاغ کن، و (بگو) من همه شما (شیعیان) را به تقوی، پرهیزکاری در دین، و تلاش و کوشش در راه خدا، و راستگویی و امانت‌داری، و سجده طولانی، و نیکو همسایه‌داری... سفارش می‌کنم، زیرا هرگاه کسی از شما به این سفارشات من عمل کند مردم می‌گویند: این «جعفری مذهب» (و شیعه) است. و من از این (اثر اجتماعی) و از اعمال شما شادمان می‌شوم و سایر مردم نیز می‌گویند: این است روش ادب و تربیت امام صادق علیه السلام: ولی اگر برخلاف این (روش صادقانه و مورد انتظار) بودید، من از عملکرد شما غمگین و شرمند می‌گردم!! و مردم نیز (با ناراحتی) خواهند گفت: این هم اثر تربیتی امام صادق علیه السلام!! (و این هم شیعه امام صادق علیه السلام) ۱۴

#### وظایف و مسئولیت‌ها در حوزه مسائل دینی و سیاسی

##### کسب رضای الهی

پیامبر صلی الله علیه و آله: هر کس رضای خدا به خشم مردم جوید، خداوند از او خشنود شود و مردم را از او خشنود کند و هر کس رضای مردم را به خشم خدا جوید، خداوند بر او خشم گیرد و مردم را از او خشمگین کند. ۱۵

##### تمسک به قرآن و اهل بیت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: اما بعد، ای مردم! من بشری هستم و نزدیک است فرستاده پروردگارم بیاید و دعوت او را اجابت کنم. من در میان شما دو چیز گران‌مایه به یادگار می‌گذارم: نخست کتاب خدا که در آن هدایت و نور است، پس کتاب خدا را بگیرد و به آن تمسک جوید. پیامبر صلی الله علیه و آله تشویق و ترغیب فراوانی درباره قرآن کرد، سپس فرمود: و اهل بیتم را به شما توصیه می‌کنم، که خدا را درباره اهل بیتم فراموش نکنید.

##### معرفت اهل بیت

امام علی علیه السلام: خداوند ما (اهل بیت) را درهای وصول به معرفش و صراط و طریق رسیدن به خود قرار داده؛ بنابراین، کسانی که از ولایت ما منحرف گردند یا دیگری را بر ما ترجیح دهند، از طریق

##### حق منحرف گشته‌اند. ۱۶

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا معرفت امام از شما خانواده (اهل بیت) بر تمام خلق واجب است؟ حضرت در پاسخ فرمود: «خدای - عز و جل - محمد صلی الله علیه و آله را بر تمام مردم به عنوان رسول و حجت خدا بر همه خلقش در زمین مبعوث کرد. پس هر که به خدا و رسولش ایمان آورده، پیروی و تصدیقش کند، معرفت امام از ما خانواده بر او واجب است. کسی که به خدا و رسولش ایمان نیاورد و از او پیروی نکند و حق خدا و رسولش را نشناسد، چگونه معرفت امام بر او واجب باشد، در صورتی که حق خدا و رسولش را نشناخته است. ۱۷

##### محبت و دوستی اهل بیت

امام صادق علیه السلام: به راستی که خداوند ولایت ما را فرض گردانیده و مودت ما واجب است. به خدا سوگند، ما از روی هوس سخن نمی‌گوییم و به آرای شخصی خود عمل نمی‌کنیم و سخنی را نمی‌گوییم جز آن که خدای - عز و جل - گفته است. ۱۸

امام رضا علیه السلام: هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد، خداوند روز قیامت او را در حال امن، سلامت و دل‌آرامی محشور می‌کند. ۱۹

##### ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری

امام صادق علیه السلام: شیعه ما نیست کسی که به زبان بگوید شیعه هستیم ولی در عمل با ما مخالفت کند و آثار ما را زیر پاگذارد، و لکن شیعه کسی است که با زبان و دل با ما موافق باشد و آثار ما را پیروی کند و مانند ما رفتار نماید، چنین کسانی شیعه (واقعی) ما هستند. ۲۰

##### اطاعت و فرمانبرداری

امام صادق علیه السلام: به راستی که خداوند دوستی و موالات ما را واجب کرد و اطاعت ما را فرض گردانید. ۲۱  
امام علی علیه السلام: «ما داعیان حق و پیشوایان خلق و زبان صدق خداییم. کسی که از ما اطاعت کند به عزت و قدرت رسد و کسی که نافرمانی کند، هلاک گردد. ۲۲

امام رضا علیه السلام: آگاه باشید و بدانید همانا سر اطاعت و فرمانبرداری خدای سبحان «تسلیم» است بر آن چه می‌دانیم و آن چه نمی‌دانیم، پس سر معاصی و نافرمانی خداوند «رد» بر امامان است و خدای عز و جل مردم را فقط بر فرمانبرداری بر آن چه می‌دانند و نمی‌دانند، از باب واجب نمودن حجت و قطع و نابودی شبهه امتحان کرده است. ۲۳

##### انتظار ظهور حضرت مهدی

امام زمان علیه السلام: و چنان چه شیعیان ما که خدا به طاعت خود موفقتشان بدارد، قلبا در وفای به عهدشان اجتماع می‌کردند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، که سعادت

نرم‌ترند و زنان خویش را بیشتر گرامی می‌دارند. ۳۳  
 امام سجاد<sup>علیه السلام</sup>: کسی که به آنچه خداوند بر او واجب ساخته  
 عمل کند از بهترین مردمان است. ۳۴  
 امام علی<sup>علیه السلام</sup>: پرهیزکار را سه نشانه است: اخلاص در عمل،  
 کوتاهی آرزو و بهره گرفتن از فرصت‌ها. ۳۵

#### نشانه‌های یک انسان خوب

امام علی<sup>علیه السلام</sup>: شیعیان ما کسانی‌اند که در راه ولایت ما بذل  
 و بخشش می‌کنند، در راه دوستی ما به یکدیگر محبت  
 می‌نمایند، در راه زنده نگاه‌داشتن امر و مکتب ما به دیدار هم  
 می‌روند. چون خشمگین شوند، ظلم نمی‌کنند و چون راضی  
 شوند، زیاده‌روی نمی‌کنند، برای همسایگان‌شان مایه برکت‌اند  
 و نسبت به هم نشینان خود در صلح و آرامش‌اند. ۳۶

مشاهده ما با شتاب به ایشان می‌رسید. و این‌ها همه در  
 پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت به ما می‌باشد؛  
 بنابراین هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی‌دارد، جز اخباری  
 که از ایشان به ما می‌رسد و ما را مکروه و ناراحت می‌سازد  
 و از ایشان انتظار نداریم. ۲۴

#### جهاد

امام علی<sup>علیه السلام</sup>: در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن  
 را بزرگداشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد. به خدا  
 سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی‌شود. ۲۵

#### امر به معروف و نهی از منکر

رسول الله<sup>صلی الله علیه و آله</sup>: هرگاه (مردم) امر به معروف و نهی از منکر  
 نکنند، و از نیکان خاندان من پیروی نمایند، خداوند بدان‌شان  
 را بر آنان مسلط گرداند و نیکان‌شان دعا کنند اما دعایشان  
 مستجاب نشود. ۲۶.

#### بصیرت

امام صادق<sup>علیه السلام</sup>: آن کس که بدون بصیرت حرکت می‌کند مانند  
 کسی است که بی‌راهه می‌رود و تند رفتنش جز به دور شدن  
 از راه نمی‌انجامد. ۲۷

#### مدارا با مردم

رسول اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup>: عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با  
 مردم مدارا کند. ۲۸

#### پرهیز از ظلم

رسول اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup>: از نفرین مظلوم بترسید اگر چه کافر باشد،  
 زیرا در برابر نفرین مظلوم پرده و مانعی نیست. ۲۹

#### یکدلی و اتحاد

امام علی<sup>علیه السلام</sup>: از چند رنگی و اختلاف در دین خدا بپرهیزید،  
 زیرا یک‌پارچگی در آن چه حق است ولی شما آن را ناخوش  
 می‌دارید، از پراکندگی در آن چه باطل است اما خوشایند شما  
 می‌اشد، بهتر است. خدای سبحان به هیچ‌یک از گذشتگان  
 و باقی‌ماندگان بر اثر تفرقه و جدایی خیر و خوبی عطا نکرده  
 است. ۳۰

#### بهترین مردم کیست؟

امام علی<sup>علیه السلام</sup>: بهترین مردم کسی است که نفع رساننده مردم  
 باشد. ۳۱

پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup>: ارجمندترین مردم کسی است که آن چه را که  
 برایش سودی ندارد رها کند. ۳۲  
 حضرت فاطمه(س): بهترین شما کسانی‌اند که با مردم

#### پی‌نوشت‌ها

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۹۰
۲. کافی، ج ۲، ص ۷۶
۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۹
۴. تحف العقول، ص ۵۴
۵. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۰
۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴
۷. جامع الاحادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۱۵۴
۸. نهج الفصاحه، ص ۲۴۰، ج ۴۵۸
۹. کافی، ج ۶، ص ۴۳۹
۱۰. تحف العقول، ص ۳۶۷
۱۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳
۱۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳
۱۳. بحار، ج ۷۱، ص ۳۱۳
۱۴. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹
۱۵. نهج الفصاحه، ص ۷۲۹
۱۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۱
۱۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۵
۱۸. بنایع الموده، ج ۲، ص ۳۳۲
۱۹. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۵
۲۰. وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۱۹۶
۲۱. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۴۱
۲۲. حسین بن سعید اهوازی، الزهد، ص ۱۰۴
۲۳. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۸
۲۴. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵
۲۵. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۵
۲۶. کافی، ج ۲، ص ۳۷۴
۲۷. کافی، ج ۱، ص ۴۳
۲۸. من لایحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۹۵
۲۹. نهج الفصاحه ص ۱۶۴، ج ۴۸
۳۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶
۳۱. تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۵۰
۳۲. من لایحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۹۵
۳۳. عوالم العلوم ج ۱۱، ص ۹۰۹
۳۴. کافی، ج ۲، ص ۸۱
۳۵. تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۷۴
۳۶. کافی، ج ۲، ص ۲۳۶ و ۲۳۷



# یک کشور وقتی آسیب می بیند که ملتش بی تفاوت باشد

## ملت، صاحب اختیارند

■ سرنوشت هر ملتی به دست خودش است.

صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۱

■ هر ملتی باید سرنوشت خودش را، خودش معین کند.

صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۷

■ امروز است که تمام ملت چه بانوان محترم و چه برادران در سرنوشت خودشان دخالت می کنند.

صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۸۴

■ امروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسلمین در ایران و سرنوشت کشور ما به دست ملت است.

صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۲

■ مملکت باید با دست خود مردم، با دست خود اشخاص اداره بشود.

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۳۷

■ امروز مسئولیت به عهده ملت است.

صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۱

■ باید همه بدانند که همه تان مسئولید.

صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۳

■ با اراده ملت‌ها، اراده‌ای که تبع اراده خداست، اراده‌ای که برای خداست غیر ممکن‌ها ممکن می شود.

صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۳۳

■ ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می گذرد.

صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷

■ یک کشوری وقتی آسیب می بیند که ملتش بی تفاوت باشد.

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۰

■ توالی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین.

صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۹

■ از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشند.

صحیفه نور، ج ۳، ص ۴۲

## حکومت اسلام از مردم جدا نیست

حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، از همین مردم و از همین جمعیت است... اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشند، این رژیم از بین نخواهد رفت.

صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۳



## دموکراسی اسلام کامل تر از دموکراسی غرب

رژیمی که به جای رژیم شاه خواهد نشست، رژیم عادلانه‌ای است که شبیه آن رژیم در دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست، مشابه باشد، اما آن دموکراسی‌ای که ما می‌خواهیم به وجود آوریم، در غرب وجود ندارد؛ دموکراسی اسلام کامل تر از دموکراسی غرب است.

صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۳

## جمهوری اسلامی، متکی به آرای ملت

حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت می‌باشد و نیز شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید؛ به پا داشتن حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام، متکی به آرای ملت.

صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۷

باید همه مردم آگاهانه بریزند توی خیابان‌ها و این بنیان فاسد را از بین بردارند. چیزی دیگر از آن نمانده است جز یک حشاشه‌ای - چیز مختصری این هم باید با همت شما مردم مسلمان، با همت ملت ایران، باید این هم از میان برداشته بشود تا ما برسیم به یک حکومت اسلامی، به یک حکومت عدل، به یک حکومتی که نه منافع شما را تواند بخورد، نه تواند به غیر بدهد. ما یک همچو حکومتی می‌خواهیم. یک حکومت ملی اسلامی. یک جمهوری که متکی بر رأی خود مردم باشد. مردم آزادانه رأی بدهند.

صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۰۱

ما خواستار جمهوری اسلامی می‌باشیم؛ جمهوری فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی یعنی محتوای آن فرم که قوانین الهی است.

صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۵۷

## تابع رأی ملتیم

ما تابع آراء ملت هستیم. ملت ما هرطور رأی داد ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتیمان یک چیز را تحمیل کنیم.

صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۴

## انتخاب آری، تحمیل نه

همه باید بدانند که امروز هیچ قدرتی نیست که بتواند یک وکیل را تحمیل کند... هیچ کس الان در ایران، هیچ مقامی در ایران نیست که قدرت این را داشته باشد که یک وکیل تحمیل کند و بنابراین، امروز مسولیت به عهده ملت است.

صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۱

## حکومت آراء ملت

اینجا آراء ملت حکومت می‌کند، اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد. این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکومت ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۶۵

## منتخب خبرگان، منتخب مردم

اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند وقتی آن‌ها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهرا او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۷۱

## ملت، پشتوانه حکومت

پشتوانه یک حکومتی ملت است، اگر یک ملتی پشتوانه حکومتی نباشد این حکومت نمی‌تواند درست بشود، این (حکومت) نمی‌تواند برقرار باشد.

صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۵۹

## مردم، رهبر امور خویش

همان مردمی که دست در دست هم دادند و دلیرانه عرصه را بر شاه تنگ کردند، همان‌ها با هدایت کسانی که همیشه دلسوز آنان بوده‌اند، نوع حکومت دلخواه خود را انتخاب می‌کنند و بدیهی است که چون مسلمانند در همه مراحل کار، اسلام تنها ملاک و ضابطه نظام اجتماعی و نوع حکومت خواهد بود و بر این اساس من جمهوری اسلامی را پیشنهاد کرده‌ام و به رأی عمومی می‌گذارم... جامعه فردا، جامعه ارزیاب و منتقدی خواهد بود که در آن تمامی مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست.

صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۶۳

## مردم بی تفاوت نباشند!

همه باید توجه داشته باشند که با وجود مسئولیت قانونی و رسمی عده‌ای از افراد در اداره کشور، کسی نباید درباره اداره کشور بی‌توجه باشد و از راه‌ها و طرق قانونی مردم نقش و دخالت مسئولانه خود را

ایفاء نموده و نسبت به اداره امور کشور بی تفاوت نباشند و حتی در صورت انحراف مردم وظیفه دارند ورود پیدا نمایند.

وصیتنامه سیاسی الهی امام

### همه ناظر امور باشید

ملت باید الآن همه شان ناظر امور باشند، اظهار نظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می کند دولت، استفاده بکنند، اگر یک کار خلاف دیدند.

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۳

### حکومت را از خود جدا ندانید

مهم این است که شما ایستاده باشید و قائم به امر باشید و حکومت را از خودتان جدا ندانید و نشینید به این که همه کارها را باید حکومت بکند.

صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۱۵

### ملت، آماده فداکاری

ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت؛ ملتی که بحمدالله مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند. با فداکاری ملت بحمدالله مراحل را که بسیار اهمیت داشت پشت سر گذاشتیم و موانع مرتفع شد. خائنین رفتند، و اگر تتمامی هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست، پشت آن دیوار خرابی های زیاد هست؛ و ما باید به همت ملت آن خرابی ها را ترمیم کنیم. ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای سازندگی؛ برای این که ترمیم کنیم این خرابی ها که در طول مدت حکومت جائر پهلوی در مملکت ما حاصل شده است.

صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۱۹

### مردم را از خود بدانید

امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، تو مردم است، از همین مردم و از همین جمعیت است، شما هم از هم ۷-ین مردمید و از همین جمعیتید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند. شما کاری بکنید که مردم به شما متوجه بشوند. شما کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند؛ پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند؛ آن رژیم از

بین نخواهد رفت. اینکه رژیم سابق از بین رفت، برای اینکه پشتیبان نداشت؛ ملت پشتیبانش نبود؛ ملت پشت به او کرد، بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. رضاخان را وقتی متفقین از این مملکت بیرون کردند، مردم شادی می کردند، با اینکه در خطر بودند، جانشان در خطر بود! لشکر غیر بود، لشکر اجنبی بود، لشکرهای اجنبی بودند [که] ریختند به ایران، ولی چون رضاخان را بردند، مردم خوشحالی می کردند. ما خودمان مطلع بودیم در بین مردم. این مردم هم که رفت که دیدید چه شادی ها کردند. برای این که پشتیبان نداشتند. کاری نکنید که مردم بگویند که ای کاش نبود این پاسدار! کاری ما نکنیم که مردم بگویند ای کاش روحانیتی در کار نبود. مسئله مهم است. قضیه این نیست که من ساقط باشم؛ قضیه این نیست آقا ساقط باشند؛ قضیه این است که اسلام در خطر است. امروز این طوری است وضع ما.

صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۲۲

### تا آخر با مردم

بالآخره ما مردم را لازم داریم؛ یعنی جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می خواهد. این مردمنده که این جمهوری را به این جا رساندند و این مردمنده که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر... ما جمهوری اسلامی را اعلام کرده ایم و ملت با راهپیمایی های مکرر به آن رأی داده است. حکومتی است متکی به آرای ملت و مبتنی بر قواعد و موازین اسلامی.

صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۳۶

### نمایندگان واقعی ملت

افرادی که به عنوان نمایندگان یا مسئولین دولت در جمهوری اسلامی انتخاب می شوند شرایطی دارند که با رعایت آن شرایط، حقیقتاً نمایندگان واقعی مردم انتخاب می شوند نه نمایندگان طبقه خاصی که به ضرر اکثریت ملت عمل کنند. خطوط اصلی در قانون اساسی این حکومت را اصول مسلم اسلام که در قرآن و سنت بیان شده تشکیل می دهد.

صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۳۶

### مردم خودشان انقلاب کردند

ویژگی مهم این انقلاب این است که مردم خودشان انقلاب کردند. یک کسی نیامده انقلاب را بکند، یک کسی لشکرکشی نکرده برای انقلاب. خود مردم همین کوچه و بازار و همین

مردم عادی و خصوصاً، طبقه مستضعف باصطلاح آن‌ها و طبقه اعلا به نظر ما، خود این‌ها بودند که انقلاب کردند و کار را انجام دادند، نه من می‌توانم یک همچو کاری بکنم، نه افراد دیگر می‌توانند یک همچو کاری بکنند. خداست که دل این‌ها را قوی کرد و آن‌ها را دلشان را ضعیف کرد. آن‌ها ترسیدند از شما با همه ساز و برگی که داشتند و شما ترسیدید از آن‌ها با مشت خالی، انقلاب واقع شد. حالا هم همین‌طور است، همان انقلابی‌ها شما هستید و همین شما هستید که در صحنه حاضرید. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۹۱

### امروز همه، ملتند و همه، دولتند!

آن‌چه که باید عرض کنم این است که هیچ کاری در این کشور نمی‌شود به خوبی انجام بگیرد، الا با تشریک مساعی. اگر بخواهد ملت ایران بنشیند تا دولت کاری را انجام بدهد، این امری است که نخواهد شد و اگر دولت بنشیند که ملت کاری را انجام بدهد، آن هم نخواهد شد. امروز ملت و دولتی در کار نیست، همه ملتند و همه دولت. عمده، احساس وظیفه است که ما احساس کنیم که در هر امری از امور که برای اصلاح این کشور عزیز است موظف هستیم به این که کمک کنیم.

صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۴۸

### مردم، همیشه حاضر در صحنه

شما هم احساس قلبی‌تان این مطلب باشد که واقعاً ما آمدیم که به این مردم خدمت کنیم و این خدمت به مردم، خدمت به خودمان است؛ یعنی، ما اگر این مملکت را با این وضعی که الآن دارد به پیش ببریم، با این حاضر بودن مردم در صحنه به پیش ببریم و با این همراهی مردم با دولت، هر قصه‌ای که برای دولت پیش می‌آید، مردم پیش‌قدم هستند. شما ملاحظه بفرمایید پیشترها با فشار - الآن هم جاهای دیگر این‌طور است با فشار - یک سربازی را می‌بردند در جبهه، شما دیدید که به من گفته بودند که شما بگویید، من نشده یک وقت صحبت کنم، خودشان گفتند؛ به مجرد این که گفتند به این که ما سرباز لازم داریم، ما اشخاص لازم داریم، آن‌جا این قدر جمعیت رفت اسم نوشت که صدایشان درآمد که نه نمی‌خواهیم؛ دیگر بس مان است، در صورتی که می‌روند به جنگ، می‌روند به قتال، می‌روند به کشته

شدن. یک همچو مملکتی که این‌طور شده است - و به خواست خدا این مطلب شده است، با تأیید خدا این مطلب شده است - این را باید حفظش کرد، باید قدرش را دانست. ما باید خدمت کنیم به این‌ها.

صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۵۸

### جمهوری اسلامی مال همه است

هر چه پیروزی نایل این ملت مظلوم - که در طول تاریخ مظلوم بود - عاید شده است، از حضور ملت و همه قشرهاست [که] در صحنه‌اند و از این که جمهوری اسلامی را از خود می‌دانند، چنانچه از خودشان است. اسلام اختصاص به شخصی دون شخصی ندارد. اسلام، اسلام همه است و جمهوری اسلامی خدمتگزار به همه است و مال همه است. این حضور شما در صحنه و پشتیبانی شما از جمهوری اسلامی و از مجلس و از دولت و از قوه قضائیه و از ارتش و از سپاه پاسداران و همه، این رمز پیروزی است که عاید شما شده است و به شکرانه نعمت پیروزی، مردم را دعوت کنید به این که در صحنه باشند و مردم دنبال این باشند که مشکلاتی که برای دولت یا برای مجلس یا برای ارتش پیش می‌آید، ننشینند و نگاه کنند و ناظر باشند؛ در صحنه باشند و فعالیت کنند. به فعالیت شماهاست که این جمهوری زنده مانده است و ان شاءالله، با فعالیت‌های شما هم زنده و شکوفا خواهد بود.

صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۱۹

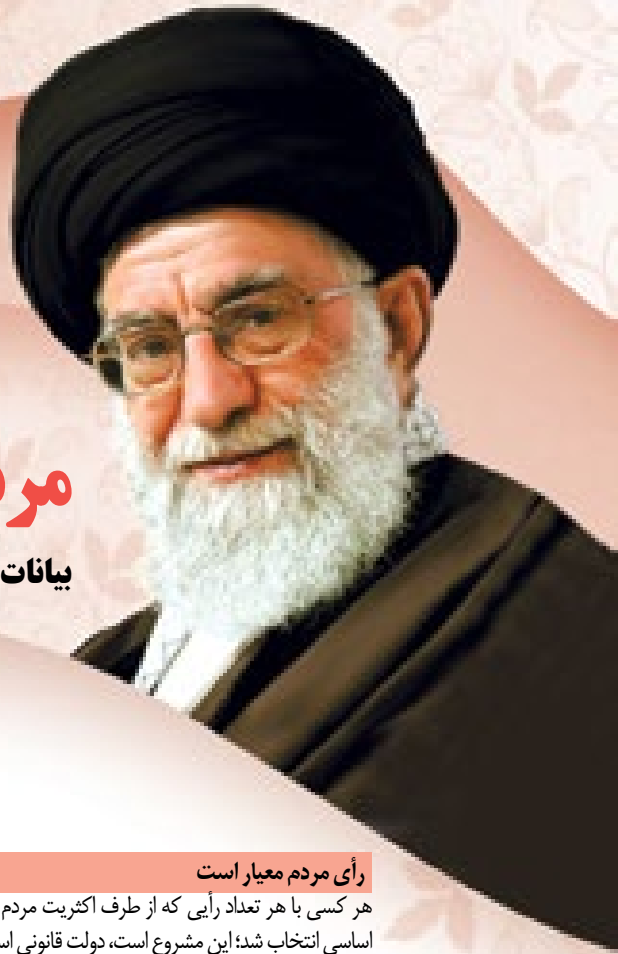
### مردم را راضی نگه دارید

بالاخره ما مردم را لازم داریم، یعنی، جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می‌خواهد. این مردم اند که این جمهوری را به این جا رساندند و این مردم اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر. و این شما آقایان هستید که مردم را می‌توانید، وزارتخانه‌هایتان می‌تواند، اداراتان می‌تواند راضی نگه دارد و می‌تواند - خدای نخواست - اشخاصی در آن باشند که ناراضی باشند، و این را با قاطعیت عمل کنید.

صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۶

- این مردم اند که این جمهوری را به این جا رساندند و این مردم اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر. و این شما آقایان هستید که مردم را می‌توانید، وزارتخانه‌هایتان می‌تواند، اداراتان می‌تواند راضی نگه دارد و می‌تواند - خدای نخواست - اشخاصی در آن باشند که ناراضی باشند، و این را با قاطعیت عمل کنید.





# مردم صاحبان اصلی کشور هستند

## بیانات امام خامنه‌ای درباره بیانیه گام دوم

که این جور بشود، این است که ملت ایران در روز جمعه‌ای که می‌آید، یک سیلی سخت‌تر به چهره‌ی استکبار خواهد زد. ۹۰/۱۲/۱۰

### مردم فتنه‌ها را خنثی کردند

دشمنان ما تصور می‌کردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدس کلید زده خواهد شد. آن‌ها خیال می‌کردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه‌ی امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، این‌ها را مایوس کرد. یک برنامه‌ریزی ده ساله کردند - این تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات می‌کند - ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد. سال ۷۸ که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال ۷۸ مردم آمدند در خیابان‌ها، توطئه‌ی دشمن را که سال‌ها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، باز یک برنامه‌ریزی ده‌ساله بود تا سال ۸۸. به نظرشان فرصتی به دست می‌آمد. به خیال خودشان زمینه‌ها را آماده کرده بودند. مطالباتی هم مردم داشتند - مردمی که وابسته‌ی به نظامند، وفادار به نظامند - فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال ۸۸ به وجود آمد. دو سه ماه تهران را متلاطم کردند - البته فقط تهران را - دو سه ماه توانستند دل‌ها و ذهن‌ها را به خودشان مشغول کنند. این‌جا هم مردم آمدند توی میدان. بعد از آن که باطن‌ها ظاهر شد، در روز قدس مردم دیدند که این‌ها حرف دلشان چیست، در روز عاشورا فهمیدند که این‌ها عمق خواسته‌هایشان تا کجاست، مردم عزیز ما به میدان آمدند و حماسه‌ی نه دی را به راه انداختند. نه فقط در تهران، بلکه در سراسر کشور، میلیون‌ها نفر در روز نهم دی، بعد هم بلافاصله در بیست و دوی بهمن آمدند توی میدان، غائله را ختم کردند. این، هنر مردم است. درود به مردم ایران. درود به ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران. ان‌شاءالله به توفیق الهی، مردم همین راه را و همین خط را و همین آرمان را و همین عزم و همت را تا آخر ادامه خواهند داد. ۹۰/۳/۱۴

### رأی مردم معیار است

هر کسی با هر تعداد رأیی که از طرف اکثریت مردم بر طبق چهارچوب قانون اساسی انتخاب شد؛ این مشروع است، دولت قانونی است و باید مردم او را قانونی بدانند و تا آنجایی که می‌توانند به او کمک کنند؛ [البته] حقوق دوجانبه‌ای برقرار است. ملت ما عزم راسخ خود را هم در تحمل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت نشان داد، هم در روز بیست و دوم بهمن، در روز قدس و در راهپیمایی عظیم اربعین این عزم را، این همت را از خود بروز داد و نشان داد. دولت، کارگزار ملت است و ملت، کارفرمای دولت است. ۹۴/۱/۱

### ملت تسلیم نمی‌شود

ملت ایران عادت نکرده است که به زورگویی دشمنان گوش فرا بدهد و تسلیم زورگویی و باج‌خواهی بشود آن طرف هر که باشد، آمریکا باشد یا دیگران. ۹۳/۱۱/۱۹

ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطه گر و سلطه پذیر است، نفی کرد. ۹۳/۱۱/۲۷

### انتخابات پرشور نشانه بیداری ملت

در همه‌ی دنیا، انتخابات پرشور، مظهر زنده بودن و حضور با اراده و عزم راسخ یک ملت در عرصه‌هاست. هر جا انتخابات با شرکت گسترده‌ی مردم باشد، این نشانه‌ی این است که ملت در آن کشور بیدارند، هوشیارند و با نظام خود همراهند. می‌خواهند این را از دست ملت ایران بگیرند. همه‌ی این صدها و هزارها و - اگر این رسانه‌های تازه پدید آمده‌ی اینترنتی را هم محاسبه کنیم، سر به میلیون‌ها می‌زند - میلیون‌ها رسانه را به کار انداختند، برای این که مردم را دل سرد کنند. گاهی گفتند مردم شرکت نمی‌کنند، گاهی گفتند تحریم می‌کنند، گاهی گفتند تقلب می‌شود، گاهی گفتند چه و چه؛ برای این که مردم پای صندوق رأی نیایند، دل سرد بشوند. آئی که من احساس میکنم و از لطف الهی احتمال قوی می‌دهم



### حرکت ملت برای احیای ارزش‌ها

عزیزان من! باور کنیم آن حرکتی که این ملت قوی و شجاع و مؤمن به رهبری امام بزرگوار و عزیز ما به وجود آورد و انجام داد، در طول تاریخ - نه این که در زمان ما - کم‌نظیر است. کار عظیمی شد، کار بزرگی شد. من و شما که در دل این کار قرار گرفته‌ایم و هر کدام به قدر وسع خودمان، توان خودمان، عرضه‌ی خودمان داریم یک حرکتی می‌کنیم، نمی‌توانیم یک ارزیابی کاملی از این حرکت عظیم بکنیم؛ مگر آن وقتی که انسان خودش را از این ابعاد خارج کند؛ فکر کند، مقایسه کند، وضع دنیا را ببیند؛ حرکت‌های عظیم جهانی و بشری را ببیند؛ انگیزه‌های گوناگونی را که پشت سر حرکت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی هست، مشاهده کند؛ نقش قدرت‌های مستکبر را - همان «اکابر مجرمیها لیمکروا فیها» که در قرآن هست - ببیند؛ نقش سیاست‌های مخرب را در قبضه کردن دنیا و فشردن بشر در بین چنگال‌های خونین و آهنین خودشان به خاطر منافع خاص، مشاهده کند؛ بعد ببیند این حرکت چه حرکت عظیمی بود. حرکت یک ملت برای احیای ارزش‌های اسلامی - که اصیل‌ترین ارزش‌های انسانی هم همین ارزش‌های اسلامی است - در دنیائی که همه‌ی عوامل زور و قدرت علیه این ارزش‌ها به کار گرفته شده است، خیلی کار بزرگی بود، خیلی کار عظیمی بود. ۹۰/۲/۱۴

### مردم، متن هستند

ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه‌ی تیغ‌های دشمن در مقابل آن‌ها کند می‌شود. مردم در تشکیل این نظام، در بر روی کار آوردن مسئولان این نظام نقش دارند، پس مردم احساس مسئولیت می‌کنند؛ مردم برکنار نیستند. ۸۷/۷/۱۵

### دوران حکومت مردم

دوران جمهوری اسلامی یعنی دوران حاکمیت آن کسانی که از مردمند، با مردمند، منتخب مردمند، در کنار مردمند، رفتارشان شبیه رفتار مردم است. ۸۷/۷/۱۴

### نظام متکی به مردم

نظام جمهوری اسلامی عبارت است از همان ملت ایران. آن روزی که یک نظامی از مردم منقطع بشود، بله آن نظام در تهدید است؛ اما نظام جمهوری اسلامی که متکی به آراء مردم، عواطف مردم، ایمان مردم، متکی به حمایت قاطع مردم است، با یک چنین نظامی از این راه‌ها نمی‌شود مقابله کرد. ۸۷/۴/۲۶

### مردم، صاحبان اصلی کشور

انقلاب صفحه را برگرداند؛ مردم شدند صاحب کشور، صاحب اختیار کشور و تصمیم‌گیر در مسائل کشور. حضور مردم در صحنه به این معناست. بعضی نگویند که مردم را فقط برای انتخابات می‌خواهند؛ نه، انتخابات یک نشانه است. این ملت، یک ملت زنده است. نشانه‌ی زنده بودن هم پیشرفت کردن در میدان‌های مختلف است. مردم با توکل به خدا و با قصد تقرب الی الله - که یک عبادت است - وارد میدان انتخابات شوند و صحنه‌ی آن را گرم کنند. ۸۵/۹/۲۲

### ملت حاضر در صحنه

ملت و جوانان ما در صحنه‌اند. در هر میدانی که این ملت احساس کرد که حضور او مورد نیاز کشور است، با همه‌ی شور و شوق وارد شد. ملت ما ملت بزرگ، شجاع، مومن و باصفا و بااخلاصی است. قدر این ملت را بدانید؛ قدر خدمت به این ملت را بدانید؛ قدر خدمتگزار این ملت بودن را بدانید که افتخار بزرگی است. ۸۵/۸/۲

### مردمی‌ترین نظام دنیا

مردمی بودن، یعنی این انقلاب از سوی مردم وفادارانه مورد حمایت قرار بگیرد؛ نظام اسلامی از سوی مردم مورد تأیید و حمایت و پشتیبانی کامل قرار بگیرد. این هم در طول این مدت تأمین بوده است. اگر حضور مردم نمی‌بود، اگر فاصله‌ی بین مردم

و نظام ایجاد می‌شد، نظام نمی‌توانست در

مقابل دشمنان مقاومتی بکند. این

حضور مستحکم مردم است

که پشتوانه‌ی ایستادگی

مسئولان است. این،

### ایمان تمدن‌ساز

جمهوری اسلامی هویتی غیر از هویت مردم و ایمان مردم و عزم مردم که ندارد. امروز هم همین جور است. ما کسی نیستیم، ما چیزی نیستیم؛ خدای متعال به وسیله‌ی این مردم و این دل‌هاست که این نظام را حمایت می‌کند؛ «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» خداوند متعال به پیغمبرش می‌فرماید که پروردگار، تو را به وسیله‌ی مؤمنین یاری کرد. جمهوری اسلامی امروز هم همین جور است، آن روز هم همین جور بود. ما وسیله‌ی دیگری نداریم؛ وسیله، همین ایمان‌های مردم است که از هر سلاحی کارآمدتر است، از هر وسیله‌ای مؤثرتر است. آن روز هم همین جور بود. مردم آمدند این توطئه‌ها را جارو کردند. البته یک توطئه که جارو شد، معنایش این نیست که توطئه تمام شد؛ خوب، دشمن بیدار است؛ یک بازی دیگری، یک توطئه‌ی دیگری، یک ماجرای دیگری. مردم که بیدار بودند، فرقی نمی‌کند؛ صد تا توطئه هم که بیاورند، مردم در مقابلش می‌ایستند و حرکتشان را هم ادامه می‌دهند. حرکت عظیم ملت ایران متوقف نمی‌شود؛ هم پیش می‌روند هم در عین حال با معارضة‌ها، با دشمنی‌ها و با مزاحمت‌ها مقابله می‌کنند. این وضعی بوده است که در این سی سال وجود داشته است. آحاد مردم، مسئولین، غیرمسئولین، بخصوص جوان‌ها، بخصوص کسانی که سخن و حرفشان تاثیر دارد، احساس مسئولیت حضور در صحنه را از دست ندهند. ۸۷/۱/۶

### امت، بدنه مردم است

امت اسلامی زید و عمروی نیستند که به هر وسیله‌ای بر بخشی از این بدنه‌ی عظیم تسلط پیدا کرده و حکمرانی کنند. امت، این بدنه‌ی مردم است. برکات و خیرات در این بدنه‌ی عظیم است و اراده‌ی آن‌هاست که می‌تواند کوه‌ها را جابه‌جا کند. ۸۸/۸/۴

دو تا نقطه‌ی اصلی است؛ دین و مردم. لذا دشمن هم همین‌ها را آماج حملات خود قرار داده است؛ دین را یک‌جور، وفاداری و اعتقاد مردم را یک‌جور. این که شما ملاحظه می‌کنید از سال‌های دهه‌ی ۶۰ از دوران حیات بابرکت امام، چه دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بی‌مزد و منت آن‌ها از داخل، مقدسات دینی را، حقایق دینی را، بینات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار دادند، این یک چیز تصادفی نبوده است؛ روی این تکیه داشته‌اند. این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلم‌های ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن‌سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن گوشه اتفاق افتاد، برای این که ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه‌ی بی‌پندوباری و اباحی‌گری، تا ترویج عرفان‌های کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه‌ی کلیساهای خانگی؛ این‌ها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند. ۸۹/۷/۲۷

است. بعضی‌ها از بچه‌های خوب و انقلابی تعجب می‌کنند که فلانی مدام می‌گوید در انتخابات شرکت کنید، شرکت کنید؛ از من گله‌مند می‌شوند که چرا شما مدام گفتید بیایید در انتخابات شرکت کنید. آقا جان! توجه داشته باشید که مصیبت، آن‌روزی است که مردم پشت کنند به صندوق رأی؛ این مصیبت است؛ و دشمن این را می‌خواهد. الان شماها باید زودتر از من بشنوید، بنده هم شفته‌ام صداهایی را که بلند می‌شود، آرزو می‌کنند و انتظار می‌کشند روزی را که نود درصد مردم پای صندوق‌ها شرکت نکنند. حالا مثلاً فرض کنید که گفتند بیست و چند درصد پای صندوق‌ها شرکت نکردند، نیامدند؛ می‌گویند این کافی نیست، باید کاری کنیم که نود درصد مردم پای صندوق‌های رأی نیابند؛ مصیبت آن است. بنده آن را می‌بینم. حضور مردم پای صندوق رأی، یک نعمت بزرگی است. «مردم‌سالاری»، این جزو کلیدواژه‌های اصلی است؛ این را فراموش نکنید، خب، شما می‌خواهید که مردم پای فلان صندوق بیایند، پای آن صندوق نیابند، خب تلاش کنید تا آن کاری که شما می‌خواهید تحقق پیدا کند. جلوی حضور مردم پای صندوق رأی نایستید. ۹۶/۳/۱۷

#### اداره کشور به دست مردم

از جمله‌ی مبانی مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام و شعارهای امام بزرگوار، مسئله‌ی مردم‌سالاری بود؛ یعنی اختیار حاکمیت کشور در دست مردم باشد؛ مردم انتخاب کنند، مردم بخواهند، مردم اراده کنند؛ در همه‌ی عرصه‌های زندگی. یکی از شعارهای امام مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی این که به مردم می‌گفت و تکرار می‌کرد که شما می‌توانید، شما قادرید؛ در علم، در صنعت، در کارهای اساسی، در اداره‌ی کشور، در مدیریت بخش‌های مهم کشور، در اقتصاد و غیره، شما قادر هستید خودتان روی پای خودتان بایستید. این‌ها جزئیات‌های شخصیت امام بود که توانست جوان‌ها را جذب کند. و جوان‌ها آمدند به نهضت امام بزرگوار پیوستند، انقلاب به پیروزی رسید. ۹۶/۳/۱۴

#### اقتدار نظام با حضور مردم

مردم - ملت ایران - خود را دارند آماده می‌کنند برای یک حماسه‌ی بزرگ، برای انتخابات، با شور و شوق. آن طوری که من می‌شنوم و اطلاع پیدا می‌کنم، بحمدالله شور و شوق انتخابات در سرتاسر کشور در مردم هست؛ مردم خودشان را دارند آماده می‌کنند. خب این خیلی مهم است؛ این درخشش ملت ایران در یک حماسه‌ی بزرگ دیگر است. هر کدام از این انتخابات‌ها که شما در آن‌ها شرکت می‌کنید، یک حماسه است، یک حرکت عظیم مردمی است که جلوی چشم‌های مردم دنیا قرار می‌گیرد؛ عزت ملت را بالا می‌برد، قدرت ملی را افزایش می‌دهد. انتخابات‌ها این‌جور است؛ مردم‌سالاری اسلامی را در مقابل چشم مدعیان سیاست در دنیا به نمایش می‌گذارد. مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی یک اندیشه‌ی نو بود، یک تجربه‌ی نو برای بشریت بود که به‌وسیله‌ی نظام جمهوری اسلامی و امام بزرگوار عرضه شد؛ این را شما روز جمعه در مقابل چشم مردم دنیا - از سیاستمدار و تحلیل‌گر و مسئول و مدیر و غیر مدبر و آحاد ملت - به نمایش می‌گذارید و نشان می‌دهید؛ اهمیت انتخابات این است.

#### همه جا با مردم

یکی دیگر از خطوط اصلی خط امام، نقش مردم است؛ هم در انتخابات که امام در این کار واقعا یک حرکت عظیمی انجام داد، هم در غیر انتخابات، در مسائل گوناگون اجتماعی. در هیچ انقلابی در دوران انقلاب‌ها - که نیمه‌ی اول قرن بیستم، دوران انقلاب‌های گوناگون است؛ در شرق و غرب دنیا انقلاب‌های مختلفی با شکل‌های مختلف به وجود آمد - سابقه ندارد که دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، یک فرآیند عمومی برای انتخاب شیوه‌ی حکومت و نظام حکومتی انجام بگیرد؛ اما به همت امام در ایران این اتفاق افتاد. هنوز یک سال از انقلاب نگذشته بود که قانون اساسی تدوین و تصویب شد. در آن ماه‌های اول که تدوین قانون اساسی هنوز انجام نشده بود و تأخیر افتاده بود، یادم هست یک روز امام ماها را خواستند، رفتیم قم - آن وقت ایشان هنوز قم بودند - با اوقات تلخی گفتند که قانون اساسی را زودتر تدوین کنید. آن وقت انتخابات مجلس خبرگان راه افتاد و مردم خبرگان را برای تدوین قانون اساسی انتخاب کردند؛ بعد هم که قانون اساسی تدوین شد، آن را به رأی عمومی گذاشتند؛ فرآیند مردم‌سالاری را انتخاب کردند. بعد هم انتخابات ریاست جمهوری و مجلس برگزار شد. در سخت‌ترین دوران جنگ که تهران زیر بمباران دشمن بود، انتخابات تعطیل نشد؛ حتی تا امروز یک روز انتخابات در ایران تأخیر نیفتاده است. کدام دموکراسی را در دنیا شما سراغ دارید؟ انقلاب‌ها که هیچ؛ در هیچ دموکراسی‌ای، با این دقت، سر موقع، آراء مردم به صندوق‌ها ریخته نمی‌شود. این خط امام است. ۸۹/۳/۱۴

#### نقش مردم در حکومت

توصیه‌ی بعدی، چند کلیدواژه‌ی اصلی هست، این کلیدواژه‌های اصلی را فراموش نکنید:

مسئله‌ی «نقش مردم در حکومت» یکی از این کلیدواژه‌ها است؛ این کلیدواژه

ببینید آن کشوری که پایه‌های مردمی بودنش به این استحکامی است که امروز در ایران اسلامی مشاهده می‌کنید، کجاست؟ در جاهای دیگر، بین مسئولان و مردم، رابطه‌ی عاطفی و احساسی، رابطه‌ی عشق و محبت و رابطه‌ی ایمان دیده نمی‌شود. در ایران اسلامی، چون مردم مسئولان‌شان را می‌شناسند و با آن‌ها رابطه‌ی قلبی، رابطه‌ی ایمانی و رابطه‌ی عاطفی دارند، در انتخابات شرکت می‌کنند؛ در مبارزات و در سازندگی شرکت می‌کنند؛ در هر جا که مسئولان کشور از آن‌ها استمداد کنند، با میل و رغبت شرکت می‌کنند. ۷/۳/۷۹

### انتخابات پایه استحکام نظام

انتخابات، فقط یک پدیده‌ی سیاسی نیست. انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق و مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است. امروز در دنیا چه در کشور ما و چه در هر جای دیگر روی این حساب می‌شود که چند درصد از کسانی که می‌توانستند رأی بدهند، در یک انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. از نظر مردم دنیا و تحلیلگران و سیاست‌گذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیشتری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوق‌ها بیایند و رأی بدهند. این نشانه‌ی استحکام یک نظام است؛ که بحمدالله ما این را در انتخابات‌های گوناگونی که در این سال‌های متوالی داشته‌ایم، همیشه نشان داده‌ایم و مردم حضور قوی‌ای داشته‌اند. هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به‌دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانون‌گذارانشان را در قوه‌ی مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آن‌هاست؛ اما تکلیف هم هست. این‌طور نیست که یکی بگوید من نمی‌خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته‌ی به احقاق و استنفاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند. نظام جمهوری اسلامی توانسته است این حق را در اختیار مردم بگذارد؛ اما در گذشته ما این حق را نداشته‌ایم. در نظام‌های گذشته، مردم از استفاده از چنین حقی محروم بودند. نظام جمهوری اسلامی این حق را داده است؛ باید مردم بروند و استنفاذ کنند. گاهی یک رأی هم مؤثر است؛ هیچ‌کس نگوید رأی من تنها چه تأثیری دارد. گاهی یک رأی یا چند رأی، در سرنوشت یک کشور اثر می‌گذارد. شما می‌توانید با رأی دادن خودتان، شخص مؤمن صالح را به مجلس بفرستید. آن کسی که به مجلس رفت، در هنگامه‌ی حساس آن‌جایی که رأی یک نماینده می‌تواند سرنوشت کشور یا یک قشر، یا سرنوشت اقتصاد را معین کند رأی او کارساز خواهد بود. لذا هیچ‌وقت کسی نگوید که رأی من چه تأثیری دارد. مهم این است که در روز انتخابات، این شاء الله همه‌ی مردم زن و مرد، پیر و جوان و هر کس که از لحاظ قانونی می‌تواند رأی بدهد بروند و رأی بدهند و انتخابات را پُرشور و پُررونق کنند. هر کس که به نظام اسلامی علاقه دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. هر کس که به سربلندی نظام جمهوری اسلامی علاقه‌ای دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. پیش‌بینی من این است: آن‌چنان که ما از این ملت بزرگ و آگاه و هوشمند تاکنون حضور در همه‌ی صحنه‌ها را دیده‌ایم، این شاء الله در این انتخابات هم پُرشور و با علاقه شرکت می‌کند و حضور خودش را اعلام خواهد کرد و در واقع طرفداری‌اش را از اسلام و نظام اسلامی نشان خواهد داد. ۷۸/۱۱/۲۶

همه هم در دنیا چشمشان به این انتخابات شما است؛ این را عرض بکنیم. همه عرض می‌کنیم یعنی مسئولان کشورها، از دستگاه‌های دولتی آمریکا شما بگریید، تا قدرت‌های اروپایی و کشورهای اروپایی، تا دولت‌هایی در این منطقه که دنباله‌رو آمریکا هستند، تا آن نخست‌وزیر گردن‌شکسته‌ی رژیم صهیونیستی -همه‌ی این‌ها- چشمشان به این است که شما روز جمعه چگونه وارد میدان می‌شوید و با چه حجمی وارد میدان می‌شوید، با چه روحیه‌ای وارد عرصه‌ی انتخابات می‌شوید؛ همه دارند نگاه می‌کنند. این یک طرف قضیه است؛ یک طرف دیگر قضیه هم ملت‌های منطقه‌اند که غالباً با چشم عظمت به ملت ایران نگاه می‌کنند و نگاه آن‌ها حسرت این آزادی و این مردم‌سالاری را که در این‌جا هست می‌برند و نگاه می‌کنند و ملت ایران را تحسین می‌کنند. این‌ها هم دوستداران شما هستند؛ این‌ها هم چشمشان در روز جمعه به انتخابات است. اگر انتخابات ما یک انتخابات ضعیفی باشد، شرکت مردم ضعیف باشد، یک‌جور قضاوت می‌کنند، یک‌جور تصمیم‌گیری می‌کنند؛ اگر حضور مردم، حضور هوشمندانه، قوی، در صحنه و با حجم زیاد باشد، جور دیگری قضاوت می‌کنند، جور دیگری نظر می‌دهند. حقیقتاً جمهوری اسلامی با تجدید این انتخابات‌ها در سال‌های معین و دوره‌های معین، طراوت تازه‌ای پیدا می‌کند؛ خود را در دل‌ها و چشم‌های مردم دنیا به شکل جدیدی، به شکل برجسته‌ای، به شکل طرفه‌ای مجسم می‌کند و نشان می‌دهد؛ این است که واقعا روز انتخابات برای نظام جمهوری اسلامی، روز جشن است، روز شادی و شور است. ۹۶/۲/۲۷

### انتخابات رکن مردم‌سالاری

انتخابات در کشور ما بسیار مهم است، نه فقط انتخاب ریاست جمهوری؛ انتخابات مجلس هم همین‌جور است، انتخابات شوراها هم همین‌جور است. انتخابات یکی از دورکن مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی روی دو ستون ایستاده است؛ یکی از این دو ستون رأی مردم است، انتخابات است. ما به برکت انتخابات به دنیا فخر می‌فروشیم. دشمنان برای کوبیدن ملت ایران و جمهوری اسلامی انتخابات ما را ندیده می‌گیرند و متهم می‌کنند. این نشان می‌دهد انتخابات خیلی مهم است. انتخابات بسیار مهم است. مایه‌ی عزت ملی است؛ مایه‌ی تقویت ملت ایران است؛ مایه‌ی آبروی ملت ایران است.

آن‌چه امروز در [باره‌ی] مسئله‌ی انتخابات عرض می‌کنم این است که این یک پدیده‌ی اقتدارآفرین است؛ مردم دنیا، صاحب‌نظران دنیا در مقابل فکر مردم‌سالاری دینی که در دنیا مطرح شد، مجذوب شدند. در مقابل مکاتب گوناگون مثل لیبرالیسم و کمونیسم و فاشیسم و امثال این‌ها، امام بزرگوار مردم‌سالاری دینی را که همان جمهوری اسلامی است، وارد میدان کرد و ملت‌ها را و خواص را در همه‌ی امکته‌ی عالم، در همه‌ی کشورهای دنیا مجذوب خود کرد. این مردم‌سالاری دینی متکی است به انتخابات و باید در انتخابات واقعا ملت ایران برخشد. آن‌چه من عرض می‌کنم و در درجه‌ی اول برای این حقیر مهم است، شرکت عمومی در انتخابات است و [اینکه] همه‌ی آحادی که می‌توانند رأی بدهند و مشمول قانونند وارد انتخابات بشوند و انتخابات را پُرشور کنند؛ این اولین خواسته و مهم‌ترین خواسته‌ی ما است. ۹۶/۱/۱

### ارتباط بی‌ظنیر مردم و مسئولان

شما نگاه کنید به این کشورهای منطقه‌ی ما و بسیاری از کشورهای دیگر دنیا،

اشاره: متن حاضر به ابعاد دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله جوادی آملی در مورد نقش مردم در گام دوم انقلاب می‌پردازد. در این مقاله کوشیده‌ایم تا ابتدا ویژگی‌های ملت ایران و سپس نقش مردم در گام دوم انقلاب را بیان کنیم در ادامه نیز به مسئله وظایف و تکالیف مردم و مسئولین از منظر ایشان پرداخته‌ایم. مطالب پیش‌رو با استفاده از بیانات گوناگون ایشان تدوین گردیده است.

## ملت بی‌کار را خدا رها می‌کند!

نقش مردم در گام دوم انقلاب با تاکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی دام‌طهره



## ویژگی‌های ملت بزرگ ایران

### مدافع انقلاب و نظام

ملت با عظمت ایران هیچ‌گاه دست از انقلاب و نظام و ولایت فقیه بر نخواهد داشت.

### قدرشناس و بزرگوار

اگر کسی صادقانه به مردم خدمت کرد آثار خدمت خود را از این مردم خواهد دید زیرا این مردم بزرگوار کشور، قدرشناس و حق‌شناس هستند و ادب و بزرگواری فراوانی دارند که هرگز خدمت صادقانه را فراموش نخواهند کرد که این نشئت گرفته از عظمت، بزرگواری، درک و عظمت فکری شما مردم است.

### مردم فرشته‌گونه ایران

مردم ایران در جریان دفاع مقدس و بعد آن فرشته‌گونه برخورد کردند، آن‌ها در جریان دفاع مقدس که در حقیقت ده سال طول کشید، چرا که ۲ سال هم جنگ داخلی در کشور بود، آن همه ترور شدند و شهید دادند، سپس هشت سال هم دفاع مقدس که در آن حداقل هزاران شهید از دست دادند و آسیب‌های فراوانی که به شهر و روستاهای ایران وارد شد، اما وقتی که امام (رضوان الله علیه) قطعنامه را قبول کرد و مسئولین پذیرفتند و مردم بزرگ و بزرگوار ایران پذیرفتند، به استناد آیه مبارکه سوره «توبه» که فرمود: شما با مشرکین وقتی تعهد دادید و امضا کردید، پای امضایتان بایستید، نگویید این‌ها مشرک‌اند، بت‌پرستانند، بلکه باید وفای به عهد داشته باشید؛ این مردم ایران پای تعهد خودشان ایستادند و با آن همه مصیبتی که از صدام دیده بودند، در جریان حمله رژیم بعث عراق به کویت، حاضر نشدند حتی یک گلوله از سمت ایران به عراق پرتاب شود؛ این‌ها شرف و تمدن ایران است که قرآن و عترت به ما آموخته است.

### ملت با کرامت

ما ملتی هستیم که در طول تاریخ به ویژه در دوران دفاع مقدس و بعد از آن، کرامت خود را به جهان اثبات کرده‌ایم لکن یک فردوسی نداشتیم که این حماسه‌ها را ثبت و بیان کند و به گوش همگان برساند.

### نقش مردم در گام دوم انقلاب

مادامی که مردم در صحنه نباشند شکست قطعی است

در گام دوم وظیفه داریم خطرهایی که متوجه نظام و انقلاب است را بررسی کنیم و در این راستا نقش مهمی خواهیم داشت. داشتن یک رهبر خود یک طرف موضوع است، رهبر جامعه اسلامی حتی اگر حضرت علی علیه السلام باشد، مادامی که مردم در صحنه نباشند شکست قطعی است پس باید با همه وجود تلاش کنیم نخست دین به اسارت نرود و دوم این که مردم از دین جدا نشوند.

## مردم انقلابی؛ عامل پیروزی انقلاب اسلامی

اگر کسی انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب صدر اسلام بسنجد که چرا رهبری چون حضرت علی علیه السلام پیروز نمی‌شود، ولی وارث آن حضرت امام خمینی علیه السلام به ظفر دست می‌یابد، سرش را در بیانات وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام چنین خواهد یافت که حضرتش فرمود: من دارو در اختیار دارم و خود نیز طیب هستم، ولی دستیاران و بهیاران و پزشکان من که رابط بین من و بیماران هستند، خود، بیمارند. دستیار و پرستار بیمار و پزشک و طبیب و بهیار بیمار، هرگز رابط خوبی بین طبیب متخصص و امت بیمار نخواهند بود. اکنون بنگرید و ناله‌ی حضرت علی علیه السلام را بشنوید که فرمود: «آریدُ انْ اُداوِی بکم و اُتَمِّم دائی کناقش الشوکة بالشوکة و هو یعلم انْ ضلعها معها». فرمود: من می‌خواهم این جامعه‌ی بیمار را درمان کنم، اما به وسیله‌ی کسانی که آن‌ها گذشته از این که مریض‌اند، مرض‌آفرین نیز هستند. آن‌ها نه تنها به درد مبتلایند، بلکه دردمند هستند و دردآفرین: «آریدُ انْ اُداوِی بکم و اُتَمِّم دائی». آنگاه فرمود: عده‌ای ناکث، گروهی مارق و دست‌های قاسط هستند که: «حلیت الدنیا فی اعینهم بزبرجها و زُخرفها». لذا حضرت علی علیه السلام به ظفر نرسید. و این برای آن نیست که (معاذ الله) رهبری آن حضرت علیه السلام به نصابش نرسیده بود، یا امویان از استکبار جهانی کنونی مکارتر بودند! این چنین نیست، اگر کید استکبار جهانی کنونی، قوی‌تر از سیاست‌بازی امویان نباشد، لاقلاً همتای آن‌هاست اما چطور وارث حضرت علی علیه السلام پیروز می‌شود و خود آن حضرت علیه السلام شکست می‌خورد؟ سرش را در میان سه رکن انقلاب؛ باید در رکن دوم و سوم، یعنی «میدان انقلاب» و «انقلابیون وفادار» جستجو کرد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من می‌خواهم بیماری بیماران را درمان کنم، اما دستیاران من خود مریض‌اند، بلکه درداند و دردآور.

### سیر پیروزی امام امت علیه السلام

سیر پیروزی امام امت علیه السلام این بود که هم آن حضرت وارث تام حضرت علی علیه السلام بود و هم مردم گران‌قدر ایران اسلامی وارثان اصحاب حسین بن علی علیه السلام بودند، که هیچ ناکث و مارق و قاسطی در بین حواریین حضرتش نبود. اگر سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام اصحابی همانند مردم ما می‌داشت، حتما حکومت نحس امویان و مروانیان به دست نیستی سپرده می‌شد، ولی با جمعیت کم ممکن نبود صحنه‌ی انقلاب را پر کنند. مردم فداکار ایران اسلامی تاکنون گفتند: «خدا»، و پایدار و مستقیم بودند و از این به بعد نیز ان شاءالله وفادارتر خواهد بود و با روح مطهر حضرت امام خمینی علیه السلام پیمان می‌بندند که همچنان در صحنه‌ی ثوره و میدان انقلاب باقی و برقرار باشند.

### حکومت اسلامی بدون اراده‌ی مردم متحقق نمی‌شود

حکومت اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده‌ی مردم متحقق نمی‌شود و تفاوت اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های جابر در همین است که حکومت اسلامی، حکومتی مردمی است و بر پایه‌ی زور و جبر نیست، بلکه بر اساس عشق و علاقه‌ی مردم به دین و

حاکم اسلامی صورت می‌پذیرد و هرچه مردم از اخلاق و معارف دینی بهره‌مندتر باشند و هر چه احکام دینی را بیشتر عمل کنند و هر چه از اتحاد و همبستگی و الفت الهی برخوردار بیشتتری داشته باشند، حکومت اسلامی نیز استوارتر و در رسیدن به اهدافش موفق‌تر است و هیچ‌گاه نباید تصور نمود که اگر مردم با حکومت اسلامی نباشند و اگر مؤمنان راستین کمر همت نبندند، خداوند حکومت اسلامی را برپا می‌دارد.

#### مردم ستون دین هستند

حضرت امیر علیه السلام در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشتند فرمودند: ای مالک! بدان مردم ستون دین هستند. در دوران حکومت سقیفه هم نماز و حج و زکات بود اما آن‌ها در اسارت بودند و از حج و نماز اسیر، کاری ساخته نیست، این غدیر است که می‌تواند دین را آزاد کند. ما این افتخار را داریم که با جان و دل منتظر ظهور حضرت حجت علیه السلام باشیم؛ اما حضرت امیر علیه السلام نقش مردم در جامعه اسلامی را به خوبی بیان می‌کنند و می‌فرمایند مهم‌ترین ستون دین، مردم‌اند، داشتن رهبر معصوم نیمی از قضیه است نیم دیگری از وظیفه به عهده مردم است، مانند حکومت حضرت امیر علیه السلام که هر چند رهبر، معصوم بود اما چون مردم همراه حضرت نبودند، به شهادت حضرت منتهی شد. این جمله حضرت که «مردم ستون دین هستند» یک جمله خبری است که صیغه تربیتی دارد این جمله خبری به داعیه انشاء القاء شده است یعنی مردم بکوشید تا ستون دین باشید؛ جامعه مهدوی جامعه‌ای است که ستون دین باشد.

#### وظایف و تکالیف مردم

##### جلوگیری از اسارت دین

ما انقلاب نکردیم که آزاد باشیم زیرا ما بنده خدا هستیم بلکه انقلاب کردیم که دین را از اسارت آزاد کنیم؛ برخی حرف از غدیر می‌زنند اما سقیفه را در سر می‌پروراندند. این که می‌گوییم غدیری هستیم یعنی انتخاب از سوی خدا است نه مردم. مهم‌ترین رهاورد غدیر این است که نگذاشت دین اسیر باشد. سقیفه برای اسارت دین و غدیر برای نجات دین آمده است.

#### تعقل و تفکر

در عصر غیبت وظیفه ما فهم است و فهم؛ وقتی این شد بقیه امور حل است... الآن اگر وجود مبارک حضرتش وجود و ظهور پیدا کند اداره هفت میلیارد بشر روی کره زمین آسان است چون حضرت اولین کاری که به عنایت الهی انجام می‌دهد این است که عقل مردم را بالا می‌برد، مگر جهان با کشتن اصلاح می‌شود؟ این بیان نورانی حضرت امیر در نهج‌البلاغه هست فرمود حضرت که ظهور کرد همان کاری که وجود مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله کرد، امام عصر هم همان کار را می‌کند. حضرت که در حجاز ظهور کرد، این دو کار رسمی را جزء برنامه‌هایش قرار داد، در بخش اندیشه و علم و فکر آمده برهان را به جای وهم و خیال نشانده، تا آدم دهن باز نکند، چیزی که علمی نیست نگوید و ننویسد؛ در گرایش‌ها و علاقه‌ها روی میل کار نکنند، بلکه روی عقل کار کنند. کاری که آدم نتواند با آن بهشت را کسب کند این عقل نیست عاقل‌ترین مردم جهان که دیگر زیر این آسمان دومی ندارند، همین اهل بیت علیهم السلام هستند.

#### وحدت و پرهیز از اختلاف

حضرت امیر علیه السلام صراحتاً می‌فرماید هیچ کس در امت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست که به اندازه من مردم را به وحدت دعوت کرده باشد. من بر اساس سنت الهی می‌گویم هیچ ملتی در طول تاریخ از گذشته‌الی یوم القیامه با اختلاف به جایی نرسیده است.

#### جلوگیری از اشتباهات مسئولین

وظیفه‌ای که مردم دارند همان است که دین به ما می‌گوید: ﴿ادْفَعْ بِالتَّيِّبَاتِ إِلَى التَّيِّبَاتِ﴾ به بهترین روش جلوی اشتباهات مسئولین را بگیریم، این وظیفه ماست!

#### دفاع قاطع از نظام

مردم شرعاً وظیفه دارند که به بهترین وجه از نظام دفاع کنند چراکه دشمن مشترک در کمین است.

#### حضور در صحنه

وظیفه مردم این است که باید در صحنه باشند و نظام را کمک کنند. همه مردم بسیجی هستند چرا که باید همواره در صحنه باشند؛ داشتن رهبر خوب نیمی از قضیه است، رهبر ولو علی ابن ابیطالب باشد، مادامی که مردم در صحنه نباشند، شکست قطعی است.

#### دشمن‌شناسی

حضرت امیر علیه السلام در نامه‌ای خطاب به مردم مصر بیان داشتند خواب سیاسی، خواب فرهنگی، خواب اجتماعی و خواب اقتصادی باید در چشم شما در حد مزمره باشد، هرگز نگذارید خواب از محدوده چشم شما فراتر برود و وارد محدوده هوشیاریتان شود. چون دشمن شما نمی‌خواهد و همیشه بیدار است، لحظه‌ای غفلت، پیامدهای تلخی به همراه خواهد داشت در نتیجه باید همواره در صحنه بود و این معنای بسیجی بودن است.

#### اقتدار در برابر دشمن

مسئولین ما یک وظیفه‌ای دارند که حتماً باید جامعه را به خوبی اداره کنند، مردم هم اگر اعتراضی دارند عاقلانه و عالمانه بیان کنند، اما آن ضلع سومی که خدای ناکرده فساد را راه می‌اندازد، کشور را ناامن می‌کند و آشوب ایجاد می‌کند این وابسته به پیگانه است و قرآن در خصوص برخورد با دشمنان فرمود: ﴿وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غُلظَةً﴾؛ یعنی حتماً دشمنان باید در شما غلظت و ستبری را احساس کنند! این امر حاضر به ما است این که فرمود: ﴿وَلْيَجِدُوا﴾ یعنی حتماً بر شما واجب است که دشمنان در شما قدرت احساس کنند یعنی مقتدر باشید، طرزی باشید که نتوانند در شما نفوذ کنند، حالا چه جنگ نرم و چه جنگ سخت، این امر الهی است.

#### همراهی فرهنگی

بهترین وسیله برای اداره یک جامعه که با آسایش همراه است همان

همراهی فرهنگی مردم است، این را همه ما موظفیم ملت فهمیده را اداره کردن آسان است الآن اگر وجود مبارک حضرت ظهور بکند هفت میلیارد بشر روی زمین هستند برابر آن معجزه‌های خدا وعده داد که عقل انسان‌ها کامل می‌شود اداره هفت میلیارد انسان عاقل خیلی آسان است ۳۱۳ نماینده و شاگرد مثل امام دارد خیلی کار آسان است.

#### افزایش قدرت تحلیل و مطالعه

ما بخواهیم به مردم بگوییم شما انقلابی باشید آقایان! انقلابی بودن با سفارش و موعظه حل نمی‌شود انقلابی بودن مثل درس‌های مجلس ترحیم و مجلس فاتحه نیست که انسان با سفارش حل کند انقلاب، حداقل یک علم قوی غنی می‌خواهد مثل نهج‌البلاغه، این را حوزویان و دانشگاهیان ما باید بدانند، نهج‌البلاغه یک علم جان‌گیری دارد ولی آن مقداری که برای اداره کشور کافی باشد این مقدار را می‌توان از آن استنباط کرد. اگر کسی بخواهد انقلابی باشد باید جریان سقیفه را کاملا بداند، جنگ جمل را بداند، چطور علی‌بن‌ابیطالب را با آن عظمت و جمال و جلال علمی که داشت خانه‌نشین کردند امروز که دشمن نفوذی‌تر و آگاه‌تر است و سیاست‌بازتر و خطرناک‌تر است.

#### ملت بی‌کار را خدا رها می‌کند

در قرآن کریم ذات اقدس الهی فرمود هرگز خدا شما را تنها نمی‌گذارد، برای این که شما مجاهدت کردید، برای این که شما کار کردید، ملت بی‌کار را خدا رها می‌کند ملتی را که کار کرد خدا فرمود من شما را رها نمی‌کنم. در این بخش‌های قرآن کریم، ذات اقدس الهی فرمود سستی به خود راه ندهید: ﴿لَا تَهِنُوا﴾ سپس می‌فرماید ﴿وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ﴾ این ﴿تَدْعُوا﴾ مجزوم به همان لای ناهیه است؛ یعنی پیشنهاد سازش ندهید، چرا؟ برای اینکه ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ دست شما بالاست، چرا دست شما بالاست؟ بخش چهارم این است که ﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾ وقتی خدا با یک ملتی باشد آن ملت قطعاً پیروز است. بخش پنجم آیه تبیین می‌کند چرا خدا با شماست و با دیگری نیست؟ برای این که شما شهید و جانباز و آزاده دادید: ﴿وَلَنْ يَتْرُكَنَّ أَعْمَالَكُمْ﴾ این‌ها سرمایه ما هستند.

#### باید ملت متمدن باشیم

این کشور وقتی کشور اهل بیت است، که به دستور آن‌ها عمل بکنیم؛ راه عمل هم باز است، به دست ماست که این کشور را طیب و طاهر بکنیم. و در این باره مسئول هم هستیم. در این زیارت وارث می‌گوییم: «طَبَّتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ التِّي فِيهَا دَفَنْتُمْ»، شما طیب و

طاهر بودید؛ کشور را شما پاک کردید، این اصل اول. در کشوری که شهید بیارم، آن کشور را طیب و طاهر می‌کند. حالا کشور طیب و طاهر میوه‌اش چیست؟ آن را قرآن کریم مشخص کرده است. فرمود: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾؛ کشور پاک مردم بفهم تربیت می‌کند، مردان پاک و زنان پاک میوه آن مملکت هستند. دهه کرامت، مسجد، حسینیه، برای این است که ما راحت زندگی کنیم. جامعه‌ای که می‌تواند راحت زندگی کند چرا عمداً بی‌راه برود؟ در تمام این بخش‌ها راه بهتر زندگی کردن را به ما یاد دادند. تمام دستوره‌های دینی ما این است که تمدن ما را در تدین ما تأمین کند. ما باید ملت متمدن باشیم و تمدن ما هم در تدین ماست.

#### وظایف و تکالیف مسئولین

##### توجه به نظر و آبروی مردم

همان‌گونه که کسی نماز نخواند، دینش ستون ندارد، کسی هم که بخواهد به آبروی مردم اهمیت ندهد و مردم را نادیده بگیرد و به نظر مردم احترام نگذارد، سیاستش اسلامی نیست.

##### برنامه ریزی و تقسیم کار دقیق

در حالی که ما دهه کرامت و ولایت و امثالهم داشتیم، برخی دهه غارت و چپاول در کشور به راه انداختند، با این تفاوت که دهه‌های ما ده روزه است اما دهه آن‌ها ده سال طول کشید. لذا بیان حضرت امیرعلیه السلام این است که وقتی شما می‌خواهید یک نظام را اداره کنید هم نسبت به اعمال خود و اتفاقاتی که در داخل کشور رخ می‌دهد در صحنه باشید و هم نسبت به عملکرد دشمن هوشیار باشید و فعالیت‌های آن‌ها را هم مرتباً رصد کنید که این کار یک برنامه‌ریزی و تقسیم کار دقیق می‌طلبد.

##### رسیدگی به اقتصاد و اوضاع معیشتی مردم

مال، عامل قیام و قوام یک ملت است و ملت اگر بخواهد قائم و مقاوم باشد چاره‌ای نیست که کیف و جیبش پر باشد؛ چرا که ملتی که دستش تهی است از ستون محروم است، از قیام و مقاومت طرّفی نمی‌بندد و این مال است که عامل قیام یک ملت است. ملت فقیر فلج است، ملتی که جیبش خالی است، کیفش خالی است، تهیدست است، بدهکار است، مدیون است، فلج است و ملت فلج قدرت قیام ندارد، چه رسد به مقاومت.

##### به کارگیری مدیران با لیاقت

مال، عامل قیام یک ملت است، آن کسی که سفاهت اقتصادی دارد، درایت اقتصادی ندارد، صلاحیت آن را ندارد که

همان‌گونه که کسی نماز

نخواند، دینش ستون ندارد،

کسی هم که بخواهد به

آبروی مردم اهمیت ندهد

و مردم را نادیده بگیرد و به

نظر مردم احترام نگذارد،

سیاستش اسلامی نیست.

مال را به دست او بدهند. اگر هم هوش اقتصادی دارد و لکن طهارت قدسی و قداست عقل در او یافت نمی‌شود، او سفیه است. سفاقت در فرهنگ قرآن تنها در فقدان نظر نیست بلکه بسیاری از افرادند که از نظر علمی، خردمند و پخته و فرهیخته هستند ولی از نظر عقل عملی سفیه‌اند، قرآن کریم کسانی را که راهی راه ابراهیم خلیل سلام الله علیه نیستند سفیه می‌داند.

#### نظام را با تخصص باید حفظ کرد

نکته‌ای که هم مسئولین باید آن را ببینند و هم مردم باید آن را ببینند، این دشمن مشترکی است که برای نابودی نظام [معادالله] صف بسته است، بنابراین وظیفه همه مسئولین این است که عالمانه و محققانه، شب و روز تلاش کنند، از اقتصاددانان مملکت مشورت بگیرند و سؤال کنند، اگر اقدامی صلاح مملکت باشد، یقیناً مردم تشخیص می‌دهند و به انجام آن رضایت می‌دهند. نظام را با تخصص باید حفظ کرد، این به تعبیری از اوجب واجبات است.

#### حفظ نظام از اوجب واجبات است

حفظ نظام از اوجب واجبات است، اگر اقدامی محققانه، عالمانه و همراه با ﴿وَأْمُرُهُمْ شُورَى﴾ باشد، یک اقدامی خواهد شد که به نفع همه خواهد بود و اعتراض کسی را هم در پی نخواهد داشت.

#### تأمین اقتصاد و امنیت مردم

خدای سبحان دو نعمت مهم در کنار کعبه قرار داد: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ». فرمود خدا را شکر که اقتصاد مردم را تأمین کرد، یک: امنیت مردم را تأمین کرد. دو: آنکه به اقتصاد آسیب می‌رساند، اجناس را گران می‌کند، آن‌ها را تحریم می‌کند و این‌گونه جامعه را می‌لرزاند و امنیت و امانت جامعه را بهم می‌زند، برخلاف قرآن عمل می‌کند.

#### مردم را محترم بشمارید

تا مردم در صحنه‌اند دین زنده است! اگر خدای ناکرده مردم در صحنه نباشند رهبر علی بن ابیطالب هم باشد شکست قطعی است چه این که در صدر اسلام همین‌طور بود. فرمود اگر می‌خواهی در جایگاه خود بمانی، مردم را محترم بشمارید، خواسته مردم را گرامی بداری، با مردم باشید، ظاهر و باطنان مردمی باشد، فرمود مبدا غافل باشی، همیشه کارهایت را بررسی کن، چند لحظه‌ای در شب و روز تنها باش که من چه کردم.

#### به فکر مردم باشید

بعضی از گناهان‌اند که کفار مشخصی دارند، اما بعضی از گناهان هستند که هیچ چیزی کفار آن نیست مگر یک اصل و آن اصل این است که «إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يَكْفُرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَوْمٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يَكْفُرُهَا قَالَ الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ»، فرمود هر گناهی را که با نماز و روزه حل نمی‌کنند، بعضی از گناهان هستند که کفار آن‌ها فقط به فکر مردم بودن است؛ کوشش و تلاش، فکر و فهم، که من چگونه این مشکل مملکت را حل کنم، با این که همه چیز در این مملکت هست چه کنم که عده‌ای ندرند؟ چه کنم که عده‌ای اختلاس نکنند؟ راه را چگونه بر غارتگران ببندم؟ چقدر این کلام مبارک است!

#### مردم را ساکن کنید نه ساکت!

با فشار مردم را ساکت کردن نتیجه تلخ دارد لذا باید با نشاط مردم را ساکن، نه ساکت کرد! ما باید بین سکوت و سکون فرق بگذاریم. آن سکینت است که پشتوانه ملت است و ما باید آن را در جامعه ایجاد کنیم.

#### مسئولیت‌پذیری در برابر مردم

وجود مبارک رسول گرامی فرمود: همان طوری که از چشم و گوش خود حمایت می‌کنید و همان طوری که درباره چشم و گوش خود مسئول هستید یا مسئولیت دارید، همه مردم نسبت به یکدیگر باید به منزله‌ی چشم و گوش باشند. چقدر این بیان شیرین است! در سوره‌ی مبارک‌ی «اسراء» فرمود: ﴿لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ﴾ انسان باید مواظب چشم، گوش، دل خود باشد، گوش و چشم و دل خود را کاملاً حفظ کند، مسئول است. همین بیان نورانی سوره‌ی «اسراء» در بیان نورانی وجود مبارک پیامبر آمد، فرمود: «كَلِمَةٌ رَاعٍ وَ كَلِمَةٌ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» همه ما موظف هستیم که یکدیگر را، چشم یکدیگر بدانیم، گوش یکدیگر بدانیم، قلب یکدیگر بدانیم، مردم به منزله‌ی چشم و گوش و قلب ما هستند، این بیان، بوسیدن ندارد؟ فرمود: همان طوری که از چشم خود حمایت و حفاظت می‌کنید، از مردم حمایت کنید، نگذارید این جوان معتاد شود، نگذارید در اثر بی‌کاری و کم‌شغلی به بیراهه برود، نگویید: «بگذار تا بیفتد و ببند جزای خویش». این بیان نورانی را امام باقر (علیه السلام) رد کرد، فرمود: «بَلِيَّةُ النَّاسِ عَلَيْنَا عَظِيمَةٌ» فرمود: کار ما خیلی دشوار است، «إِنَّ دَعْوَانَهُمْ لَمْ يَجِيبُونَا وَ إِنَّ تَرْكَانَهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بَعِيرَنَا» ما نمی‌توانیم بگوییم، «بگذار تا بیفتد و ببند جزای خویش»، فرمود: ما خیلی مسئول هستیم، ما هم شیعه این‌ها هستیم، با جان و دل این‌ها را پذیرفتیم، این‌ها را بالاتر از جان خود می‌دانیم، حرف‌های این‌ها را پذیرفتیم، فرمود: همان طوری که از چشم خود حمایت می‌کنید، از جوان‌ها حمایت کنید، همان طوری که از گوش خود مواظبت می‌کنید، از قلب خود مواظبت می‌کنید، از این جوان‌ها مواظبت کنید، نگذارید، این‌ها بیراهه بروند، کج‌راهه بروند، این فکر، فکر الهی نیست؟، این حرف، حرف آسمانی نیست؟!

#### ایجاد وحدت بین مردم و مسئولین

اگر مردم با رهبر نباشند رهبر ولو علی بن ابی طالب علیه السلام باشد شکست قطعی است، لذا باید با هوشیاری از این دو غده بدخیم «تخلف» و «اختلاف» خود را دور نگه داریم تا به آن تجربه تاریخی تلخ دچار نشویم که امیدواریم به برکت وجود سرمایه‌های فراوانی همچون خون پاک شهدا و تلاش علما این نظام اسلامی از هر گزند محفظ باشد و به دست صاحب اصلی‌اش برسد.

#### رشد فرهنگی مردم

زامدار حکومت اسلامی، عهده‌دار تأمین علم و دانش شهروندان قلمرو حکومت خود می‌باشد و آیاتی مانند «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفَى ضَلَالٍ مَبِينٍ» (جمعه ۶۲)) بیانگر چنین مسؤولیتی است. مشکل اساسی جامعه در جاهلیت جدید یا کهن، همانا ندانستن اصول تمدن ناب و یا عمل نکردن به آن در فرض دانستن است؛ یعنی



چند هزار شهید پاک داد، جا برای نفوذ بیگانه نیست، آفتاب و باران هر چه فراوان هم باشند، فقط آلودگی ظاهری را پاک می‌کنند اما استعمار را فقط خون شهید است که پاک می‌کند! لذا خدا غریب رحمت کند امام راه فرمود خون بر شمشیر پیروز است! لذا حیف است که مردم این کشوری که پاک شده خون شهید است، منتظر یارانه یا سید معیشتی باشند. مردم، شأن و جایگاه مشخص و تعریف شده‌ای در حکومت دینی دارند که باید محترم شمرده شود و اساساً احترام به شؤون ایشان بنا بر آنچه در آیات الهی آمده است، منافی ارزش نهادن به احکام و قوانین دینی نیست. لذا اگر حاکم دینی به آراء قانونمند افراد جامعه ارج می‌نهد، در اصل به امر پروردگار جهان، ارزش و اهمیت گذارده است و اگر به آراء آنان که در حیطة و جایگاه خود ابراز شده، بی‌حرمتی کند، اساساً از امر الهی سرپیچی کرده است. بنابراین، «امرالناس» نیز به تبع «امرالله»، ارزش و اهمیتی خاص دارد و کم‌ارزش‌انگاشتن امرالناس، نه تنها ربطی به ارزشمند دانستن امرالله ندارد، بلکه ناسازگار با آن است.

#### لزوم خدمت به مردم

این کشور به لطف الهی همه چیز دارد و فقط یک مدیریت قوی لازم است که از این نعمات استفاده بهینه صورت گیرد؛ باید کاری که به سود مردم است صورت پذیرد، ما باید شبانه روز شاکر باشیم و در خدمت به مردم بکوشیم.

#### صیانت از این امانت بزرگ الهی

رهبری امام، خون پاک شهدا و جانبازی جانبازان، امانت الهی است که به دست ما سپرده شده و با این امانت‌ها ما موظفیم قرآن و عترت را، نظام راه استقلال را حفظ کنیم. اگر در صیانت از این ارزش‌ها کوتاهی کنیم هم در دنیا مسئولیم و هم در آخرت!

جهالت و ضلالت، دو عامل قطعی انحطاط جامعه جاهلی است و مهم‌ترین وظیفه حکومت اسلامی در بخش فرهنگ به‌معنای جامع، جهالت‌زدایی و ضلالت‌روبی است تا با برطرف‌شدن جهل و نادانی، علم و کتاب و حکمت، جایگزین آن گردد و با برطرف‌گشتن ضلالت و گمراهی اخلاقی و انحراف عملی، تزکیه و تهذیب روح، جانشین شود.

#### عمل به دستورات دین

این نظام به آسانی به دست نیامده است، تنها عامل پیروزی ما در انقلاب و دوران دفاع مقدس خدا و اهل بیت علیهم السلام بودند، اگر این سرمایه از ما گرفته شود هم دنیا و هم آخرت خود را از دست می‌دهیم لذا وظیفه داریم آنچه را دین به ما گفته عمل کنیم، اگر چنین کنیم مردم خود حافظ این نظام خواهند بود، اما مردم اگر دورویی و اختلاس و نجومی ببینند صحنه را ترک می‌کنند و در این شرایط که مردم در صحنه نباشند رهبر هر چند علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام، باشد شکست قطعی خواهد بود.

#### صد در صد طیب و طاهر باشیم

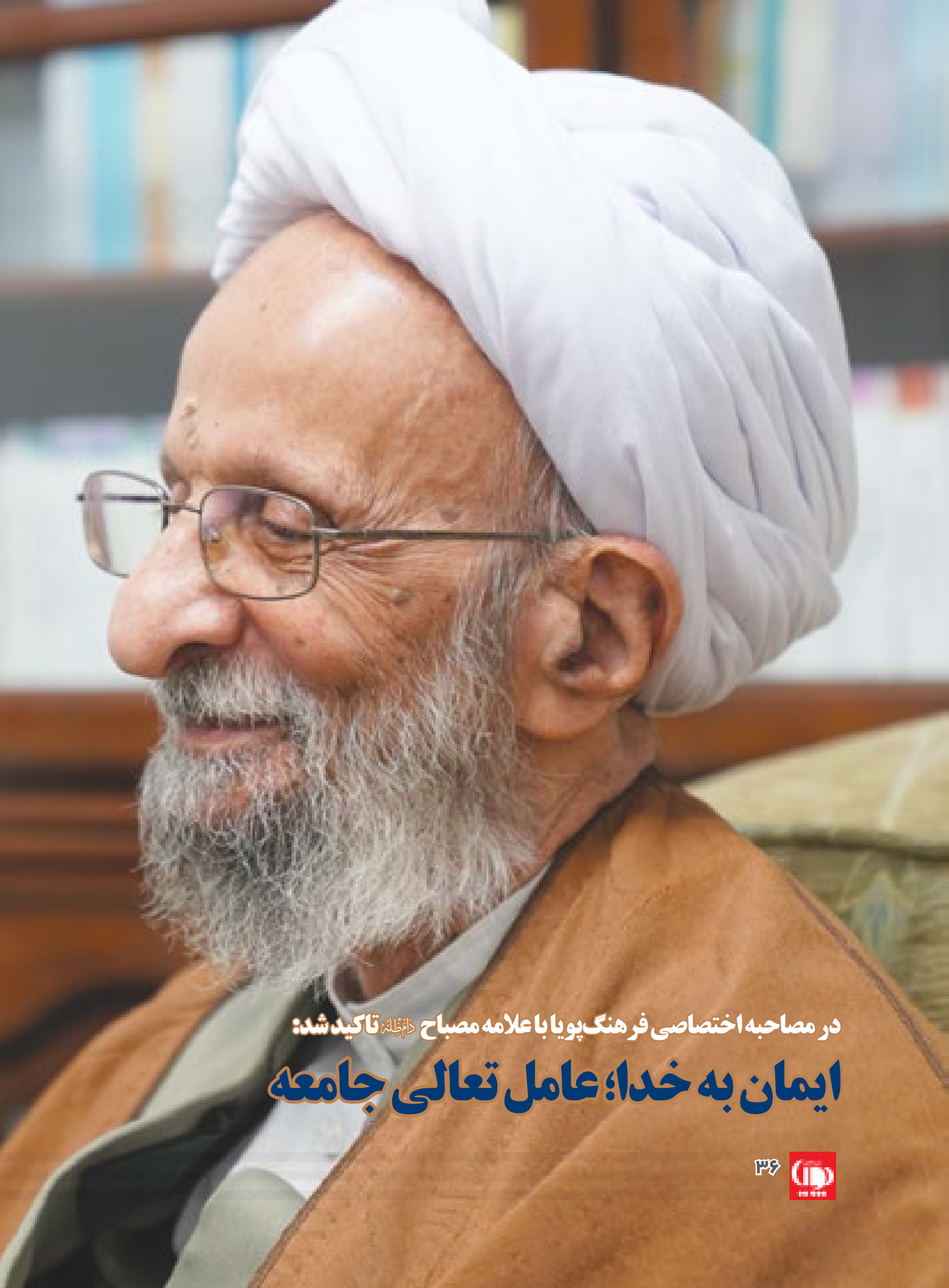
ایشان تاکید داشتند: باید صد در صد طیب و طاهر باشیم چرا که تنها عاملی که مردم را جذب می‌کند طهارت ماست. اگر ما آن چه را گفتیم عمل کردیم و خود در صف اول جهاد و شهادت بودیم هرگز مردم ما را تنها نخواهند گذاشت.

#### حق مردم را رعایت و ادا کنید

خداوند در قرآن کریم یک اصل کلی را فرمود که «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»؛ حق مردم را رعایت و ادا کنید! چیزی از حق مردم کم ندهید! مستحضرید که ایران جمعیتش یک صدم جمعیت دنیاست، اما تقریباً هفت یا هشت درصد ذخایر جهان در اختیار ایران است به همین دلیل هیچ جایی و هیچ تناسبی ندارد که خدای ناکرده انسان در صف انتخابات به دستور و راهنمایی علما و مراجع صف ببندد و مرتب به یک عده‌ای رأی بدهد آن وقت منتظر باشد که دوباره صف‌بندی کند، کمک و یارانه بگیرد! این شایسته این مردم نیست در نتیجه این «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» شامل همه موارد می‌شود؛ یعنی به مسئولان می‌گوید بکوشید درآمد کشورتان را ارزیابی کنید، نیاز کشورتان را ارزیابی کنید، حقوق مردم را ارزیابی کنید، تا خدای ناکرده حق مردم ضایع نشود. و امثال ذلک، وظیفه مسئولین هم این است که امکانات مردم را در نظر بگیرند، امکانات شهر را ببینند، اصول مدیریتی را در نظر بگیرند، نیاز مردم را در نظر بگیرند، و مردم را کریمانه اداره کنند، نه فقیرانه! جامعه را با کمیت‌آمیز اداره کردن کریمانه نیست! خدا فرمود ما انسان را کریم خلق کردیم، تنها بنابر این نیست که شکم مردم پر شود، بلکه بنابر این است که آبروی مردم محفوظ باشد، فرمود شما کریمانه جامعه را اداره کنید، این صف معیشتی، صف یارانه‌ای و امثال ذلک، اینها با کرامت انسان سازگار نیست.

#### حفظ شأن و کرامت مردم

امروز کشور به برکت خون شهداء طیب و طاهر شده است، کشوری که



در مصاحبه اختصاصی فرهنگ پویا با علامه مصباح دامت برکاته تاکید شد:  
**ایمان به خدا؛ عامل تعالی جامعه**

## اشاره

به مانند همیشه باز هم توفیق نصیب نشریه ما شد تا به محضر حضرت آیت‌الله مصباح یزدی رسیده و از راهنمایی‌ها و افاضات ایشان بهره برده و نقشه راه نشریه را در تبیین یکی از مهم‌ترین موضوعات روز یعنی نقش مردم در گام دوم انقلاب ترسیم کنیم. به مانند همیشه متواضع و صمیمی ما را به حضور پذیرفتند و در عین حال متفکر و عمیق به پرسش‌های ما پاسخ دادند. این البته از افتخارات فصلنامه فرهنگ پویا است که گفتگوهای متعددی را با این عقبه تنوریک نظام در موضوعات گوناگون داشته است. تامل مدققانه در پرسش‌های ما و پاسخ حکیمانه به آن‌ها نشان دهنده دقت نظر مثال‌زدنی این فیلسوف بزرگ عصر ماست.

مثل اینکه می‌گوییم ملت این‌گونه خواستند، یعنی مردم خواستند. بعضی گروه‌های سیاسی هم کلمه «خلق» را به کار می‌بردند و منظورشان از آن، تقریباً مرادف با مردم بود. در عربی هم کلمه «ناس» را بکار می‌برند. البته ممکن است کاربردهای این واژه‌ها هم مقداری متفاوت باشد و طبعاً با قرائن مقامی مشخص می‌شود که در هر جا مراد کدام یک از این کاربردها است. مثلاً گاهی مردم را در برابر حکومت بکار می‌بریم و می‌گوییم: در این‌جا وظیفه حکومت این است، و وظیفه مردم آن است. در این موارد، روشن است که «مردم» شامل خود حکومت نمی‌شود.

اما مراد از انقلاب چیست؟ در این‌گونه محاورات، «انقلاب» یک پدیده نو اجتماعی است؛ حالتی دفعی است، گرچه مقدماتی تدریجی دارد و در زمینه‌های گوناگون هم بکار می‌رود؛ مثل انقلاب صنعتی که با کشف نیروی بخار و اختراع ماشین بخار شروع شد، انقلاب کبیر فرانسه، یا انقلاب‌های سوسیالیستی و مانند اینها. گاهی انقلاب‌ها به یک بعدی از زندگی انسان نسبت داده می‌شود؛ مانند بعد اقتصادی، چنانکه انقلاب صنعتی مربوط به مسائل اقتصادی بود، آن هم از این جهت که در فعالیت‌های اقتصادی ماشین تا حدودی جایگزین کار دستی شد. گاهی انقلاب مربوط به بعد نظامی است؛ مثلاً وقتی گروهی با سلاح قیام می‌کنند و در جامعه مسلط می‌شوند، می‌گویند انقلاب کردند، که مراد انقلاب نظامی است. انقلاب اسلامی، در واقع، انقلابی فکری و مذهبی بود، پدیده‌ای که در کشور ما چهل سال است به ثمر رسیده و البته قبل از این چهل سال؛ یعنی ده پانزده سال جلوتر هم مبادی آن با نهضت حضرت امام شروع شد.

حالا چرا این پدیده را «انقلاب اسلامی» می‌گوییم؟ انقلاب یک تحول بنیادی در اجتماع است. به همین معنا، انقلاب ما هم یک تغییر و تحول بنیادی در بعدی از اجتماع بود. اما اسلامی بودن آن به چه معناست؟ آیا یعنی همه کسانی که در آن شرکت کردند مسلمان بودند؟ ظاهراً این‌گونه نبود. آیا نتایج این انقلاب فقط برای مسلمان‌ها است؟ آیا فقط حقوق مسلمان‌ها تضمین می‌شود؟ خیر؛ حقوق اقلیت‌ها هم محفوظ است. ما در مجلس شورای اسلامی نماینده یهودی، زرتشتی و مسیحی هم داریم. پس چرا به آن، مجلس شورای اسلامی می‌گوییم؟ شاید این به لحاظ این است که اسلام نقش اول را دارد، یعنی نقشی که مهم‌تر است. آن چه که توجه اصلی به آن بوده و تاثیر بیشتری در پیدایش و دوام این انقلاب دارد اسلام است، و این، نقش عوامل و امور دیگر را در شعاع اسلام، چه در پیدایش، چه در دوام، و چه در آثار و مزایای حقوقی که از آن بهره‌مند می‌شوند، نفی نمی‌کند. به هر حال این وصف برای اشاره به اولین نقشی است که این عامل در پیدایش این پدیده داشته و در آینده هم این نقش باید ادامه داشته باشد.

حالا با این تعبیر «نقش مردم در انقلاب اسلامی»، چه چیزی را می‌خواهیم بگوییم؟ احتمالاً منظور از مردم در این بحث، توده انسان‌هایی است که در کشور ایران زندگی می‌کنند و از این نظام بهره‌هایی می‌برند، با حذف ویژگی‌های صنفی و قبیله‌ای و قومی.

## فرهنگ پویا:

قبل از هر سخنی تشکر می‌کنم از اینکه فرصتی در اختیار ما قرار دادید. در دو شماره قبلی نشریه، درباره بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که چندی پیش مقام معظم رهبری صادر فرمودند، هم بطور کلی و هم در خصوص موضوع اخلاق و معنویت، کار کردیم. در این شماره نشریه قصد داریم به این بیانیه با محوریت نقش مردم بپردازیم. در جای‌جای این بیانیه به نقش مردم در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی اشاره شده است. اما می‌خواستیم در خصوص برخی نکاتی که نیازمند توضیح بیشتر است از حضرت‌عالی استفاده کنیم. بعنوان نخستین سؤال، لطفاً درباره خود عنوان «نقش مردم در انقلاب اسلامی» توضیح بفرمایید.

■ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بَيْنَ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَي آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَّلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلاً وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً. اگر بخواهیم درباره نقش مردم در انقلاب و به خصوص در گام دوم بطور جامع بحث کنیم، به نظرم احتیاج به تدوین یک کتاب مفصل دارد. انصافاً این بیانیه بسیار عمیق، پخته و حساب شده است. اما می‌توانیم در اینجا تنها بعضی ابهامات را توضیح دهیم و به آنها اشاره کنیم.

کلمه «مردم» اسم جمع برای یک مجموعه‌ای از انسان‌ها است و در زبان فارسی، گاهی کلمه‌ی «ملت» را مشابه با آن به کار می‌بریم،

یعنی ما آن چه را می‌خواهیم بحث کنیم شامل زن و مرد، هر دو می‌شود و ویژگی زن یا مرد بودن دخالتی در آن ندارد، قومیت و زبان و نژاد هم در آن دخالتی ندارد، بلکه منظور از مردم، توده کسانی است که در سایه این انقلاب زندگی می‌کنند و نقش اول را برای اسلام قائل هستند، خواه خودشان مسلمان باشند یا نباشند، اما پذیرفته‌اند که عامل اصلی این پدیده اجتماعی اسلام بوده است. البته انکار نمی‌کنیم که عوامل دیگری هم در پیروزی انقلاب مؤثر بودند، ولی آن‌ها جنبه ثانوی داشتند. پس ما این‌جا نمی‌خواهیم فقط نقش دولت را بگوییم یا فقط نقش سایر افراد را، و نمی‌خواهیم نقش اصناف و گروه‌های خاص، مثل مردها یا زن‌ها، یا مسلمان‌ها یا زرتشتی‌ها را بحث کنیم؛ بلکه مراد از مردم، کسانی هستند که در انقلاب اسلامی مؤثر بودند، خواه خودشان مسلمان باشند یا نباشند، یا از هر قوم یا هر صنفی باشند، و خواه وظیفه حکومتی داشته باشند یا نداشته باشند. البته شاید در بعضی از مباحثی که مطرح می‌شود، مقصود از مردم، غیر افراد دستگاه حاکمه و حکومتی‌ها باشند، مثلاً وقتی می‌گوییم مردم انقلاب را بوجود آوردند، دیگر دستگاه حاکمه آن زمان را جزو آن‌ها نمی‌دانیم. آن‌ها انسان‌هایی بودند که فقط در این کشور زندگی می‌کردند و ایرانی بودند، اما نقشی در این جهت نداشتند. وقتی ما می‌گوییم مردم در آن زمان انقلاب کردند، مراد همه انسان‌هایی که در این کشور زندگی می‌کردند، نیست، بلکه مراد آن‌هایی است که در تحقق این انقلاب نقش داشتند و طبعاً آن‌ها در مقابل طاغوت و دستگاه طاغوت بودند. از این‌رو، شاید بعضی از بحث‌هایی که در این‌جا مطرح می‌شود عملاً مربوط به غیر از دولت‌مردان باشد، یا ممکن است در بعضی بحث‌ها کسانی که در این کشور زندگی می‌کنند و از اتباع هم هستند و تبعیت آنها پذیرفته شده، اما بعضی جاها دچار انحراف هستند و با اصول انقلاب سازگاری ندارند، مراد نباشند. به هر حال، منظور این است که توده مردم صرف‌نظر از گروه‌ها و اصناف و مسئولیت‌هایی که دارند، در مقابل این انقلاب چه وظیفه‌ای دارند؟

**فرهنگ پویا:** وقتی درباره نقش مردم سخن می‌گوییم، طبعاً مقصود این است که مردم چه وظیفه‌ای را بر دوش داشتند یا باید داشته باشند. این وظیفه را چه کسی تعیین می‌کند؟

■ ممکن است کسی بگوید این وظایف را عقل تعیین می‌کند، ممکن کسی بگوید عرف عموم مردم دنیا تعیین می‌کنند، ولی یک وجه هم این است که بگوییم خود «انقلاب» تعیین می‌کند، یعنی این وظایف را انقلاب به دوش مردم می‌گذارد. در اصل، مبانی فکری، اعتقادی و ارزش‌های این انقلاب است که به هر کسی می‌گوید وظیفه شما چیست، گرچه نه به عنوان وظیفه خاص یک شخص، بلکه وظیفه‌ای که برای عموم مردم است. البته می‌شود این را وسیع‌تر در نظر گرفت و پس از تعیین وظیفه مردم بطور کلی، درباره وظیفه این گروه یا آن صنف خاص هم بحث کرد. اما این کار، بحث را خیلی گسترده می‌کند و شاید مراد شما هم در نشریه به این گسترده‌گی نباشد. بلکه منظور این است که افراد، صرف‌نظر از ویژگی‌های صنفی، قبیله‌ای و نژادی، و صرفاً به عنوان کسانی که این انقلاب را پذیرفته‌اند، اعم از این که مسلمان باشند و اعتقاد به اسلام داشته باشند یا اینکه فقط به انقلاب

اسلامی ملتزم بوده و از آن حمایت می‌کنند، در این انقلاب چه نقشی دارند و باید داشته باشند.

**فرهنگ پویا:** برخی افراد خارجی که بیرون از انقلاب اسلامی هستند و می‌خواهند از آن الگوگیری می‌کنند تعبیری از انقلاب دارند، که وقتی می‌خواهند مزیت شاخص انقلاب اسلامی را بیان کنند، می‌گویند این انقلاب، انقلاب مردمی است. مثلاً آقای دکتر تیم اندرسون استاد اقتصاد دانشگاه سیدنی استرالیا، و آقای کالب موهن یکی از مسئولین جنبش وال استریت آمریکا این طور تعبیری دارند. این تعبیر چقدر دقیق است؟ آیا ما می‌توانیم این تعبیر را در نوشته‌ها و اظهارات خود به کار ببریم؟

■ با همان تعریفی که ما از مردم در این‌جا کردیم، می‌توان این سؤال را جواب داد. معمولاً در انقلاب‌هایی که در عالم واقع شده یک گروه خاص، یا قشر خاصی مؤثر بودند؛ مثلاً در ایجاد انقلاب‌های سیاسی، سیاسیون، در انقلاب‌های اقتصادی، علمای اقتصاد و صنعت‌گران، و در انقلاب‌های نظامی، نظامیان نقش داشته‌اند. انقلاب به معنای عام آن، یعنی تحول بنیادی، شامل این موارد هم می‌شود، گرچه غالباً اکثریت مردم هم با آن‌ها موافق نبودند، ولی کم‌کم یا آنها را فریب دادند یا به صورتی آنها را راضی کردند و آن‌ها هم بالاچار پذیرفتند. اما انقلاب اسلامی ایران، گرچه از یک نقطه یا یک فرد یا گروهی شروع شده، ولی همه اقشار مردم برای پیروزی آن کمک کردند؛ قشر خاصی، یا جنس خاصی، یا نژاد خاصی در آن دخالت نداشتند. به عبارت دیگر، اکثریت ساکنین این کشور آن را پذیرفتند و به آن کمک کردند و با آن مخالفت نکردند. در کشور ما در این چند روز، تظاهراتی [علیه فتنه‌گران] اتفاق افتاد که چشم عالم را خیره کرد. این نشانه مردمی بودن انقلاب است، یعنی فقط گروه خاصی در آن دخیل نیست، بلکه توده مردم با آن موافق هستند. تمام اصناف، نژادها و اقوام در آن دخیل هستند، در مقابل سایر انقلاب‌ها که غالباً یا نظامی‌ها یا قشر خاصی در آن مؤثر هستند، و بسیاری از مردم با آن مخالف هستند یا به آن کمکی نمی‌کنند.

پیغمبران انقلاب را چگونه شروع کردند؟ کدام پیغمبر اول با اسلحه آمد سراغ مردم و گفت یا ایمان بیاورید یا شما را می‌کشیم؟! حرکت نظامی هم در هر دینی واقع شد، اول به صورت دفاع بود. اول دشمنان حمله می‌کردند و کسانی را که ایمان آورده بودند، اذیت می‌کردند؛ خودشان یا زن و بچه آن‌ها را می‌کشتند، تبعید می‌کردند، در چاه می‌انداختند و آن‌ها هم دفاع می‌کردند. زمانی که آن‌ها حکومتی تشکیل می‌دادند، اگر افرادی علیه حکومت توطئه می‌کردند، با آنها می‌جنگیدند که آن هم یک نوع دفاع بود. اگر جهاد ابتدایی هم بود، این گونه بود که در برابر کسانی که با آن‌ها اختلاف داشتند و می‌خواستند این‌ها را براندازند، این‌ها برای دفاع از خود با آنها می‌جنگیدند. این گونه نبود که در ابتدا افرادی در انقلاب‌های دینی بیانند بگویند یا مسلمان شوید یا شما را می‌کشیم، بلکه عکس آن بود. چقدر مدعیان توحید را اذیت کردند، زندان کردند، شکنجه کردند و در دیگ آب‌جوش سوزاندند! حتی پیغمبر اسلام بر اثر این اذیت و آزارها مجبور به مهاجرت شدند و وطن خودشان را ترک کردند. برخی از آن‌هایی که مهاجرت کردند، حتی پیراهنی که در آن نماز بخوانند نداشتند، و ۹ نفر با یک پیراهن نماز می‌خواندند.





باید نگاهی به چگونگی تحقق انقلاب، عوامل پیروزی و نقطه‌های مثبت آن بکنیم و سعی کنیم این‌ها را از بین نرود و تلاش کنیم در حد توان، آن‌ها را حفظ و تقویت کنیم. همچنین باید ببینیم چه نقطه ضعف‌هایی وجود داشته و هنوز هم هست یا جدیداً پیدا شده است؛ آنگاه عوامل این ضعف‌ها را دسته‌بندی کنیم تا بتوانیم با آنها مبارزه کنیم. این عوامل برخی داخلی است و برخی خارجی، همچنین این عوامل ممکن است عوامل سیاسی یا عوامل فرهنگی و مانند اینها باشد.

این‌ها با زور و قدرت و قهر غالب نشدند، بلکه با مقاومت پیروز شدند. بله، این‌ها بعد از این که حکومتی، کوچک یا بزرگ، متناسب با آن زمان تشکیل دادند، در مقابل مخالفان در صدد دفاع از خود برآمدند، اما انقلاب‌های دیگر دنیا این گونه نیست.

**فرهنگ پویا:** مقام معظم رهبری در این بیانیه می‌فرمایند برای برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت. این شناخت درباره چه اموری است؟

**فرهنگ پویا:** حضرت‌عالی به عنوان کسی که خودتان از نزدیک در جریان انقلاب بودید و در آن مشارکت داشتید، عامل شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی را چه می‌دانید؟

■ در واقع، انقلاب مثل اغلب یا همه پدیده‌های اجتماعی تک عاملی نبود، اما ممکن است در مجموعه عوامل، یک عامل نقش تعیین‌کننده داشته باشد، به طوری که اگر آن عامل نبود این پدیده تحقق پیدا نمی‌کرد، و سایر عوامل کمک‌کننده یا فراهم‌آورنده زمینه تحقق آن بودند. بدون شک، نقش امام در اینجا

■ در این بیانیه گام دوم که از فرمایشات مقام معظم رهبری است، نکته‌هایی وجود دارد که برای تعیین بحث و حدود آن خیلی کمک می‌کند، و حتی تعبیراتی دارند که روش کار را هم تعیین می‌کند. مضمون فرمایش ایشان این است که با توجه به پیشینه این نهضت و انقلاب و تجربه گذشته آن، ما باید بدانیم که چه نقطه‌های مثبتی وجود داشته، تا آنها را تقویت کنیم و چه نقطه‌های ضعفی دارد تا آن‌ها را ترمیم کنیم. بنابراین برای این که ما جواب قابل قبولی به این سؤال که در حیطه این بحث مطرح می‌شود، داشته باشیم،

□ در این بیانیه گام دوم که از فرمایشات مقام معظم رهبری است، نکته‌هایی وجود دارد که برای تعیین بحث و حدود آن خیلی کمک می‌کند، و حتی تعبیراتی دارند که روش کار را هم تعیین می‌کند. مضمون فرمایش ایشان این است که با توجه به پیشینه این نهضت و انقلاب و تجربه گذشته آن، ما باید بدانیم که چه نقطه‌های مثبتی وجود داشته، تا آنها را تقویت کنیم و چه نقطه‌های ضعفی دارد تا آن‌ها را ترمیم کنیم





یک رهبر اسلامی توانست این کار را بکند. راه کار ایشان برای این که مردم حرکت کنند، این بود که آن‌ها را به اسلام امیدوار کند. آن وقتی که خیلی کار شدید می‌شد و لحن امام تند می‌شد و می‌خواست خطر را بیان کند، می‌گفت من برای اسلام احساس خطر می‌کنم. بالاترین خطری که به مردم اعلام می‌کرد، این بود که «من برای اسلام احساس خطر می‌کنم». از سوی دیگر، وقتی مردم احساس ضعف می‌کردند، با شعار «ما می‌توانیم»، «خدا به شما کمک می‌کند»، «شما می‌توانید»، «از این نیروهای شیطانی نهراسید»، «قدرت خدا بی‌نهایت است» و مانند اینها، ایمان آن‌ها را تقویت می‌کردند. حاصل آنکه، این انقلاب بیش از هر چیز، مدیون فکر اسلامی، امید و ایمان به خدا و نیز رهبری است که این‌ها را به مردم گوشزد کرد و مردم را براساس این‌ها تربیت کرد. لذا گروه‌های دیگر، حتی مارکسیست‌ها، دیدند دیگر نمی‌توانند کاری کنند و باید خودشان را به این انقلاب ملحق کنند تا بتوانند دشمن مشترک را از بین ببرند. پس اسلام نقش اصلی و اول را در پیدایش این انقلاب داشت، و رهبر هم به عنوان مروج اسلام، مطرح بود و مردم صرفاً به‌خاطر شخصیت او دنبالش راه نیافتادند، بلکه او را به‌خاطر این که مجسمه اسلام بود، دوست می‌داشتند. آن‌ها به‌دلیل اعتقادات، باورها و ارزش‌های دینی خود از او تبعیت کردند. وجود این باورها و ارزش‌ها و وجود کسی که این باورها و ارزش‌ها را در جامعه زنده کند و مردم را براساس این‌ها تربیت کند، نقطه‌های مثبت هستند. محور همه این مجموعه عوامل، اسلام بود. این باعث پیروزی انقلاب شد. لذا مارکسیست‌ها، یا زرتشتی‌ها علی‌رغم ملی‌گرایی و تعلق که به گذشته ایران باستان داشتند و بسیاری از موارد، با عقایدشان سازگاری نداشت، از انقلاب حمایت و به آن کمک کردند. اما نقش اصلی را اسلام داشت. این نقطه مثبت ما بود و باید آن را حفظ کنیم. ما باید برای حفظ این اصالت‌ها، نگذاریم اعتقادات دینی ضعیف و ارزش‌های اسلامی کم‌رنگ شود، والا همان چیزهایی که باعث پیدایش انقلاب شده بود

قابل انکار نیست. انصافاً، هر کسی، چه به عنوان یک دوست و ارادتمند، و چه به عنوان یک فرد عادی بی‌طرف، و چه حتی یک فرد مخالف، این انقلاب را تماشا کند، نمی‌تواند نقش امام را حذف کند. خود ما که از همان روز اول انقلاب حضور داشتیم، شاهد بودیم که نقش امام چگونه بوده است. البته امام، نه به عنوان یک شخصی که از فلان پدر و مادر بوده، یا در فلان شهر متولد شده، بلکه به عنوان یک رهبر دینی با ویژگی‌هایی که داشت، عامل بسیار مؤثری در تحقق انقلاب بود. امام بود که از شرایط آن زمان استفاده کرد و این انقلاب را سامان داد و بعد از پانزده شانزده سال به پیروزی رساند.

البته ایشان هم از عوامل متعددی استفاده کرد، که باید به چند عامل اشاره کنیم. مثلاً فقر و بدبختی و ظلم‌هایی که در آن زمان از طرف دستگاه پهلوی، خاندان درباری‌ها و وابستگان آن‌ها به مردم وارد می‌شد، کمک کرد تا مردم آماده مبارزه شوند و انقلاب را به ثمر برسانند. ولی تنها این عوامل نبود. بنده خودم یادم هست که اکثریت مردم می‌گفتند: اصلاً غیر از پذیرش این وضع راهی نیست، چون این قدرتی که در کشور حاکم است، سلاح دست آن‌هاست، سربازها در اختیار آن‌ها هستند، در این کشور شعار «خدا، شاه، میهن»، شاه‌دوستی و شاه‌پرستی و این حرف‌ها مطرح است، ما چه کار می‌توانیم بکنیم؟ یعنی مردم با وجود ضعف‌ها، ستبها و ظلم‌هایی که انجام می‌شد، امیدی به این که بتوان تحولی ایجاد کرد نداشتند؛ به این وضعیت عادت کرده و به آن تن داده بودند. از جهتی دیگر اگر کسی می‌خواست تحولی ایجاد کند، می‌گفتند: باید یک قدرتی باشد که بتواند با قدرت این‌ها بجنگد و بر این‌ها مسلط شود. در نهایت می‌گفتند: اگر ما بخواهیم بر این دست‌نشانده آمریکا مسلط شویم، باید خود را در دامن شوروی بیندازیم. چون عالم دوقطبی بود و وقتی آمریکایی‌ها از این‌ها حمایت می‌کنند، ما نمی‌توانیم کاری بکنیم، جز اینکه از یک قدرت دیگری که در مقابل آمریکا است مدد بگیریم. بسیاری از انقلابی‌هایی که گرایش‌های مارکسیستی داشتند، مثل حزب توده، چنین تصور می‌کردند و با برشمردن ظلم‌ها، مردم را تحریک می‌کردند و می‌گفتند شما باید در مقابل این ظلم‌ها این گونه حرکت کنید. من یادم هست آن زمان یک بچه هفت، هشت ساله بودم، و رهبر حزب توده در یزد، آقای استادان، وکیل دادگستری بود. او در میان جمعیت مردم که وسط شهر سر بازار چاهی پنجگلی جمع شده بودند سخنرانی جالبی داشت و ظلم‌های دستگاه حاکم را می‌شمرد و در نهایت می‌گفت: تنها راه رهایی پیوستن به حزب توده است؛ ای کارگران و کشاورزان متحد شوید تا بتوانیم با این‌ها مبارزه کنیم. این شعار حزب توده بود و خیلی‌ها این را باور کرده بودند. بنده یادم هست که حتی بین افراد متدین و حتی روحانیون معمم، افراد روشن‌فکر و خوش‌فکری بودند که می‌گفتند چاره‌ای نداریم و باید با این‌ها بسازیم تا بتوانیم آن‌ها را بیرون کنیم، و گرنه چگونه می‌خواهیم با آنها بجنگیم؟! اگر صرفاً همین عوامل بود، هیچ‌وقت انقلاب اسلامی در این کشور پیدا نمی‌شد. در نهایت، ممکن بود مثل خیلی از کشورهای آفریقایی یا بعضی کشورهای آسیایی، یک انقلاب مارکسیستی بوجود بیاید. بله، ظلم‌ها در قیام مردم و شوراندن آن‌ها بر علیه حکومت مؤثر بود، ولی اینکه چه چیزی را بجای این حکومت بگذارند، آیا یک حکومت مارکسیستی را جایگزین کنند یا نه، این عوامل برای این کافی نبود. اما امام به عنوان



پس ما برای این که بفهمیم چه کار باید بکنیم، باید نقطه‌های مثبت، و عوامل مؤثر در پیروزی انقلاب و روش بررسی این‌ها را بشناسیم و وضعیت فعلی را با وضعیت اول انقلاب مقایسه کنیم، تا عوامل مثبت را تقویت کنیم و اگر وضعی وجود داشته، آن‌ها را جبران کنیم و اگر ضعف‌هایی جدیداً پیدا شده که قبلاً وجود نداشته، آن‌ها را برطرف کنیم.

**فرهنگ پویا:** به عوامل ضعف اشاره کردید و اینکه ممکن است برخی از این عوامل جدیداً پیدا شده باشد. منظور کدام عوامل است که باید به آنها توجه کنیم و آنها را جبران کنیم؟

■ مهم‌ترین مسئله، مسئله فرهنگ جدید استفاده از رسانه‌های مجازی است. این اصلاً سابقه نداشت. در اوائل نهضت حضرت امام، اصلاً فرهنگ استفاده از تلویزیون نبود. این گونه نبود که در هر خانه‌ای تلویزیون باشد. فقط رادیو کمابیش در خانه‌ها برای گوش کردن اخبار یافت می‌شد! این ابزارها و برنامه‌های فراوانی که امروزه در دست هر کسی می‌تواند باشد تا بنا بر شخصیت افراد در سطوح مختلف، برای سرگرمی، برای اطلاعات، از آن استفاده کنند، در آن دوره اصلاً نمونه هم نداشت. اصلاً کسی تصور نمی‌کرد بعد از چند دهه یک چنین چیزی عمومیت پیدا کند. اینکه این چه منافع و چه ضررهایی دارد، یک بحث اجتماعی است، اما نتایج آن را همه ما عملاً تجربه کرده‌ایم. همه ما دیده‌ایم در خانواده‌ها ارتباط عاطفی بین افراد خانواده ضعیف شده است. اما مهم‌تر از آن، اثر محتوایی است که با این ابزارها منتقل می‌شوند. بعضی از آثار آن را ما در سؤال‌هایی که از طریق سایت برای ما می‌آید، متوجه می‌شویم که چه سؤالاتی امروز برای جوان‌ها مطرح است! سؤالاتی که نمونه آنها در چهل، پنجاه سال گذشته به ذهن ما هم نمی‌آمد. نسل آینده ما تربیت شده این فرهنگ هستند. الان آثار آن دارد ظاهر می‌شود و موج آن همه جا را گرفته است. این نقطه ضعفی است که نمونه آن در اول انقلاب نبود. آن زمان همه جا، سؤالاتی مطرح بود که در کتاب‌ها جواب آن نوشته شده بود. اگر کسی هم مطرح می‌کرد، به او می‌گفتند برو فلان کتاب را بخوان تا جوابش را پیدا کنی. این‌ها بخشی از مباحثی است که مربوط به مسائل فکری، فرهنگی، اعتقادی، ماوراء طبیعی و یا بهتر بگوییم معنوی است. یک بخش هم مسائل اقتصادی است. ما در اوائل انقلاب خیلی مشکلات داشتیم، اما نه این ثروت‌های باد آورده بود، نه فقرهای ناشی از تحریم‌ها و بدبختی‌های ناشی از ظلم‌های پولدارها! مردم یک نان و پنیری می‌خوردند

از بین می‌رود و دیگر علت مبکیه وجود ندارد. در کنار این‌ها، آن کسی که این باورها و ارزش‌ها را در جامعه به صورت‌های مختلف، متناسب با زمان و مکان، ترویج و زنده کند و مؤثر قرار دهد، رهبری است و سایر امور، ابزار کمکی برای انقلاب هستند. در واقع نقش اصلی را رهبری با تحقق و تقویت باورها و ارزش‌های اسلامی، ایفا می‌کند، ولی اجرای آن‌ها در هر ساختی ابزار خاصی لازم دارد و باید از آن‌ها استفاده کرد. از جمله، در بعد امنیتی و نظامی باید پیشرفت‌های علمی و نظامی داشت، در بعد اقتصادی، کشاورزی و صنعتی باید پیشرفت داشت، و ابعاد فرهنگی و مسائل تربیتی جوان‌ها نیز، ابزارهای خود را می‌طلبد. کسی که این باورها و ارزش‌های را احیا می‌کند، رهبری است و سایر امور، در طول آن عنصر اصلی و زیرمجموعه آن حساب می‌شوند و ابزاری برای تحقق آن هستند.

اگر ما این تفسیر را درباره پیدایش انقلاب پذیرفتیم، وقتی می‌گوییم عوامل مثبت را باید تقویت کرد، یعنی اگر هر کدام از این‌ها را در زمان حال، با آن زمان مقایسه کردیم و دیدیم بخشی از آن کمرنگ شده، باید بفهمیم که زنگ خطر دارد به صدا درمی‌آید. مثلاً اگر ببینیم امروز اعتقادات نسبت به اسلام و پایبندی به ارزش‌های اسلامی ضعیف شده و مردم دیگر به آن‌ها آن طور اهمیت نمی‌دهند یا نسبت به رهبری آن طور وفادار نیستند، این بدان معناست که ضعف پیدا شده و باید احساس خطر کرد! باید هم‌فکری و تدبیر کرد تا راهی برای تقویت این‌ها پیدا کنیم و اشتباهاتی که در گذشته انجام گرفته، جبران کنیم.

من یادم هست آن زمان یک بچه هفت، هشت ساله بودم، و رهبر حزب توده در یزد، آقای استادان، و کیل دادگستری بود.

او در میان جمعیت مردم که وسط شهر سر بازار چهی پنجعلی

جمع شده بودند سخنرانی

جالبی داشت و ظلم‌های

دستگاه حاکم را می‌شمرد و

در نهایت می‌گفت: تنه‌راه

رهایی پیوستن به حزب توده

است؛ ای کارگران و کشاورزان

متحد شوید تا بتوانیم با این‌ها

مبارزه کنیم. این شعار حزب

توده بود و خیلی‌ها این را باور

کرده بودند. بنده یادم هست که

حتی بین افراد متدین و حتی

روحانیون معمم، افراد روشن فکر

و خوش فکری بودند که

می‌گفتند چاره‌ای نداریم و باید

با این‌ها بسازیم تا بتوانیم آن‌ها

را بیرون کنیم، وگرنه چگونه

می‌خواهیم با آنها بجنگیم!؟



علمیه قم برای پاسخ به این شبهات، چه کارهایی کرده؟ دانشگاه‌ها چه کار کرده‌اند؟ الآن در دانشگاه‌ها اساتیدی هستند که با کمال پررویی سر کلاس از سکولاریسم و آمریکا و پیشرفت غرب تعریف می‌کنند و می‌گویند ما عقب مانده‌ایم، و باید برویم تفاهم کنیم، تا پیشرفت کنیم! این پیشرفت‌هایی که هست، از آن‌ها یاد گرفته‌اید! این‌ها که کار شما نبوده! مگر شما انرژی اتمی را کشف کرده‌اید؟ سر کلاس‌های دانشگاه‌ها این‌ها را به بچه‌ها یاد می‌دهند! نمود آن هم این وضعیت و فضایی است که در بازار و خیابان، از رعایت ارزش‌های اسلامی می‌بینید! با مقایسه این دو وضع، ما باید به آن تکالیف خود نسبت به عوامل سازنده انقلاب عمل کنیم و آن‌ها را تقویت کنیم، یا لاقول آن‌ها را در همان حد حفظ کنیم.

پس اول باید نیازهای اقتصادی و مادی مردم را چاره‌ای اندیشید، چون فشار این مسائل به مردم مجال نمی‌دهد تا درباره مسائل دیگر فکر کنند. در هر صورت، باید برای این دو عنصر، فکری کرد. با توجه به مشکلات این دوره که بعضی از آنها جدیداً پیدا شده است و برخی دیگر شدت پیدا کرده است، ما باید در هر دو مورد، هم در تقویت نقاطی که در آنها ضعف داریم و هم در مبارزه با مشکلات جدید کار کنیم.

**فرهنگ پویا:** به نظر حضرت‌عالی، برای حل این مشکلات باید از کجا شروع کرد؟ و راه حل چیست؟

■ در این مورد، آیا قشر خاصی باید این کار را بکند یا همه مردم مسئولیت دارند؟ مردم به همان معنایی که گفتیم انقلاب را بوجود آوردند، باید این کار را بکنند. همه مردم مسئول هستند. نمی‌شود گفت فقط مردها باید این کار را بکنند و زن‌ها مسئولیتی ندارند، یا روستائیان باید کاری بکنند و مردم شهری مسئول نیستند! قشر خاصی مخاطب نیست، و همه باید در این امر شرکت کنند. اما نقطه شروع، نخبگان است، و در میان نخبگان هم، روحانیت. اول ما روحانی‌ها باید بیشتر احساس درد و احساس وظیفه کنیم. باید هم از جهت فکری و نظری جواب برای این سؤالات تهیه کنیم و هم برای نشر آن بین مردم تلاش کنیم. باید پاسخ این سؤالات را از راه‌های بهتر و زبان قابل فهم‌تری به مردم عرضه کنیم و به آن‌ها مجال بدهیم تا حرف خود را بزنند و شبهه خود را بگویند و با سعه صدر و خون‌سردی بنشینیم و جواب بدهیم. آفتی که هم امروز و هم در گذشته برای ما و همه نخبگان وجود دارد یک چیز است و آن دنیازدگی است. فکر لذت‌های مادی، پول، درآمد، عنوان، احترام، شخصیت و مانند این‌ها مانع کار و ادای این مسئولیت می‌شود. ما باید برای این بیش از همه کار کنیم. این خطر دنیازدگی برای ما بیشتر است، چون شیطان می‌داند که با این‌ها بهتر می‌تواند در ما نفوذ کند.

شاید شما هم داستان شیخ انصاری را شنیده باشید. آیت الله وحید خراسانی حفظه‌الله بیش از شصت سال پیش در مسجد حاج سیدعزیزالله بعد از نماز آقای خوانساری منبر می‌رفتند، و من این قصه را آن‌جا از ایشان شنیدم. گفتند خانم مرحوم شیخ انصاری حامله بود و نزدیک وضع حملش بود. از اندرونی آمدند و گفتند که ایشان امشب وضع حمل می‌کند و مرسوم است به زانو کاجی بخوراند تا قوت بگیرد. برای درست کردن

آفتی که هم امروز و هم در گذشته برای ما و همه نخبگان وجود دارد یک چیز است و آن دنیازدگی است. فکر لذت‌های مادی، پول، درآمد، عنوان، احترام، شخصیت و مانند این‌ها مانع کار و ادای این مسئولیت می‌شود. ما باید برای این بیش از همه کار کنیم. این خطر دنیازدگی برای ما بیشتر است، چون شیطان می‌داند که با این‌ها بهتر می‌تواند در ما نفوذ کند.



قرائن زیادی وجود دارد که شیطان اول نیروی خود را صرف علما می‌کند و آن‌ها را فریب می‌دهد. چون اگر یکی از آن‌ها را خراب کند، ملتی را خراب می‌کند و دیگر احتیاج به زحمت بیشتر ندارد. این خطرها برای ماست و بزرگترین مسئولیت‌ها را برای ما ایجاد می‌کند. ما باید در مسئولیت‌ها و وظایف، برنامه‌ها، روش‌های گذشته، صبر، تحمل و فحش‌پذیری خود تجدید نظر کنیم.



و شکر خدا می‌کردند. تا چندی پیش یک دیوار سنگی در قم وجود نداشت. روزی همه خانه‌ها گلی و دیوارها کاه‌گلی بود. در آن زمان خانه آقای بروجردی یک دیوار کاه‌گلی و جرزهای آجری داشت، بعضی جاهای آن هم کاه‌گل‌ها ریخته بود. اصلاً ساختمان‌های چند طبقه، این فروشگاه‌ها و رستوران‌های امروزی در قم نبود. برخی افرادی که یک لا پیراهن بودند، حالا ثروت‌های میلیاردی در کشورهای خارجی دارند. از طرفی، افرادی هم امروز هستند که نان شب خود را نمی‌توانند تأمین کنند! امروز این اختلاف طبقاتی هم جدید است، و اوایل انقلاب به این حد نبود.

این‌ها مشکلاتی است که جدیداً پیدا شده و کمابیش آینده انقلاب را تهدید می‌کند. از این جهت است که مقام معظم رهبری روی این دو عنصر، یکی مسائل اقتصادی و دیگری مسائل فرهنگی، تکیه می‌کنند. امروز از جهت فکری عملاً بسیاری از دولت‌مردان ما اعتقاد به این ندارند که دین باید در مسائل سیاسی دخالت کند! برخی هم گفتند که این‌ها مربوط به حوزه است و وظیفه ما تأمین نان و امنیت مردم است و سایر موارد به ما مربوط نیست! این‌ها مسائل جدیدی است که در گام دوم دارد بیشتر خود را نشان می‌دهد. البته اینها کمابیش سابقه‌ای در گذشته هم دارد، نمی‌گوییم اصلاً نبوده، اما به این شدت نبوده است، و در مقابل، ما هم کار متناسبی با این‌ها نکرده‌ایم! حوزه



آن نیاز به روغن است. شما به ما پول بدهید تا برویم روغن بخریم. شیخ یادش آمد که یک مبلغی از سهم امام در جایی گذاشته است، بلند شد برود آن پول را بردارد و بیاورد تا با آن روغن بخرند و برای خانمش کاجی درست کنند. در بین راه با خودش گفت: آیا اگر هر طلبه‌ای امشب همسرش بخواهد وضع حمل کند، این پول را دارد که روغن بخرد و کاجی درست کند؟ این را می‌دانم که همه ندارند. برگشت پول را سرچایش گذاشت و گفت نمی‌خواهد کاجی درست کنید. هرچه اصرار کردند، ایشان نپذیرفت. فردا صبح یکی از شاگردان ایشان آمد و گفت: من دیشب خوابی دیدم. در خواب شیطان را دیدم که بندها و طناب‌هایی رنگارنگ داشت. شیطان خیلی متأثر بود. گفتم چرا این قدر متأثر و ناراحت هستی؟ گفت: ۹ ماه زحمت کشیدم و این طناب کلفت را درست کردم، دیشب آن را گردن شیخ انداختم و او یک تکان داد و طناب را پاره کرد! ببینید، شیطان از آن وقتی که نطفه این بچه منعقد شده بود فعالیت کرده بود تا در شب تولد آن بچه، شیخ از سهم امام بردارد و برای کاجی روغن بخرد. ایشان می‌گفتند: شیطان طناب را انداخت گردن شیخ و او با یک تکان، طناب را پاره کرد! طلبه می‌گوید: به شیطان گفتم این طناب‌ها برای چیست؟ گفت: این رشته‌های مختلفی است که هر کس را با یکی از این‌ها فریب می‌دهم؛ این زن است، این فرزند است، این پول است، این مقام است و ... گفتم من را با چی فریب می‌دهی، گفت تو به اینها احتیاج نداری، همین که اشاره کنم و بگویم بیا، تو می‌دوی! او نیروی خود را صرف مثل شیخ می‌کرد تا برای او طناب درست کند.

قرائن زیادی وجود دارد که شیطان اول نیروی خود را صرف علما می‌کند و آن‌ها را فریب می‌دهد. چون اگر یکی از آن‌ها را خراب کند، ملت‌ها را خراب می‌کند و دیگر احتیاج به زحمت بیشتر ندارد. این خطرها برای ماست و بزرگترین مسئولیت‌ها را برای ما ایجاد می‌کند. ما باید در مسئولیت‌ها و وظایف، برنامه‌ها، روش‌های گذشته، صبر، تحمل و فحش‌پذیری خود تجدید نظر کنیم.

**فرهنگ پویا:** به نظر شما بهترین درسی که می‌توانیم از گذشته بگیریم چیست؟ به تعبیر دیگر، چگونه گذشته می‌تواند چراغ راه آینده انقلاب اسلامی باشد؟

■ یکی از آموزه‌های قرآن کریم این است که سفارش می‌کند حوادث گذشته را به‌خاطر داشته

باشید، حوادثی که توجه به آن‌ها نقش مهمی در ساختن آینده انسان‌ها و جلوگیری از سقوط در دره‌های هولناک و هلاکت‌بار دارد و می‌تواند راهنمای انتخاب راه زندگی و مسیر صحیح باشد. در فرهنگ اسلامی برای اشاره به این‌گونه حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده از واژه ایام‌الله استفاده می‌شود. این واژه خاص قرآن است و تا جایی که ما اطلاع داریم در جای دیگری چنین واژه‌ای به کار نرفته است. قرآن می‌فرماید: «و ذکرهم بایام الله» روزهایی را به نام روز خدا نامیده است، چون در آن‌ها خدا بهتر شناخته می‌شود، آثار الهی بیشتر ظهور پیدا می‌کند، رحمت‌های خدا بیشتر آشکار می‌شود و راه خدا در آن‌ها ثابت و استوار می‌شود. نظام جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از انقلاب عظیمی است که در نه تنها در تاریخ ما، بلکه در تاریخ بشریت کم نظیر است، از چنین حوادث و چنین ایامی برخوردار است. جریاناتی در طول این چهار دهه اتفاق افتاده که از یک طرف هشدار برای انسان‌ها است که مواظب باشند تا در دره‌های هولناک سقوط نکنند و در دام شیاطین بزرگ و کوچک نیفتند، و اگر در گذشته خود یا گذشتگان‌شان، اشتباهاتی را مرتکب شده‌اند، آن‌ها را تکرار نکنند، و از طرفی دیگر، اعتمادشان به خدا و توکل‌شان بر یاری خدا بیشتر شود و هیچگاه یأس و ناامیدی را به خود راه ندهند. این دو نوع هدایت الهی است که نقش بسیار مهمی در فعالیت انسان‌ها و موفقیت آن‌ها در اهداف صحیحی که دنبال می‌کنند دارد. چون آن‌چه مانع پیشرفت انسان می‌شود یا غفلت از مشکلات و دام‌هایی است که دشمنان می‌گسترانند و انسان ناخودآگاه در آن‌ها واقع می‌شود، یا اینکه در اثر خستگی و صعوبت راه و برخورد با مشکلات، کم‌کم روح دل‌سردی، بلکه یأس و ناامیدی در او پدید می‌آید. قرآن کریم یادآوری حوادث گذشته را برای تأمین دو عنصر لازم می‌داند: یکی هشدار برای جلوگیری از سقوط در دره‌های هلاکت‌بار، و دیگری افزایش امید به موفقیت، امید به یاری خدا، و امید به پیروزی بر دشمنان. بنابراین طبق این آموزه قرآن کریم ما باید از این درس الهی استفاده کنیم و به حوادثی که در گذشته مخصوصاً در این چهار دهه برای ما اتفاق افتاده توجه کنیم، چه آن‌هایی که در اثر توطئه‌های دشمنان قسم خورده موجب مشکلاتی برای بعضی مردم شده و کسانی را ناخودآگاه در دامی انداخته و انحرافی در آن‌ها پدید آورده، و چه آن‌هایی که موجب امیدواری بیشتر و توجه به نصرت الهی است. چون در اوقات سخت، بیشتر مردم یا شاید همه مردم از اسباب ظاهری ناامید می‌شوند. اما خدا یادآوری می‌کند که ما در آنجا به کمک شما آمدیم و بهترین پیروزی‌ها را در زندگی شما آفریدیم. بنابراین ما باید از یک طرف حوادث گذشته را از این زاویه نگاه کنیم که چه خطرهایی برای گذشتگان پیش آمده یا چه غفلت‌هایی به واسطه‌ی دام‌های شیاطین برایشان پیش آمده که موجب عقب‌ماندگی در کار یا کندی کار آن‌ها شده و از طرف دیگر، مدد‌ها و نصرت‌های غیبی الهی و وعده‌هایی را که برای پیروزی مؤمنین و غالب شدن بر کفار و دشمنان و شیاطین انس و جن داده است، به خاطر بیاوریم تا بر ایمان و امید ما افزوده شده، توکل ما بر خدا و اعتماد به یاری‌های خدا بیشتر شود. این دو بزرگترین عامل روانی برای موفقیت در کارها در جریان‌های اجتماعی و سیاسی است.

**فرهنگ پویا:** با توجه به توطئه‌ها و برنامه‌ریزی‌های گسترده دشمن در برابر انقلاب اسلامی، چه عاملی موجب غلبه و ایستادگی مردم در طول این چهار دهه شده و وظیفه مردم در گام دوم در این خصوص چیست؟

■ همان‌گونه که اشاره کردید دشمن در طول این چهار دهه، در مقام دشمنی، از لحاظ تعداد و جمعیت، از لحاظ ثروت و مکتب و امکانات مادی، از لحاظ تکنولوژی و ادوات و ابزارهای متناسب با اهدافشان، و نیز از نظر علمی به پیشرفت‌های زیادی نائل شده‌اند، و از لحاظ سیاسی و نفوذ در کشورهای دیگر هم تجربه‌هایی کسب کرده‌اند، و ما نسبت به تمامی آن‌ها ظاهراً مبتلا به ضعف و خود کم‌بینی هستیم.

اما دشمن علی‌رغم اینکه از همه توانایی‌های خود در عرصه‌های مختلف برای براندازی این نظام و جلوگیری از گسترش قدرت و نفوذ آن در منطقه و جهان بهره گرفته و توطئه‌هایی چیده است، ولی خوشبختانه به یاری خدا از هیچ کدام از این نقشه‌ها و برنامه‌ها طرفی برنمیستد و تمامی برنامه‌های او به نفع جمهوری اسلامی و نظام الهی تمام شده و روز به روز مجبور به عقب نشینی شده است.

عامل اصلی موفقیت مردم که این انقلاب را بوجود آوردند و این نظام را برقرار کرده و در مقابل نقشه‌های دشمن استقامت کردند، ایمان به خدا است. این ایمان باعث می‌شود که مردم در هیچ حالی ناامید نشوند و نهایتاً در مبارزه با دشمن، تسلیم نشده و در دام‌های آن‌ها نیفتند و از طرف دیگر، به الطاف الهی بیشتر امیدوار شوند. لذا باید از دستورات الهی برای رفتارهای خود بیشتر استفاده کنند و از تجربه‌های گذشته که در کتاب‌های آسمانی و به خصوص در قرآن کریم ذکر شده، بهره ببرند و بالاخره در سایه استفاده از دستورات الهی دل به یک رهبر خدایی ببندند، کسی که از جهات مختلف شایستگی این مقام را دارد و می‌تواند بهترین عامل پیروزی و عامل وحدت و پیشرفت و امیدبخشی برای مردم باشد. این همان چیزی است که در فرهنگ ما به نام ولایت فقیه مطرح می‌شود. مسئله ولایت فقیه خود فرعی از ایمان به خدا است. اگر ایمان به خدا نباشد، هرگز ولایت‌مداری و استفاده از رهبری الهی حاصل نمی‌شود. با استفاده از ایمان به خدا و بهره‌گیری از راهبردهای اسلام و راهنمایی‌های قرآن کریم و استفاده از رهبری‌های رهبران الهی که مورد تأیید خدای متعال بودند، از جمله شخص حضرت امام رضوان‌الله علیه و مقام معظم رهبری امام‌الله ظلّه الشریف، مردمی تربیت شدند که مثل کوه در مقابل همه حوادث مقاومت می‌کنند و خم به ابرو نمی‌آورند. اما دشمنان در صدد هستند که با اعمال سیاست‌هایی این ملت را به زانو دریاورند و موقعیت رهبری را در جامعه تضعیف کنند و ریشه همه‌ی این موفقیت‌ها را در جامعه بخشکانند. لذا آن‌ها سعی کردند تمام برنامه‌های خود را متمرکز کنند و از همه قدرت‌های دنیا برای اجرای این برنامه‌ها استفاده کنند تا این عامل اصلی را تضعیف کنند. شیطان بزرگ با استفاده از بچه شیطان‌ها و عمال و یاران خود در جاهای دیگر و مزدورانی که تربیت کرده، فقط برای تضعیف ایمان مردم و ایمان به رهبری الهی بهره گرفته و تمام امید خود را به این بسته‌اند. آن‌ها در این چند دهه اخیر با وسایل ارتباطی جدید که در دنیا گسترش پیدا کرده، به راحتی می‌توانند افکار خود را به دیگران



آینده ما کشیده‌اند و در مقام اجرای آن هستند و مقدمات آن را شروع کرده‌اند، به ثمر نرسد و آثار سوئی در جامعه ما به بار نیآورد. بنابراین کار اصلی ما برای مقابله با این توطئه‌های دشمنان، افزایش معلومات دینی، کسب بصیرت اجتماعی، تقویت روح توکل بر خدا، ایمان به خدا و اطاعت اوامر الهی، از جمله اطاعت از مقام ولایت فقیه است که جانشین امام معصوم است و امام معصوم جانشین رسول خداست و اطاعت رسول خدا پرتوی از پرتوهای اطاعت الهی است؛ «و من یطع الرسول فقد اطاع الله» (نساء، ۸۰). در واقع مسیر ما یک حقیقت ذومراتب است. خدانشناسی و اطاعت خدا، در یک مرتبه نازل‌تر در اطاعت پیغمبر در طول زمان انعکاس یافته و به اطاعت از ائمه معصومین گسترش پیدا می‌کند و بعد از آن، شامل کسانی می‌شود که ائمه به معصومین در شناخت بهتر دین و مصالح جامعه‌اند و انگیزه بیشتری برای عمل به آن‌ها دارند. این سه عامل در هر کس قوی‌تر باشد، او ائمه به رسول خدا و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین خواهد بود. حاصل این اطاعت در فرهنگ ما همان ولایت‌مداری و اطاعت از رهبر الهی و دینی است که به نیابت از امام زمان عجل الله فرجه الشریف بر جامعه اسلامی فرمانروایی می‌کند.

**فرهنگ پویا:** خیلی ممنون از صبر و تحمل و بزرگواری که فرمودید و به سؤالات ما پاسخ دادید. ان شاء الله سخنان شما راهنمای مؤثری برای نویسنده‌گان و خوانندگان نشریه و فرهیختگان جامعه ما باشد.

منتقل کنند و با شیوه‌های مختلف، از طنز و داستان‌های کودکان گرفته تا بحث‌های تحلیلی علمی و فلسفی که به خورد همه جهانیان می‌دهند، ایمان مردم و جوانان ما را تهدید می‌کنند. امروز ده‌ها رسانه‌ی مجازی هستند که دائماً افکار جوان‌های ما را هدف قرار می‌دهند و نقطه اصلی در همه این‌ها تضعیف ایمان و تضعیف رهبری در جامعه اسلامی است. لذا ما باید از یک‌طرف سعی کنیم آگاهی‌های دینی خود را افزایش دهیم تا آن‌ها موفق نشوند به نام دین و به نام بعضی از مذاهب، مطالبی را به خورد جامعه ما بدهند و مردم را از این همه موفقیت‌هایی که در طی چهل سال گذشته به دست آمده، دور کنند و از طرف دیگر، باید آگاهی‌های سیاسی اجتماعی خود را گسترش دهیم تا با تبلیغات سوئی که با وسایل در اختیار به صورت شبانه‌روزی انجام می‌دهند، نتوانند نسل آینده ما و حتی بعضی از افراد ناآگاه جامعه فعلی را فریب دهند و چنین به آن‌ها القاء کنند که شما قدرت مقاومت ندارید و بالاخره شکست می‌خورید! ما باید برای غلبه بر دشمن در پی تحقق آیات شریفه «و لینصرن الله من ینصره» (حج، ۴۰) «و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم» (نور، ۵۵) باشیم؛ یعنی آماده این شویم که لیاقت پیدا کنیم و مشمول این آیات قرار بگیریم. ما باید درس‌هایی که در گذشته گرفتیم، در این روزها مرور کنیم و آن را زنده نگه‌داریم و برای نسل جدید بازگو کنیم و به تعبیر قرآن که می‌فرماید: «و ذکرهم» به یادشان بیاوریم تا مردم غافل نشوند و فراموش نکنند. این موجب می‌شود نقشه‌هایی که دشمنان برای نسل



عامل اصلی موفقیت مردم که

این انقلاب را بوجود آوردند و

این نظام را برقرار کرده و در

مقابل نقشه‌های دشمن استقامت

کردند، ایمان به خدا است. این

ایمان باعث می‌شود که مردم در

هیچ حالی ناامید نشوند و نهایتاً در

مبارزه با دشمن، تسلیم نشده و در

دام‌های آن‌ها نیفتند و از طرف

دیگر، به الطاف الهی بیشتر امیدوار

شوند. لذا باید از دستورات الهی

برای رفتارهای خود بیشتر استفاده

کنند و از تجربه‌های گذشته

که در کتاب‌های آسمانی و به

خصوص در قرآن کریم ذکر

شده، بهره‌برند



# سقیفه، ساباط، عاشورا، نقش مردم در غربت ائمه

علی اکبر عالمیان

## اشاره:

در مقاله‌ی حاضر می‌کوشیم تا با نشان دادن نقش مردم در غربت و مظلومیت معصومین و به ویژه سه امام اول شیعیان، تفاوت مردم صدر اسلام با مردم ایران را ثابت کنیم. البته ناگفته پیداست که آن دسته از یاران خالص معصومین، به قدری اندک و در انزوا بودند که نمی‌توانستند تغییر خاصی در روند غربت زدایی از چهره‌ی این بزرگواران انجام دهند هر چند که وجودشان برکات فراوانی را در سایر عرصه‌ها به همراه داشته است.



بودند، افرادی نظیر: سعد بن عباد، ابوبکر، عمر بن خطاب، حباب بن منذر، ابوعبیده جراح، بشیر بن سعد، عبدالرحمن بن عوف و... بودند که در کنار افرادی نظیر: اسید بن حضیر، ثابت بن قیس، منذر بن ارقم، حباب بن منذر این ماجرا را به وجود آوردند. گرچه در برابر این افراد، برخی از مهاجرین و انصار نظیر: عباس بن عبدالمطلب، فضل بن عباس، زبیر بن عوام، خالد بن سعید، مقداد بن عمرو، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار یاسر، براء بن عازب، ابی بن کعب با بیعت با ابوبکر مخالفت کردند؛ ولی این مخالفت‌ها تاثیری نداشت و شایسته‌ترین شخص برای جانشینی پیامبر؛ یعنی علی<sup>ؑ</sup> در اوج غربت و مظلومیت از خلافت دور نگه داشته شد.

### نقش مردم در غربت علی<sup>ؑ</sup>

در کنار خواص باید به مردم نیز به چشم مقصران رخ دادن واقعه‌ی سقیفه نگریست. غیر از جمعی از شیعیان پاک‌باخته‌ی علی<sup>ؑ</sup>، اکثر مردم به سمت ابوبکر گرایش پیدا کرده و بدین ترتیب موجبات غربت خاندان رسالت شدند؛ به عنوان نمونه باید به نقش قبیله‌ی اسلم در این مورد اشاره کرد. به تعبیر طبری: «قبیله‌ی اسلم تمام کوچه و خیابان‌های مدینه از آنان مملو گردیده و از هر سو برای بیعت با ابوبکر ازدحام کردند. وقتی چشم عمر به قبیله‌ی اسلم افتاد، فریاد برآورد که: دیگر پیروزی ما قطعی شد.»<sup>۴</sup>

### واکنش علی<sup>ؑ</sup> و فاطمه‌ی زهرا(س)

واکنش علی<sup>ؑ</sup> و فاطمه‌ی زهرا(س) در برابر این اقدامات خودسرانه‌ی مردم و کارگردانان سقیفه، یکی از فرازهای مهم تاریخی به شمار می‌آید. علی<sup>ؑ</sup> در جاهای گوناگون از این اقدام، انتقادهای صریحی داشته است؛ مثلاً در بخش‌هایی از خطبه‌ی شش‌شنبه می‌فرماید: «به خدا سوگند، پسر ابی‌قحافه، خلافت را؛ همچون پیراهن پوشید، در صورتی که جایگاه و مقام مرا در این باره می‌دانست که برای خلافت، همانند قطب وسط آسیاست. سیل معارف و علوم از من سرازیر می‌شود و هیچ پرواز کننده‌ای در فضای علم و کمال به من نمی‌رسد. پس چون چنان دیدم، جامه‌ی خلافت را رها ساختم و پهلو از آن تهی کردم و هم‌چنان در کار خود اندیشه کردم که آیا با دست بریده و بدون یاور، حمله کنم (حق خود را بستانم) یا بر تاریکی کور (گمراهی مردم) صبر کنم؛ آن تاریکی شدیدی که پیران سالخورده را فرتوت کند و خردسالان را پیر نماید و مومن در آن رنج برد تا پروردگار خود را ملاقات کند؟ دیدم که صبر کردن، سزاوارتر و به خرد نزدیک‌تر است. پس صبر کردم؛ اما چه صبوری؟! خار در چشمم و استخوان در گلویم بود و میراث خود را می‌دیدم که به تاراج رفته.»<sup>۵</sup> حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) پس از واقعه‌ی سقیفه و در هنگام وقایع مربوط به گرفتن بیعت از علی<sup>ؑ</sup> و محاصره‌ی خانه ایشان، مخالفت شدیدی کرد<sup>۶</sup> و در خطبه‌ای معروف به فدکیه که در مسجد مدینه ایراد گردید، صراحتاً از حق خاندان رسالت دفاع کرد. در فرازی از این خطبه‌ی معروف، ایشان از بی‌وفایی مردم گلایه کرده و می‌فرماید: «ای مسلمانان! که برای شنیدن حرف‌های بیهوده شتابان بوده و کردار زشت را نادیده می‌گیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دل‌ها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دل‌هایتان تیرگی آورده و گوش‌ها و چشماتان را

### سقیفه؛ نقطه‌ی شروع انشقاق و اختلاف در امت واحد

تمام تلاش پیامبر<sup>ﷺ</sup> مبنی بر تشکیل امت واحد، با اقدامی که در واقعه‌ی سقیفه‌ی بنی‌ساعده رخ داد، ناتمام ماند و به این ترتیب کارگردانان این واقعه‌ی تاسف‌بار، گام در راهی نهادند که امت اسلامی را تا سالیان سال و تا قیام قیامت در اختلاف، انشقاق و حیرانی قرار می‌داد. سال‌ها پیش از این پیامبر عظیم‌الشان اسلام، بارها و بارها بر ولایت، امامت و خلافت علی<sup>ؑ</sup> پس از خود تأکید فرموده بودند. در جریان انداز عشیره، به صراحت تصریح فرمود که: «...ثم قال ان هذا أخی و وصیتی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا... سپس فرمود همانا این برادر، وصی و خلیفه‌ی من در میان شماست پس به او گوش فرا دهید و اطاعت کنید.»<sup>۷</sup> بعدها در جریان غزوه‌ی تبوک و در حدیث معروف به منزلت خطاب به امام علی<sup>ؑ</sup> تأکید فرمود که: «ما ترضی أن تکون منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لیس بعدی نبی انه لا ینبغی ان اذهب الا و أنت خلیفتی؛ پیامبر<sup>ﷺ</sup>: جایگاه تو نسبت به من، مثل جایگاه هارون نسبت به موسی است، غیر آن که تو پیغمبر نیستی! یعنی سزاوار نیست که من بروم، مگر آن که تو جانشین من باشی.»<sup>۸</sup> حدیث غدیر نه اولین اعلام پیامبر مبنی بر جانشینی و خلافت علی<sup>ؑ</sup>، بلکه برای آخرین بود که بر این مسئله تأکید می‌فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست.»<sup>۹</sup> اما با همه‌ی این تأکیدات، کارگردانان سقیفه توجهی به فرمایشات پیامبر نکردند و شد آن‌چه نباید می‌شد. در حالی که امام علی<sup>ؑ</sup> و برخی دیگر از اصحاب مشغول تدارک مراسم تدفین پیامبر بودند، در همان زمان عده‌ای از انصار به رهبری سعد بن عباد، بزرگ قبیله خزرج، در محلی به نام سقیفه‌ی بنی‌ساعده جمع شدند تا برای انتخاب خلیفه‌ی بعد از پیامبر<sup>ﷺ</sup> تصمیم بگیرند. سعد بن عباد، جانشینی پیامبر را حق انصار دانست و انصار نیز سعد را به عنوان حاکم خود انتخاب کردند؛<sup>۱۰</sup> اما این تصمیم به اطلاع ابوبکر و عمر رسید و این دو به اتفاق ابوعبیده جراح به سمت سقیفه حرکت کرده و ابوبکر طی سخنانی برتری مهاجران و اولویت قریش برای جانشینی پیامبر را ثابت کرد.<sup>۱۱</sup> عمر و ابوعبیده نیز به میدان آمده و با ابوبکر بیعت کردند. خلیفه‌ی دوم در این مورد می‌گوید: «در این لحظه سروصدا و همه‌می حاضران از هر طرف برخاست و سخنان نامفهوم از هر گوشه شنیده می‌شد، تا آن‌جا که ترسیدم اختلاف، موجب از هم گسیختگی شیرازه‌ی کار ما بشود. این بود که به ابوبکر گفتم: دستت را دراز کن. تا با تو بیعت کنم؛ اما پیش از آن که دست عمر در دست ابوبکر قرار بگیرد، بشیر بن سعد خزرجی از رقبای سعد بن عباد، پیش‌دستی کرده و دست به دست ابوبکر زد و با او بیعت کرد.»<sup>۱۲</sup> پس از او نیز هجوم حاضران در سقیفه برای بیعت با ابوبکر آغاز شد.

### خواص جامعه؛ کارگردانان سقیفه

اگر پرسیده شود که کارگردانان کودتای سقیفه چه کسانی بوده‌اند، خواص جامعه را باید نام برد. البته باید گفت که با توجه به قراین از جمله شتابزدگی سعد بن عباد می‌توان نتیجه گرفت که ماجرای سقیفه الزاماً به معنای از پیش طراحی شده بودن این کودتای بدون خونریزی نبود. کارگردانان این واقعه، همگی از اصحاب پیامبر و از خواص جامعه



فراگرفته و بسیار بد آیات قرآن را تاویل کرده و بد راهی را به او نشان داده و با بد چیزی معاوضه نمودید، به خدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آن گاه که پرده‌ها کنار رود و زبان‌های آن روشن گردد و آن چه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آن جاست که اهل باطل زیانکار گردند.»

علی علیه السلام نیز در واکنش به بی‌مهتری مردم می‌فرماید: «پس از درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم به ابوبکر روی آوردند و با وی بیعت کردند، در حالی که من سرگرم غسل و دفن رسول خدا بودم. سپس به قرآن پرداختم و با خود عهد بستم که جز برای انجام نماز ردایی برنگیرم و پای بیرون نهمم تا که قرآن را در کتابی گرد آورم و چنین کردم، سپس فاطمه را برداشتم و دست پسرانم حسن و حسین را گرفتم و به خانه‌ی یکایک مجاهدان بدر و پیشگامان در اسلام از مهاجران و انصار رفتم و آنان را در باره‌ی حقم به خدا سوگند دادم و آنان را به یاری خویش فراخواندم. از همه‌ی آنان تنها چهار نفر به دعوتم پاسخ دادند: سلمان، ابوذر، مقداد، و زبیر. از خاندانم نیز کسی نبود تا از من پشتیبانی کند؛ حمزه در نبرد احد کشته شده بود و جعفر در نبرد موته، من بودم و دو عامی تندخوی بدبخت ناتوان خوار؛ عباس و عقیل که تازه از کفر به اسلام روی آورده بودند. مردم مرا ناخوش داشتند و رها کردند، آن گونه که هارون به برادرش گفت، گفتم: ای برادر! همانا که این قوم مرا ناتوان ساختند و نزدیک بود مرا بکشند»، هارون برایم الگوی نیکویی است و عهد و پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برایم حجتی نیرومند!<sup>۱۷</sup>

### ساباط؛ محصول خیانت یاران

ساباط، همان جایی است که امام حسن علیه السلام به خاطر خیانت یارانش مجبور به صلح با معاویه شد. امام با در نظر گرفتن شرایط و مصالحی در سال ۴۱ (ه.ق.) صلح را پذیرفتند<sup>۱۸</sup> و تاکید کردند که: «این صلح به سان صلح حدیبیه است.» این صلح گر چه به تعبیر امام باقر علیه السلام: «برای امت، از آن چه خورشید بر آن می‌تابد، بهتر بود»<sup>۱۹</sup> ولی هرچه بود یک صلح تحمیلی بود که محصول نیرنگ‌های معاویه و خیانت یاران و فرماندهان سپاه امام بود. امام حسن، پسر عموی پدر بزرگوارش، عبیدالله بن عباس را فرماندهی دوازده هزار نفر کرد و به او تاکید کرد که: لشکر را از کنار شط فرات حرکت بده و از آن جا، به سرزمین «مسکن» برو، وقتی که از آن جا گذشتی، با سپاه معاویه روبرو می‌شوی. تو پیش‌دستی در جنگ مکن، وقتی دیدی او جنگ را آغاز کرد، با او جنگ کن. اگر برای تو حادثه‌ای رخ داد، «قیس بن سعد»، فرمانده سپاه خواهد شد. آن گاه، عبیدالله بن عباس، به همراه دوازده هزار نفر لشکر، از کنار شط فرات حرکت نمود تا به سرزمین «مسکن» رسید.<sup>۲۰</sup> عبیدالله؛ اما نتوانست در برابر پیشنهادهای معاویه مقاومت کند و به راحتی فریب خورد و با عده‌ی زیادی از زیردستان خود در حدود هشت هزار نفر شبانه به اردوگاه معاویه پیوست و سپاهیان امام را بدون فرمانده رها کرد.<sup>۲۱</sup> با فرار عبیدالله و دیگر فرماندهان سپاه امام، اوضاع لشکر به هم ریخت. پیش از آن نیز پس از اعزام عبیدالله، مردم برای حرکت به سوی جبهه‌ی جنگ، تمایلی نشان نمی‌دادند و کندی می‌کردند. سپس آنان، با سختی و اکراه به فرمان امام حسن علیه السلام گردن نهاده و همراه آن حضرت، به راه افتادند. با فرار فرماندهی سپاه امام،

باقی لشکر نیز منهزم شد چرا که اصولاً این لشکر، گروه همگونی نبودند. شیخ مفید یاران امام حسن را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱- یک دسته از آن‌ها، از شیعیان امام حسن علیه السلام و پدر بزرگوارش امام علی علیه السلام بودند.

۲- یک دسته از آن‌ها، از گروه خوارج بودند که هدفشان، جنگ با معاویه بود، اگر چه به امام حسن علیه السلام بی‌علاقه بودند.

۳- یک دسته از آن‌ها، فتنه‌جو بودند و به طمع جمع غنایم جنگی به جبهه‌ی جنگ می‌رفتند.

۴- یک دسته از آن‌ها در حال شک و تردید به سر می‌بردند و حیران و سرگردان بودند و نمی‌دانستند که چه باید بکنند.

۵- یک دسته از آن‌ها، پیرو قبیله و رئیس قبیله‌ی خود بودند. آن‌ها دین و ایمانی نداشتند، بلکه به میل رؤسای قبیله‌ی خود رفتار می‌نمودند.<sup>۲۲</sup>

امام حسن علیه السلام برای این که مردم را برای جنگ با معاویه امتحان کند، فرمود: اگر آماده‌ی نبردید، صلح را رد کنیم و با تکیه بر شمشیرمان کار او را به خدا واگذاریم؛ اما اگر مانند‌ی دوست دارید، صلح او را بپذیریم و برای شما تامین بگیریم. در این هنگام مردم از هر سوی مسجد به فریاد در آمدند و با ندای «البقیه، البقیه» صلح را امضا کردند.<sup>۲۳</sup> به تعبیر شیخ مفید: «برای امام حسن علیه السلام روشن شد که مردم او را تنها گذاشته‌اند و خوارج با دشنام به آن حضرت و کافر دانستن آن جناب، نسبت به او بددل گشته‌اند و خونش را مباح دانسته، اموالش را به غارت بردند و جز اینان کسی که امام از اندیشه‌های ناپاکشان آسوده باشد، برای او به جای نماند، مگر اندکی از نزدیکانش که شیعیان پدرش یا شیعه‌ی خود آن جناب بودند و اینان گروه اندکی بودند که در برابر لشکر انبوه شام تاب مقاومت نداشتند.»<sup>۲۴</sup>

### ترور امام؛ اوج مظلومیت و غربت

بی‌گمان نقشه‌ی ترور امام در جریان ساباط توسط نیروهای خودی را باید هم اوج غربت و مظلومیت حضرت دانست و هم اوج بی‌وفایی، خیانت و بی‌بصیرتی مردم! کار به جایی رسید که لشکر امام حتی آماده‌ی تسلیم یا قتل امام خود بودند. خود ایشان در این مورد می‌فرماید: «سوگند به خدا! اگر با معاویه بجنگم، اینان مرا کتف بسته تسلیم او می‌کنند. پس اگر در حال عزت با او صلح کنم، بهتر است تا در حال اسیری مرا بکشند یا بر من منت نهد.»<sup>۲۵</sup>

عاقبت نیز یاران خودامام او را ترور کردند. معاویه جاسوسی را به سوی تعدادی از منافقان و خوارج؛ مثل عمرو بن حریث، اشعث بن قیس، شیبث ابن ربیع و... روانه ساخت و به هریک از آن‌ها وعده داد که در صورت کشتن امام حسن علیه السلام، دویست هزار درهم به همراه فرماندهی بخشی از لشکر یاران شام و یکی از دخترانش را به وی اعطا کند. امام علیه السلام که از توطئه‌ی دشمنان آگاهی داشت، حتی در حال نماز از زره استفاده می‌نمود. روزی یکی از مخالفان در حال نماز به سوی حضرت تیراندازی کرد که با برخورد به زره، اثر نکرد. همچنین هنگامی که حضرت، شبانه از ساباط مداین عبور می‌کرد، یکی از منافقان خنجری مسموم بر ران مبارکش زد که موجب شد حضرت در مداین بستری و مورد معالجه قرار بگیرد.<sup>۲۶</sup>

شخصی می‌گوید در حالی که امام درد می‌کشید، نزد او رفتم و عرض



که امام در پاسخ می‌فرمود: «لعار خیر من النار؛ ننگ (ظاهری) بهتر از آتش است.»<sup>۲۴</sup> خواصی؛ مانند سلیمان بن سرد نیز نزد امام آمد و گفت: السلام علیک یا مذل المومنین... امام فرمود: اما گفتار تو که گفتی «یا مذل المومنین»، سوگند به خدا! اگر زیر دست و در عافیت باشی، نزد من محبوب‌تر است از این که عزیز و کشته شوی. اگر خدا حق ما را در عافیت به ما برگرداند، ما می‌پذیریم و از او بر آن کمک می‌گیریم و اگر باز داشت، نیز خرسندیم...<sup>۲۵</sup> حتی حجر بن عدی اولین کسی بود که به دیدار امام رفت و با لحنی تند اعتراض کرد و حضرت<sup>ﷺ</sup> را به ادامه‌ی جنگ فراخواند. امام حسن<sup>ﷺ</sup> در جواب حجر بن عدی فرمود: «آرام باش، من خوار کننده نیستم؛ بلکه عزت‌بخش مومنانم و بقای ایشان را می‌خواهم.»<sup>۲۶</sup>

### نقش بی‌بصیرتی و جهل مردم در پذیرش صلح با معاویه

شیخ مفید می‌نویسد: «امام حسن اطمینانی به صلح پیشنهادی معاویه نداشت و می‌دانست که معاویه می‌خواهد حيله و تزویر کند. آن حضرت، چاره‌ای جز پذیرفتن صلح و ترک جنگ نداشت؛ زیرا که پیروان و یاران آن حضرت، آن‌گونه بودند که گفتیم. آن‌ها، افرادی سست‌عنصر و سست‌عقیده بودند و چنان‌که بیان شد، آن‌ها در صدد مخالفت با امام حسن برآمدند. بسیاری از آن‌ها، ریختن خون امام حسن<sup>ﷺ</sup> را حلال می‌دانستند و می‌خواستند آن حضرت را دست‌بسته، به معاویه تحویل دهند!!! تا آن‌جا که پسر عموی آن حضرت، «عبیدالله بن عباس»، دست از یاری آن حضرت برداشت و به معاویه پیوست. به‌طور کلی، یاران آن حضرت به شئون دنیا، روی آورده و از شئون آخرت، چشم پوشیده بودند. در این شرایط، امام حسن<sup>ﷺ</sup> برای اتمام حجت و به جهت داشتن عذری میان خود و خدای خود، هم‌چنین برای داشتن عذری میان خود و مسلمانان، پیمان محکمی از معاویه برای صلح با او گرفت.»<sup>۲۷</sup> در منابع آمده است که وقتی معاویه به کوفه آمد، امام حسن<sup>ﷺ</sup> در حضور او برخاست و بر فراز منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «سوگند به خدا اگر مردم با من بیعت می‌کردند

کردم؛ ای فرزند رسول خدا! به چه فکر می‌کنی؟ مردم سرگردانند! فرمود: «سوگند به خدا! معاویه برایم بهتر از آنان است؛ می‌پندارند که شیعیان من هستند؛ ولی در پی قتل من برآمدند و اموال مرا به غارت بردند. به خدا قسم! اگر از معاویه پیمان بگیرم که خونم را حفظ کنم و خاندانم را در امان دارم، بهتر است تا اینان مرا بکشند و خاندانم را تباہ سازند. سوگند به خدا! اگر با معاویه بجنگم، اینان مرا کتف بسته تسلیم او می‌کنند. پس اگر در حال عزت با او صلح کنم، بهتر است تا در حال اسیری مرا بکشد یا بر من منت نهد و این منت او ننگ بنی‌هاشم تا پایان روزگار باشد، جنگی که معاویه و نسل او پیوسته بر زنده و مرده‌ی ما بر زبان رانند...»<sup>۲۸</sup>

### شکوه‌های امام از بی‌وفایی مردم

در جریان صلح امام با معاویه، در منابع تاریخی به نکاتی اشاره شده است که نشان می‌دهد که مردم چقدر بی‌بصیرت بوده‌اند. امام از این بی‌وفایی و بی‌بصیرتی مردم شکوه‌های فراوانی کرده‌اند. در جایی می‌فرمایند: «سوگند به خدا! حکومت را به او نسپردم مگر آن‌که یارانی نیافتم و اگر یاورانی داشتم، شب و روز را با او می‌جنگیدم؛ تا خدا میان من و او داوری کند؛ ولی من کوفیان را شناختم و آموادم. فاسدانشان شایسته‌ی من نیستند و آنان وفا ندارند و در سخن و کار خود بی‌تعهدند و نیز دوچهره‌اند؛ به ما می‌گویند: دل‌های ما با شماست و شمشیرهایشان بر ما آمیخته است.»<sup>۲۹</sup> در فرازی دیگر نیز تأکید می‌فرمایند: «بنی‌اسرائیل، هارون را رها ساختند، با این‌که می‌دانستند او جانشین موسی است و از سامری پیروی کردند و این امت نیز پدرم را رها و با غیر او بیعت کردند... رسول خدا<sup>ﷺ</sup> با این‌که قوم خود را به خدای متعال فرا می‌خواند، از آنان فرار کرد و به غار ثور رفت و چنان‌چه یارانی می‌یافت، فرار نمی‌کرد. پدر من نیز چون آنان را سوگند داد و از آنان یاری خواست و یاری‌اش نکردند... و خدا پیامبر را چون داخل غار شد و یارانی نیافت، آزاد گذاشت، به همین سان امت پدرم و مرا رها و با تو بیعت کردند، از جانب خدا دستم باز است و همانا این‌ها سنت‌ها و نمونه‌هایی است که یکی پس از دیگری می‌آید.»<sup>۳۰</sup> حضرت در جایی دیگر نیز می‌فرمایند: «ای اهل عراق! من با شما چه کنم؟ این نامه‌ی سعد است که می‌گوید بزرگان شما به معاویه پیوسته‌اند. هان! سوگند به خدا! این رفتار از شما ناشناخته نیست؛ زیرا شما همان افرادی هستید که در روز صفین پدرم را به پذیرش حکمت واداشتید و بعد از پذیرش، اختلاف کردید. پدرم برای بار دوم شما را به نبرد با معاویه فراخواند؛ ولی سستی کردید، تا او به کرامت خدا (شهادت) پیوست. سپس آمدید و با اختیار با من بیعت کردید، من هم پذیرفتم و در این راه بیرون آمدم و خدا می‌داند که چه تصمیمی داشتیم؛ ولی از شما سرزد آن‌چه سرزد، عراقیان! دیگر بس است، مرا در دینم فریب ندهید که من این امر را به معاویه واگذار می‌کنم.»<sup>۳۱</sup>

### زخم‌زبان مردم، سنگین‌تر از هر زخمی

در کنار بی‌وفایی مردم، آن‌چه بیش از هر چیزی حضرت را می‌رنجاند، زخم‌زبان‌هایی بود که برخی از مردم و به ویژه خواص به حضرت می‌زدند. برخی از اصحاب امام به ایشان «یا عار المومنین» می‌گفتند

و از من فرمانبرداری کرده، یاریم می نمودند، آسمان بارانش و زمین برکتش را به ایشان می داد و تو ای معاویه هیچ گاه در حکومت طمع نمی کردی.»<sup>۳۸</sup> امام هم چنین در خطبه ای دیگر، به عدم حمایت مردم اشاره کرده می فرماید: «اگر یار و یاور می یافتم، حکومت را به معاویه واگذار نمی کردم؛ زیرا حکومت بر بنی امیه حرام است.»<sup>۳۹</sup>

### عاشورا، بی وفایی های که امام مظلوم شیعیان کشید.....

جریان عاشورا اوج بی وفایی مردم و غربت خاندان گران قدر رسول الله ﷺ به شمار می آید. چه خواص جامعه و چه مردم عادی، با تنها گذاشتن حضرت در میدان کربلا، نقش اصلی را در غربت حضرت سیدالشهدا و یاران و همراهانش داشته اند. برخی از این خواص علیرغم قایل بودن به حقانیت امام ﷺ و در عین توانایی با او همراه نشدند. عبدالله بن حر جعفی یکی از همین نمونه ها است. وقتی امام ﷺ به منزل «قصر مقاتل» رسیدند، خیمه ای دیدند. سوال فرمودند که خیمه ای کیست؟ گفتند: متعلق به عبدالله بن حر جعفی است. امام ﷺ کسی را فرستاد تا او را به همکاری دعوت کند؛ اما او جواب منفی داد و گفت: «من از کوفه بیرون نشدم مگر به خاطر این که با حسین ﷺ نباشم، چون در کوفه یآوری ندارد و من اصلا دوست ندارم او را ببینم و او هم مرا ببیند.» پاسخ او را به امام ﷺ گفتند و آن حضرت خودش نزد وی رفت و پس از سلام، او را برای خروج بر علیه یزید دعوت کرد؛ ولی عبدالله همان جواب را تکرار نمود. چون امام از هدایت و رستگاری او مایوس شد، فرمود: «نصیحتی به تو می کنم و آن این که تا می توانی خود را به مکان دوری برسان تا صدای استغاثه ای ما را نشنوی؛ زیرا به خدا سوگند اگر صدای استغاثه ای ما به گوش کسی برسد و به یاری ما شتاب نکند، خدا او را در آتش جهنم قرار خواهد داد.»<sup>۴۰</sup> برخی دیگر از خواص علیرغم فرستادن دعوت نامه برای امام از همراهی با ایشان سرباز زدند؛ به عنوان مثال باید به شیبث بن ربیع اشاره کرد که یکی از خواص کوفه و از طایفه ی بنی تمیم است. او از جمله کسانی بود که برای امام حسین ﷺ دعوت نامه فرستاد؛ اما روز عاشورا به عنوان یکی از نیروهای پیاده لشکر عمر سعد در مقابل امام ایستاد. سلیمان بن صردبن چون خزاعی نیز از بزرگان عرب و شیعیان کوفه و صحابی حضرت محمد ﷺ، امام علی ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ بود که در برخی جنگ ها در رکاب امیرمؤمنان ﷺ بود؛ در دوران امام حسن ﷺ نیز از بزرگان شیعه ای کوفه به حساب می آمد؛ اما با صلح امام حسن ﷺ با معاویه مخالف بود. نخستین نامه های کوفیان به امام حسین ﷺ به رهبری او نوشته شد، با این حال خود او در نبرد کربلا حضور نداشت.

به تبع این خواص، عوام نیز در واقعه ای عاشورا به امام حسین بی وفایی کردند. خود امام حسین ﷺ در روز عاشورا به این عهدشکنی و بی وفایی آنان اشاره کرد و می فرماید: «وای بر شما ای کوفیان! زشت باد کارتان! ما را به یاری فرا خواندید، چون نزد شما آمدیم و ندایتان را پاسخ گفتیم، همان شمشیرها را که با ما هم قسم بود، به روی ما کشیدید...»<sup>۴۱</sup>

امام البته علل این بی وفایی ها را نیز به صراحت ذکر می فرماید. یکی از این علل، دلبستگی به دنیاست. سیدالشهدا مردم را بندگان

دنیا می شمارد که تا وقتی زندگیشان بر مدار دین بچرخد، دم از دین می زنند؛ اما هرگاه که با بلاها؛ رنج ها و سختی ها آرموده شوند، دینداران واقعی اندک می شوند.<sup>۳۳</sup> علت دیگر، حرام خواری برخی از مردم است. به تعبیر امام حسین ﷺ: «همه ای شما مرا سرپیچی می کنید، به سختم گوش فرا نمی دهید؛ حق دارید، چرا که تحفه ها و هدیه هاتان همه از حرام است و شکم هایتان از حرام پر شده است، پس بر دل های شما مهر خورده. وای بر شما چرا ساکت نمی شوید، چرا گوش نمی دهید و نمی شنوید؟»<sup>۳۴</sup> علت دیگر، جهل مردم بود. به فرموده ای امام سجاده: «هیچ روزی مثل روز عاشورا نبود، سی هزار نفر گمان می کردند مسلمان هستند به قصد قربت الی الله، خون امام را ریختند.»<sup>۳۵</sup> علت مهم دیگر عدم معرفت به رسول خدا ﷺ و اهل بیت آن حضرت بود. وقتی حضرت اباعبدالله الحسین ﷺ در روز عاشورا خود را معرفی می کند و برای اتمام حجت بر آنان که شاید جایگاه رفیع اهل بیت ﷺ را نشناخته اند، بارها آنان را به خدا سوگند می دهد که اگر او و جایگاهش را نمی شناسند، آگاه شوند تا از شقاوت نجات یابند. امام ﷺ پس از گرفتن اقرار از مخالفینش که آیا می دانند ایشان کیستند، خطاب به آنان می فرماید: «پس چرا و به چه دلیل ریختن خون مرا مباح شمرده اید؟ آیا خونی از شما ریخته ام که مستحق قصاص باشم یا... دشمنان در پاسخ گفتند: «ما همه ای آنچه را گفتی، می دانیم؛ اما از تو دست برنخواهیم داشت تا با تشنگی جان دهی.»<sup>۳۶</sup>

مقام معظم رهبری درباره ی غریبانه بودن مبارزه ی امام حسین ﷺ در حادثه ی عاشورا تاکید می کنند: «دشوارترین مبارزه، مبارزه ی غریبانه است. کشته شدن در میان هیاهو و هلهله ی دوستان و تحسین عامه ی مردم، چندان دشوار نیست. چنان که در یکی از جنگ های صدر اسلام، وقتی که دو لشکر حق و باطل در مقابل هم صف کشیدند و کسانی؛ چون پیغمبر ﷺ و امیرالمومنین ﷺ در رأس جبهه ی حق قرار داشتند، پیغمبر از سپاهیان خود پرسید: چه کسی حاضر است به میدان برود و فلان جنگجوی معروف سپاه دشمن را از پای درآورد؟ جوانی از سپاهیان اسلام، داوطلب شد. پیغمبر دستی بر سر او کشید و او را بدرقه کرد. مسلمانان هم برایش دعا کردند و او به میدان نبرد رفت، جهاد کرد و کشته شد. این، یک نوع کشته شدن و جهاد کردن است. نوع دیگر جهاد کردن، جهادی است که وقتی انسان به سمت میدان نبرد می رود، آحاد جامعه نسبت به او یا منکرو یا غافلند، یا کناره می جویند و یا در مقابلش می ایستند. کسانی هم که قلبا وی را تحسین می کنند - و تعدادشان کم است - جرأت ندارند زبانی به تحسینش پردازند. در حادثه ی عاشورای امام حسین ﷺ، حتی کسانی مانند «عبدالله بن عباس» و «عبدالله بن جعفر» که خودشان جزء خاندان بنی هاشم و از همین شجره ی طیبه اند، جرأت نمی کنند در مکه یا مدینه بایستند، فریاد بزنند و به نام امام حسین ﷺ شعار بدهند. چنین مبارزه ای، غریبانه است و مبارزه ی غریبانه، سخت ترین مبارزه هاست. همه با انسان، دشمن. همه از انسان، رویگردان. در مبارزه ی امام حسین ﷺ، حتی برخی از دوستان هم مغرضند. چنان که به یکی از آن ها فرمود: «بیا به من کمک کن.» و او به جای کمک، اسبش را برای حضرت فرستاد و گفت: «از اسب من استفاده کن!» غربت از این بالاتر و مبارزه از این غریبانه تر؟!»<sup>۳۷</sup>



### مردم ایران؛ برتر از مردم در صدر اسلام

نتیجه‌ی پایانی این نوشتار را با این جمله به اتمام می‌رسانیم که گرچه در صدر اسلام و در عهد ائمه، مردم آن دوران نقش قابل توجهی در غربت و مظلومیت معصومین داشتند؛ اما بی‌شک در عصر حاضر، ملت شریف ایران نقش اصلی را در غربت‌زدایی از چهره‌ی اهل بیت ایفا می‌کنند و چه زیبا امام خمینی علیه السلام در وصیتنامه‌ی خویش تأکید می‌کنند که: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده‌ی میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - هستند. آن حجاز که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمانان نیز از ایشان اطاعت نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آن‌ها را توبیخ فرموده و وعده‌ی عذاب داده است و آن قدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمومنین آن قدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا علیه السلام آن شد که شد و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی، انتظامی، سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند. می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده می‌کنند. می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند و این‌ها همه از عشق، علاقه و ایمان سرشار آنان به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان است. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند، و نه در محضر امام معصوم علیه السلام و انگیزه‌ی آنان ایمان و اطمینان به غیب است و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان‌ی تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری در پیشگاه چنین ملتی هستیم.»

#### پی‌نوشتها

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۳
۲. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۴
۳. همان، ج ۲، ص ۱۰۹
۴. ابن قتیبه، الإمامة و السیاسة، ج ۱، ص ۲۲
۵. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳۷
۶. همان
۷. تاریخ طبری ج ۲ ص ۴۵۸
۸. خطبه سوم نهج البلاغه
۹. ابن قتیبه، الإمامة و السیاسة، ج ۱، ص ۳۰-۳۱.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۶۸.
۱۱. ابوالحسن اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه عن معرفة الائمه، ج ۲، ص ۱۳۸
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۹
۱۳. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۶۸.
۱۴. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۱
۱۵. الارشاد، ج ۲، ص ۷
۱۶. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۴۰۶.
۱۷. الارشاد، ج ۲، ص ۱۰
۱۸. قرشی، باقر شریف، حیاة الامام الحسن (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۰۵
۱۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۱
۲۰. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۷۲۳
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۱۲
۲۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۵۶۰.
۲۳. ابن اعمش کوفی، ابومحمد احمد بن اعمش، الفتوح، ج ۴، ص ۲۸۹.
۲۴. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۶۱.
۲۵. ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السیاسة، ج ۱، ص ۱۸۵.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، ص ۱۶۶
۲۷. الارشاد، ج ۲، ص ۱۰
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۸
۲۹. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۷۶
۳۰. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۷-۳۰۸.
۳۱. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۶۷.
۳۲. ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵.
۳۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸
۳۴. همان، ج ۴۴، ص ۲۹۸.
۳۵. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۸.
۳۶. بیانات در تاریخ: ۱۷/۰۳/۱۳۷۳

# مردم سالاری دینی در گام دوم انقلاب از منظر فقه سیاسی

محمدحسین علیجانزاده

## مقدمه

انقلاب اسلامی یک نظام مردمسالار است که گردش قدرت در آن بر اساس آرای عمومی و در چارچوب شرع صورت می‌گیرد. اداره‌ی کشور بر اساس خواست مردمی انجام می‌شود که خواستار اداره‌ی کشور براساس موازینی شرعی هستند و بر اساس دین و اصل امر به معروف و نهی از منکر بر آن نظارت می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی، کسانی بر کرسی قدرت می‌نشینند که دارای شرایطی که شرع تعیین کرده، هستند و تلاش دارند قوانین برگرفته از دین اسلام را تبیین و اجرا کنند و بر اساس امر به معروف و نهی از منکر بر روند آن نظارت کنند؛ از این رو رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی برای نیل به تمدن اسلامی به تبیین نقشه‌ی راه بر اساس موازین شرعی پرداخته و جامعه را به عمل به آن موازین ترغیب فرموده‌اند.

## تحلیلی بر بیانیه‌ی گام دوم و نقش مردم در آن

این بیانیه به عنوان مطلع ورود به اربعین دوم انقلاب اسلامی است و می‌توان درباره‌ی آن ساعت‌ها سخن گفت و به تولید نظر، فکر و اندیشه پرداخت. تعابیری که رهبر انقلاب در این مانیفست به کار برده‌اند از جهات گوناگون قابل بررسی است؛ اما آن‌چه در این سخن مهم است نوع نگاه رهبری معظم به مردم و نقش آن‌ها در تحقق اهداف انقلاب اسلامی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. در این بیانیه یک بار واژه‌ی مردم‌سالاری و چندین بار واژه‌ی مردم، به کار برده شده است که به مرور می‌گذرانیم:

۱. انقلاب پر شکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی

خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.  
۲. دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.  
۳. انقلاب اسلامی هم‌چون پدیده‌ای زنده و با اراده همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد؛ اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی، نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.  
۴. هیچ تجربه‌ی پیشین و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است،



الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت، اسلامیت و ابزارهای تشکیلی و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی، قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود.

۵. انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ درگام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد.

۶. (انقلاب اسلامی) مشارکت مردمی را در مسایل سیاسی؛ مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی؛ مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری را که پیش از انقلاب آغاز شده بود، به صورت چشم‌گیری افزایش داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

۷. بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسایل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقا داد. تحلیل سیاسی و فهم مسایل

- علم و پژوهش
- عدالت و مبارزه‌ی با فساد
- معنویت و اخلاق
- عزت ملی و روابط خارجی
- اقتصاد
- استقلال و آزادی
- سبک زندگی

این بیانیه در واقع نقشه‌ی راه چهل سال دوم انقلاب اسلامی است که در افق خود تمدن اسلامی و در امتداد آن پیوستن به ظهور منجی موعود حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا له الفدا) را ترسیم می‌کند. سه اصل مهم (آرمان‌های انقلاب، بازخوانی کارآمدی انقلاب، تعیین چشم‌انداز و مسیر آینده) در این بیانیه سه ضلع یک استوانه‌ی مخروطی شکل را برای صعود به قله‌ی تمدن اسلامی نشان می‌دهد که حرکت و سیر آن به‌صورت دورانی و روبه بالا است.



اما سوال اساسی در این است که نقش مردم چگونه تعیین کننده‌ی رسیدن به این افق است؟  
 براین اساس باید بیانیه‌ی گام دوم انقلاب و نقش اساسی مردم به عنوان موتور پیش برنده‌ی آن، اولاً بر مبنای مفاهیم آینده‌پژوهی و در مرحله‌ی دوم از منظر فقه تحلیل گردد.  
 در علم آینده‌پژوهی گفته می‌شود تصویرهای آینده - که عبارتند از: آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها و آرزوها - پیش‌بینی‌های اقدامات فعلی کشورها هستند و آینده، امری است که دولت‌ها می‌توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کنند و شکل دهند. همچنین افق دورنمایی است که بالقوه در هر تاریخ وجود دارد. شهید مطهری در تعریف ماهیت انقلاب‌ها و آرمان‌هایشان آن‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند که در واقع همان دورنما و افق‌های موجود و انگیزه‌های در پی آن را شامل می‌شود.

بین‌المللی در موضوعاتی؛ هم‌چون غرب به‌خصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ افروزی‌ها، رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ی به نام روشنفکر بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسایلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

۸. آن انسان معنوی [امام خمینی]، عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تظاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بند و باری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود؛ ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر، دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد... و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش تبلیغات پر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است. این، معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

همچنین هفت محور اساسی و مهم در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و نقش سازنده‌ی مردم و جوانان در آینده‌ی انقلاب از مهم‌ترین نکات مطروحه در بیانیه است.



شده و همین نارضایتی زمینه‌ی شکل‌گیری آینده‌های مطلوب‌تر را فراهم می‌کند. نهضت‌های اسلامی صد سال اخیر به ویژه انقلاب اسلامی بیش از هر چیز محصول این آرمان‌گرایی و افق دید تمدنی است.

مهم‌ترین مساله در کاربردی بودن نقشه‌ی راه هر چشم‌اندازی، ترسیم وضع موجود، وضع مطلوب و نحوه‌ی حرکت میان آن دو و رسیدن مرحله به مرحله به وضع مطلوب است. با ترسیم هدف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت؛ ترسیمی که رهبر معظم انقلاب به‌خوبی در بیانیه‌ی گام دوم از آن سخن به میان آوردند. هدف کوتاه مدت، در رسیدن به اهداف انقلاب در دهه‌ی پنجم انقلاب؛ رسیدن به جایگاه‌ها و شاخص‌های صحیح منطقه‌ای و جهانی در هدف میان مدت و در بلند مدت هم رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی است. نقش مردم در این میان همان‌طور که تبیین گردید به عنوان موتور پیش برنده‌ی نظام و محقق‌کننده‌ی این اهداف الهی است.

#### بررسی نقش مردم در تحقق اهداف انقلاب اسلامی از منظر فقه

انسان در جهان بینی اسلامی و بر مبنای توحید مخلوقی است هدفمند و دارای استعداد و آرمان‌گرا، بر مبنای خطاب قرآنی «انالله و انالیله راجعون» و هم‌چنین ساحتی دارد اجتماعی بر مبنای «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون»<sup>۱</sup>؛ «خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها بیرون می‌برد و به سوی روشنایی (شناخت معارف و اطاعت از خدا) هدایت می‌کند و کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرپرستانشان طاغوت‌هایند که آنان را از نور (فطرت خداشناسی) به در می‌برند و به تاریکی‌های شرک، کفر و عصیان می‌کشانند. اینان همدم آتشند و در آن جاودانه‌اند.»<sup>۲</sup> از همین جهت انسان پیوسته در صدد رسیدن به آرمان و اهدافش تلاش و کوشش نموده و در نتیجه، حیات دنیوی در نظر او جولان‌گاهی برای دست‌یابی به آن اهداف متعالی است. آنچه که می‌تواند این انسان را در این راه سخت‌یاری دهد برنامه‌ی جامعی از باید‌ها و نبایدها و یک دفترچه‌ی راهنماست که در واقع فقه، متکفل آن است. همان‌طور که امام خمینی<sup>۳</sup> فرمودند: «فقه تئوری واقعی و کامل اداره‌ی انسان از

برخی افق‌ها مادی، برخی خصلت انسانی محض و برخی از آن‌ها در افق ایدئولوژیک خلاصه می‌شود. وی انقلاب اسلامی را از نوع سوم می‌دانست.<sup>۴</sup>

از منظر تاریخی نیز ملت ایران همواره در طول تاریخ به دنبال آرمان‌شهر و نظم مطلوب بوده و حتی پذیرش دین اسلام در میان ایرانی‌ها و گسترش آن باتلاش علما، تجار و اندیشمندان به اقصی نقاط عالم با این درک و مفاهیمی فکری بوده است که همواره در مسیر آرمانی حرکت می‌کرده‌اند. قبول تفکر ناب شیعی و آرمان‌خواهی جامعه‌ی مهدوی از مهم‌ترین مسائل قابل تامل در این زمینه است. در واقع مبارزات اجتماعی، عدالت‌طلبی و مطالبه‌گری از سلاطین و نظام‌های جور همواره به‌خاطر نوع نگاه آرمان‌گرایانه‌ی واقعی به مسائل بوده است. جامعه‌ی مطلوب آرمانی مهدوی در ذات خود بر سه اصل استوار است که می‌تواند کارایی لازم را در جذب حداکثری مردم به سمت خود داشته باشد: «اول این که کاملاً واقع بینانه باشد و حقایق زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را به هیچ روی از نظر دور ندارد و به دست فراموشی نسپارد. دوم این که همراه با ارائه‌ی طریق باشد؛ یعنی فقط جامعه‌ی آرمانی را تصویر نکند بلکه راه و روش رسیدن به آن را نیز نشان دهد. آنچه تمام این طرح‌ها را جنبه‌ی غیرعملی، وهمی و پنداری می‌دهد و تقریباً در تمام آن‌ها نیز مشترک است این است که طراح، غالباً دنیای آینده را بی واسطه بر روی دنیای حال می‌نهد و مدینه‌ی فاسده یا جاهله را بی فاصله با مدینه‌ی فاضله مربوط می‌کند؛ اما هیچ نمی‌کوشد نشان دهد تحول مدینه‌ی فاسده به مدینه‌ی فاضله از کدام راه تحقق می‌یابد و آنچه توالی آن‌ها را سبب تواند شد کدام است و سوم این که اهدافی راه اعم از هدف اصلی، نهایی و هدف‌های واسطه برای جامعه‌ی آرمانی تعیین کند که دارای مراتب باشند تا قابل دسترس بودن پاره‌ای از مراتب آن‌ها شور، خواست و اراده را در مردم برانگیزد و آنان را به مبارزات اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال موجود مایل و راغب گرداند و از این گذشته، عدم وصول به کمال مطلوب بدین معنا نباشد که هیچ کاری انجام نشده و هیچ پیشرفتی حاصل نیامده است.»<sup>۵</sup>

بنابر این نوع نگاه به افقی که در پیش روی جامعه‌ی اسلامی ترسیم می‌شود در واقع این الگو باعث حرکت مردم به سمت اهداف و محقق کردن آن‌ها می‌شود. همین تلقی از آرمان موجبات نارضایتی همیشگی جامعه‌ی شیعه از وضع موجود



از منظر تاریخی نیز ملت

ایران همواره در طول تاریخ

به دنبال آرمان‌شهر و نظم

مطلوب بوده و حتی پذیرش

دین اسلام در میان ایرانی‌ها و

گسترش آن باتلاش علما، تجار

و اندیشمندان به اقصی نقاط

عالم با این درک و مفاهیمی

فکری بوده است که همواره

در مسیر آرمانی حرکت

می‌کرده‌اند. قبول تفکر ناب

شیعی و آرمان‌خواهی جامعه‌ی

مهدوی از مهم‌ترین مسائل قابل

تامل در این زمینه است.



گهواره تا گور است.» همچنین مقام معظم رهبری در تبیین فقه سیاسی می‌فرماید: "آن بخشی از فقه که مربوط به اداره‌ی سیاسی کشور هست، مسایل اجتماعی، مسایل حکومت، مسایل جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و امثال این‌ها" است.

بر اساس نگاه فقهی به مساله‌ی مردم و نقش آن‌ها در تحقق اهداف نظام اسلامی که در واقع فقه سیاسی در بردارنده‌ی موضوع آن است می‌شود. از سه منظر بدان پرداخت.

فقه سیاسی به شرح و بسط تئوری‌های حول موضوع قدرت در جامعه می‌پردازد و مهم‌ترین عرصه‌ی قدرت، جامعه است. در جامعه دو طیف افراد وجود دارند: اشخاص و یا دستگاه‌هایی که صادر کننده‌ی اوامر و نواهی هستند و اشخاص و دستگاه‌هایی که از آن اوامر و نواهی تبعیت و اطاعت می‌کنند. بنابر این جریان قدرت در جامعه به جریان صدور اوامر و نواهی و از سویی جریان اطاعت و فرمانبر تقسیم می‌شود.

بنابر این دیدگاه، فقه قانون‌گزار و یا فقه دولت به تبیین رابطه‌ی میان جریان امرکننده و جریان اطاعت کننده می‌پردازد. از این منظر انسان‌ها دارای کرامت هستند و قانون تضمین کننده‌ی کرامت انسانی است. مفهوم دولت در این جا در واقع همان چیزی است که در دانش سیاسی از آن سخن می‌رانند. دولت عبارت است از: عده‌ای از مردم که در سرزمین مشخص به طور دایم اسکان دارند و دارای حکومتی هستند که به وضع و اجرای قانون اقدام می‌کند و از حاکمیتی برخوردارند که به صورت روح حاکم و قدرت عالی آن‌ها را از تعرضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد. در این تعریف در واقع دو سوی دستگاه حکم کننده و دستگاه پذیرنده مشخص شده است. بنابر این سوالی که اساسا وجود دارد این است که آیا دولت و نقش مردم می‌تواند موضوع فقه سیاسی قرار بگیرد؟ در جواب باید گفت که فقه بنابر این که متکفل پاسخگویی به نیازهای انسان‌هاست و احکام وضعی و تکلیفی مردم را از منابع شریعت استخراج می‌کند و هم‌چنین عمل نظام‌سازی در حکومت اسلامی که در واقع دایره مدار حوزه‌ی فقهی و دانش‌های مرتبط با آن هست؛ نظیر فلسفه‌ی فقه، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و... فقیه باید در صدد فهم گزاره‌های نظام‌مند فقهی باشد و بر مبنای نظریه‌های مدون احکام فقهی صادر کند.

اکنون در مرحله‌ی دولت اسلامی مردم و مسئولان باید در روش و منش اداره‌ی کشور بر اساس قوانین اسلامی عمل کرده و کشور را اداره کنند؛ چون تنها راه رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی عمل به تکالیف شرعی است.

بسیاری از صاحب نظران در حوزه‌ی فقه سیاسی معتقدند که مردم محور تعیین کننده در مسایل جامعه و اجتماع هستند. یکی از سوال‌های معروف در این زمینه این است که اساسا در اسلام آیا برای مردم و جامعه هم حکم بار می‌شود؟ یعنی احکامی بر اجتماع بار می‌شود؟ آیا در اسلام که برای ریزترین مسایل فردی؛ مثل خارج شدن از دستشویی و یا خوردن طعام بر سر سفره حکم دارد می‌تواند نسبت به مسایل کلان جامعه‌ی اسلامی ساکت شده

باشد؟ قرآن کریم در این زمینه جواب می‌دهد که "و یوم نبعث فی کل امه شهیدا علیهم من انفسهم و جنابک شهیدا علی هولاء و نزلنا علیک الكتاب تبیانالکل شیء وهدی و رحمة و بشری للمسلمین"<sup>۱۱</sup>؛ و روزی که از هر امتی گواهی بر علیه آنها بر می‌انگیزیم و تورا بر علیه ایشان گواه آوردیم و بر تو کتابی نازل کرده ایم که توضیح همه چیز، هدایت، رحمت و بشارت برای مسلمانان است؛ یعنی اسلام برای همه چیز و همه کس برنامه دارد و در قرآن یافت می‌شود. حال اگر ما نتوانستیم مسئله‌ی دیگری است. با این مقدمه‌ی قرآنی می‌توان گریزی هم به فقه اجتماعی و سیاسی زد که متکفل مباحث فقهی است که آثار آن در تمام جامعه آشکار می‌شود.

از منظر تکلیف اجتماعی آن چه که مورد اتفاق علماست، این است که غیر از حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی، موجودیت دیگری نیز در عالم واقع وجود دارد به نام جامعه که بر آن تکالیفی بار می‌شود. هر چند برای جامعه یک وجود حقیقی مستقل قایل نیستند؛ ولی برای آن یک وجود اعتباری و عرفی لحاظ می‌کنند. حضرت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (ج ۴، ص ۱۲۲)، آیت الله سبحانی در مفاهیم القرآن (ج ۲، ص ۲۰۰)، بر وجود مستقل اعتباری و عرفی جامعه اشاره و استدلال کرده‌اند.

اسلام هم‌چنین بر پایه‌ی عقل و فطرت به سرنوشت کل انسان‌ها نیز توجه دارد و دایما از واژه‌ی جمعی استفاده می‌کند. بالفرض در روز بارها نماز می‌خوانیم و خداوند را با واژگان: "ایاک نعبد" و یا "اهدنا اصراط المستقیم" و یا "السلام علینا" استفاده می‌کنیم و یا در خطابات قرآن، خیلی از احکام را با واژگان "الناس و المومنون" آورده است.

با توجه به دو مقدمه‌ی بالا فقه هنوز برای نقش جامعه و مردم، تبیین و تعریف درست و نظریه‌ی کاملی ارائه ن داده است. این خلا در فقه است که امروز نیازمند تحقیقات و تولیدات علمی فراوان است. از باب مثال در فقه امروز ما موجبات وفای به عهد را به حکم، مستحب می‌دانند. در حالی که در قرآن کریم از استلزام و به نحوی وجوب به وفای به عهده صحبت می‌کند این با آن چه در لسان مشهور هست هم خوانی ندارد و باید بار دیگر برای خلایق احکام تکلیفی اجتماعی و اصولا فقه اجتماعی اندیشید.

اصل اجتماعی "امر به معروف و نهی از منکر" به عنوان یک فریضه‌ی الهی که احکام بسیاری برای جامعه دارد می‌تواند به عنوان یک تکلیف اجتماعی و مکانیزمی برای نظارت و کنترل رفتار همگانی اعم از دولت و مردم در جامعه‌ی اسلامی باشد. حضرت علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه در باره‌ی نظارت و کنترل در جامعه و هشدار همدیگر نسبت به اصول می‌فرماید: "اسلام با نگاه فراگیر خود نظارت را در همه‌ی ابعاد مورد توجه قرار داده تا از حقوق فرد و جامعه به نحو شایسته‌ای صیانت نماید."<sup>۱۲</sup> در اصل هشتم قانون اساسی نیز آمده است: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط، حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.



دیگر بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی: «شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَآ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَن أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ»<sup>۱</sup> مسئولیت اقامه‌ی دین در مرحله‌ی اول به عهده‌ی مردم است و در صورت اقامه‌ی دین در جامعه می‌توان به اهداف بالای انقلاب اسلامی و تحقق یک جامعه‌ی اسلامی رسید.

نتیجه‌ای که باید در این جا گرفت این است که بیانیه‌ی گام دوم در صدد نشان دادن راه صحیح به ملت ایران و گوش‌زد کردن راهی است که تاکنون طی کرده است. در این میان گزاره‌ی مردم و مردم‌سالاری از مهم‌ترین واژگان به کار گرفته شده در این بیانیه است که اهمیت موضوع مردم‌سالاری دینی و شناخت (مردم‌شناسی) درست از مردم با توجه به ظرفیت‌های گوناگون آن‌ها در پیش‌برد اهداف کلان انقلاب اسلامی را می‌رساند و این نقش؛ یعنی کمال یافتن نفوس مستعد و نورانی در رسیدن به آن تمدن اسلامی و حیات طیبه‌ی عظمی و خورشید منتظر است. انشاءالله

ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون)<sup>۲</sup> نقش مردم در پذیرش مسئولیت اجتماعی هم از نکات بسیار مهمی است که باید بدان توجه داشت. در بینش توحیدی اسلام اساساً یک جامعه‌ی مترقی از آن جهت پیشرفته است که در آن احساس مسئولیت برای آحاد جامعه و به تبع آن کل جامعه یک تکلیف الهی است، به گونه‌ای که بر اساس آن همگان در برابر همدیگر احساس زیست برادرانه و وظیفه‌مدارانه کنند. این اصل از فرایض مهم در اسلام همیشه بوده است. از آن چه که در نظریات قرآنی و روایی آمده و در سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام بالاخص نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجود دارد، حقوق همسایه‌مداری، رعایت بیت‌المال و حقوق عامه‌ی مسلمین از این موارد است.

این مسئولیت‌پذیری سبب زمینه‌سازی برای ولی الهی و پیاده کردن احکام اسلامی در جامعه، نفی و اجتناب از طاغوت بر مبنای قاعده‌ی نفی سبیل و نفی حاکمیت طاغوت خواهد شد. بنابراین این می‌توان گفت که نقش مردم از منظر فقه سیاسی در اسلام نقشی اصلی و محوری است که در صورت نبود آن نمی‌توان احکام اسلامی را به بسط و ظهور رساند؛ به عبارت

#### پی‌نوشت‌ها

۱. مطهری، مرتضی، آینده‌ی انقلاب اسلامی، ص ۵۳
۲. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ در قرآن، ص ۴۱۳
۳. بقره/۲۵۷
۴. خامنه‌ای، سیدعلی، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۲/۶/۶
۵. جمالی، حسین، تاریخ و اصول روابط بین الملل، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ص ۲۳۶
۶. فارابی، ابو نصر، ص ۵ و ص ۴۶ و ۴۷
۷. نحل/۸۹
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۲۱، ص ۱۶۳
۹. آل عمران، ۱۰۴
۱۰. شوره، ۱۳.

# نقش مردم در مشارکت‌های اجتماعی

محسن مومنی

## مقدمه

اساس و بنیان نظام‌های مردم‌سالار بر مشارکت اجتماعی است. در نظام‌هایی که یک فرد به عنوان پادشاه تمام تصمیمات را می‌گیرد و برای رأی و نظر عمومی، ارزشی قابل نیست، طبعا مشارکت اجتماعی صورت نمی‌گیرد. در نظام‌های استبدادی و دیکتاتوری، تنها زمانی که کشور به شرکت گسترده‌ی مردم در جنگ نیاز داشته باشد شاهد حداقلی از مشارکت اجتماعی هستیم. بنابراین توجه به خواست مردم و احترام به رأی و نظر مردم تنها در حکومت‌هایی است که مردم‌سالار و مردم نهاد هستند؛ با این حال قلمرو مشارکت اجتماعی مردم در حکومت‌های مردم‌سالار نیز یکسان نیست و تفاوت‌هایی در آن‌ها دیده می‌شود.

## مولفه‌های مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی به عنوان نظام حاکم بر جمهوری اسلامی و نظامی که از سوی مردم پذیرفته شده است دارای ویژگی‌هایی است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. پیوند دین و اخلاق با سیاست
۲. احترام به کرامت انسانی و توجه به همه‌ی ساحات وجودی انسان
۳. پذیرش ولایت الهی
۴. عدالت‌محوری با همیاری مردم
۵. قانون‌مداری بر محور شریعت اسلامی
۶. اصالت خدمت و رعایت امانت
۷. آزادی مبتنی بر فضیلت و عدالت
۸. خودباوری و خودآگاهی جمعی
۹. معناگرایی اخلاقی و دینی
۱۰. احترام به رأی، خواست و نظر توده‌های مردم

البته شاید بتوان ویژگی‌های دیگری را برای نظام مردم‌سالاری دینی ذکر کرد؛ اما در میان مولفه‌هایی که بیان شد، آن‌چه در این نوشتار بیش از همه به آن خواهیم پرداخت حوزه‌ی مشارکت‌های مردمی است که یکی از ویژگی‌های مهم نظام

آیا واقعیت هم چنین است؟ به عبارت دیگر دموکراسی که ادعای جلب مشارکت‌های اجتماعی را دارد؛ آیا در واقع هم توانسته است ادعای خود را ثابت کند؟ طرفداران دموکراسی مدعی هستند با مشارکت دادن مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی خصوصاً در عرصه‌ی سیاسی و با برگزاری انتخابات و تشکیل پارلمانی از منتخبین مردم، کار را به دست مردم سپرده و مشارکت اجتماعی را ارتقا داده است؛ اما با دقت در سازوکار مدل دموکراسی ارائه شده از سوی غرب به بطلان این حرف می‌توان پی برد. برای روشن شدن این مطلب لازم است تا ماهیت و گونه‌های دموکراسی بیان شود. (۲)

### چیستی و گونه‌های دموکراسی

دموکراسی را به شیوه‌ی حکومت مبتنی بر آرای عمومی و از طریق نمایندگان برگزیده‌ی مردم تعریف کرده‌اند. دموکراسی دارای مولفه‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: برابری شهروندان، مشارکت اجتماعی، رضایت و قبول عامه، حاکمیت قانون، حاکمیت اکثریت و آزادی. (۳) دموکراسی را به حکومت مردم به مردم و مردم‌سالاری نیز ترجمه کرده‌اند. تاریخ این اصطلاح به یونان باستان و پیش از ارسطو باز می‌گردد. ارسطو در کتاب سیاست، حکومت را به انواع سلطنتی (موناشرسی، حکومت یک فرد بر جامعه)، اشرافی (آریستوکراسی، اشراف‌سالاری) و پولیتی (حکومت طبقه متوسط، جمهوری) تقسیم کرده است. سپس در برابر هر یک از این اقسام، گونه‌ی مقابل آن را نیز بیان کرده است که عبارتند از: حکومت ستم‌گری (تیرانی، دیکتاتوری)، الیگارشی (حکومت ثرتمندان و اشراف فاسد) و دموکراسی (حکومت طبقات فقیر و پست).

در واقع ارسطو این تقسیم‌بندی را بر اساس تعداد حاکمان و منافع حاکمان صورت داده است:

	یک نفر	چند نفر	بی‌شمار
منافع عمومی	موناشرسی	آریستوکراسی	جمهوری
منافع شخصی و اطرافیان	تیرانی	الیگارشی	دموکراسی

در نهایت ارسطو هیچ کدام از این شش نظام را، نظام کامل نمی‌داند و خوبی و بدی نظام‌ها را نسبی قلمداد می‌کند؛ اما بدترین نوع حکومت را دموکراسی می‌داند

مردم‌سالاری دینی است.

برای این که تفاوت مشارکت اجتماعی مردم در حکومت دینی با سایر حکومت‌ها مشخص شود لازم است تا ابتدا جایگاه مشارکت اجتماعی را در سایر مکاتب سیاسی ذکر کرده و سپس به مقایسه بپردازیم.

### مشارکت اجتماعی از منظر لیبرالیسم

واژه لیبرالیسم برگرفته از واژه لیبرتی به معنای آزادی است؛ بنابراین لیبرالیسم؛ یعنی آزادی‌خواهی و واژه‌ی لیبرال به معنای فرد آزادی‌خواه است. لیبرالیسم را می‌توان به طور دقیق‌نگرشی به زندگی و مسایل آن وصف کرد که تأکیدش بر ارزش‌هایی؛ همچون آزادی برای افراد؛ اقلیت‌ها و ملت‌هاست.

برخی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده‌ی لیبرالیسم عبارتند از: اومانیزم (اصالت انسان)، فردگرایی (اصالت فرد نه جامعه)، فایده‌گرایی (اصالت سود و فایده)، خردگرایی (عقلانیت ابزاری)، آزادی، برابری حقوقی، تساهل و تسامح، رضایت عمومی، دولت حداقلی، تکثرگرایی. (۱) بنابراین اعتقاد به ارزش آزادی فردی، یکی از ارکان لیبرالیسم است. نظریه‌ی لیبرالیسم به عنوان یکی از نظریه‌های فراگیر در غرب معاصر به دلیل نارسایی‌های فلسفی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، پیامدهای ناگوار و ناپه‌ن‌جاری را در عرصه‌ی عقیده، عمل و زندگی اخلاقی و اعتقادی بشر داشته است؛ اما آن‌چه لیبرالیسم را مورد پسند غرب قرار داده است، آرمان‌ها و شعارهای مثبتی بوده که در دفاع از آزادی‌های فردی و حقوق سیاسی افراد سر داده است.

دموکراسی به عنوان یکی دیگر از ارکان لیبرالیسم اشاره به این مطلب دارد. بعد از وقوع رنسانس، غرب وارد مرحله‌ی جدیدی از حیات خود شد. پس از حکمرانی ارباب کلیسا، فئودال‌ها و سلاطین ظالم در قرون وسطی، حال نوبت لیبرال‌ها بود که انسان را از هر قید و بندی رها کرده و با سر دادن شعار دموکراسی، به مردم حق حاکمیت بر سرنوشت خویش را دهند. دموکراسی متشکل از دو واژه‌ی «دمو» و «کراسی» به معنی حکومت مردم است؛ یعنی هرچه مردم بخواهند. این واژه به قدری جذاب بوده است که تا هم اکنون نیز جذابیت خود را از دست نداده به طوری که حیات غرب مدرن کاملاً به این واژه گره خورده است و اگر دموکراسی را از غرب مدرن بگیریم دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد. اما



چراکه ارسطو نیز مانند استاد خود افلاطون قائل به حکومت فرزندانگن است که با اجرای دموکراسی، معلوم نیست که حکومت در دست چه کسی قرار می‌گیرد؟! (۴)

از دیگر انواع دموکراسی، دموکراسی مستقیم یا خالص و غیرمستقیم یا نمایندگی است. دموکراسی مستقیم آن است که رأی دهندگان به صورت مستقیم در کلیه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. این نوع از دموکراسی در شهرها یا مناطق کم‌جمعیت قابل اجراست اما در شهرهای پرجمعیت، تنها دموکراسی پارلمانی و انتخاباتی قابل اجراست. (۵)

در قرن بیستم دموکراسی گونه‌ی جدیدی نیز پیدا کرد و در دو معنای متقابل به کار رفت. یکی دموکراسی در فلسفه‌ی مارکسیسم و سوسیالیسم و دیگری دموکراسی در مکتب لیبرالیسم و کاپیتالیسم بود؛ به عبارت دیگر سوسیال دموکراسی و لیبرال دموکراسی. هر یک از این دو، دموکراسی مورد نظر خود را گونه‌ی ایده‌آل دموکراسی می‌دانند. سوسیال دموکراسی بر دموکراسی اقتصادی تأکید دارد و طرفدار مالکیت عمومی است و لیبرال دموکراسی بر دموکراسی سیاسی تأکید دارد و از مالکیت فردی جانبداری می‌کند. در دموکراسی سیاسی، نظام حکومت پارلمانی و رعایت آزادی‌های فردی در حوزه‌ی مسایل سیاسی و مدنی مورد توجه است و در دموکراسی اقتصادی، تساوی و برابری افراد جامعه در امور اقتصادی (تولید و توزیع) مورد اهتمام است. فلسفه‌ی مارکس و لنین که اقتصاد را زیر بنای همه‌ی مسایل و تحولات اجتماعی به شمار می‌آورد، دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی را زیان‌بار می‌داند. (۶)

البته شعارهای مارکسیسم در عمل چندان کارساز نبوده و دموکراسی اقتصادی تاکنون به صورت کامل تحقق نیافته است یا اگر تحقق یافته، دموکراسی سیاسی را به دنبال نداشته است. چنان‌که دموکراسی سیاسی نیز بدون توجه به مسئله‌ی اقتصاد و حل معضل نابرابری‌های اقتصادی، زندگی مطلوب و ایده‌آل بشر را تأمین نخواهد کرد. از این رو در تاریخ لیبرالیسم و دموکراسی غرب تحولات بسیاری رخ داده و آن‌چه امروزه در کشورهای پیشرفته‌ی غربی به عنوان دموکراسی مشاهده می‌شود، فراز و نشیب‌های طولانی را پشت سر گذاشته است و لیبرالیسم کلاسیک، لیبرالیسم دموکراتیک و لیبرالیسم اجتماعی مراحل عمده‌ی آن را تشکیل می‌دهد. (۷)

جدای از ندهای ذکر شده به دموکراسی غربی، بر ساختار دموکراسی فعلی در غرب نیز ایرادات جدی وارد است. مهم‌ترین ایراد مطرح به دموکراسی غربی به عنوان طریق دستیابی به مشارکت اجتماعی، ساختارمند شدن مشارکت‌های اجتماعی به واسطه‌ی کارکرد احزاب سیاسی است. قطعاً نظام‌های حزبی دارای مزایایی هستند؛ اما از این نکته نباید غفلت کرد که مشارکت اجتماعی در قالب ساختار حزب، آفتی را نیز به دنبال داشته است.

روبرت میخلر (رابرت میشلر) در کتاب «جامعه‌شناسی احزاب سیاسی» بر این باور است که دموکراسی که از سوی غرب به عنوان نسخه‌ی شفاف‌بخش برای ملت‌ها پیشنهاد می‌شود، دچار گرایش‌های الیگارشیکی در طول حیات خود شده است که نقش احزاب در این روند بسیار پررنگ می‌باشد. رنه‌مون استاد تاریخ سیاسی و یکی از مورخان معاصر فرانسوی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته است تصریح می‌کند که: «احزاب سیاسی با شروع دموکراسی سیاسی تولد یافتند و به عنوان ابزار ممتاز

توسعه‌ی این نظام شناخته شدند و در اصل از الهامی عمیقاً دموکراتیک جان گرفتند و سرانجام دموکراتیک‌ترین آن‌ها؛ یعنی احزاب سوسیالیست هم به ناچار به صورت سازمان‌های الیگارشیکی درآمدند. این است درس ناگوار تجربه» (۸)

میخلر و رمون بر این باورند که رهبری ماشین‌های بزرگ سیاسی به تدریج به انحصار یک طبقه‌ی حرفه‌ای در آمده است. این رهبران به فنون داخلی حزب آگاه هستند و با مهارتی که در استفاده از قواعد حزبی دارند، از واژگون شدن به وسیله‌ی اکثریت مصون هستند. بدین ترتیب تنها کهولت سن است که این طبقه‌ی حاکم را مجبور به تغییر می‌کند؛ لذا احزاب سیاسی در دنیا توسط حلقه‌ی بسته‌ای از رهبران الیگارشیکی اراده می‌شود و این چنین است که از دموکراسی و آزادی تنها صورتی برجای مانده است. طبقه‌ای از زرسالاران بانفوذ دموکراسی را که به معنای مشارکت عموم در امر رهبری است از اصل منتفی می‌کند.

در ادامه ربرت میخلر به این سوال مهم پاسخ می‌دهد که چه چیز سبب می‌شود که تمامی احزاب دموکراتیک قدم در راهی بگذارند که خلاف میل قلبی آن‌هاست؟ عده‌ای آن را به بدجنسی ذاتی انسان برگردانده‌اند؛ اما میخلر جوابی دقیق‌تر می‌دهد. او معتقد است علل واقعی چنین تحولی به نحوه‌ی سازماندهی اجتماعی افراد بر می‌گردد. توضیح وی در این باره بر دو محور استوار است: جامعه‌شناسی سیاسی سازمان‌ها و روان‌شناسی اجتماعی افراد. جامعه‌شناسی سیاسی سازمان‌ها به ما نشان می‌دهد که هیچ نیرویی از جمله حزب نمی‌تواند خود را از داشتن یک سازمان پایدار محروم کند. از طرفی هیچ سازمانی هم نمی‌تواند از داشتن رؤسایی برای خود چشم‌پوشی کند. اگر یک حزب سیاسی چنین الزامی را نادیده بگیرد خود را از کارایی و قدرت عمل محروم کرده است. هم‌چنین روان‌شناسی اجتماعی افراد گویای بی‌تفاوتی نسبی توده‌ها در مورد اعمال موثر دموکراسی است و به همین دلیل آن‌ها با رغبت حاضرند خود را تسلیم نخبگانی کنند که عهده‌دار مسئولیت اداره‌ی نهادهای سیاسی می‌شوند. بنابراین حاکمیت اقلیتی زرسالار، نخبه‌سالار و الیگارشیکی بر توده‌ها امریست که غرب از آن نهایت استفاده را برده است و قدرت را در حلقه‌ای بسته دست به دست می‌کند.

از این رو اشرافیتی قدرت را در داخل احزابی قبضه می‌کنند که خود مدعی انقلابی بودن هستند و رؤیای ایجاد یک جامعه‌ی کاملاً برابر را در سر می‌پرورانند.

انحصارطلبی این افراد در حزب نتایجی را نیز به دنبال دارد: جلوگیری از ابتکار عمل به خاطر حفظ منافع خود، میل به داشتن آزادی عمل، علاقه‌ی شدید به خودگردان بودن، نودولتی شدن به جای ابزار تغییرات کلی در جامعه به این معنا که کم‌کم جذب حاکمیت شده و به صورت سازمانی مخالف؛ اما ساکت در قالب قانون اساسی فعالیت می‌کنند و...

### نقد تحزب غربی

اما از منظر انقلاب اسلامی این نگاه کاملاً اشتباه است. احزاب و گروه‌ها همگی موظفند تا در راستای ارتقای عقلانیت سیاسی و اجتماعی مردم تلاش کنند نه منافع فردی و حزبی. در تلقی ایجابی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان اسلام‌شناس و ولی فقیه زمان، حزب مطلوب، این گونه وجود می‌آید که «مجموعه‌ای از صاحبان فکر سیاسی یا اعتقادی

به معنای اول؛ یعنی یک کانال‌کشی در درون جامعه، برای گسترش فکر درست - چه فکر عقیدتی و اسلامی، چه فکر سیاسی و تربیت‌کادرهای گوناگون - بسیار خوب است؛ این چیز نامطلوبی نیست. اجمال قضیه این است؛ حالا تفصیلش را ان‌شاء‌الله در وقت‌های دیگری عرض می‌کنیم.» (۱۳۹۰/۷/۲۴)

هم‌چنین ایشان در دیدار با مدیر و کارکنان صدا و سیما فرمودند: «در حقیقت، حزب یک کانال‌کشی برای رساندن خوراک فکری لازم به ذهن‌های عده‌ای از مردم است که در حزبند. ما این را در جامعه‌مان نداریم؛ یک خلا است. این خلأ را شما باید پر کنید. نه این که شما حزب درست کنید؛ حزب همین است. ما حزبی به نام تلویزیون و رادیو داریم که در هر خانه‌ای هم شعبه‌ای دارد. سعی کنید خوراک فکری سیاسی مردم را در هر هفته، بلکه در هر روز، به همین منظور و با همین توجه که عده‌ای را می‌خواهید از لحاظ سیاسی تجهیز و توجیه کنید، بدهید یا برسانید.» (۱۳۶۹/۱۲/۲۱)

### مشارکت اجتماعی از منظر سوسیالیسم

سوسیالیسم از واژه‌ی سوسیال به معنای اجتماعی و جمعی اخذ شده است. نقطه‌ی مقابل جمع‌گرایی، فردگرایی است که در مکتب لیبرالیسم به آن پرداخته می‌شود. برخی از مهم‌ترین مولفه‌های سوسیالیسم عبارت است از: اصالت جمع (ترجیح جامعه بر فرد)، ترجیح سود همگانی بر سود فردی، برابری اجتماعی، فرصت‌های برابر اقتصادی برای همه‌ی افراد جامعه، مالکیت عمومی و اشتراکی، دولت حداکثری. (۹)

به طور خلاصه می‌توان گفت سوسیالیسم در صدد اجتماعی کردن ابزار تولید است که اجتماعی شدن ابزار تولید سود همگانی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین سوسیالیسم و جامعه‌باوری در واقع شورشی است بر ضد فردگرایی و جلوه‌های اقتصادی آن؛ یعنی لیبرالیسم اقتصادی و کاپیتالیسم. سوسیالیست‌ها بیش از دو قرن بزرگترین نقاد نظام سرمایه‌داری و عقاید بورژوازی بودند. سوسیالیست‌ها تنها نقاد سازوکارهای اجتماعی برخاسته از سرمایه‌داری و بورژوازی صنعتی نبودند بلکه با آموزه‌های سایر مکاتب غربی خصوصاً مارکسیسم چنان در هم تنیده شدند که تفکیک آن‌ها از هم سخت است.

مارکس معتقد است که تضاد و تنازع، ذاتی جوامع بشری است چراکه وی مناسبات اجتماعی را بر اساس مناسبات تولید تحلیل می‌کند؛ به همین دلیل شکل‌گیری تضاد طبقاتی در جامعه امری طبیعی است. از این‌رو جوامع به دو دسته استثمارکننده و استثمارشونده تقسیم می‌شوند. اگر طبقه‌ی استثمارشونده به خودآگاهی برسد، انقلاب

و یا ایمانی می‌نشینند و تشکلی درست می‌کنند و میان خودشان و آحاد مردم کانال‌کشی می‌کنند و مردمی را با خودشان همراه می‌کنند، تا فکر خود را به آن‌ها برسانند.» (۱۳۷۷/۱۲/۴) به این ترتیب، «کانون‌های حزبی تشکیل می‌شود، هسته‌های حزبی تشکیل می‌شود، سلول‌های حزبی تشکیل می‌شود و این‌ها در این مرکز می‌نشینند و افکاری را که خودشان به آن اعتقاد دارند و پای آن ایستاده‌اند - چه فکر سیاسی، چه فکر غیرسیاسی، چه فکر دینی، چه فکر غیردینی - در این کانال‌ها می‌ریزند و این افکار به تک‌تک افراد می‌رسد و آن مردمی که این‌ها را قبول می‌کنند، با این‌ها پیوند پیدا می‌کنند.» (۱۳۷۷/۱۲/۴)

امام خامنه‌ای در دیدار دانش‌جویان در سفر خود به کرمانشاه به تقسیم‌بندی احزاب در دنیا پرداخت و فرمودند: «ما دوجور حزب داریم: یک حزب عبارت است از کانال‌کشی برای هدایت‌های فکری؛ حالا چه فکری به معنای سیاسی، چه فکری به معنای دینی و عقیدتی. اگر چنانچه کسانی این کار را بکنند، خوب است، قصد عبارت از این نیست که قدرت را در دست بگیرند؛ می‌خواهند جامعه را به یک سطحی از معرفت، به یک سطحی از دانایی سیاسی و عقیدتی برسانند؛ این چیز خوبی است. البته کسانی که یک چنین توانایی داشته باشند، به طور طبیعی در مسابقات قدرت، در انتخابات قدرت هم آن‌ها صاحب رأی خواهند شد، آن‌ها برنده خواهند شد؛ لیکن این هدفشان نیست. این یک جور حزب است؛ این مورد تأیید است. میدان باز است؛ هر کس می‌خواهد بکند، بکند.

یک جور حزب، تقلید از احزاب کنونی غربی است - حالا من گذشته را کاری ندارم - احزاب کنونی غربی به معنای باشگاه‌هایی برای کسب قدرت است؛ اصلاً حزب؛ یعنی مجموعه‌ای برای کسب قدرت. یک گروهی با هم همراه می‌شوند، از سرمایه؛ پول و امکانات مالی خودشان بهره‌مند می‌شوند یا از دیگران کسب می‌کنند یا بندوبست‌های سیاسی می‌کنند، برای این که به قدرت برسند. یک گروه هم رقیب این‌هاست؛ کارهای مشابه این‌ها را انجام می‌دهد تا آن‌ها را از قدرت پایین بکشد، خودش بشود جایگزین. الان احزاب در دنیا غالباً این‌گونه‌اند. این دو حزبی که در آمریکا به نوبت در رأس کار قرار می‌گیرند، از همین قبیلند؛ این‌ها در واقع باشگاه‌های کسب قدرتند. این نه، هیچ وجهی ندارد. اگر کسانی در داخل کشور ما با این شیوه دنبال تحزب می‌روند، ما جلویشان را نمی‌گیریم. اگر کسی ادعا کند که نظام جلوی تشکیل احزاب را گرفته است، یک دروغ واضحی گفته؛ چنین چیزی نیست؛ اما من این جور حزبی را تأیید نمی‌کنم. این جور حزب‌سازی، این جور حزب‌بازی معنایش عبارت است از: کشمکش قدرت؛ این هیچ وجهی ندارد. اما حزب

### در بررسی و مقایسه‌ی انقلاب

اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و

انقلاب روسیه، میزان مشارکت

مردم در براندازی رژیم‌های

مستبد حاکم تفاوت چشم‌گیری

با یکدیگر دارد. در فرانسه و

روسیه میزان مشارکت مردم بسیار

اندک بود و حتی در فرانسه

مردم نقش عمده‌ای نداشتند و

رژیم فرانسه به خاطر ضعف‌های

خود الزاماً تسلیم شد.

رخ می‌دهد. مارکس با ترسیم سیر تطور جوامع بشری از کمون اولیه به برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری (بورژوازی) و در نهایت رسیدن به جامعه‌ی سوسیالیستی به عنوان جامعه‌ی بی‌طبقه و شکل‌گیری حکومت کمونیستی، مانیفست انقلاب و تغییر را در جوامع صنعتی ترسیم کرد. اگر سوسیالیسم را جامعه‌ی اشتراکی معنا کنیم، سوسیالیست‌ها آرمان شهر خود را در رسیدن به جامعه‌ی بدون طبقه می‌دانند. از آن جایی که مارکسیست‌ها قدرت سیاسی را یک پدیده‌ی تاریخی و ضروری می‌دانند؛ لذا دولت‌ها را برخاسته و محصول جریان سرمایه‌داری می‌دانند. از نظر آن‌ها دولت‌ها حافظ منافع سرمایه‌داران هستند؛ بنابراین در مقابله با دولت به حکومت پرولتاریا (کارگران) معتقد هستند. آن‌ها اساسا پرولتاریا را گورکن سرمایه‌داری می‌دانند و قدرت سیاسی را تا زمانی ضروری می‌دانند که بشر به یک جامعه‌ی بدون طبقه برسد. مارکسیست‌ها آخرین نبرد طبقاتی را میان بورژوازی و پرولتاریا می‌دانند که با غلبه‌ی پرولتاریا، شکل‌گیری جامعه‌ی بی‌طبقه آغاز می‌شود. بنابراین در گام اول باید فاصله‌ی طبقاتی را کم کرد تا بعدا به یک جامعه‌ی بی‌طبقه رسید. از آن جایی که مارکس اساس زندگی بشری را اقتصاد و رگ حیات او را در ابزار تولید می‌داند؛ لذا ابزار تولید در دست هر طبقه‌ای باشد او توان حکمرانی را دارد. سرمایه‌داران انحصارا ابزار تولید را در دست گرفته و از طریق آن به مالکیت خصوصی رسیده‌اند و مالکیت خصوصی اساسی‌ترین مولفه‌ی سرمایه‌داری است. بنابراین برای از بین رفتن تمامی مشکلات باید ریشه‌ی این تضاد طبقاتی را خشکاند که عبارت است از: مالکیت خصوصی. (۱۰)

با توجه به توضیحات داده شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که اندیشه‌ی سوسیال دموکراسی که ناظر بر جنبه‌ی مشارکت اجتماعی مردم و در پاسخ به نقایص موجود در اندیشه‌ی لیبرال دموکراسی به وجود آمد؛ در نهایت استفاده از مشارکت اجتماعی مردم جهت تقویت جریان سرمایه‌داری است نه برقراری عدالت در جامعه. شاهد این سخن این که اندیشه‌ی مارکس

در ساحت نظریه و تئوری باقی ماند و نتوانست هیچ جامعه‌ای را به آرمان مد نظر خود برساند. بیشترین تلاش مارکسیست‌ها را در برپایی حکومت شوروی می‌بینیم؛ اما شوروی نیز نهایتا هفتاد سال دوام آورد و با فروپاشی شوروی اندیشه‌ی مارکسیسم و سوسیال دموکراسی به موزه‌های تاریخ پیوست. هم‌چنین در ابطال نظریه‌ی مارکس توجه به این نکته مهم است که طبق نظر مارکس انقلاب‌های کارگری باید در کشورهای صنعتی رخ می‌داد؛ اما این انقلاب در روسیه رخ داد که جزء کشورهای صنعتی نبود و نظریه‌ی مارکس باطل شد. هم‌چنین مانع در چین انقلاب‌های مارکسیستی را تغییر ماهیت داد و از بستر کارگری به دهقانی سوق داد. علاوه بر عیوب ذکر شده نوع مشارکت اجتماعی نیز در نظریه‌ی سوسیال دموکراسی دارای مشکلات جدی است. بازترین مشارکت‌های اجتماعی را در جوامع غربی در جوامع کارگری شاهد هستیم؛ اما همین انقلاب‌های کارگری در دنیا را نیز جریان زرسالار بین‌المللی خنثی کرد. فریب کارگرا از طریق اتحادیه‌های کارگری و هم‌چنین فعالیت مارکسیست‌های فرهنگی در اموری مانند رواج سکس، مشروب، سینما، فوتبال و... نمونه‌هایی از آن است. در نظام سرمایه‌داری چه از نوع لیبرال و چه از نوع کمونیستی تمامی اقشار جامعه از کارگر تا پزشک همگی در خدمت جریان سرمایه‌سالار جهانی هستند و این؛ یعنی بردگی مدرن. در بردگی مدرن شهوت و غضب چنان انسان‌ها را مسخ می‌کنند که تماما خود را در راستای تامین منافع مادی کارتل‌ها، تراست‌ها و شرکت‌های عظیم اقتصادی اربابان دنیا قرار می‌دهند و در حیوانیت خود درجا می‌زنند و ابزار دست سرمایه‌داران می‌شوند. بنابراین مشارکت اجتماعی از منظر غرب؛ یعنی مشارکت هرچه بیشتر در تامین دنیا و لذایذ مادی.

#### مشارکت اجتماعی از منظر انقلاب اسلامی

مشارکت اجتماعی در هر جامعه‌ای قدرت اجتماعی را به دنبال دارد.





### کیفیت مشارکت مردم در انقلاب اسلامی

در بررسی و مقایسه‌ی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه، میزان مشارکت مردم در براندازی رژیم‌های مستبد حاکم تفاوت چشم‌گیری با یکدیگر دارد. در فرانسه و روسیه میزان مشارکت مردم بسیار اندک بود و حتی در فرانسه مردم نقش عمده‌ای نداشتند و رژیم فرانسه به خاطر ضعف‌های خود الزاما تسلیم شد. در روسیه تعداد محدودی از کارگران کارخانجات پترزبورگ و سربازان پادگان همان شهر سر به شورش برداشته و موجبات سقوط خانواده‌ی رومانوف را فراهم کردند. اما در انقلاب اسلامی ایران به استثنای اقلیتی محدود و بخش اعظم ارتش که وابسته به نظام شاه بودند، همه‌ی اقشار مردم از همه‌ی طبقات و گروه‌های اجتماعی، در سراسر کشور اعم از شهرها و روستاها، همه و همه چرخ‌های اقتصادی و اداری کشور را از کار انداختند و در مقابل رژیم تا دندان مسلح با دست خالی ایستادند و آن را ساقط کردند.

هم‌چنین بعد از پیروزی انقلاب‌های فرانسه و روسیه که زنجیرهای استبداد و دیکتاتوری گسسته شده و زمینه‌ی مناسب برای ایجاد آگاهی سیاسی و مشارکت توده‌های مردم فراهم شده بود، به تدریج و به علت بی‌میلی به حاکمیت بعد از انقلاب، اعم از میانه‌روها و رادیکال‌ها، این مشارکت کاهش یافت. تاریخ و آمار مشارکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب این نظریه را ثابت می‌کند. اما توده‌های ملت ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در رأی‌گیری‌های مکرر و پی در پی شرکت کردند و حتی

هرچقدر مشارکت اجتماعی بالاتر، قدرت اجتماعی نیز بالاتر و هم‌چنین قدرت مانور سیاسی رهبران حکومت در فضای بین‌الملل نیز بالاتر خواهد بود.

یکی از مصداق‌های بارز رابطه‌ی تنگاتنگ مشارکت اجتماعی با قدرت اجتماعی را می‌توان در دوران نهضت امام خمینی<sup>ره</sup> و حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون مشاهده کرد.

انقلاب اسلامی ایران نسبت به سایر انقلاب‌ها در دیگر کشورها، توانست به شکل فزاینده‌ی مشارکت اجتماعی اقشار مختلف مردم را ارتقا دهد و از قدرت به دست آمده از این مشارکت، تحولات عمیق ساختاری و بنیادین را رقم بزند.

به جهت درک هرچه بیشتر این مطلب و تشخیص تفاوت نوع مشارکت اجتماعی در انقلاب اسلامی ایران با سایر کشورها توضیحاتی لازم به ذکر است:

قدرت اجتماعی، از گروه‌های اجتماعی فعالی که بر پایه‌ی ارزش‌ها و باورهای مسلط و مشترک به هم نزدیک شده‌اند حاصل می‌شود و زمانی که قدرت سیاسی توانایی و یا اراده‌ی تامین ارزش‌ها و خواسته‌های آن‌ها را نداشته باشد، گروه‌های اجتماعی مایوس شده و به دنبال رهبر یا رهبرانی که بتوانند خواسته‌ها و نظرات آن‌ها را تعقیب و تامین نمایند حرکت خواهند کرد. بنابراین در ایجاد و تشکیل قدرت اجتماعی، سه رکن اساسی دخیل است: مردم، رهبری و ایدئولوژی که متناسب با موضوع این نوشتار، نقش مردم را تبیین می‌کنیم.

- از نکاتی که موجب آسیب به حرکت اجتماعی شود نیز نباید غفلت کرد: عدم ارتباط میان نسل انقلابی ابتدای انقلاب و نسل‌های بعدی یکی از آسیب‌های جدی است. اگر نسل‌های اولیه‌ی انقلاب نتوانند آرمان‌ها و اهداف انقلاب را به نسل بعدی منتقل کنند، بیم آن می‌رود که در عرصه‌ی مشارکت‌های اجتماعی با تنزل روپرو شویم.



در شرایط بحرانی و بمباران شهرها، هیچ یک از انتخابات نظام جمهوری اسلامی متوقف نشد و یا به تأخیر نیفتاد.

در چهل سال گذشته به طور متوسط هر سال در ایران یک انتخابات اعم از انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری، شوراهای اسلامی شهر و روستا و حتی انتخابات تعیین نوع حکومت و فرماندوم قانون اساسی برگزار شده که در نوع خود بی نظیر است.

همچنین همه ساله شاهد مشارکت گسترده‌ی مردم در اجتماعات و تظاهرات‌های میلیونی هستیم که این حجم از مشارکت اجتماعی، قدرت و اقتدار ملی را به دنبال دارد که سرمایه‌ی بسیار مهمی برای اعمال حاکمیت حکومت اسلامی است.<sup>(۱۱)</sup>

نکته‌ی مهمی که در این جا باید ذکر کرد تفاوت اساسی نوع مشارکت اجتماعی مردم در ایران با سایر کشورهای دنیاست. مشارکت اجتماعی مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، مشارکت غیرساختاری است. در برابر مشارکت غیرساختاری، مشارکت ساختاری وجود دارد که احزاب سیاسی مهم‌ترین ساختارهای اجرای مشارکت اجتماعی هستند. در جوامع دموکراتیک عمدتاً احزاب هستند که نقش واسطه را بین نهادهای سیاسی و مردم بر عهده دارند؛ اما در ایران احزاب، مشارکت اجتماعی مردم را فراهم نمی‌کنند و مردم مستقیماً در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دارند. برخی از محققین این امر را نقطه‌ی قوت نظام جمهوری اسلامی می‌دانند و برخی دیگر این امر را نقطه ضعف می‌دانند. در هر صورت با رجوع به اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی<sup>(ع)</sup> به عنوان معمار انقلاب اسلامی و همچنین با رجوع به اندیشه‌ی سیاسی مقام معظم رهبری، حزب به معنای غربی آن - که عبارت است از: تشکیل باشگاه‌های کسب قدرت برای شبکه‌ی زرسالار و ثروتمند جهانی - در ایران مورد تأیید نیست و آنچه از نظریه‌ی مردم‌سالاری دینی رهبران انقلاب اسلامی فهمیده می‌شود، رشد سیاسی و بصیرتی عموم مردم در چارچوب نظام امام و امت است. بصیرت‌افزایی و روشنگری در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی رشد عقلانیت سیاسی را در پی دارد، به دنبال آن مشارکت سیاسی و اجتماعی توده‌های مردم ارتقا یافته و به دنبال آن قدرت ملی افزایش می‌یابد.

### حلقه‌های میانی به جای احزاب

از این رو مقام معظم رهبری برای ارتقای مشارکت مردمی در عرصه‌های مختلف، مدل جایگزینی «حلقه‌های میانی» را به جای احزاب پیشنهاد می‌دهند و می‌فرمایند: «بالاخره در هر برهه‌ای راه‌کارهای عملی لازم است. در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب محل بحث ما این جا است. آن چه شما سوال می‌کنید - یعنی نسل جوان ممکن است سوال بکند و یک سوال مستتری است - همین است که بالاخره راهکار عملی برای این که ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست؟ خب این چهار عنصری که گفتیم - همه‌ی این‌ها - که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راه‌کارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای این که بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن و ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این،

نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکل‌های دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، موثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد.»<sup>(۱۲)</sup> بیانات در جمع دانشجویان

در ادامه ایشان مواردی را به عنوان مصداق‌هایی از فعالیت‌های حلقه‌های میانی نام می‌برند که عنوان برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم: تشکیل کارگروه‌های فرهنگی، تشکیل گروه‌های فعالیت سیاسی، تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی، تشکیل گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسایل بین‌الملل و مسایل جهان، تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز علمی، فعالیت‌های اطلاعاتی مردمی جهت کمک به وزارت اطلاعات، فعالیت‌های اجتماعی؛ مانند مطالبه‌ی حق کارگران و ...

### مشارکت سیاسی - اجتماعی، مهم‌ترین مظهر جمهوریست در اندیشه‌ی امامین انقلاب

یکی از مهم‌ترین مظاهر جمهوریست در اندیشه‌ی سیاسی امام، تأکید بر لزوم مشارکت سیاسی مردم و حق نظارت آن‌هاست. اصل مشارکت که از بنیادی‌ترین اصول اجتماعی مردم‌سالاری در نزد امام بود، حقی است مبتنی بر اعتقاد به برابری و آزادی همه قشرهای جامعه. مشارکت سیاسی در اندیشه‌ی امام، هم حق است و هم تکلیف به این معنا که از یک سو حق اولیه‌ی هر فرد است که خودش سرنوشت خود را در جامعه انتخاب کند و اظهار کند. و از سوی دیگر تکلیفی شرعی است برای مسلمانان که از سرنوشت خود و جامعه‌ی خود غافل نباشند و سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود را انتخاب کنند.

بر این اساس امام تلاش نمود تا جایگاه این مشارکت را در قانون اساسی نهادینه کند و مردم را به حضور در صحنه‌های مهم سیاسی ترغیب کند. به همین دلیل جایجایی قدرت در نظام جمهوری اسلامی از طریق مشارکت مردم و به صورت انتخابات در تمامی این سال‌ها رقم خورده است.

نگرش اندیشمندان سیاسی به بحث مشارکت سیاسی - اجتماعی مردم به نوع نگرش آن‌ها به دو مقوله آزادی و برابری بر می‌گردد. امام بر پایه‌ی مبانی نظری خود همه‌ی مردم را بندگان خدا و برابر با یکدیگر و آزاد در مقابل هم می‌دانست و بر همین اساس از مشارکت سیاسی همه‌ی طبقات حمایت می‌کرد:

اسلام دین برابری و برادری است... همه‌ی افراد در مقابل قانون برابرند و همه باید در مقابل قانون تسلیم باشند.<sup>(۱۳)</sup>

امام انتخابات را متعلق به همه‌ی مردم می‌دانستند و معتقد بودند همه به طور برابر از حق رأی برخوردارند. در مجموع مبانی نظری امام در دفاع از آزادی و برابری همه‌ی شهروندان در امور سیاسی، زمینه‌ساز اعتقاد راسخ ایشان به مشارکت سیاسی مردم و حق نظارت عمومی آنان بر حوزه‌ی سیاسی است.<sup>(۱۳)</sup>

از منظر مقام معظم رهبری نیز آن‌چه در اولویت قرار دارد، اصل مشارکت و حضور حداکثری مردم است: «از ماه‌ها قبل، بعضی از بزرگان، عزیزان و برجستگان کشور، مکرر به من می‌گفتند که اگر شما به شخص خاصی برای ریاست جمهوری نظر دارید، آن را به ما بگویید تا ما اوضاع و احوال را هموار کنیم و مردم را هدایت نماییم که همان انجام گیرد. من به آن‌ها گفتم آن‌چه من از خدا خواسته‌ام، سی میلیون رأی است. در طول این چند ماه قبل از انتخابات، هر چه اصرار شد، آقایان محترم مسئولان برجسته‌ی کشور و دیگران، غیر از همین حرف، چیزی از من نشنیدند. گفتم در این انتخابات، من آرای مردم را از خدای متعال خواسته‌ام؛ آن برای ما و کشور مهم است. بالاخره هر کس که در رأس دولت و قوه‌ی مجریه قرار گیرد، کاری می‌کند، پیشرفت‌هایی دارد، مشکلاتی دارد. هیچ کس مطلق نیست، هیچ کس کامل نیست؛ تفاضل‌ها هم خیلی زیاد نیست. آن‌چه برای من مهم است، این قضیه است که همه‌ی ملت احساس کنند که در این آزمایش شریکند. بحمدالله خداوند متعال این دعا را مستجاب کرد، این آرزو را برآورده نمود و این هدیه را به ملت ایران داد. ما اگر تا آخر عمرمان هم شکر کنیم، کم است.» (۱۳۷۶/۲/۷)

### آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی در بعد مشارکت اجتماعی

در اکثر انقلاب‌های تاریخ معاصر علی‌رغم نقش مردم در انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب حضور مردم کم‌رنگ شده و نظام انقلابی به دیکتاتوری تبدیل می‌شود؛ اما در انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه‌السلام قدرتی و نفوذی که داشت، حضور مردم را در صحنه هم‌چنان حفظ کرد و این حضور تا به امروز نیز ادامه دارد. قطعاً بعد از پیروزی انقلاب و ورود به عرصه‌ی نهادسازی مردم نقش مهمی را داشتند چراکه بار تمامی ساختارهای انقلابی بر دوش مردم بود. حضور مردم در کمیته‌ها و پایگاه‌های بسیج، جهاد سازندگی، کمیته‌ی امداد، حضور مردم در نمازهای جمعه و در رأس تمامی این‌ها حضور مردم در جبهه‌های جنگ یکی از بارزترین مصداق‌های مشارکت اجتماعی در دوران جمهوری اسلامی است. هر تلاشی که موجب غیبت مردم از صحنه‌ی اجتماع شود، آسیبی جدی بر انقلاب وارد خواهد کرد. در دوران بعد از جنگ تحمیلی و در زمان سازندگی نیز این مردم بودند که کشور را ساختند. پس از آن نیز تاکنون هر کجا دشمنان دست به فتنه‌انگیزی زده‌اند مردم با حضور گسترده‌ی خود بساط آن‌ها را جمع کرده‌اند. حضور و نقش مردم در دفع فتنه‌ی کوی دانشگاه در تیرماه ۷۸، حضور حماسی مردم در راهپیمایی ۹ دی در سال ۸۸ و پایان دادن به فتنه‌ی هشت‌ماهه‌ی دشمن و فتنه‌گران، حضور مردم در اجتماعات عظیم در دفاع از رهبری و نظام اسلامی بعد از اغتشاشات سال‌های ۹۶ و آبان‌ماه‌های ۹۸ نمونه‌های بارزی از

نقش و مشارکت اجتماعی مردم در جامعه است. اما در این بین از نکاتی که موجب آسیب به حرکت اجتماعی شود نیز نباید غفلت کرد: عدم ارتباط میان نسل انقلابی ابتدای انقلاب با نسل‌های بعدی یکی از آسیب‌های جدی است. اگر نسل‌های اولیه‌ی انقلاب نتوانند آرمان‌ها و اهداف انقلاب را به نسل بعدی منتقل کنند، بیم آن می‌رود که در عرصه‌ی مشارکت‌های اجتماعی با تنزل روبرو شویم. عدم آموزش و ندادن آگاهی مستمر به نسل جوان، نفوذ افکار راحت‌طلبانه و عاقبت‌خواهانه در جامعه، ایجاد فاصله میان رهبران و مسئولین با مردم، دو قطبی‌سازی جامعه و ایجاد خط‌کشی‌های سیاسی که هیچ مبنای اسلامی ندارد، نفوذ فرصت‌طلب‌ها و سودجوها، بازگشت تدریجی به ارزش‌های فرهنگی طرد شده، از دست دادن روحیه‌ی انقلابی، ناتوانی از انتقال ارزش‌های انقلابی به نسل‌های بعدی، بروز تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها که موجب ایجاد شکاف طبقاتی بین مردم می‌گردد و آسیب‌هایی از این دست اگر به موقع درمان نشود، می‌تواند مشارکت اجتماعی جامعه‌ی ما را با اختلالاتی روبرو کند. حضور یکپارچه‌ی مردم در صحنه و تأکید بر ارزش‌ها، معیارهای اسلامی و تبعیت از رهبری موجب حفظ و حراست از انقلاب خواهد شد. برای دفع این آسیب‌ها مجاهدت و تلاش در جهت ارتقای سطح زندگی مردم و حل مشکلات آن‌ها با مدیریت جهادی و هم‌چنین مبارزه با گروه‌های منحرف فکری و سیاسی از جمله مواردی است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

بی‌نوشت:

۱. لیبیرلیسم: معنا و تاریخ آن، جان سالوین شاپیرو، ترجمه‌ی محمدسعید حنایی کاشانی، ص ۱۰
۲. ر.ک: درباره دموکراسی، شهریار زرنشاس، انتشارات کتاب صبح ۱۳۸۷
۳. فرهنگ آکسفورد و فرهنگ واژه‌ها، ذیل کلمه‌ی دموکراسی
۴. ر.ک: کتاب سیاست، ارسطو
۵. ر.ک: اشاراتی درباره لیبرالیسم، شهریار زرنشاس، انتشارات کیهان ۱۳۷۸
۶. مکتب‌های سیاسی، بهاء‌الدین بازارگاد، ص ۶۵
۷. نقد میانی سکولاریسم، علی ربانی گلپایگانی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه ۱۳۸۲، ص ۳۰۴
۸. جامعه‌شناسی احزاب سیاسی، ربرت میخلر، ترجمه‌ی احمد نقیب‌زاده، چاپ دوم ۱۳۸۵، نشر قومس، ص ۷
۹. فرهنگ واژه‌ها ذیل واژه‌ی سوسیالیسم، عبدالرسول مشکات، انتشارات سمت
۱۰. اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، دکتر حاتم قادری، انتشارات سمت ۱۳۹۳، ص ۶۴
۱۱. انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، دکتر منوچهر محمدی، نشر معارف ۱۳۹۶، ص ۲۳۸
۱۲. صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۴۹
۱۳. اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، دکتر یحیی فوزی، نشر معارف ۱۳۹۳، ص ۱۵۱

### یکی از مهم‌ترین مظاهر

جمهوریت در اندیشه‌ی سیاسی

امام، تأکید بر لزوم مشارکت

سیاسی مردم و حق نظارت

آن‌هاست. اصل مشارکت که

از بنیادی‌ترین اصول اجتماعی

مردم‌سالاری در نزد امام بود،

حقی است مبتنی بر اعتقاد به

برابری و آزادی همه قشرهای

جامعه. مشارکت سیاسی در

اندیشه‌ی امام، هم حق است و

هم تکلیف به این معنا که از یک

سو حق اولیه‌ی هر فرد است که

خودش سر نوشت خود را در

جامعه انتخاب کند و اظهار کند. و

از سویی دیگر تکلیفی شرعی است

برای مسلمانان که از سر نوشت

خود و جامعه‌ی خود غافل نباشند

و سر نوشت سیاسی و اجتماعی

خود را انتخاب کنند.



حسن ابراهیمزاده

## مردم و چهره‌ی دوم نفاق در گام دوم

گذشت زمان به درستی ثابت کرد که نگاه آنان همان نگاه امام راحل در برخورد با جریان‌ها و پدیده‌ها و به ویژه اشخاص است.

این سازمان که قبل از انقلاب با پذیرش ایدئولوژی مارکسیست، عملاً صف خود را از صف اسلام و مردم جدا کرد، با پیروزی انقلاب دوباره سعی در پنهان کردن چهره‌ی واقعی خود داشت و در یک عقب‌نشینی تاکتیکی با خطاب قرار دادن امام خمینی علیه السلام به «پدر» که ادبیات این سازمان در فریب بزرگان و مردم بود، با ادبیاتی کاملاً سنتی اعتقادات خود را چنین بیان داشتند.

«... حضور پدر بزرگوارمان رهبری انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، پس از عرض سلام، کمترین فرزندان مجاهد آن حضرت، حسب‌الامر آن پدر گرامی که از ارکان اعتقادی اینجانبان سؤال فرموده بودید، معروض می‌دارند که: ارکان عقیدتی دین اسلام و مذهب حقه جعفری اثنی‌عشری است، همان تشیع علوی و همان ارکان عقیدتی قرآن؛ یعنی کتابی که از ابتدا تا انتها بدون کمترین خدشه‌ای تا ابد راهنمای بشریت و مورد اعتقاد مسلمانان

بدرقه‌ی پیکر مطهر شهید قاسم سلیمانی در آغاز ورود به گام دوم، که رهبر انقلاب از آن به بزرگترین بدرقه‌ی تاریخ و سند زنده بودن انقلاب یاد کردند، بار دیگر ثابت کرد که چرا امام راحل از چنین مردمی به مردمانی بهتر از مردمان صدر اسلام یاد کردند و چرا رهبر انقلاب همواره برای وجود چنین مردمی در برابر خداوند سجده شکر به جا می‌آورند.

امروز انقلاب در حالی وارد گام دوم می‌شود که دیگر برای جهانیان ثابت شده است، سر بلند همیشه‌ی امتحان و ابتلائات، مردمی هستند که به خوبی در دوست و دشمن شناسی گوی بصیرت را نسبت به مردمان اعصار گذشته ربوده‌اند؛ بصیرتی که در آن به جز شناخت دوست و دشمن و شناخت نفاق و چهره‌ی پنهان دشمن در هر لباس و با هر ادبیاتی، الگویی برای نسل‌های آینده است.

در میان چهره‌های مزور و دورو در برخورد با انقلاب در گام اول شاید هیچ جریان و سازمانی به اندازه‌ی سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق را نمی‌توان یافت که مردم از همان آغاز به درستی از آنان با لفظ منافق یاد کردند و



آمدند در نجف، یکی‌شان بیست و چند روز آمد، در یک جایی، من فرصت دادم به او حرف‌هایش را بزنم، او به خیال خودش که حالا من را می‌خواهد اغفال کند، مع‌الاسف از ایران هم بعضی از آقایان که تحت تأثیر آن‌ها واقع شده بودند - خداوند رحمت‌شان کند- آن‌ها هم اغفال کرده بودند آن‌ها را، آن‌ها هم به من کاغذ سفارش نوشته بودند، بعضی از آقایان محترم. بعضی از علماء، آن‌ها هم به من کاغذ نوشته بودند که این‌ها «انهم فتیه» قضیه اصحاب کهف من گوش کردم به حرف‌های این‌ها که ببینم این‌ها چه می‌گویند، تمام حرف‌هایشان هم از قرآن بود و از نهج‌البلاغه. تمام حرف‌ها... این آمده بود که من را بازی بدهد، من همراهی کنم با ایشان. من هیچ راجع به این‌ها حرف نزد، همه‌اش را گوش کردم، فقط یک کلمه را که گفت ما می‌خواهیم قیام مسلحانه بکنیم، گفتم نه شما نمی‌توانید قیام مسلحانه بکنید، بی‌خود خودتان را به باد ندهید.»<sup>۱</sup>

امام خمینی علیه السلام به مردم و بصیرت آنان ایمان داشتند و به خوبی می‌دانستند مردم چهره‌ی دوم این جریان را؛ چون

بوده و خواهد بود. با این همه حسب فرامین شفاهی پدر گرامی‌مان که در موردی سؤال کرده بودید، مختصر ارکان عقیدتی خود را که برخلاف نظرگاه‌های مادی است به شرح زیر اعلام می‌داریم...»<sup>۱</sup>

«امام خمینی از همان قبل از انقلاب، چهره‌ی دوم این سازمان را شناخت و به دنبال فرصتی بود تا این شناخت خود را، حتی برای برخی از خواص که هنوز یا به این شناخت خود و مردم از این سازمان نرسیده بودند و یا امیدوار به اصلاح آنان بودند آشکار سازد، تا سرانجام عملکرد مزورانه‌ی این سازمان، امام را بر آن داشت تا پس از گذشت یک سال و چند ماه از ملاقات سران آنان در قم با او به صراحت پرده از چهره‌ی دوم آنان بردارد و آنان را چنین معرفی کند:

«...این‌ها گول می‌زنند، همه را گول می‌زنند، این‌ها می‌خواستند من را گول بزنند، من نجف بودم، این‌ها آمده بودند که من را گول بزنند، بیست و چند روز - بعضی‌ها می‌گفتند بیست و چهار روز من حالا عددش را نمی‌دانم- بعضی از این آقایانی که ادعای اسلام می‌کنند،



«این‌ها با خود قرآن، با خود نهج‌البلاغه می‌خواهند ما را از بین ببرند و قرآن و نهج‌البلاغه را از بین ببرند، همان قضیه‌ی زمان حضرت امیر<sup>ؓ</sup> و قرآن را سر نیزه کردند که این قرآن حکم ما باشد حضرت امیر مظلوم بود و واقعا، هرچه به این بدبخت‌ها گفت این‌ها حيله دارند می‌کنند بگذارید. گذشت مطلب، الآن آن مرکز را می‌گیرند جمع شدند دورش شمشیر کشیدند، گفتند می‌کشیمت اگر چنانچه نگوینی بر گردند قرآن این‌طور نوشته مجبور شد حضرت امیر که امر کند که لشکری که الآن فتح می‌کردند یک ساعت دیگر اگر مانده بود فتح می‌کردند برگشتند و شکست همان شد که خوردند و بعد از این‌که این مسایل واقع شد باز همین عده‌ای که آن‌جا شمشیر کشیده بودند، باز شمشیر کشیدند برضد حضرت امیر، باید ما ببینیم که عمل این‌ها چی هست آن‌ها در پیشانی‌شان هم آثار سجده بود، ابن‌ملجم در پیشانی‌اش آثار سجده بود ببینیم چه کرد، با این آثار سجده چه آمده بکند.<sup>۴</sup>»

سازمان منافقین در مسیر حرکت انقلاب و مردم، سرانجام مجبور به آشکار ساختن چهره‌ی دوم خود؛ یعنی عدم‌اعتقاد به آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه شد و مقابل اسلام، امام و مردم و انقلابی که دستاورد اعتقاد امام و مردم به اسلام بوده قرار گرفت. پایان بهار ۱۳۶۰، پایان حضور سازمان منافقین، این نماد چهره‌ی نفاق در گام اول انقلاب شد؛ اما امام و مردم به خوبی می‌دانستند نفاق چهره‌ی زودونی در تاریخ اسلام نبوده و نخواهد بود و روزی این نفاق با چهره و ادبیات دیگری خود را نمایان می‌سازد، این‌جا بود که باز امام خمینی<sup>ؑ</sup>، از چهره‌های دوم گفتند، این‌بار نه با قرآن و نهج‌البلاغه، بلکه به وسیله‌ی کسانی که مردم آنان را در لباس مفسر و مروج قرآن و نهج‌البلاغه می‌شناسند، امام خمینی<sup>ؑ</sup> این‌بار از «معمین» سخن به میان آوردند و به صراحت از ترس خود برای فریب مردم از سوی این افراد از ترویج اسلام بدلی و به انحراف کشاندن انقلاب، سخن به میان آوردند و هشدار دادند: «... من یک مطلبی را باید بگویم به همه‌ی ملت ایران و به همه روحانیون ایران، من خوف این را دارم که بعضی از این معمین که در بین روحانیون، خودشان را جا زده‌اند و خرابکاری دارند می‌کنند در بعضی از جاهایی که این‌ها یک چیزی دستشان آمده است من خوف این را دارم که این‌ها چهره‌ی اسلام را برگردانند از آنی که هست.»<sup>۵</sup>

گذشت تاریخ نشان داد که ترس بنیانگذار انقلاب اسلامی درباره‌ی برگرداندن چهره‌ی اسلام به وسیله‌ی معمین نفوذی در بدنه‌ی نظام، به جا و تحلیلی درست از آینده و رابطه‌ی نظام و این افراد بوده است.

متأسفانه فاصله گرفتن فکری و حتی عملی برخی از یاران و انقلابیون معمم پس از امام راحل تا آن‌جا پیش رفت و می‌رود که سخنان و رفتارهای آنان درست همان سخنان

چهره‌ی دوم خاندان پهلوی و شخص محمدرضا که خود را کمر بسته‌ی امام رضا<sup>ؑ</sup> می‌خواند، آشکار خواهند ساخت و به نفاق این جریان پایان خواهند داد؛ از این رو از نفاقی سخن گفتند که به نام اسلام به مبارزه با اسلام برخاسته است.

«... اسلام همیشه گرفتار یک همچو مردمی بوده است که با اسم اسلام می‌خواستند اسلام را بکوبند، مگر محمدرضا قرآن طبع نمی‌کرد؟ مگر سالی یک دفعه نمی‌رفت مشهد، مگر دائما صحبت از عدالت اسلامی و عدالت چه نمی‌کرد؟ مگر نمی‌گفت حضرت عباس مرا در یک قضیه‌ای نجات داد؟ می‌گفت این‌ها را، این‌ها یکی از قدرت‌های [آن‌هاست]، واقعا قدرت است، قدرت بزرگی که دارند، این است که همچو با جدی بدون اینکه هیچ پرده‌ی حیایی در کار باشد، جدا می‌گویند که این کار را خدا کرده است، ما هم این کار را دنبال خدا هستیم ما هم دنبال چه هستیم که شاید شماها هم اگر یک وقتی ببینید باورتان بیاید، خیلی‌ها باورشان آمده بود، خوب یک شاهی است که دارد می‌گوید قرآن و دارد می‌گوید اسلام و دارد می‌گوید چه، خوب چکارش دارید؟ ما مدتی باید زحمت این را بکشیم که آن چهره‌ی دوم این را به مردم بفهمانیم، این یک چهره است، یک چهره با اسم قرآن و اسم خدا و اسم نهج‌البلاغه و اسم این‌ها می‌آید توی میدان، خطرناک است، ما اگر بتوانیم آن چهره‌ی دوم این جمعیت‌ها را این چهره‌ی دوم امثال محمدرضا را به مردم معرفی کنیم، آن وقت ما پیروز می‌شویم و این در قضیه محمدرضا شد، چهره‌ی دومش را به قاعده نشان داد.<sup>۶</sup>»

حضرت امام با ضرورت شناخت چهره‌ی دوم جریان‌ها به ویژه اشاره‌ی این جریان‌شناس و شخصیت‌شناس بزرگ تاریخ اسلام که شناخت درست او ریشه در اسلام‌شناسی او داشت، تأکید به این نکته دارد که پیروزی واقعی در شناخت و معرفی چهره‌ی واقعی نفاق است. این حکیم الهی با مردم، از نفاق روبرو شده با امیر مؤمنان<sup>ؑ</sup> سخن می‌گوید و آنان را متوجه ابزارها و شیوه‌های فریب‌کاری افراد دو چهره، می‌سازد که آن نیز ریشه‌ی تاریخی دارد:

پیاپیاده‌سازی این هدف دشمن ایفا کنند، رهبری انقلاب دربار‌ه‌ی هدف سوم دشمن می‌فرمایند: «... هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی می‌ماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که می‌توان در آن‌ها نفوذ کرد، استفاده کنند و این‌ها را در حائل کشور، در واقع طرف‌های اصلی خودشان قرار بدهند و بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد - عمده این است که سرسپرده باشد مطیع باشد - در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند، اهداف این‌هاست.»<sup>۷</sup>

تأکید رهبری انقلاب بر ضرورت دشمن‌شناسی و شخصیت‌شناسی جریان نفاق؛ چون امام خمینی<sup>۸</sup> اقتضا می‌کند که چهره‌ی دوم افراد و جریان‌های وابسته به دشمن و یا سیاست‌های دشمن در گام دوم به مردم شناسانده شود و در این مسیر چهره‌ی دوم «منافقان معمم» را؛ چون نفاق «محمدرضا پهلوی» و نفاق عناصر «سازمان منافقین» آشکار گردد، چرا که غفلت از شناساندن چهره‌ی دوم این عناصر می‌تواند انقلاب را در گام دوم متوقف و یا با چالش‌های بزرگی روبرو سازد.

\* انهم فتية: اینها جوانمردانی هستند، سوره کهف آیه ۱۳.

و رفتارهای گروهک‌ها و چپ را در اذهان تداعی کرد و می‌کند که امروز می‌توان از آن‌ها به افراد دو چهره‌ای یاد کرد که نفاق گام اول را در یادها زنده می‌کند، با این تفاوت که اگر نفاق گام اول غیرمعمم بود و از قرآن و نهج‌البلاغه می‌گفت، اینان برخی با عمامه و در عین سخن گفتن از انقلاب، امام و رهبری به گونه‌ای رفتار می‌کنند که عملاً آن‌ها را می‌توان در صف مقابل امام، رهبری و مردم تحلیل کرد، شناساندن این نفاق گام دوم به لحاظ ابعاد شخصیتی مصادیق آن و پیشینه‌ی انقلابی داشتن برخی از آنان به مراتب سخت‌تر از نفاق گام اول و شناساندن چهره‌ی دوم آنان به جامعه است.

نفاق در گام اول انقلاب تا فتنه‌ی سال ۸۸، طی دو مرحله‌ای که دشمن آن را طراحی و اجرا کرد، خود را به خوبی نشان داد و در این میان چهره‌ی برخی از معممین را نیز آشکار ساخت. رهبر انقلاب از این دو مرحله چنین یاد می‌کنند.

«هدف‌هایی که آن‌ها دنبال می‌کردند در درجه‌ی اول سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود، هدف اول، براندازی بود، هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند؛ اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب و روح انقلاب از بین برود، در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آن‌ها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود، در حقیقت یک تلاش بود، یک عده‌ای در داخل به خاطر حب به نفس، حب به مقام - از این قبیل امراض خطرناک نفسانی - اسیر این توطئه شدند من بارها گفته‌ام: طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه در بیرون از این مرزها بوده و هست، در داخل با آن‌ها همکاری کردند، بعضی دانسته بعضی ندانسته، این هم هدف دوم.»<sup>۹</sup>

اما هدف سومی که رهبری انقلاب از آن یاد می‌کند، اگرچه دنباله‌ی همان هدف آنان در برابر انقلاب و نظام اسلامی است، اما به مراتب خطرناک‌تر و پیچیده‌تر از دو مرحله‌ی گذشته است و آن نفوذ عناصر ضعیف‌النفس در بدنه‌ی نظام و سوق دادن نظام به سمت تسلیم‌پذیری در برابر دشمن است، اینجاست که به دلیل دینی بودن انقلاب، پیشرویی و همگامی روحانیت با مردم، افراد معمم ضعیف‌النفس، نقش بسیار محوری را می‌توانند در آغاز گام دوم انقلاب در

#### پی‌نوشت‌ها

۱. سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام، ج ۲، ص ۹ به نقل از رازهای دهه‌ی شصت، ص ۶۵
۲. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۹۸.
۳. همان، ص ۱۹۸ و ۱۹۹.
۴. همان، ص ۱۹۸.
۵. همان، ص ۱۹۹.
۶. خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵، معارف انقلاب، ص ۱۰۲۰.
۷. همان، ص ۱۰۲۱.





### اشاره:

«... این انقلاب با مردم به وجود آمد؛ با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد؛ با همین نیرو از خود دفاع کرد، با همین نیرو هم باقی ماند و ریشه دواند. این مردم بودند که ترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند؛ مدام تهدید شدیم، مدام گفتند حمله می‌کنیم، مدام گفتند تحریم می‌کنیم، مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ ترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند...»

بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۳/۱۴

# مسئولیت‌پذیری مردم مهم‌ترین ظرفیت برای گام دوم

هادی مجیدی

### مقدمه:

انقلاب اسلامی، به عنوان بزرگترین رخداد سیاسی منطقه‌ی خاورمیانه، به عقیده‌ی همه‌ی سیاسیون و صاحب‌نظران دنیا، مردمی‌ترین انقلاب در قرون اخیر است که با رهبری شجاعانه و بی‌نظیر حضرت امام خمینی(ره) هدایت و در پرتوی تلاش و مجاهدت مبارزان، ایثار و شهادت قشرهای مختلف مردم به پیروزی رسید. در طول تاریخ کشورمان، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن نقش مستقیم داشته باشند. در انقلاب اسلامی، مردم با نیروی ایمان، توانستند یک رژیم تا دندان مسلح متکی به قدرت‌های استکباری را از پا در بیاورند و انقلاب را پیروز کنند. پیش از انقلاب اسلامی ایران انقلاب‌های متعددی؛ مانند انقلاب فرانسه روی داد؛ ولی با صرف هزینه‌های به مراتب بیشتر نتوانستند توده‌ی مردم را با خود همراه کنند... منتها نکته‌ی اساسی در انقلاب ما این است که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد.

بیانات رهبری در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه: ۱۳۹۰/۷/۲۰





موقع ملت ایران، تاکنون موفق به این کار نشده‌اند؛ اما تردیدی نیست که تلاش آنان برای رسیدن به اهداف شوم خود جهت براندازی نظام اسلامی همچنان ادامه دارد و هر روز شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. این احساس مسئولیت مردم ایران برای حفظ استقلال و دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی، ثمره‌ی جاری بودن روحیه‌ی آزادگی، استقلال‌خواهی، ایثار و فداکاری در میان آحاد ملت ایران و اطاعت آنان از رهبری حکیمانه‌ی انقلاب اسلامی است. البته از این نکته نباید غافل بود که این روحیه، باید سرمشق همه‌ی مسئولان و کارگزاران نظام باشد تا در هر شرایطی با تبعیت از مقام معظم رهبری، حفظ وحدت و انسجام ملی را سرلوحه‌ی امور قرار داده و براساس تکلیف دینی و وظیفه‌ی انقلابی خود بیش از پیش به خدمت صادقانه به مردم همت گمارند.

### نقش مردم در حفظ انقلاب

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مردم نقشی در تعیین زندگی خود نداشتند. اصولاً در رژیم‌های سلطنتی، مردم نقش و جایگاه موثری در ساختار حکومتی و تعیین مقامات بلندپایه‌ی کشور و نیز تصمیم‌گیری‌های مهم و کلان حکومت ندارند؛ رژیم پهلوی چه در قانون و چه در عمل نقش قابل توجه و موثری برای مردم در نظر نگرفته بود و آرا و نظرات مردم برای آن‌ها ارزشی نداشت. در

دست‌آورد انقلاب اسلامی دانست که موجب افزایش اجماع برای مشارکت مردم و همه‌ی گروه‌های سیاسی برای حضور در صحنه‌ی مبارزات دوران ستم شاهی شد.

بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، در جنگ تحمیلی، علاوه بر نیروهای مسلح، مشارکت اقشار مختلف در صحنه‌ی دفاع از کیان میهن اسلامی عینیت یافت. در طول این چهل سال، مردم به دلیل پابندی خود به نظام اسلامی و حضور گسترده‌شان در دفاع از اسلامیت نظام، توانستند آتش فتنه‌هایی را که صحنه‌گردان‌های اپوزیسیون داخلی و خارج‌نشین ایجاد کرده بود با رهبری حکیمانه‌ی رهبر معظم انقلاب، خاموش نمایند.

نهضت مردمی ملت ایران بر سه مولفه‌ی اصلی اسلام، رهبری و مردم‌مندی است و یقیناً تداوم نهضت نیز مستلزم حضور و همراهی این مولفه‌ها است. همگامی این سه مولفه در به ثمر رسیدن انقلاب ایران و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. بر این اساس از همان دوران مبارزات و روزهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، همواره مورد توجه و تهاجم دشمنان انقلاب اسلامی بوده است. دشمنان قسم خورده‌ی ملت ایران در این چهار دهه، همواره کوشیدند به طرق مختلف بین این سه مولفه جدایی بیندازند که با هوشیاری رهبری انقلاب و بصیرت و حضور به

نهضت تاریخ ساز و تحول‌آفرین مردمی کشورمان در بهمن ۵۷ که سرآغاز تحولات عظیم در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی شد چراغ روشنی برای ادامه‌ی حرکت تاریخ‌ساز ملت مومن و انقلابی ایران و دیگر ملت‌های تشنه‌ی عزت و استقلال واقعی گردید. سیدحسین نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، در این رابطه می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران، مسلمانان جهان را بیدار کرد و به آنان عزت بخشید و این مسئله در حضور قوی ملت‌ها، در صحنه‌های جهاد و مبارزه علیه رژیم‌های وابسته‌ی غربی به خوبی نمایان است.» در حال حاضر بیداری اسلامی در برخی از کشورهای دنیای اسلام گسترانیده شده؛ اما فرق اساسی این بیداری اسلامی در کشورمان از جهت حرکت عمومی، این است که شعار حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی در برابر طاغوت به عنوان یک مطالبه‌ی عمومی، در سراسر کشور حتی روستاها و شهرها حاکم بود. نکته‌ی اصلی در کشورمان این است که در نظام اسلامی، ملت تصمیم‌گیرنده است و مردم، حقیقتاً مالک و مسلط بر سرنوشت و امور خودشان هستند و این، یک امر واقعی است. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۷/۲). امام خمینی<sup>ع</sup>، معمار کبیر انقلاب، با رهبری حکیمانه‌ی خود هم‌گرایی بی‌نظیری در میان ایرانیان برای دفاع از ارزش‌های اسلامی ایجاد کرد. می‌توان کسب استقلال سیاسی را مهم‌ترین



بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آن‌ها را گمراه کند، آن‌ها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما همان بصیرت است.» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۵/۷/۸۷)

در طول هر یک از چهار دهه‌ی انقلاب اسلامی، کشورمان با یک فتنه‌ی بزرگ از پیش‌طراحی شده‌ی دشمن روبرو بود؛ اما با حضور به موقع مردم هوشیار و بصیر در صحنه، تهدید دشمن تبدیل به فرصت شد. بصیرت مردم باعث شد تا زمان دفع فتنه‌ها کوتاه شود، فتنه‌ی ۸۸ تقریباً هشت ماه طول کشید، فتنه‌ی ۹۶ نیز شش روز به طول انجامید؛ اما مردم فتنه‌ی ۹۸ را در دو روز پاسخ دادند و این برای دشمنان بسیار گران بود که مردم در مدت زمان کوتاه‌تری به فتنه‌ی آن‌ها پایان می‌دهند. چپاول گران رانده شده از ایران هر روز به بهانه‌ای سعی در ایجاد فتنه و تضعیف موقعیت نظام اسلامی داشتند و دارند؛ اما حضور مردم در تظاهرات حمایتی از نظام اسلامی و علیه اوپاش و آشوبگران، پاک‌سازی اساسی و اقدام مهمی است که پیام روشنی برای توطئه‌گران بین‌المللی دارد و آن این‌که، ملت آگاه ایران دریافته‌اند که هدف اصلی همه توطئه‌ها، ایجاد نارضایتی در میان آن‌هاست و کسانی که می‌کوشند با تحریکات خبیثانه، رذیلت‌ها، امنیت کشور را زیر سوال ببرند، در خط پایان باید منتظر مردم باشند؛ چون ملت حائلی میان خود و نظام نمی‌بینند.

### نقش مردم در دفاع مقدس

دفاع مقدس به عنوان سند مقاومت و مظلومیت ملت ایران در خاطره‌ی تاریخ ثبت و ضبط است. سند مقاومت از این رو که دشمن تا بن دندان مسلح به اتکای همه قدرت‌های مستکبر و زورگو برای محو ارزش‌های ملتی برآمده بود که مدت زیادی از پیروزی انقلاب بزرگ آنها سپری نشده بود. هنوز شرایط انقلابی و عوارض آن بر فضای ایران مستولی بود و کشور در شرایط آمادگی سیاسی، اقتصاد و اجتماعی نبود که با تهاجم همه جانبه به کشور، جنگی ناخواسته و نابرابر بر ملت ایران تحمیل شد. مقاومت همه جانبه و رشادتهای آحاد مردم در قالب نیروهای مردمی بسیجی و حماسه آفرینی سپاه و جهاد و ارتش، رکورد جدید از مقاومت را بر جای گذاشت. مقام معظم رهبری در این رابطه فرمودند: «جنگ به وسیله‌ی مردم اداره شد. هم ارتش و هم سپاه

همین رابطه «آنتونی پارسونز»، آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی، در خاطرات خود می‌نویسد: «رژیم پهلوی بر دو بنیاد اصلی قدرت استوار بود که عبارت بودند از: «ارتش و ساواک». این اعتراف سفیر انگلیس به عنوان کشوری که حامی رژیم پهلوی بود، به خوبی نشانگر این است که مردم، جایگاه و نقش موثری در رژیم پهلوی نداشتند و رژیم، اتکا به مردم نداشت. اما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به این سیاست و بیش پایان داده شد. این دستاورد بزرگ انقلاب موجب گردید مردم نقش اصلی و تعیین کننده‌ای در مهم‌ترین ساختارهای حکومتی، وضع قوانین و همه‌پرسی‌ها و نیز اداره‌ی کشور داشته باشند. این مردم هستند که به طور مستقیم رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، اعضای شوراهای اسلامی شهر و... را انتخاب می‌کنند و همین مردم مهم‌ترین رکن حکومت؛ یعنی ولی‌فقیه و رهبری جامعه را با رای خبرگان رهبری که با انتخاب مردم تعیین شده‌اند، برمی‌گزینند. حضرت امام خمینی (ره) چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن همواره بر نقش مردم تاکید داشته و حقیقتاً برای آن ارزش و اهمیت قایل بودند. در طول دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب، مخاطب و همراه اصلی امام (ره) توده‌ی مردم بودند. امام خمینی (ره) مردم را ولی نعمت مسئولان کشور معرفی کرده و هم‌ی مقامات مملکتی را به خدمت به آن‌ها دعوت و سفارش می‌کردند. در کل، انقلاب‌ها و به خصوص نهضت‌های اسلامی ثابت نموده است که هر گاه مردم وارد مبارزه شده‌اند آن انقلاب و نهضت به پیروزی رسیده است و هر گاه همراهی نکرده‌اند آن نهضت به شکست انجامیده است. نظام اسلامی ایران، از دور رکن و پایه‌ی اصلی تشکیل شده است: پایه‌ی اسلامی و پایه‌ی جمهوری و یکی از هنرهای بزرگ و اعجاب‌انگیز امام، انقلاب اسلامی و قانون اساسی ایران، تلفیق و ترکیب اسلامی بودن نظام با جمهوریت آن است. در عین وفاداری به اسلام، نقش مردم نیز حفظ شده است.

### بصیرت مردم

بصیرت یکی از اصلی‌ترین و پرتکرارترین کلیدواژه‌هایی است که رهبر انقلاب در جریان فتنه‌ها مورد استفاده قرار می‌دهد. «... بصیرت وقتی



بررسی برخی از آن‌ها و نقش مردم در خنثی‌سازی آن می‌پردازیم.

### الف: فتنه ۱۸ تیر ۱۳۷۸

یکی از حوادث تلخ تاریخ معاصر، که شاید بتوان آن را به عنوان استارت فتنه‌های ۸۸ و ۹۸ برشمرد؛ حادثه‌ی کوی دانشگاه در ۱۸ تیرماه ۷۸ و وقایع پس از آن بود. دشمن که تا آن زمان از فتنه‌های بزرگی؛ چون فتنه ملی گرایان، جنگ تحمیلی، فتنه‌ی شیخ سادهلوح و ... به نتیجه نرسیده بود با مهیا دیدن شرایط، این حادثه را طراحی و اجرا کرد. این فتنه با اعلام توقیف روزنامه‌ی "سلام"، نخستین تاثیر خود را بر فضای دانشگاهی و دانشجویی کشور در تیرماه سال ۱۳۷۸ وارد کرد. دانشگاه تهران پس از اطلاع از ماجرای توقیف روزنامه‌ی سلام و نیز با انگیزه‌ی مخالفت با تصویب کلیات طرح اصلاح قانون «مطبوعات»، در شامگاه هفدهم تیرماه به صحنه‌ی تجمع‌های اعتراض‌آمیز و درگیری‌های خشونت‌بار تبدیل گردید. در این میان، آشوب‌گران سعی داشتند با شانتاژهای رسانه‌ای و محور قرار دادن دانشگاه و دانشجویان فتنه را به داخل جامعه بکشانند؛ اما طولی نکشید که مردم این توطئه را خنثی کردند. در واقع ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بحرانی بود که معاندان نظام در لباس جنبش دانشجویی و با شعار مطالبات دانشجویان، اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار داده بودند. آن‌چه در ۱۸ تیر ۷۸ رخ داد، در حقیقت شبه کودتایی آشکار و همه‌جانبه بود که اساس نظام اسلامی را نشانه رفته بود و نسلی از مخالفین را پدید آورد که اکنون در داخل و خارج ایران فعال هستند.

در روز ۲۲ تیر، پیام هشدار دهنده و آرامش‌بخش رهبر معظم انقلاب التیامی بر زخم‌های ناسوری بود که بر پیکره‌ی دوستداران امام و انقلاب رسیده بود. ایشان در آن روز خطاب به ملت همیشه در صحنه‌ی ایران فرمودند: «ملت رشید و غیور ایران... دشمنان زبون و

پاسداران انقلاب اسلامی و هم نیروهای گوناگون، متکی به مردم بودند؛ به ایمان مردم، به عشق مردم، به صفای مردم» (۱۳۹۰/۷/۲۰). سند مظلومیت نیز از این روست که این جنگ نابرابر بود و ایران نه از توان دفاعی برخوردار بود و نه بروکراسی کشور اجازه‌ی تجهیز قوا را برای یک جنگ به ما می‌داد؛ اما با این وجود، مردم از هر قشری و صنفی هرچه در توان داشتند دریغ نمی‌کردند؛ عده‌ای جهاد با مال، عده‌ای دیگر با جهاد جان و عده‌ای نیز جهاد فکری و فرهنگی. این وحدت مردم در شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» از جمله کمک‌های معنوی مردمی بود که همواره گرم‌کننده‌ی جبهه‌های نبرد بود و این نه تنها در شعار که در عمل نیز بروز می‌یافت. بنابراین، همه‌ی اقشار ملت، در یک صف و یک خط بودند و یک‌دل و هم‌صدا به رویارویی با دشمن پرداختند و با ایمان و اعتقاد راسخ خویش به مبارزه با تجاوزگران پرداختند. این مهم در واقع بزرگترین سرمایه‌ی نظام بود و نقش مهمی در شکست رژیم بعث ایفا کرد. مردم انقلابی و مسلمان ایران، پس از هجوم نیروهای دشمن، به طرف جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافتند و از همان روزهای نخست در برابر پیشروی این رژیم ایستادند. از ویژگی‌های ممتاز هشت‌ساله‌ی دفاع مقدس در کشورمان، مردمی بودن اداره و تدارکات آن بود. در واقع این جنگ براساس آیین‌نامه‌های مرسوم در جنگ‌ها اداره نشده بود؛ چون در جنگ‌های معمولی یگانی به نام آمداد و لجستیک، جنگ را اداره می‌کند، این در حالیست که در دوران جنگ تحمیلی این واحد در شرایط نامناسبی تشکیل شد؛ یعنی در شرایطی که حتی سیم خاردار که تعریفی در تجهیزات نظامی ندارد در اختیار نبود.

### مردم و مقابله با فتنه‌ها

پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) انقلاب و دستاوردهای آن، همواره با موجی از تهدیدات و فتنه‌ها روبرو بوده است که در ذیل به



#### از ویژگی‌های ممتاز

هشت‌ساله‌ی دفاع مقدس

در کشورمان، مردمی بودن

اداره و تدارکات آن بود.

در واقع این جنگ براساس

آیین‌نامه‌های مرسوم در

جنگ‌ها اداره نشده بود؛

چون در جنگ‌های معمولی

یگانی به نام آمداد و لجستیک،

جنگ را اداره می‌کند، این

در حالیست که در دوران

جنگ تحمیلی این واحد در

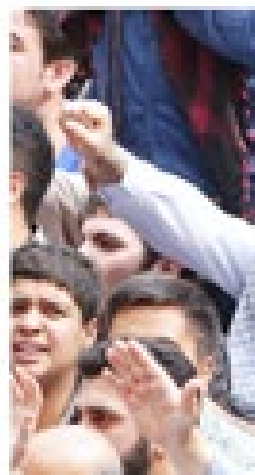
شرایط نامناسبی تشکیل شد؛

یعنی در شرایطی که حتی

سیم خاردار که تعریفی

در تجهیزات نظامی ندارد

در اختیار نبود.





که سوابقی در انقلاب داشتند در طرح دشمن به بازی گرفته شدند و به نوعی حرکت کردند که پازل دشمن را تکمیل و در نتیجه با ایستادن در برابر قانون، زمینه شکل‌گیری... «بیانات رهبری در سالروز ولادت امام علی (ع) ۱۵ تیر ۱۳۸۸» هم‌چنین ایشان در قدرانی از حضور مردم در دفع فتنه فرمودند: «امتحان‌هایی در این انتخابات پیش آمد. یک امتحان، امتحان آحاد مردم بود. به نظر من مردم در این امتحان برنده شدند؛ نمره‌ی قبولی گرفتند. حضور عظیم مردم، یک امتحان عظیمی بود که آن‌ها را سرفراز کرد. بسیاری از آحاد مردم، از جریان‌های سیاسی، طبق وظیفه‌شان عمل کردند. بعضی از خواص هم البته مردود شدند. این انتخابات بعضی‌ها را مردود کرد...» (بیانات رهبری در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۲۱ مرداد ۱۳۸۸)

### مردم و شرکت در انتخابات

انتخابات و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان امروزه به عنوان مهم‌ترین نماد مردم‌سالاری شمرده می‌شود، این پدیده‌ی مهم در کشورهای مختلف در قالب‌های گوناگون و با اهداف متعددی برگزار می‌شود. با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و تحقق اولین مردم‌سالاری دینی در منطقه‌ی خاورمیانه و بلکه جهان، مردم به عنوان صاحبان نظام، براساس آموزه‌های اسلامی، کلیدی‌ترین نقش را در نحوه‌ی اداره‌ی امور کشور و تعیین حاکمان و نمایندگان خویش دارا شدند. برگزاری انتخابات‌های متعدد سراسری در کشور از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی تا کنون، در راستای تحقق بخشیدن به این نقش تعیین‌کننده‌ی مردمی ارزیابی می‌شود. مقام معظم رهبری نیز همواره بر این نکته‌ی مهم تاکید داشته و معتقدند: «انتخابات مال رهبری نیست، مال ایران اسلامی است، مال نظام جمهوری اسلامی است، همه باید ببینند در انتخابات شرکت کنند، این موجب می‌شود که نظام جمهوری اسلامی تقویت بشود، پایداری آن و ماندگاری آن تامین بشود، کشور در حصار امنیت کامل باقی بماند.» (بیانات رهبر معظم در دیدار مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹)

مشارکت در انتخابات و تعیین سرنوشت در هر نظامی علاوه بر جنبه‌های شرعی که دارد، به عنوان یک حق نیز قلمداد می‌گردد؛ حقی که در همه‌ی جوامع و مکاتب بشری به عنوان فضیلت و ارزش شناخته می‌شود و با عناوینی همچون «حق انتخاب‌گری»، «حق مشارکت در تعیین سرنوشت» و ... شناخته می‌شود. چنان‌که مقام معظم رهبری نیز به همین موضوع بارها اشاره کرده و فرموده‌اند: «این [انتخابات] یک حق و در عین حال یک تکلیف است. حق آحاد مردم ماست که نظر

حقیقیر اسلام و انقلاب گمان کرده‌اند انقلاب و مردم مومن و انقلابی به آنان اجازه خواهند داد که با فتنه انگیزی خود، راه سلطه‌ی آمریکای جنایت‌کار را بر میهن عزیز ما هموار کنند... گمان کرده‌اند مردم ایران از اسلام و انقلاب دست برداشته اند... ولی غافل از این‌که ملت مومن و شجاع و هوشیار به آنان و اربابان و پیش‌تیبانان آنان اجازه‌ی ادامه‌ی شرارت را نخواهند داد...» سپس در ۲۳ تیرماه سال ۱۳۷۸، آقایانوسی از یک ملت بیدار دل، روانه‌ی کوچه و خیابان‌های کشور شد تا بار دیگر اثبات نمایند که رهبری انقلاب و مردم هوشیار و هوشمند این نظام، از چه ظرفیت‌های بی‌بدیل و شگفت‌آوری در تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها برخوردارند.

### ب: فتنه‌ی ۸۸

فتنه‌ی غبارآلود سال ۸۸، بی‌تردید یکی از حساس‌ترین مقاطع حساس نظام اسلامی به شمار می‌آید. در سال ۸۸ در راستای انتخابات دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران، فرصت مساعدی برای گروه‌های فعال در جنگ نرم که بیش از ده سال از فعالیت علنی آن‌ها می‌گذشت، فراهم شد تا زورآزمایی پوشالی خود با جمهوری اسلامی ایران را با اسم رمز «تقلب» کلید بزنند. در فتنه‌ی سال ۸۸، دشمنان نظام با طراحی‌های پیچیده‌ی قبلی، صحنه‌ای را آماده کردند تا از آن یک کودتای رنگی در کشور را فراهم نمودند؛ اما بصیرت و هوشیاری مردم انقلابی در روز ۹ دست‌های پشت پرده را رو کرد و این توطئه‌ی سنگین را که به مراتب از فتنه‌های گذشته‌ی دشمن خطرناک‌تر بود، خنثی کرد. حماسه‌ی ۹دی ملت ایران، نماد عزت، استقلال و بصیرت مردمی است که تا پای جان برای حفظ اصول اسلام و آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند و با صدای رسا اعلام کردند که اگر دشمن در برابر دین آن‌ها بایستد، در برابر تمام دنیای آن‌ها خواهند ایستاد. مقام معظم رهبری درباره‌ی فتنه ۸۸ فرمودند: «این فتنه‌هایی که دشمن بر پا کرده بود و امید بسته بود که شاید بتواند از این آب گل‌آلود ماهی بگیرد، بحمد... این فتنه‌ها تمام شد. هر فتنه‌ای در مقابل حق، در مقابل ملت هوشیار از بین خواهد رفت، گرد و غبار فرو خواهند نشست. دشمنان می‌خواستند از این طریق، تجربه انقلاب‌های رنگی را در ایران تکرار کنند. در این میان برخی کاندیداهای انتخاباتی نیز



بر چالش‌ها، تحریم‌ها، فشارها و محدودیت‌ها، حضور مردم در این عرصه‌ها و ایفای نقشی تعیین کننده در هر یک از آن‌ها است. همان طور که از ابتدای انقلاب، چالش‌هایی نظیر تجزیه‌طلبی، کودتا، ترور و در نهایت جنگ تحمیلی پیش روی ملت ما وجود داشته است و در مقطعی نیز؛ مانند سال‌های جنگ، علاوه بر این که به لحاظ نظامی با تهدیدی جدی مواجه بودیم، محدودیت‌ها، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی نیز اعمال می‌شد. در واقع، در آن برهه از زمان، تمامی چالش‌ها همراه هم بودند؛ اما ما با نیروی مردمی و بسیج توانستیم از آن‌ها عبور کنیم. تحریم‌ها، بعد از آن دوران نیز ادامه داشت که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به مواردی؛ چون سیاست ایالات متحده در دوره‌ی «کلینتون» مبنی بر مهار دو جانبه و تحریم فرامرزی شرکت‌های بزرگ اقتصادی که بیش از بیست میلیون دلار با ایران معاملات تجاری داشتند، اشاره نمود؛ اما ما با تکیه به نیروی مردمی از تمام این‌ها عبور کرده‌ایم.

### نتیجه‌گیری

در جهان معاصر انقلاب‌های متعددی علیه استعمارگران و حاکمان به پا شده و در پی آن قدرت‌های انقلابی متعدد شکل گرفت؛ اما چون از آن پشتوانه‌ی قوی و گسترده‌ی مردمی برخوردار نبودند به تدریج رو به افول گذاشتند. انقلاب اسلامی ایران به این حقیقت اساسی در تجارب ملت‌ها، انقلاب‌ها و دولت‌ها اعتبار بخشید و آن این که انقلابی که به خواست ملت توجه کند و دولتی که نماینده‌ی شخصیت و فرهنگ مردم باشد، پایدار خواهد بود.

رسیدن انقلاب اسلامی ایران به مرز چهل سالگی و عبور از سد توطئه‌ها و دشمنی‌های گوناگون و تهدید مستمر و دایمی که شامل طیف گسترده‌ای از جنگ مستقیم و سخت نظامی، جنگ نیابتی، جنگ نرم و جنگ اقتصادی بوده، نشان دهنده‌ی استحکام انقلاب و نظام سیاسی برآمده از آن است و این وحدت کلمه، حضور و پشتیبانی مردم ظرفیت بسیار عظیمی برای روند رو به رشد انقلاب اسلامی فراهم کرده که در تحقق اهداف گام دوم به عنوان مهم‌ترین ظرفیت باید از آن استفاده کرد. استفاده از این ظرفیت تضمین کننده‌ی ماندگاری انقلاب اسلامی است و هیچ خطری موجودیت و بقای آن را تهدید نخواهد کرد.

دهند؛ تکلیف آن‌ها هم همین است.» (بیانات در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۳/۲۲). در نظام جمهوری اسلامی ایران، مقبولیت مردمی در کنار مشروعیت الهی، یکی از ارکان شکل‌دهنده‌ی این نظام است که قوت و ضعف این مساله نیز مرتبط با میزان حضور و نقش‌آفرینی مردم است، از طرفی در شرایط کنونی مقبولیت مردمی نقش مستقیمی در امنیت ملی کشورها ایفا می‌کند به گونه‌ای که هر کشوری از پشتیبانی و حمایت‌های مردمی بالا برخوردار باشد به لحاظ امنیت ملی نیز از جایگاه بالاتری برخوردار است، از طرفی دیگر یکی از تجلی‌گاه‌های مقبولیت مردمی نظام عبارت است از: انتخابات که طی آن هر چه میزان مشارکت مردم در انتخابات بالاتر باشد نشان دهنده‌ی مقبولیت بالای آن نظام خواهد بود و به همین تناسب با بالا رفتن میزان مقبولیت نظام، جایگاه امنیت ملی نیز تقویت خواهد شد. مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب به این مطلب اشاره کرده، فرمودند: «ملت ایران مشارکت مردمی را در مسایل سیاسی؛ مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید.»

### نقش مردم در تحریم‌ها

نظام استکبار و در رأس آن آمریکای جنایتکار که خود را از رویارویی با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ناتوان دیده و روند قدرتیابی کشور ایران در شرایط تقابل و تحریم مستمر خارجی را در چشم خود احساس می‌کند؛ با تصور ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت، انسجام و اتحاد داخلی را با ابزار تحریم و فشار اقتصادی هدف گرفته‌است تا در آستانه‌ی چهل سالگی انقلاب چالشی سنگین پدید آورند. با وجود آن که ایران در حال حاضر در یک جنگ تمام عیار اقتصادی قرار دارد؛ اما مردم با تنظیم روابط اقتصادی در شرایط سخت تحریم و محدودیت‌های بین‌المللی، موفق به رفع و رجوع مسایل و مشکلات اقتصادی مبتلابه آن در جامعه شدند. مقام معظم رهبری طی سال‌های گذشته برای مقابله با جنگ اقتصادی، سیاست‌های مختلفی همچون اصل چهل و چهار و اقتصاد مقاومتی را ابلاغ فرمودند. این نکته حایز اهمیت است که تحریم‌ها، چالش‌های اقتصادی و فشارهای بین‌المللی هیچ گاه در این چهار دهه متوقف نبوده و همواره وجود داشته‌اند. تجربه نشان داده که عنصر محوری در غلبه‌ی ایران



# الگوی رفتاری ضد مردمسالاری اصلاح طلبان در انتخابات

سیدعبدالمجید پیش‌بین‌اشکوری

انقلاب اسلامی به واقع یک نظام مردمسالار است و مردمسالاری در آن بر پایه‌ی اصل ولایت فقیه یک امر غیرجدی، تعارفی و حتی یک موضوع روبنایی نیست و این بدان معناست که از یک سو چرخش قدرت در این نظام واقعا متکی به آرای عمومی است و از سوی دیگر کشور براساس اراده‌ی ملی اداره می‌شود و حتی فتنه‌ها، دشمنی‌ها و موانع بر سر راه انقلاب با حضور مردم از سر راه برداشته می‌شود و براساس آموزه‌های الهی موجبات کسب فیوضات الهی را فراهم می‌آورد. (ان تنصرت الله ينصرکم)

بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران این افتخار را دارد که انتخابات بسیاری را با حضور حداکثری مردم، همراه با شور و نشاط برخاسته از رقابت‌های بسیار جدی جریانات، گروه‌ها، گرایش‌ها و سلايق مختلف در طی چهل سال گذشته برگزار نموده است. با وجود این، سوگمندان در همین دوران شاهد رفتارهای هنجارشکنانه (رفتار برخلاف امنیت، منافع، قدرت و اهداف ملی) و ساختارشکنانه (رفتار برخلاف ساختارهای سیاسی نظام اسلامی) به اسم مردمسالاری از سوی برخی از گروه‌ها و جریانات بوده است تا آن‌جا که اگر بصیرت مردم ولایت‌پذیر ایران نبود نه تنها مردمسالاری دینی بلکه اساس مردمسالاری در جامعه‌ی ایرانی همچون دوران مشروطه به خطر می‌افتاد.

به همین دلیل با نزدیک شدن به هر دوره از انتخابات، سوالی در افکار عمومی شکل می‌گیرد که استراتژی این گروه‌ها برای این دوره از انتخابات چیست؟ در پاسخ به این سوال می‌بایست الگوی رفتاری آنان را با توجه به مجموعه‌ی مبانی اعتقادی، اهداف، امکانات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و مشکلاتشان از زبان خود آنان به‌دست آورد. این نوشتار در پی یافتن پاسخ این سوال است. برای دریافت این الگو ابتدا می‌بایست به این امر توجه

بیشتر در دادن شعارهای کلی گرفتار آمده و به دلیل اتحاد کاذب بین زیر مجموعه‌های خود نمی‌تواند شعارها و مواضع خود را از جهت منطقی تا آخر ببیند و در نهایت هدف براندازی جمهوری اسلامی را برخی از همراهان نصف و نیمه به شعار کلی «دین و آزادی با هم سازگار هستند» تبدیل کرده‌اند، لذا می‌بایست کاری کرد که این جریان به لحاظ ایدئولوژیک رادیکال تر شده و چالش‌های بیشتری را در حوزه‌ی فکری در مقابله با رقیب (جمهوری اسلامی و فرهنگ دینی و انقلابی) به وجود آورد. این جریان با توجه به ضعف میانی در مقابل میانی جمهوری اسلامی همواره یک استراتژی و عمل را انتخاب کرده که مبتنی بر سوال کردن، ایجاد شبهه و عدم پاسخگویی، نقد دیگران، خود را عاری از هر گونه نقد دانستن و پاسخگو نبودن در مقابل دیگران است و از آن به عنوان اپوزیسیون داخل در حاکمیت تعبیر می‌نماید.

#### ۱. عدم اراده‌ی سیاسی

نظریه‌پردازان این طیف از اصلاح‌طلبان معتقدند که دومین ضعف جدی جریان اصلاح‌طلبی، فقدان اراده‌ی سیاسی در همراهان است. در واقع خاستگاه اجتماعی برخی از گردانندگان نیروهای اصلاح‌طلب، به گونه‌ای است که نمی‌تواند تبعات این هدف (جمهوری‌خواهی سکولار) و براندازی جمهوری اسلامی را بپذیرد، لذا باید بر روی گروه‌هایی؛ همچون جنبش دانشجویی، هنجارشکنان اجتماعی و معترضین سرمایه‌گذاری کرد و بدون رعایت هیچ خط قرمزی از هر فرصت به وجود آمده استفاده کرد، لذا مطالبات قشرهای گوناگون؛ همانند معلمان، کارگران، کارمندان، جوانان و... با در نظر گرفتن دشواری پاسخگویی به آن مطالبات توسط جمهوری اسلامی، امکانی است که به همراه فعال‌سازی جنبش دانشجویی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

این دسته از اصلاح‌طلبان معتقدند که استفاده از اهرم تهدیدها و

کرد که جریان موسوم به اصلاح‌طلب به چند دسته‌ی عمده تقسیم می‌شوند و آن‌چه که تحقیق در این مسئله را با کمی دشواری روبرو می‌کند آن است که افراد متعلق به هر دسته، در احزاب و گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب یا عضو هستند و یا حضور دارند، لذا نمی‌توان رفتار این جریان را براساس نام احزاب و گروه‌ها تحلیل کرد بلکه باید رفتار آن‌ها را براساس دسته‌بندی‌های فکری و رفتاریشان مورد ملاحظه قرار داد.

#### ۱. سکولارهای سنتی و افراد استحاله یافته

این طیف از اصلاح‌طلبان براساس مبانی نظریشان به دنبال نوعی جمهوری‌خواهی سکولار همراه با آمیخته‌ای از ایران‌گرایی افراطی بوده و هستند، لذا غیر از برنامه‌ریزی برای برانداختن نظام مقدس جمهوری اسلامی به امر دیگری فکر نمی‌کنند و در تحلیل ضعیف خود از وضعیت موجود همواره بر این باورند که جامعه‌ی ایران به دلیل مواجهه بودن با مشکلات عدیده‌ی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی ناشی از فشارهای خارجی و سوء مدیریت‌های داخلی به سمت رفتارهای آنارشوییستی، ساختارشکنانه و هنجارشکنانه در حال حرکت است، لذا می‌توان بر این موج سوار شد و به کمک همراهی‌های مالی و تبلیغاتی نظام سلطه اقدام به سزارین مولودی (براندازی جمهوری اسلامی) کرد که البته می‌تواند به خیال باطلشان به طور طبیعی در آینده به دنیا بیاید.

نظریه‌پردازان این جریان می‌گویند، سزارین کردن این مولود آن هم به کمک همراهان نالایق، باعث سه ضعف جدی گردیده که موجب شده این جریان نتواند به هدف خود نایل گردد، این سه ضعف جدی عبارتند از:

الف. خلاء تئوریک:

می‌گویند جریان اصلاح‌طلبی از نظر تئوریک مجهز و به‌روز نبوده و

فشارهای خارجی، سامان دادن طرح تقاضاهای مختلف از نهادهای بین‌المللی جهت ایجاد فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی و توسل به آن‌ها برای احقاق حقوق ادعایی و استفاده از ظرفیت رسانه‌های بیگانه امکانات دیگری است که می‌تواند آنان را در راستای رسیدن به هدفشان کمک کند. این جریان معتقد است که افزون بر گام‌های فوق برای افزایش قدرت خویش می‌تواند خود را همگام با سیاست‌های استکبار جهانی در وحدت بخشیدن به گروه‌های مخالف داخلی و خارجی؛ همچون منافقین خلق و بهائیت و... همراه کرده و از امکانات آنان استفاده نماید، لذا برپایه‌ی الگوی فوق می‌توان رفتار این بخش از اصلاح‌طلبان را در انتخابات آینده چنین فهرست کرد:

(۱) قبل از انتخابات:

(الف) تلاش برای عدم برگزاری انتخابات

(ب) زیر سوال بردن انتخابات و مشروعیت‌زدایی از آن

(ج) ایجاد بی‌اعتمادی

(د) حمله به نهادهای قانونی برگزار کننده و تلاش برای ایجاد خلاء قدرت

(ه) ایجاد روحیه‌ی یاس

(و) تلاش برای جلوگیری از حضور حداکثری مردم در انتخابات

(ز) تلاش برای جلوگیری از انتخاب صحیح و حضور بصیرانه‌ی مردم، از طریق تشویش اذهان عمومی و عملیات روانی و غبارآلود کردن فضای انتخاباتی

(۲) بعد از انتخابات

(الف) زیر سوال بردن انتخابات

(ب) مشروعیت‌زدایی از نهادها و اشخاص انتخاب شده

(ج) تلاش برای ایجاد شورش‌های اجتماعی به بهانه‌ی تقلب، تبعیض‌آمیز بودن انتخابات و اعتراض به نتایج انتخابات (د) مصادره به مطلوب کردن حضور حداکثری مردم در انتخابات و نتایج آن را به عنوان نه «نه به جمهوری اسلامی» تفسیر کردن و...

در این بخش شایسته است به اختصار به مشکلات موجود بر سر راه این جریان نیز اشاره کنیم، اگرچه این جریان بسیار تلاش می‌کند که در حال حاضر از مطرح شدن مشکلاتش در سطح جامعه جلوگیری کند، به عبارت دیگر این جریان به دلیل ناتوانی در پاسخگویی به پرسش‌ها و مشکلات خود در حال و آینده علاقمند است که بیش‌تر پرسش‌گر باشد تا پاسخگو، برخی از این مشکلات عبارتند از:

۱. نداشتن ظرفیت قانونی برای فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی به دلیل رفتارهای هنجارشکنانه و ساختارشکنانه، این بدان معناست که جامعه رفتارهای آنان را که برخلاف امنیت، منافع، قدرت و اهداف ملی است نمی‌پذیرد و نه تنها مردم بلکه اساساً نظامات مردم‌سالار برای حفظ مردم‌سالاری این‌گونه رفتارها را غیرقانونی می‌دانند و نمی‌شود به اسم آزادی و مردم‌سالاری رفتارهای هنجارشکنانه داشت، نمی‌شود شعار دفاع از حقوق مردم داد و با دشمنان مردم و گروه‌های تروریستی و قاتلان جامعه همراهی کرد، لذا این‌گونه رفتارها باعث گردیده که این جریان، ظرفیت‌های قانونی برای فعالیت‌هایش را از دست بدهد و

بسیار تلاش می‌کند که در برابر افکار عمومی در خصوص این‌گونه از رفتارها مورد پرسشگری قرار نگیرد.

۲. سیاست‌بازی و مخالفت با فرهنگ عمومی تا حد اهانت به مقدسات مردم و نگرش ایزاری به اقشار مختلف اجتماع به خصوص جنبش دانشجویی که بازسازی آن برای این جریان بسیار مشکل می‌نماید.

۳. نداشتن هیچ برنامه و نظریه‌ی صحیح در اکثر مواقع و ارائه‌ی نظریه‌های غلط در پاره‌ای از مواقع برای حل معضلات و مشکلات مردم و اداره‌ی کشور در عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی.

۴. وجود رقیب بسیار قدرتمند در سطح مراکز علمی و جامعه که مبانی اعتقادی و نظری این جریان را مورد نقد و پرسش قرار می‌دهد؛ رقیبی که هم به لحاظ نظری دارای مبانی عقلانی قوی است و هم در نقد مبانی این جریان دست‌توانایی دارد، به‌گونه‌ای که این جریان با سیاست ترور شخصیت جریان رقیب نتوانسته است برای آنان مفری را ایجاد کند.

۵. شیوع تفکر اسلام انقلابی، اعتماد جهان اسلام به رهبری انقلاب اسلامی، موفق نشان دادن نظریه‌ی مقاومت و استکبارستیزی در حل معضلات جوامع اسلامی، پرسش‌های بسیار عمیقی را در ذهن تمامی لایه‌های اجتماعی در مقابل این جریان قرار داده است که به نظر می‌رسد به هیچ صورت توان پاسخگویی به آن‌ها را ندارد؛ به همین دلیل همان‌گونه که در سطور پیشین به آن اشاره شد بیشتر به‌جای مورد پرسش واقع شدن، به دنبال پرسشگری است.

## ۴. گروه‌های اصلاح طلب معطوف به قدرت

مهم‌ترین خصوصیت گروه‌های داخل این جریان داشتن زندگی سیاسی و شخصیت‌های پیچیده است.

سیاست‌زدگی این گروه‌ها باعث گردیده که طی سالیان مختلف، نتوان هیچ نقطه‌ی ثابتی را از جهت نظری و تئوریک به آنان نسبت داد؛ چرا که یک روز اقتصاد دولتی را نظریه‌پردازی می‌کند، روز دیگر مدافع نظام سرمایه‌داری است، زمانی قفرا را مخاطب اصلی خویش قرار می‌دهد و چندی بعد برای جذب رأی به طبقه‌ی بالای متوسط شمال شهر چشم دارد. زمانی بر مرزبندی خود با برخی جریان‌ات دگراندیش پافشاری می‌کند و در مقطعی دیگر با همان گروه‌ها اعلامیه‌ی مشترک می‌دهد. در اوضاع فعلی نیز رویکرد دو عنصری مستقلانه‌ای به جهان دارد؛ به این معنا که این جریان در نظریه‌های خود به هر یک از دنیا و آخرت به گونه‌ای مستقل نظر می‌کند، گاهی به میخ و گاه به تخته می‌زند؛ گاهی از آزادی و جامعه‌ی مدنی و جدید از جنبش عدالت خواهانه سخن می‌راند؛ این تمام ماجرا نیست؛ هدف آن‌ها فقط نفس تکیه زدن بر اریکه‌ی قدرت، مطلوب است.

مبانی فکری این جریان؛ همانند شخصی است که بر اسبی رم کرده سوار شده و فقط برای او همین سواری کردن مهم است، حال اسب هر کجا که می‌خواهد برود! دیگر به فکر آرام کردن اسب نیست! مهم‌ترین چیز برای این جریان، امکان فعالیت در قوه‌ی مجریه، استمرار حضور در قدرت و نیز داشتن ظرفیت قانونی برای احزاب زیر پوشش



موفقیت آن جریان‌ات، به تبع قطع شدن درخت، ایشان نیز فضای حیاتی خود را به طور کامل از دست خواهند داد؛ از این‌رو این گروه‌ها هرگز نتوانسته‌اند با کلیت طیف اصلاحات، تا انتهای مسیر همراهی کنند، چنان‌که آنان نیز بی‌ادبانه از این جریان به عنوان رحم‌اجاره‌ای یاد می‌کنند.

به طور کلی تمام اعتبار اجتماعی و سیاسی اصول‌گرایان دوم‌خردادی، به علت وابستگی آنان به پایگاه دینی و مبانی فکری حکومت بر اساس ولایت است و اگر قرار باشد از این پایگاه خارج شوند، به یقین تمام اعتبار اجتماعی و سیاسی خود را از دست خواهند داد.

با توجه به همین جایگاه است که بسیاری از بزرگان این جریان در مواضع خود طی سال‌های اخیر با هر گونه طرح رادیکال طیف اصلاحات تقریباً به مخالفت برخاسته و معتقدند که در وضع فعلی یگانه راه باقی ماندن اصلاحات، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی - همچون انتخابات - و تن دادن به اصلاحات مسالمت‌آمیز در چارچوب قانون اساسی و مبانی دینی است.

هم‌چنین اذعان دارند که طی سال‌های اخیر به علت بد عمل کردن، اعتماد مردمی را از دست داده‌اند که باید با کار تشکیلاتی منسجم، فاصله‌ی ایجاد شده بین خود و مردم را از میان بردارند. برخی اظهار نظرهای حاکی از آن است این جریان برای انسجام کار تشکیلاتی‌اش درصدد ایجاد جبهه‌ی جدید اصلاحات با محوریت خود است؛ چرا که می‌تواند در جایگاه پیر و استاد اصلاح‌طلبان که همه، خود را به اطاعتش ملزم بدانند، نقش ایفا نماید؛ به خصوص در زمان انتخابات در آینده.

با در نظر گرفتن مراتب فوق، این جریان معتقد است که نباید اجازه داد جناح رقیب - در انتخابات بعدی بی‌رقیب بماند. اینان معتقدند که یک رقیب قدرتمند اصلاح‌طلب می‌تواند هرگونه بازسازی اصول‌گرایان را با چالش مواجه کند؛ این جریان معتقد است اگرچه در شهرهای بزرگ محبوبیت و اعتماد گذشته‌ی خود را از دست داده است؛ اما در شهرستان‌ها به دلیل تعددن‌امزدهای اصول‌گرایان این فرصت را دارند که با ایجاد اجماع تعداد قابل‌اعتنایی از کرسی‌های مجلس را به دست گرفته و خود را به عنوان یک رقیب جدی که دارای پایگاه اجتماعی قابل‌اعتناست مطرح نمایند.

ناگفته نماند که این جریان معتقد است که با به کارگیری ترفندهای جدید؛ یعنی آوردن چهره‌های جدید با عناوین جدید در عرصه‌ی انتخابات و یا تقویت کار تشکیلاتی در حوزه‌های علمی، پرورش نیروهای نخبه‌ی وابسته به تشکیلات، طی برنامه‌های کوتاه مدت و درازمدت و استفاده از سابقه‌ی سیاسی و ظرفیت قانونی خود این پتانسیل را داراست که در دوره‌های گوناگون انتخابات آینده به طور موثر وارد عمل شود؛ لذا هنوز دیگر جریان‌ات طیف اصلاح‌طلب، به آنان به عنوان ابزار قدرتمندی برای حضور و نفوذ بی‌سر و صدا در گردونه‌ی قدرت می‌نگرند.

خود است، لذا می‌کوشد که این کرسی را برای خود حفظ کند.

این عده معتقدند که طی چند سال گذشته در انتخاب زبان غیردینی و فراقانونی به بیراهه رفته‌اند و برای جبران آن باید زبان دوگانه‌ای را انتخاب کنند؛ به این معنا که برای جذب هر طیفی از جامعه با زبان خود آنان سخن بگویند؛ به عبارت دیگر، مطالبات غیردینی و فراقانونی را با زبان قانونی و دینی دنبال کنند، لذا در استعفانامی‌های خود، ضمن اعلام خروج از حاکمیت چنین وانمود می‌کنند که مشکل آن‌ها با مبانی نظری جمهوری اسلامی، راه امام و اصل مترقی ولایت فقیه نیست، بلکه مشکلشان اولاً با کاستی‌هایی در قانون اساسی است که در زمان مناسب اصلاح شدنی است؛ اما همین قانون اساسی می‌تواند چارچوب قابل‌قبولی برای تدویم فعالیت اصلاحات باشد و ثانیاً مشکلشان با تصمیمات ولی فقیه و نهادهای مربوط به اوست که از آن به اقتدارگرایان! تعبیر می‌کنند؛ به عبارت واضح‌تر بین این جریان و جریان اول نوعی تقسیم کار برای آینده صورت گرفته است: جمهوری خواهان سکولار، مبانی نظری نظام را مورد تهاجم نظری قرار می‌دهند و احزاب دوم‌خردادی معطوف به قدرت طی یک فرایند عملیات روانی با استفاده از نفوذ خود در ساختار قدرت (قوه‌ی مجریه) و ظرفیت قانونی (تشکیل دفاتر حزبی)، تصمیمات ولی فقیه و نهادهای وابسته به او را با ادبیات شبه قانونی و شبه دینی - و البته تحت عنوان نهضت آزادی خواهی! - مورد تهاجم قرار می‌دهند و انتظار دارند که نتیجه‌ی آن به اصطلاح و اعتراف خودشان، تقویت جمهوری‌ت نظام باشد. ناگفته نماند این جریان با پوشش نسبت اقتدارگرایی به جریان انقلاب، از پاسخ‌گویی به بسیاری از مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... بر سر راه نظام اسلامی که خود مسبب آن بوده است، شانه خالی می‌کند و به اعتراف متولیان خود، تلاش می‌کند در عرصه‌ی قدرت باقی بماند و در این مدت - با وجود نفوذ و حضور داشتن در مراکز قدرت (قوه‌ی مقننه و مجریه) - جریان اصول‌گرا را در موضع مدافع مطلق وضع موجود و گذشته، قرار خواهد داد.

و چنان‌که گفته آمد از یک سو با جریان اصلاح‌طلب رادیکال همراهی می‌کند و از سوی دیگر خود را در چارچوب نظام تعریف می‌کند.

### ۳. گروه‌های اصلاح‌طلب اصول‌گرا

این گروه از اصلاح‌طلبان، به دلیل خاستگاه سیاسی و اجتماعی، گذشته‌ی سیاسی و مبانی اعتقادی بسیاری از شخصیت‌های برجسته‌ی سیاسی خود؛ همچون آقای روحانی، ریاست محترم جمهوری، به هیچ صورت توانایی تنفس در فضای سیاسی غیردینی را ندارند. اگر چه طی سالیان اخیر به دلیل نگاه ابزارری داشتن به دیگر گروه‌های اصلاح‌طلب که در سطوح پیشین از آن‌ها نام بردیم و برای اثبات همراه بودن با آنان، به دست برداشتن از برخی اصول خود به صورت تلویحی اقرار کرده‌اند؛ اما به خوبی می‌دانند که به سان شاخه‌ای بر درخت حکومت دینی هستند که در صورت همراهی با دیگر جریان‌ات اصلاح‌طلبی و - به فرض محال

# حضور آگاهانه و هوشیارانه‌ی مردم در صحنه تحلیل و بررسی فتنه‌ی ۹۸

کمیل مومنی

## مقدمه

غربی‌ها با تبلیغات فراوان گفته بودند که ایران چهل سالگی انقلابش را نخواهد دید؛ از این‌رو سال ۹۷ برای جمهوری اسلامی ایران سال حساس و مهمی بود. جان بولتن، مشاور ترامپ، نیز در نشست مشترک منافقین و سلطنت‌طلب‌ها در پاریس گفته بود که: «ما سال ۲۰۱۹ را در تهران جشن خواهیم گرفت.» و به صراحت از براندازی سخن گفته و از این‌رو فعالیت‌های رسانه‌ای غربی‌ها نیز در این زمینه بسیار گسترده بود. البته ترامپ هم تابستان ۹۷ را تابستان داغ توصیف کرده و گفته بود که مردم ایران تابستان سختی را پیش‌رو دارند. آمریکایی‌ها در دی‌ماه ۹۶ به دنبال افزایش قیمت سکه و دلار در پی فتنه‌جویی بودند که در آن ماجرا نیز ناکام ماندند. از این‌رو برنامه‌ی آمریکایی‌ها برای سال ۹۷ ایجاد ناامنی همراه با مشکلات اقتصادی بود که با هوشیاری ملت و مسئولین نتوانستند برنامه‌های خود را اجرا کنند. در همین راستا مقام معظم رهبری در ۲۱ آذر ۹۷ در دیدار با خانواده‌ی شهدا برنامه‌های آمریکایی‌ها را چنین تحلیل کردند: «این‌ها اول امسال که سال ۹۷ است - یا اندکی قبل از امسال، اوایل سال جاری مسیحی - اعلام کردند که ایران تابستان داغی خواهد داشت، مقصودشان این بود که ما در تابستان به سراغ ایران می‌رویم و نقشه‌های ما در ایران تحقق پیدا خواهد کرد؛ یعنی همین اختلاف و دعوا و این را بکش به خیابان و آن را بیاور در عرصه و بین این گروه با آن گروه، آن گروه با آن گروه دیگر جنگ راه می‌اندازیم، دعوا راه می‌اندازیم، هدفشان این بود. به کوری چشم آن‌ها تابستان امسال یکی از بهترین تابستان‌های سال بود. بعد هم گفتند: جمهوری اسلامی چهل سالگی را نمی‌بیند؛ یعنی در پاییز و زمستان امسال همان توطئه‌ها را عمل خواهیم کرد. ملت ایران با استحکام تمام ایستاده است؛ به توفیق الهی در بیست‌ودوم بهمن، این ملت سالگرد چهل‌م انقلاب اسلامی را با شکوه بسیار بهتر از سال‌های قبل برپا خواهد کرد.»

البته ایشان توجه همه را به نکته‌ی مهمی جلب کردند و در همین دیدار خبر از برنامه‌ی آمریکایی‌ها برای سال ۹۸ دادند و فرمودند: «ممکن است فریب باشد، جنجال را برای سال ۹۷ کنند و نقشه را برای سال ۹۸ بکشند.» این سخنان رهبری زنگ خطری برای همه‌ی دل‌سوزان انقلاب بود. به راستی نقشه‌ی آمریکایی‌ها برای سال ۹۸ چه بود؟ پیش از بررسی حوادث آبان‌ماه ۹۸ مناسب است بار دیگر برنامه‌های دشمن را در دو سال اخیر به اختصار مرور کنیم.

## مایکل اندریا، شاهزاده تاریکی

نیویورک تایمز در مقاله‌ای که در ماه ژوئن سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) منتشر کرد از شخصی به اسم «مایکل دی اندریا» نام برد. او هم‌چنین نوشت که مایکل اندریا «مسئول اجرای یکی از سیاست‌های جدید و مهم دولت آمریکا علیه ایران است.» براستی مایکل اندریا کیست و چرا برای آمریکا اهمیت دارد؟ اطلاعات اولیه به ما می‌گوید که مایکل اندریا استاد شورشگری و خشونت است. گویا دولت ترامپ قصد داشت به وسیله مایکل، ایران را به خشونت بکشد.

مایکل اندریا معروف به «آیت‌الله مایک» و «شاهزاده تاریکی» چهل سال هست که مامور سازمان سیا است. مایکل همیشه چهره‌ی پنهانی داشته؛ از این رو به شاهزاده‌ی تاریکی معروف است. او همیشه در پشت صحنه حضور داشته و صحنه‌گردانی کرده است. به گفته‌ی نیویورک تایمز «آیت‌الله مایک» یا «آیت‌الله مایکل» اسم مستعار اوست که به واسطه‌ی نفوذش در کشورهای مسلمان و پس از ازدواج با یک خانم به ظاهر مسلمان هندی تبار به نام فریده به این نام مشهور شده است. وی همسرش را در یکی از ماموریت‌های خارجی سیا ملاقات کرده و با هم ازدواج کرده‌اند. البته همسرش ده سال از او بزرگتر است؛ اما ثروت هنگفتی دارد.

مایکل در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ شمسی) به سازمان سیا پیوست و در ابتدا به عنوان نیروی مبتدی در اردوگاه نظامی پیری در ایالت ویرجینیا مشغول به خدمت شد. او ماموریت‌های فرامرزی خود را در آفریقا آغاز کرد و به عنوان افسر خدمات خارجی در سفارت ایالات متحده‌ی آمریکا در تانزانیا مشغول به خدمت شد. مایکل سابقه‌ی حضور مخفیانه، به عنوان فرمانده‌ی عملیات‌های اطلاعاتی سیا در مصر و عراق را در کارنامه‌ی خود دارد. چند نمونه از عملیات‌های اجرا شده ی او، یکی عملیات دستگیری بن لادن و دیگری ترور «شهید عماد مغنیه» در سوریه است. مامورانی که تحت هدایت مایکل کار کرده‌اند، نقشی اساسی در ترور شهید عماد مغنیه از فرماندهان ارشد نظامی حزب‌الله لبنان در فوریه ۲۰۰۸ میلادی داشته‌اند؛ عملیاتی که CIA با همکاری موساد به وسیله‌ی بمبی که در خودرو کار گذاشته شده بود در آن حجاز ضوا را در دمشق به شهادت رساندند. کشتن هزاران نفر دیگر در حملات پهپادی در افغانستان و پاکستان از جمله دیگر جنایت‌های مایکل است. هم‌چنین سازمان سیا عملیات تهاجمی با پهپاد را تحت رهبری مایکل به یمن گسترش داد.

نه سال ریاست ستاد مبارزه با تروریسم سازمان سیا باعث شده بود تا طراحی و مدیریت پروژه‌های ویژه را به او بدهند. ترامپ مایکل را مشخصاً از ۱۲ خرداد ۹۶ به عنوان رئیس عملیات‌های مخفی سازمان سیا در ایران (مدیر جدید اداری جاسوسی درباره‌ی ایران یا همان میز ایران در سازمان سیا) منصوب کرد. حاصل این نصب را هم در ایران بلافاصله بعد از شش ماه در اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ دیدیم. برخی از اخبار حاکی از چند سفر او به داخل ایران است. مایکل به زبان عربی کاملاً مسلط است. زبان انگلیسی هم که زبان مادری اوست و زبان فارسی هم در حد عمومی بلد است. او در زمان اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ در اربیل عراق حضور

داشته و از آن‌جا صحنه را مدیریت می‌کرد.

کارمندان اطلاعاتی پیشین و کنونی سیا انتصاب «مایکل دی اندریا» را اولین گام مهم دولت ترامپ برای عملی کردن مواضع سیاسی سرسختانه‌اش نسبت به ایران می‌دانستند. انتصاب مایکل اندریا یکی از مجموعه اقداماتی بود که در سازمان سیا تحت رهبری مایک پمپئو، رئیس وقت سازمان CIA و عضو سابق کنگره، انجام شد. هم‌چنین نیویورک تایمز نوشت: «از نظر رئیس سیا، مایکل دی اندریا فردی است معتاد به کار که می‌تواند به خوبی نقش تجسس درباره‌ی ایران را در سیا بر عهده بگیرد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، روز پنجشنبه (۱۴ دی ۹۶) در همایشی در قم، با اشاره به اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ گفته بود: «طراح اصلی این پروژه، یک آمریکایی به نام مایکل اندریا، مسئول سابق مبارزه با تروریسم سازمان سیا آمریکا است و اتاق عملیات متشکل از سه ضلع آمریکا، صهیونیست و آل سعود نیز برای این ناآرامی‌ها تشکیل شده بود که به طور عمده، برنامه‌ریزی آن را مایکل و یکی از افسران اطلاعاتی وابسته به موساد انجام می‌داد و هزینه‌ی آن هم به عهده‌ی آل سعود بود. وی نام این پروژه را «دکترین همگرایی نتیجه‌بخش» اعلام کرد و افزود: بر اساس اطلاعات به‌دست آمده، این اتاق فکر با مطالعات فراوانی که طی سال‌های گذشته انجام داده‌اند، پوشش‌های اعتراضی مطالبه‌گر را تحت عنوان «نه به گرانی»، «نه به پرداخت قبوض» و «پوش مال‌باختگان و بازنشستگان» در کشور به راه انداختند. در همان ایام بود که مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدای جنگ تحمیلی در تاریخ ۹۶/۱۰/۱۲ فرمودند: «دشمن منتظر یک فرصت است، منتظر یک رخنه است که از این رخنه وارد بشود. شما همین قضایای این چند روز را مشاهده کنید. همه‌ی کسانی که با جمهوری اسلامی بدند، آن که پول دارد، آن که سیاست دارد، آن که سلاح دارد، آن که دستگاه امنیتی دارد، همه دست روی دست هم می‌گذارند بلکه بتوانند برای نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی مشکل درست کنند.»

طبق آخرین اخبار و رصدها مایکل به عنوان مدیر اجرایی این پروژه همچنان پشت صحنه حاضر است و در حوادث اخیر نیز با به اوج رساندن خشونت‌ها قصد ضربه زدن به نظام را داشته است. هم‌چنین آخرین اخبار مربوط به او حکایت از این دارد که علاوه بر ایران، او در بی‌ثبات‌سازی اوکراین، بولیوی و سایر کشورهایی که این مدل از اغتشاشات در آن‌ها در حال پیاده شدن است نقش اساسی را دارد.

در همین رابطه دنیل مک‌آدامز، مدیرعامل اندیشکده‌ی «رند پال»، که فرزندش، سناتور رند پل، دوست بسیار نزدیک دونالد ترامپ است، در مصاحبه با شبکه‌ی «آر.تی» خبر از آیت‌اللهی داد که پشت پرده‌ی شبکه‌سازی برای اغتشاشات آبان ماه ۹۸ در ایران است.

وی در این گفتگو مدعی شد: این گونه ناآرامی‌ها بیشتر کار «مرکز ماموریت برای سرنوشت رژیم ایران» است که دولت ترامپ سال گذشته آن را آغاز کرد و اگر به خاطر داشته باشید مایکل دی اندریا به مدیریت آن منصوب شد. او

## آصف بیات و نظریه ناجنبش‌های اجتماعی

فتنه‌ی ۸۸ که در قالب انقلاب‌های مخملی و کودتای نرم توسط «جین شارپ» طراحی شده بود، به دنبال کشاندن مردم به داخل خیابان‌ها و تشویق آن‌ها به ماندن در خیابان تا سقوط دولت بود. مدل براندازی جین شارپ جنبش‌های بدون خشونت است که در آن مردم به خشونت دعوت نمی‌شوند (هرچند در ایران پس از شکست این طرح، فتنه‌گران مردم را به خشونت نیز دعوت کردند). در کشورهایی؛ مانند گرجستان، اوکراین و سایر کشورهای غربی که با یک کودتای نرم، دولت مطبوع آمریکا بر سر کار آمد، حجم زیادی از مردم را در خیابان‌ها شاهد هستیم که همگی از یک نماد واحد برخوردار هستند (در ایران رنگ سبز نماد این جریان بود) و تنها یک خواسته دارند.

اما در فتنه‌ی ۹۸ شاهد تغییر در نوع اعتراضات هستیم. در اغتشاشات آبان‌ماه شاهد آمدن به درون خیابان، ایجاد خشونت و درگیری با مردم، ایجاد راه‌بندان، آتش زدن لاستیک و سطل‌های زباله، شعارنویسی روی دیوار، استفاده از کوکتل مولوتف، خاموش کردن خودروها داخل پمپ بنزین‌ها یا خیابان‌ها و میادین اصلی شهر و... هستیم. در همین میان هشنگ‌های فراوانی؛ مانند هشنگ #بنزین نمی‌زنیم، ناگهان فضای مجازی را پر می‌کند. کم‌کم درگیری‌ها بالا می‌گیرد و آتش زدن منازل مردم، پایانه‌های اتوبوس‌رانی، بانک‌ها و ادارات دولتی و حتی آتش زدن حوزه‌های علمیه فراگیر می‌شود. غارت فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بانک‌ها و در نهایت کشتن افراد بیگانه از جمله‌ی دیگر ویژگی‌های این اغتشاشات است. هم‌زمان در شبکه‌های اجتماعی فیلم‌هایی از الگوهای مشابه این اغتشاشات و بی‌ثبات‌سازی در هنگ‌کنگ، عراق، لبنان و حتی جنبش جلیقه زردهای فرانسه دست به دست می‌شد که در واقع چگونگی ابراز خشونت و شورش را به مخاطب آموزش می‌داد.

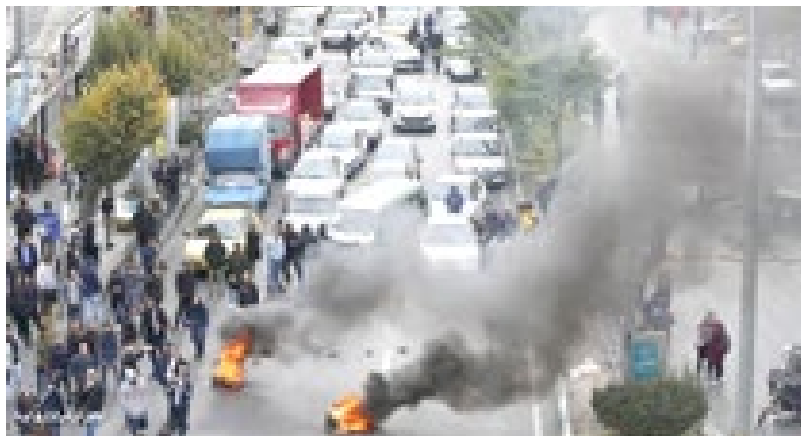
یکی از نظریه‌پردازان این نوع اغتشاشات، فردی است به نام «آصف بیات» که نظریات خود را در قالب نظریه‌ی «ناجنبش‌های اجتماعی» و «پیشروی آرام» ارائه می‌کند. بیات در اواخر دهه‌ی ۵۰، تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه کنت بریتانیا ادامه داد و نقش کارگزار در انقلاب اسلامی را به عنوان موضوع پایان‌نامه‌ی دکترایش انتخاب کرد که با نام «کارگزاران و انقلاب در ایران» به چاپ رسید. او سپس در سال ۱۹۸۶ به مصر نقل مکان کرد تا در دانشگاه آمریکایی قاهره درس بدهد، بسیاری از تحقیقات او بر مسایل اجتماعی آن کشور متمرکز شد و کتاب «کار، سیاست و قدرت» را به رشته‌ی تحریر درآورد که درباره‌ی تجربه‌ی مصر از مشارکت کارگری از زمان ریاست‌جمهوری جمال عبدالناصر بود.

از آن موقع، بیات کار خود را در جامعه‌شناسی صنعتی پشت سر گذاشت تا درباره‌ی ترندها، تدبیرها و راهبردهایی بنویسد که هم در ایران، هم در مصر و دیگر کشورهای جهان سوم، «تهی‌دستان شهری» به کار می‌گیرند و به کارهای غیررسمی رو می‌آورند؛ همان که بعداً موضوع اصلی کتابش در سال ۱۹۹۷ با عنوان «سیاست خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران» شد.

## فراز و فرود فتنه‌ی ۹۸

در ۱۷ آبان‌ماه اردوغان در سفری به مجارستان خبر از توطئه‌ای عبری-عربی-عربی در منطقه داد. لبنان و عراق چندین هفته درگیر منازعات داخلی بودند و همین اغتشاشات نگرانی‌هایی را برای دل‌سوزان نظام به وجود آورد

مامور سازمان سیا است که با عنوان «آیت‌الله مایک» شناخته می‌شود. او مسلمان شده است؛ ولی نفرت غریزی عمیقی درباره‌ی ایران دارد. به او گفته شده هر کاری که لازم است؛ هر کاری که فکر می‌کنی باید بکنی، انجام بده تا ایران را بی‌ثبات کنی و رژیم آن را سرنگون کنیم. این کسی است که بعد از ۱۱ سپتامبر در شکنجه‌ی بازداشت شدگان نقش مهمی داشت و در این کار هیچ‌گونه درنگی نمی‌کند. چنین شخصی را مدیر سیاست بی‌ثباتی و سرنگون کردن ایران کرده‌اند. یک سال و نیم پیش هم ناآرامی در ایران



وجود داشت و حالا هم فکر می‌کنیم که این ناآرامی‌ها نتیجه‌ی افزایش قیمت بنزین است. خیر، طرح‌های سیاست بی‌ثبات کردن کشورهای گوناگون است که از هنگ‌کنگ تا اوکراین و ایران می‌بینیم و این ناآرامی‌ها نتیجه‌ی کوشش برای سرنگونی دولت ایران است.»

## لمپینیزم، از کودتای ۲۸ مرداد تا اغتشاشات بنزینی

با مروری کوتاه بر تاریخچه‌ی جنایت‌های سازمان سیا در ایران می‌بینیم که مدل سازمان سیا در براندازی و کودتا همواره با ایجاد رعب و وحشت و به کارگیری خشونت به وسیله‌ی افراد دون‌مایه و سبک مغز جامعه همراه بوده است. امروز سازمان سیا، منافقین و سلطنت‌طلبان را دور یک میز جمع کرده و با حمایت مالی به آن‌ها، از آنان می‌خواهد تا همه‌ی حربه‌های خود را علیه ایران به کار گیرند. سازمان سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با به میدان آوردن افراد نخودمغزی همچون شعبان بی‌مخ، پری‌بلنده، مژگان کچل و با استفاده از ظرفیت سایر لمپن‌های اجتماعی، محمدرضا را به کشور بازگرداند تا همواره منافع ایران در چنگالش باشد. امروز نیز سازمان سیا با همان مدل و با استفاده از مشتکی خودفروخته‌ی وطن‌فروش و با تجهیز آنان به انواع سلاح‌های گرم و سرد سعی در ایجاد ناامنی و شورش در شهرها را دارد. سازمان‌دهی دخترها و پسرهای جوان در قالب گروه‌های چند نفره و آموزش ساخت نارنجک دست‌ساز و آموزش غارت و ایجاد حریق، بخشی از اقداماتی است که برخی از دستگیرشدگان حوادث اخیر به آن اعتراف کرده‌اند. تخمین‌ها نشان می‌دهد که مجموع افرادی که در این اغتشاشات در صحنه بودند حدود دویست‌هزار نفر بوده که نسبت به جمعیت هشتادمیلیونی ایران رقم ناچیزی است؛ هم‌چنین این افراد در عراق سی‌هزار نفر بوده‌اند که البته به کمک شبکه‌های اجتماعی و با پشتوانه‌ی کانال‌های ماهواره‌ای سعی داشتند تا خود را بیش از این تعداد جلوه دهند.

### تاکتیک یورش فوجی

یکی از نکات مهم در تحلیل الگوی عملیاتی شورشیان در اغتشاشات آبان ۹۸، بررسی تاکتیک‌های به کار گرفته شده در این اغتشاشات است. تاکتیک یورش فوجی، تاکتیکی است که در آن به طور هم‌زمان ده‌ها نقطه از پیکره‌ی اجتماع را درگیر می‌کنند تا از این طریق قدرت واکتس حاکمیت



را کاهش دهند و در نتیجه به مقاصد خود برسند. اگر در قالب یک مثال بخواهیم بیان کنیم «الکساندر دمارانش» در کتاب «جنگ جهانی چهارم» می‌گوید که ما نمی‌توانیم انقلاب اسلامی را از بین ببریم؛ اما می‌توانیم او را عصبانی کنیم. او مثال می‌زند که یک مگس هرگز نمی‌تواند یک خرس را نابود کند و از پا در بیاورد؛ اما می‌تواند به قدری در گوش او وز وز کند تا او را عصبانی کند. وقتی عصبانی شد قدرت تصمیم‌گیری را از دست می‌دهد لذا ضربه‌پذیر می‌شود. در مدل تاکتیک یورش فوجی نیز چیزی شبیه به این مثال؛ اما بسیار ارتقا یافته و به روز شده، طراحی شده است. در قالب مثال این‌گونه بیان می‌شود: یک زنبور هرگز نمی‌تواند یک خرس را از پا در آورد؛ اما اگر هزار زنبور به طور هم‌زمان به هزار نقطه از بدن خرس حمله کنند، قطعاً خرس از پا در می‌آید. بنابراین در تاکتیک یورش فوجی شناسایی دقیق نقاط آسیب‌پذیر جامعه، حاکمیت و استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت‌ها موارد مهمی است که در دستور کار شورشیان قرار داشته است. آن‌ها مامور بودند تا از کمترین امکانات برای مختل کردن حاکمیت استفاده کنند؛ لذا در جیب یا کیف اکثر شورشیان یک فندک و یک چاقو کشف شده است. فندک برای آتش زدن و چاقو برای ضربه زدن به مردم و مامورین در هنگام درگیری. به گفته‌ی مسئولین ناجا تعداد بیشتری از کشته‌شدگان با سلاح‌های کوچک ضعیف (مانند چاقو یا هفت تیر) کشته شده‌اند که

بود. اردوغان گفت: «آن‌ها در صدد هستند تا این ناآرامی‌ها را به داخل ایران بکشانند.» این خبر درست یک هفته قبل از گران شدن بنزین بود. ۲۴ آبان بود که خبر افزایش ناگهانی نرخ بنزین همه را شوکه کرد. تازه پس از مدت‌ها نابسامانی اقتصادی و به‌وجود آمدن ثبات نسبی اقتصادی در بازار، این خبر؛ مانند شوکی بر جامعه وارد شد. گران شدن ناگهانی قیمت بنزین که برخی از کارشناسان از آن به عنوان «پروژه‌ی شوک» یاد می‌کنند، زمینه را برای وقوع اغتشاشاتی در ایران مهیا کرد. افزایش سه برابری قیمت بنزین آن هم در روز هفده ربیع‌الاول که روز عید و شادی مردم بود و بدون هیچ‌گونه زمینه‌سازی روانی برای جامعه، اوج بی‌تدبیری از سوی دولت بود.

پس از اعلام خبر گرانی بنزین، در ۲۴ ساعت اول شاهد آشوب‌هایی در گوشه و کنار برخی شهرها بودیم. گویا ۲۴ ساعت زمان لازم بود تا لیدرهای شورشی به سازماندهی نیروهایشان بپردازند. بر اساس مدل تقسیم‌بندی بلواها در علم ضدشورشگری، بلواها به سه دسته تقسیم می‌شوند. در این تقسیم‌بندی، بلوای سازمان نیافته و غیرمسلحانه «آشوب» نامیده می‌شود. آشوب‌ها پس از ۲۴ ساعت وارد فاز بعدی؛ یعنی اغتشاش می‌شوند. «اغتشاش» بلوای سازمان یافته؛ اما غیرمسلحانه است که اگر لیدرهای اغتشاش بتوانند سلاح به دست معترضین برسانند آن‌گاه اغتشاش به «شورش» تبدیل می‌شود؛ این بلوای سازمان یافته، مسلحانه است. طبق گزارش نیروی انتظامی در برخی از شهرهای ایران، شورشیان حجم زیادی سلاح به صورت قاچاق وارد کرده بودند که همین امر موجب شد تا تعداد کشته‌ها نسبت به فتنه‌ی ۸۸ و اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ بیشتر شود. مدل عملیاتی شورشیان نیز تسلط بر شهرهای کوچک‌تر و حرکت به سمت شهرهای بزرگ بوده است. این مدل را قبلاً نیز چریک‌های فدایی خلق که یک گروه کمونیستی بودند در سال ۱۳۶۰ امتحان کرده بودند. چریک‌های فدایی خلق پس از شکست در جنگ شهری رو به جنگ‌های مازندران آوردند. آن‌ها بعد از سازماندهی به سمت شهر آمل حرکت کردند و به خیال خود در صدد بودند تا با تسلط بر آمل، حاکمیت را تحت فشار قرار دهند که البته با مقاومت مردمی در آمل روبرو شدند و مردم آمل در حماسه‌ی عرهبمن ۱۳۶۰ شورشیان را برای همیشه تار و مار کردند و ضربه‌ی سختی به آن‌ها زدند.

این نکته نیز ناگفته نماند که با همین مدل از اعتراضات و سپس اغتشاشات بود که فتنه‌گران در جنوب سوریه در منطقه‌ی درعا، مردم را به خیابان‌ها کشانند و بعد هم به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و دفاع از مردم، از هشتاد کشور دنیا در سوریه نیرو پیاده کردند که حاصل آن به‌وجود آمدن داعش و سایر گروه‌های تروریستی و جنگ سوریه شد.

هنگامی که قرار باشد شورش در

سه کشور ایران، عراق و لبنان

گسترش یابد تا از این راه آمریکا

به اهداف خود برسد قطعاً آن‌ها

در این مسیر از ظرفیت رسانه‌ها

بیشترین استفاده را خواهند کرد.

جدای از شبکه‌های ماهواره‌ای

وسایت‌های اینترنتی؛ مانند

بی‌بی‌سی فارسی، من و تو، صدای

آمریکا، رادیو اسرائیل، رادیو

فردا، ایران اینترنشنال و... که

۲۴ ساعته مشغول دروغ‌پراکنی

بوده و هستند، این بار سینمای

هالیوود نیز در اقدامی کاملاً

حساب شده به میدان آمد.

نشان می‌دهد در شلوغی و ازدحام از فاصله‌ی بسیار نزدیک ترور شده‌اند و حتی فشننگ از آن طرف بدن آنها خارج نشده است. یکی از لیدرهای آن‌ها بعد از دستگیر در اعتراض می‌گوید که سازمان منافقین از سال ۹۶ با راه‌اندازی «سازمان کانون‌های شورشی» اقدام به جذب جوانان عمدتاً از مسیر تلگرام و اینستاگرام کرده و با وعده‌ی اقامت در خارج از کشور جوانان را برای اغتشاش و درگیری آموزش می‌داده است. بنابراین، این حوادث کاملاً از پیش طراحی شده و کاملاً سازمان یافته بوده است.

### لبنان و عراق؛ از اغتشاش تا استعفاي نخست وزیر

فتنه‌انگیزی آمریکایی‌ها در منطقه‌ی غرب آسیا تمامی ندارد. اهمیت این منطقه بر هیچ کس خصوصاً دشمنان اسلام پوشیده نیست. «آلفرد ماهان» صاحب نظریه‌ی «هارت لند» به سران استخبار چنین گرا داد که اگر می‌خواهید دنیا را بگیری باید این منطقه را بگیرد و بر آن مسلط شوید چراکه این منطقه لولای سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا است؛ لذا به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بسیار راهبردی است. این منطقه دسترسی بسیار مناسب و فوق‌العاده‌ی یک به مناطق خشکی و دریایی دارد و از همه مهم‌تر منابع فراوان نفت و خصوصاً گاز طبیعی را در خود جای داده است و هر کس قطب انرژی جهان را در دست داشته باشد؛ یعنی قدرت مطلق دارد. بنابراین اشغال، غارت و حتی تجزیه کشورهای منطقه همیشه در برنامه‌ی آمریکایی‌ها بوده است. اما امروزه با رشد جریان بیداری و مقاومت اسلامی نگرانی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها مضاعف شده؛ لذا آن‌ها به دنبال فتنه‌انگیزی جدیدی هستند.

اعتراضات لبنان و عراق علاوه بر اغتشاشات، ناآرامی‌ها و کشته شدن تعدادی از مردم، موجب استعفاي نخست وزیر در دو کشور نیز شد. نبود دولت در هر کشور به معنای «خلأ قدرت» است که در درازمدت این امر می‌تواند موجب هرج و مرج و ناامنی شود. البته آن‌ها این برنامه را برای ایران نیز داشتند که با درایت رهبری ناکام ماند.

### تخریب، غارت و کشته‌سازی

همگان می‌دانند که پلیس در شورش‌های اجتماعی بدون سلاح گرم به میدان می‌آید؛ اما مراکز نیروی انتظامی به صورت مسلح آماده‌ی دفاع از مراکز خود هستند. بسیج و سپاه نیز در خیابان بدون سلاح هستند؛ اما در مراکزشان سلاح وجود دارد و هنگام حمله به مراکز از سلاح استفاده می‌کنند. طراحانی که «راهبرد حداکثر کشته‌سازی» را برگزیده بودند از این قاعده آگاه بودند و از آن بهره بردند.

در عراق مزدوران داعشی و بعضی که در پوشش اعتراضات اقتصادی به میان معترضان نفوذ کرده بودند و شهرهای مهم عراق از بصره تا بغداد را به آشوب کشیده بودند، در یک اقدام وقیحانه در میدان «الوثبه» یک نوجوان ۱۶ساله‌ی عراقی را به طرز فجیعی به قتل رساندند و جنازه‌ی او را وارونه در خیابان به دار کشیدند؛ این جنایت هولناک فقط یکی از صدها جنایتی بود که مزدوران بعضی، سعودی، اماراتی و... از آغاز آشوب‌های عراق (اول اکتبر؛ مهرماه) علیه مردم مظلوم این کشور مرتکب شدند. آن‌ها کشته‌سازی و ایجاد فضای رعب و وحشت در ایران را نیز دنبال می‌کردند.

در جریان آشوب‌های آبان‌ماه در ایران نیز مزدوران اجاره‌ای ضمن به آتش کشیدن اموال عمومی، خانه و کاشانه‌ی مردم، پمپ بنزین‌ها و بانک‌ها، ده‌ها

نفر را نیز با سلاح گرم و سرد به قتل رساندند. شواهد و اسناد موجود تردیدی باقی نمی‌گذارد که فرمول آشوب‌های اخیر در همه‌ی کشورهای ناهم‌خوان با آمریکا، یکسان بوده است و ماموریت آشوبگران آدم‌کش و خونریز، ایجاد ترس و وحشت در میان مردم با هدف وادار کردن حکومت‌های مستقل به پذیرش سلطه از دست رفته‌ی آمریکا در این کشورها بوده است. در آشوب اخیر ایران، جدایی مردم عادی از اراذل اجاره‌ای با درایت رهبر معظم انقلاب و هوشیاری مردم خیلی زود اتفاق افتاد و آشوب‌ها در فاصله‌ی زمانی کوتاهی جمع شد.

در این میان حمایت برخی از گروه‌های سیاسی بدسابقه از آشوبگران که بیانیه‌ی ۷۷نفر از اصلاح‌طلبان و اظهارات چند نماینده‌ی مجلس نمونه‌هایی از آن است، به دنبال کلید زدن پرده‌ی دوم سناریوی آشوب بود که با حضور به موقع مردم در صحنه ناکام ماند.

### جوکر، فیلمی که مخاطب را دعوت به شورش می‌کند!

هنگامی که قرار باشد شورش در سه کشور ایران، عراق و لبنان گسترش یابد تا از این راه آمریکا به اهداف خود برسد قطعاً آن‌ها در این مسیر از ظرفیت رسانه‌ها بیشترین استفاده را خواهند کرد. جدای از شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی؛ مانند بی‌بی‌سی فارسی، من‌وتو، صدای آمریکا، رادیو اسرائیل، رادیو فردا، ایران اینترنشنال و... که ۲۴ساعته مشغول دروغ‌پراکنی بوده و هستند، این بار سینمای هالیوود نیز در اقدامی کاملاً حساب شده به میدان آمد.

در ماه اکتبر (مهرماه) بود که سینمای هالیوود خبر از اکران فیلمی با نام «جوکر» داد. فیلمی که به سرعت در ایران و حتی عراق و لبنان دوبله و پخش شد. در ایران با گذشت تنها چند هفته، جوکر تبدیل به یکی از پر بیننده‌ترین فیلم‌ها شد. جالب این‌که در برخی از سکانس‌های این فیلم خشونت به اوج خود می‌رسد و فرد خشن یا همان جوکر، به عنوان یک قهرمان به جامعه معرفی می‌شود. قهرمان جامعه‌ای سیاه که مردمانش به خاطر سیاست و فساد سیاستمداران و هم‌چنین بی‌رحمی به یکدیگر، به این تاریکی و سیاهی محکوم می‌شوند.

جوکر، شخصیت اول فیلم، دلچکی است که قصد خندانیدن مردم را دارد و البته از یک بیماری روانی نیز رنج می‌برد. او در این مسیر مورد آزار و اذیت دیگران به خصوص قشر مرفه و سرمایه‌دار جامعه قرار می‌گیرد و رفته رفته بیماری روانی‌اش به جنون تبدیل می‌شود، جنونی خشن که باعث می‌شود دست به قتل و جنایت بزند و بعد از آن به‌جای این‌که از کار خود پشیمان باشد، برعکس احساس رضایت کند؛ زیرا نه با خندانیدن مردم بلکه با کشتن آن‌ها، نامش بر سر زبان‌ها افتاده و معروف شده. قانون به دنبال یافتن اوست و مردم نیز که از ظلم سرمایه‌داران کشورشان به تنگ آمده‌اند، از او الهام گرفته‌اند و مانند جوکر نقاب بر چهره می‌گذارند و در اعتراض به کوچکی و خیابان‌ها می‌ریزند و دست به غارت، تخریب و شورش می‌زنند. هنگامی که مخاطب این فیلم را تماشا کند در پایان فیلم حس هم‌زادپنداری با جوکر پیدا می‌کند و مایل است تا مانند جوکر اعتراض خود را اعلام کند.

نکته‌ی جالب این‌که هم‌زمان تبلیغ فراوانی نسبت به فیلم جوکر در فضای مجازی نیز صورت گرفت. هشتگ #جوکر در بسیاری از پیام‌ها به چشم می‌خورد. برخی از فعالان فضای مجازی نیز برای تحریک هر چه بیشتر



هم حق با مردم است؛ مطالباتی دارند، توقعاتی دارند، انتظاراتی دارند و اگر نشود اعتراض می‌کنند. مطالبات مردم یک مسئله است، فتنه‌سازی به خاطر مطالبات یک مسئله‌ی دیگر است؛ این دومی کار دشمن است، کار دوست نیست. امسال هم البته در آبان ملاحظه کردید - که حالا یک جمله‌ی جالبی در این زمینه وجود دارد که بعد عرض می‌کنم - مردم مطالباتی داشتند؛ دشمنی که افرادی را آماده کرده بود، از این فرصت مطالبات استفاده کرد، فوراً وارد شد، شروع کرد تخریب کردن. بصیرت مردم، این‌جا بود که به‌مجرد این که دیدند حساب، حساب تخریب، زدن، آتش زدن و نابود کردن و زیربناها را خراب کردن است کنار کشیدند. مطالبات مردم، بود و هست؛ اما حاضر نشدند با فتنه‌گر همراهی کنند؛ کنار کشیدند، فتنه‌گر تنها ماند؛ این مهم است. فتنه‌گر سعی می‌کند خود را در میان مردم پنهان کند. بصیرت و هوشیاری مردم غائله را ختم کرد؛ هم در آبان امسال، هم در سال ۸۸ هم در طول سال‌های گوناگون از اول انقلاب تا امروز؛ [این به خاطر] بصیرت مردم بود. در همین یک ماه قبل از این، در این قضایا مردم خودشان را کنار کشیدند و از فتنه‌گران جدا کردند؛ بعد از دو سه روز هم آمدند وسط خیابان و آن اجتماعات عظیم در شهرهای گوناگون کشور به وجود آمد؛ این‌ها بصیرت مردم و آگاهی مردم است.

به نظر من و آن چیزی که من احساس می‌کنم، آن کسانی که از مطالبات مردم سوءاستفاده می‌کنند، غالباً کسانی هستند که با سرویس‌های اطلاعاتی دشمنان سر و کار دارند؛ غالباً این چنین است. حالا یک عده‌ای هم البته [به طور] هیجانی ممکن است وسط میدان بیایند؛ اما در بین آن کسانی که صورت‌هایشان را می‌بندند، به انبار بنزین حمله می‌کنند، به انبار گندم ذخیره‌ی کشور حمله می‌کنند که آتش بزنند، در شهر راه می‌افتند زیربناها را تخریب می‌کنند - چه متعلق به دولت، چه متعلق به مردم - به‌ندرت ممکن است کسانی باشند که فقط صرف هیجان این‌ها را کشانده باشد؛ به اعتقاد بنده دست‌اندرکاران و گردانندگانشان با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه مرتبطند؛ آن‌ها می‌دانند که چه کسانی هستند؛ این‌ها را آماده نگه داشته‌اند تا یک بهانه‌ای پیش بیاید، بیایند وسط میدان».

مخاطبین خود نوشته بودند: اگر نسبت به گرانی بنزین معترض هستید، فیلم جوکر را ببینید! البته تاثیر فضای مجازی در این اغتشاشات به مراتب بیشتر از سایر رسانه‌ها بوده است که به علت قطع اینترنت سایر ابزارهای رسانه‌ای سعی داشتند تا جای آن را پر کنند.

### بیانات رهبری و خروش ملت

صبح روز یکشنبه ۲۶ آبان ماه مقام معظم رهبری درباره‌ی گرانی بنزین و حوادث پیش آمده در کشور نکاتی را فرمودند و با حمایت خود از تصمیم مسئولین نظام، عمل آشوبگران را محکوم کردند. همین بیانات کافی بود تا مردم صفشان را از اغتشاشگران جدا کنند. هرچند اکثر مردم نسبت به گرانی بنزین معترض بودند؛ اما هرگز اغتشاش و تخریب را که مقدمه‌ی ناامنی و شورش بود نمی‌خواستند؛ به همین دلیل از فردای آن روز به صورت خودجوش و البته عصبانی از فتنه و مکر فتنه جویان به خیابان‌ها آمدند و یکسره شعار «مرگ بر فتنه‌گر»، «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر آشوبگر» سر دادند. این حرکت که از زنجان و تبریز شروع شد، در همه ایران فراگیر و در نهایت با خروش میلیونی مردم تهران به پایان رسید. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار بسیجیان در آذر در سپاس از این حرکت بزرگ ملت فرمودند: «حقیقتاً ملت ایران یک بار دیگر ثابت کردند که قدرتمندند، با عظمتند. بنده اصرار دارم که همه‌ی احاد ملت به این اقتدار و عظمت خودشان توجه داشته باشند. یک توطئه‌ی عمیق و وسیع بسیار خطرناکی که آن همه هم پول خرجش شده بود - چقدر پول خرج کرده بودند - چقدر زحمت کشیده بودند که بتوانند در یک بزنگاهی، در یک فرصتی این حرکت تخریب، تخریق، آدم‌کشی، شرارت و مانند این‌ها را انجام بدهند و به مناسبت این قضیه‌ی بنزین فکر کردند که حالا این فرصت برایشان پیدا شده و لشکر خودشان را وارد میدان کردند، [لکن] این حرکت به وسیله‌ی مردم نابود شد. بله، نیروی انتظامی، بسیج، سپاه، دیگران در آن چند روز وارد میدان شدند و در مواجهه‌ی سخت، کار خودشان را، وظیفه‌ی خودشان را انجام دادند، لکن کاری که ملت در این یک هفته کردند، خیلی بالاتر بود، خیلی مهم‌تر بود از هر حرکت میدانی؛ [یعنی] این کاری که از زنجان و تبریز شروع شد، بعد به همه‌ی شهرهای کشور بلکه حتی شنیدم به بعضی از روستاها رسید، آخر هم پربروز در تهران این حرکت به این عظمت انجام گرفت».

هم‌چنین ایشان در این دیدار توصیه‌های راه‌گشایی را نسبت به مسایلی جاری در کشور کردند که سرفصل‌های آن عبارتند از:

لزوم آمادگی همیشگی چه در عرصه‌ی جنگ سخت و چه در عرصه‌ی جنگ نرم و الا غافل گیر می‌شوید.

در جنگ نرم هیچ‌گاه عکس‌العملی برخورد نکنید و ابتکار عمل داشته باشید. فعال باشید نه منفعل. کنش داشته باشید نه واکنش. همیشه چند قدم از دشمن جلوتر باشید و ذهن دشمن را بخوانید. ارتباطتان را با مسجد تقویت کنید و نگذارید ارتباطتان ضعیف شود. با سایر نیروها هم‌افزایی کنید. اهل تعاون و همکاری باشید. به شکل هنرمندانه دستاوردهای انقلاب و خدمات نظام را تبلیغ کنید. هم‌چنین ایشان در دیدار پرستاران در ۱۱ دی ماه فرمودند: «یک نکته‌ی بسیار مهمی وجود دارد که ملت ایران خوشبختانه با بصیرتی که دارند، به این نکته کاملاً توجه کردند. خب مردم یک مطالباتی دارند؛ در اغلب موارد

# بلاها و شرور زمینه امتحان‌های جدید

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا ونبيينا محمد وآله الطاهرين

## مقدمه

این روزها صحبت از بلاها و مصیبت‌ها و بیماری‌های واگیر و به‌خصوص مسئله کرونا در میان است که بسیاری از کشورها را در بر گرفته و روز به روز هم شیوع بیشتری پیدا می‌کند. درباره این‌گونه مسائل، سؤالات فراوانی از قشرهای مختلف در سطوح متفاوت فهم و تحصیل و معرفت و ایمان مطرح می‌شود، از جمله می‌پرسند: این آفات و بلیاتی که پدید می‌آید و گاهی گسترش پیدا می‌کند و بسیاری از کشورها را در بر می‌گیرد، حتی افراد بی‌گناه و اطفال را مبتلا می‌کند چه حکمتی دارد؟ به نظر رسید که یک بحث نسبتاً جامعی که دست‌کم شامل تیتراهای آن باشد، هر چند در هربخش آن به‌طور کامل بحث نشود، می‌توان طرح کرد.



## امکان طرح بحث در دو حوزه نظر و عمل

این بحث در دو حوزه قابل طرح است: یکی حوزه نظری، و یکی حوزه عملی. منظور این است که یک وقت ما از نظر عقلی و فلسفی می‌خواهیم بفهمیم وجود این بلاها و آفت‌ها و به اصطلاح، این شرور، چه توجیه عقلانی دارد و چرا و چگونه در عالم تحقق پیدا می‌کند (بحث نظری) و یک وقت می‌خواهیم ببینیم وظیفه انسان درباره این‌ها چیست (بحث عملی). بنابراین، بحث را به‌طور کلی می‌شود به دو بخش تقسیم کرد: ۱ بخش نظری؛ ۲ بخش عملی.

## طرح مبحث شرور از قدیم الایام در میان فیلسوفان و متکلمان

در بخش نظری تا آن‌جا که ما با بحث‌های اعتقادی و فلسفی پیشین آشنا هستیم، از قدیم‌ترین مباحثی که درباره شناخت عالم و هستی مطرح بوده، بحث درباره شرور بوده است. بالاخره در این عالم چیزهایی وجود دارد که انسان از آن‌ها منتفع می‌شود، لذت می‌برد و شادی بخش است، و نیز چیزهای دیگری هم وجود دارد که یا موجب درد و رنج و الم می‌شود و یا مانع کارهای خیر و تحقق خیرات بیشتر می‌گردد.

## نگرش ماتریالیستی در این مسئله و نقد اجمالی آن

گرایشی که به دهرین نسبت می‌دهند و مقتضای گرایش ماتریالیستی است این است که همه‌ی این‌ها لازمه‌ی طبیعت این عالم است. براساس نگرش ماتریالیستی، نمی‌توان برای عالم، برنامه منظم حساب شده‌ای تعیین کرد که چگونه بوده و چگونه هست و چگونه خواهد شد. براساس اصول ماتریالیستی، این پرسش‌ها جواب قطعی ندارد. این عالمی که ما در آن زندگی می‌کنیم همین است که هست، تا بوده چنین بوده و تا هست چنین است! این گرایشی است که اصلاً وارد مباحث الهی و خداشناسی و حکمت‌های آفرینش و این مطالب نمی‌شود. این افراد، تدبیر حکیمانهای را بر عالم حاکم نمی‌دانند. طبعاً ما هم این گرایش را به کلی کنار می‌گذاریم و می‌گوییم: آن موضوع نظری که ما به دنبال آن هستیم برای کسانی مطرح می‌شود که قائل به آفریدگار حکیم باشند چنین کسانی به‌راحتی می‌پذیرند که آفرینش خوبی‌های این عالم از روی حکمت و مصلحت بوده، و صفات حسنی الهی باعث این شده که این‌ها را خلق کند، اما به شرور که می‌رسیم کار، دشوار می‌شود.

## نگاه ثنوی در مسئله خیر و شر

به همین جهت از دوران‌های باستان کسانی قائل به ثنویت شدند و گفتند: این عالم دو مبدأ دارد: مبدأ خیر، و مبدأ شر.

## اشاره

مقاله پیش‌رو، حاصل سه جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ از حضرت علامه، آیت‌الله مصباح یزدی است که در اسفند ماه سال ۱۳۹۸ و پس از شیوع بیماری کرونا در کشور، ایراد شده است. ایشان در ابتدا به این نکته اشاره می‌کنند که درباره‌ی بلاها و شرور می‌توان از دو جهت نظری و عملی بحث کرد. بدین معنا که یک‌بار می‌خواهیم بدانیم که اساساً با توجه به علم و حکمت پروردگار، وجود بلاها چه توجیه یا فلسفه‌ای دارد، و بار دیگر می‌خواهیم تشخیص دهیم که در زمان وقوع بلاها، بیماری‌ها و حوادث و به تعبیر دیگر، شرور، به عنوان یک فرد مسلمان و مؤمن، چه واکنشی باید از خود نشان دهیم. به عبارت دیگر، در این موقعیت از جهت قلبی آیا باید نسبت به این حوادث راضی یا ناراضی باشیم و از نظر ظاهری و اعمال جوارحی، چه عکس‌العملی از خود بروز دهیم.

ایشان سپس به پاسخ دو پرسش مزبور می‌پردازند و با استفاده از مقدمات عقلی و همچنین آیات و روایات، با بیانی شیوا و روان، شبهه‌های ذهنی موجود درباره این مسائل را به خوبی می‌گشایند. سپس در مقام پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده برآمده و به روشن شدن بیشتر ابعاد مسئله می‌پردازند. می‌توان ادعا کرد که این مقاله، علی‌رغم اختصار، در بررسی محققانه‌ی ابعاد بلاها و شرور، کم‌نظیر و یا بی‌نظیر است؛ از این روی، مطالعه دقیق و عالمانه‌ی آن را به همه ارباب معرفت و تمام کسانی که دغدغه فهم دقیق‌تر و عمل بهتر دارند، سفارش می‌کنیم.



### تقسیم شرور به شرور دنیوی و اخروی

در پاسخ به این گونه سوالات می‌توان گفت: این مخلوق‌هایی که ما آن‌ها را شر می‌نامیم به دو دسته قابل تقسیم هستند: یک دسته شروری که در این عالم تحقق پیدا می‌کند. یک دسته شروری که مربوط به عالم ابدی است، و در واقع، بازتاب اعمال ناشایست انسان در دنیاست.

### تقسیم شرور دنیوی به شرور اولیه و ثانویه

شرور این عالم، به نوبه خود، به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته شروری است که بدون دخالت انسان یا موجود مختار دیگری پدید آمده است، و برای این که اصطلاحی داشته باشیم می‌گوییم «شرور ابتدایی» و دسته دیگر، شروری است که جنبه ثانوی یا عکس‌العملی دارد؛ یعنی موجودی کاری را انجام می‌دهد و در اثر آن، شری تحقق پیدا می‌کند، چنان که انسانی گناه می‌کند و به آثار سوء آن گناه مبتلا می‌شود، این‌ها را می‌گوییم شرور ثانوی یا عکس‌العملی.

### نسبی بودن شرور دنیوی

درباره شرور دنیوی بحث‌هایی انجام گرفته مبنی بر این که شریعت این‌ها نسبی است؛ مثلاً آتش کاغذ را می‌سوزاند، ولی باعث می‌شود که غذا پخته شود و باعث می‌شود که هوا گرم شود و جلو سرمازدگی و بیماری‌های ناشی از آن را بگیرد. پس این شرور نسبی است، یعنی برای بعضی چیزها خیر است و برای بعضی چیزها شر است.

آنچه محل بحث است و بیشتر شبهات در اطراف آن دور می‌زند، این است که شروری که موجب درد و رنج و ناراحتی و بی‌خوابی و گرفتاری‌ها می‌شود، اصلاً چرا خدای متعال این‌ها را در این عالم خلق کرده است؟

### لزوم توجه به فلسفه آفرینش انسان در دنیا

پاسخ این سؤال هنگامی روشن می‌شود که ما بفهمیم اصلاً خداوند حکیم، چرا آدمیزاد را در این عالم خلق کرده است؟ توضیح آن که: خدای متعال بعد از این که همه عوالم را آفرید، از عوالم علوی، فرشتگان مقرب و «عالین»، تا فرشتگان متوسط و مربوط به عالم برزخ و مثال، تا فرشتگانی که مربوط به این عالم بودند، از آن جا که همه این‌ها ظرفیت خاص داشتند: «وَمَا مِمَّنَّا إِلَّا لِمَقَامٍ مَّعْلُومٍ»<sup>۱</sup> خداوند به حسب ظرفیت آن‌ها، فیضی به آن‌ها مرحمت کرد: «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْقُونَهُ إِلَّا بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup> خاصیت ملائکه این است که توان محدودی برای یک کار خاص یا کارهای خاصی دارند: «هُمْ سَجُودٌ لَا يَرْكَعُونَ وَرُكُوعٌ لَا يَنْتَضِبُونَ»<sup>۳</sup> هیچ وقت به فکر گناه و تخلف هم نمی‌افتند.

در این عالم خلقت جای موجودی که بتواند از راه اختیار خودش عالی‌ترین مرتبه فیوضات الهی را دریافت کند، باقی ماند.<sup>۴</sup> این بود که خدای متعال به فرشتگان فرمود «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۵</sup> چنین موجودی آن قدر می‌تواند تکامل یابد که جانشین خدا شود و رفتارهای خدایی از او ظهور پیدا کند و به بالاترین کمالات وجودی (غیر از کمالاتی که مخصوص حق تعالی و واجب‌الوجود است) ناقل شود و انسان هنگامی لیاقت این فیض را پیدا می‌کند که مسیر خود را با انتخاب تعیین کند.

آفرینش دنیا برای شکل‌گیری انتخاب‌های عالی انسان و رسیدن وی به کمال خب، برای این که چنین موجود انتخاب‌گری به‌وجود بیاید و بتواند به مراتب مختلفی از تکامل برسد، و در عرصه‌های مختلفی به کمال اختیاری برسد و به یک تعبیر «مظهر اختیار الهی» شود، باید در عالمی آفریده شود که طبیعت آن اقتضای تغییرات مختلف داشته باشد. برای تحقق انتخاب باید دو راه وجود داشته باشد: یکی راه

بعضی‌ها این دو مبدأ را در عرض هم قائل بودند که می‌توانیم آن را ثنویت عرضی بنامیم، چنان که به بعضی از حکمای قدیم چنین گرایشی نسبت داده شده که قائل به دو مبدأ مستقل از هم (یکی منشأ خیرات، و دیگری منشأ شرور) بوده‌اند، آن یکی ذاتش اقتضای خیر دارد و مبدأ همه خیرات عالم است، و آن دیگری ذاتش اقتضای شر دارد و مبدأ همه شرور عالم است. این یک گرایش بوده است.

کسان دیگری قائل شدند که خدا (اهورا مزدا) همه چیز را آفرید و از جمله آن‌ها اهریمن بود که مبدأ شرور عالم شد؛ این شرور از اهریمن است و انتساب آن به خدای آفریدگاه به‌واسطه اهریمن است؛ چون او خالق اهریمن است، خالق کارهای او هم حساب می‌شود، نام این ثنویت را ثنویت طولی می‌گذاریم، چه بسا این افراد بگویند که خدا از آفرینش اهریمن و افعال او خشنود نباشد، چیزی شبیه آن چه در تورات آمده که خدا بعد از آفریدن آدم و حواء و خوردن ایشان از درخت ممنوعه، از خلقت آن‌ها پشیمان شد!

### اقتضای نگاه توحیدی در مسئله

اما آن چه مستقیماً با اعتقادات توحیدی و ادیان الهی و به‌خصوص دین اسلام ارتباط پیدا می‌کند این است که ما قائل باشیم به این که کل هستی یک آفریدگار دارد و او واجد همه کمالات و صفات خیر است و هیچ نقصی و شری در وجودش نیست، همه چیز آفریده اوست و او همه چیز را براساس حکمت و مصلحت آفریده است.

### یک پرسش مهم در مسئله شرور

بعد از طرح اجمالی دیدگاه توحیدی در این مسئله، سؤال مهمی در اینجا مطرح می‌شود و آن این است که: «شرور را خداوند برای چه خلق کرده است؟». به تعبیر دیگر، از نظر عقلی چگونه می‌توان توجیه کرد که خدای حکیمی که هیچ صفت زشتی ندارد، هیچ عامل شری در وجودش نیست، خیر محض است و جز خیر چیزی را نمی‌خواهد، این شرور را بیافریند؟

### پاسخ مشهور فلسفی به این پرسش

بحث‌های بسیار عمیق و طولانی در طول دوره‌های مختلف تاریخ اسلام در بین اندیشمندان واقع شده و مشهورترین پاسخ فلسفی این است که این شرور در واقع امور عدمی هستند و در حقیقت، عنوان «خلق» و «ایجاد» و «صدور» و مانند آن‌ها، بر آن‌ها صدق نمی‌کند.

### عدم کفایت پاسخ مزبور برای حل مسئله

این تحلیل، هر چند اشکال دقیق فلسفی مربوط به مناسبات علت و معلول را برطرف می‌کند (یعنی این اشکال را که چگونه از علتی که خیر محض است، معلولی صادر می‌شود که شر است؟)، این سؤال هم‌چنان باقی می‌ماند که چرا عالم به‌گونه‌ای خلق نشده که این امور عدمی از آن‌ها انتزاع نشود؟ آتشی که می‌سوزاند، بیماری‌ای که انسان را از پا در می‌آورد، مانند بیماری سرطان یا بیماری کرونا، و امثال این‌ها، اموری وجودی هستند، هر چند با تحلیل عمیقی بگوییم که حیثیت شر بودن آن‌ها به عدم بر می‌گردد، بالاخره این سؤال مطرح می‌شود که چرا خدای حکیم و مهربان، این امور زیان‌بار را خلق کرده است؟

همچنین همه‌ی مسلمان‌ها بلکه اهالی همه ادیان معتقدند که در عالم ابدی، دو سرا هست؛ یک سرا بهشت است که هیچ شری در آن نیست، و دیگری سرا جهنم که هیچ خیری در آن نیست. سؤال می‌شود که اگر خدای متعال جهنم را خلق نمی‌کرد چه می‌شد؟

صعود، و دیگری راه سقوط، یکی خیر و دیگری شر، یکی مطلوب و دیگری نامطلوب، تا زمینه‌ای برای امتحان و انتخاب آگاهانه فراهم شود. پس خدای متعال این عالم را خلق کرده برای این که موطن تغییرات گوناگون باشد و این تغییرات بتواند زمینه‌ها را برای انتخاب‌های بسیار پیچیده و مختلف در عرصه‌های متفاوت فراهم کند، تا آن انتخاب مطلوب تحقق پیدا کند و انسان از این طریق، لایق عالی‌ترین فیض الهی گردد و از فرشتگان نیز بالاتر برود، و لذا هنگامی که ملائکه گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ»، خداوند فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۶</sup> یعنی شما نمی‌دانید که چرا این موجود می‌تواند خلیفه شود، اما شما نمی‌توانید خلیفه شوید و ظرفیت آن را ندارید.

بنابراین، می‌توان گفت که عام‌ترین حکمت وجود شرور، نقایص، آفات و بلاها در این عالم، آن است که زمینه انتخاب را برای انسان فراهم کند، تا بتواند با انتخاب صحیح خودشان، طرف خیر را انتخاب نموده و لیاقت و استحقاق دریافت عالی‌ترین کمال وجودی و فیض الهی را پیدا کنند.

### مقصود بالعرض بودن شرور

نتیجه این سخن آن است که وجود شرور، مقصود بالذات نیست بلکه مقصود بالعرض است؛ یعنی برای این است که زمینه انتخاب فراهم شود تا موجودی که ظرفیت ممتازی دارد، بتواند با اختیار و انتخاب خودش، لیاقت دریافت عالی‌ترین فیض الهی را پیدا کند. به تعبیر دیگر، پاسخ این سوال که چرا خداوند حکیم این شرور را آفریده است، آن است که این شرور مانند دردها، رنج‌ها، غصه‌ها، فراق‌ها، عذاب‌ها، شکنجه‌ها و ... مقدمه و وسیله‌ای هستند برای این که انسان‌هایی بتوانند انتخاب صحیح داشته باشند و به عالی‌ترین فیوضات الهی نائل شوند، حصول آن کمالات انسانی مقصود بالذات است و تحقق این شرور، مقصود بالعرض.

### نقل سخن برخی از حکما و نقد آن

در این جا بی‌مناسبت نیست اشاره کنیم به سخنی که از بعضی از حکما نقل شده، و آن این است که گفته‌اند هر چند وجود شرور در این عالم فی‌الجمله حکمت‌هایی دارد، نهایتاً باید تعداد خیرها بر شرور بچرید و نباید شر غالب شود. ولی ظاهراً این جواب هم جواب کاملی نیست، برای این که فقط ملاک غلبه، غلبه کمی نیست، زیرا اگر انسانی پیدا شود که لیاقت پیدا کند که به انتخاب خود عالی‌ترین فیض وجود را دریافت کند، به همه عالم می‌ارزد و جا دارد همه آن‌ها فدا شوند برای این که یک چنین انسانی پیدا شود؛ مثل وجود مقدس پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. لزومی ندارد که تعدادش زیاد باشد. به هر حال این هم بین پراتز بود که بعضی‌ها شرط کرده‌اند که خیر باید غالب بر شر باشد یعنی غلبه کمی داشته باشد، ولی ظاهراً برهانی ندارد.

### وجود شرور خاص در کنار شرور عام، به اقتضای حکمت الهی

حالا در این مسیر، یک مسئله فرعی مطرح می‌شود، و آن این است که انسان‌ها مراتب مختلفی از تکامل برایشان میسر است، ظرفیت‌های آن‌ها متفاوت است، عرصه‌های تکاملی آن‌ها هم مختلف است، از این رو، حکمت اقتضا می‌کند که به دنبال فعل و انفعالات و تأثیر و تأثرات متقابل، عرصه‌های مختلفی از خیر و شر پدید بیاید تا شرایط مختلفی برای تکامل طولی و عرضی فراهم شود. و با توجه به ظرفیت‌های مختلفی که در وجود انسان است و حتی می‌تواند مدتی راه خیر را انتخاب کند و بعد تغییر مسیر بدهد چنان که عکس این هم ممکن است؛ باید شرایط انتخاب همواره قابل تغییر باشد، به گونه‌ای که اگر کسی ده‌ها سال هم عبادت خدا کرده، امکان این را داشته باشد که آخر الامر مبتلا به معصیت و شر شود. عکس این هم صادق است، پس باید

انواع و اقسام عواملی که زمینه‌های خیرات و شرور را جابه‌جا کنند، وجود داشته باشد. پس غیر از آن شرور ابتدایی و اولیه که برای کل عالم به طور عام در نظر گرفته شده برای اشخاص هم شرور خاصی در نظر گرفته می‌شود تا زمینه امتحان‌های جدیدی فراهم بشود.

وجود برخی از بلاها و شرور، برای قطع علقه و دلبستگی مومنان به دنیا و لذت‌های آن از مسائل فرعی دیگر این است که کسانی که کسالتی در اثر فریفتگی در برابر لذت‌های دنیا و سپس دلبستگی به آن‌ها انتخاب غلطی می‌کنند، ولی اصل ایمان و معرفت آنان هر چند خیلی کم‌رنگ در عمق دلشان باقی می‌ماند، لطف الهی اقتضا می‌کند که حتی برای آن‌ها هم زمینه‌ای برای بروز و ظهور و رشد فراهم شود. یکی از راه‌ها این است که مبتلا به بلا و یا شرور شوند تا بفهمند لازمه زندگی این دنیا چه شروری است و بدین وسیله تعلق‌شان به دنیا کم شود، و چه بسا باعث این شود که از گناهان گذشته هم توبه کنند؛ «وَلْيَذُوقُوا الْعَذَابَ الَّذِي لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»<sup>۷</sup>

### امکان زمینه‌سازی افراد برای ابتلای دیگران به خیر یا شر

و مسئله فرعی دیگر هم این است که گاهی خود شخص، مرتکب کاری که موجب شر باشد نشده، اما از شر دیگری به او سرایت می‌کند، مثل شرهای اجتماعی؛ عکس آن در خیرات هم وجود دارد؛ یعنی خود شخص، مرتکب چیزی که موجب استفاده از نعمت‌ها بشود نشده، بلکه دیگری کاری را انجام داده که زمینه انتخاب مطلوب را برای این شخص فراهم می‌کند، و در واقع این هم نوعی امتحان است: «وَيَلْوَنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ»<sup>۸</sup> حسنات هم می‌توانند عامل آزمایش شوند: «وَيَكْبَلُوكُمْ بِالْبَشَرِ وَالْحَيْرِ فَتَنَّهُ»<sup>۹</sup> پس رفتار شر کسی ممکن است زمینه انتخاب و امتحان را برای دیگران فراهم کند، چنان که رفتار خوب گذشتگانی ممکن است زمینه‌هایی برای اعمال خیر نسل بعدی فراهم کند: «وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا»<sup>۱۰</sup>

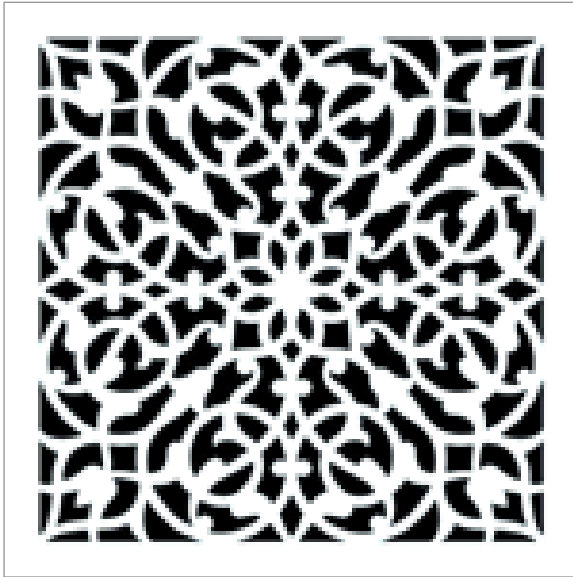
### پاسخ اجمالی به پرسش و اشکال مزبور

حاصل جواب کلی این است که شرور این عالم (به آن معنایی از شر که بر امور وجودی اطلاق می‌شود)<sup>۱۱</sup> مقصود بالتبع هستند؛ یعنی اراده‌ی حکیمانه الهی اولا و بالذات به آن تعلق گرفته است که موجودی همچون انسان پدید آید که بتواند در سایه‌ی انتخاب و اختیار خویش، به بالاترین کمالات امکانی برسد و انتخاب انسان، مقتضی وجود نظامی است که خوب و بد و خیر و شر، هر دو در آن موجود باشند و در نتیجه، این عالم به همراه شرور آن نیز متعلق اراده‌ی الهی قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر، اراده حق تعالی، مستقلا و اصالتاً به این شرور از آن جهت که شر است تعلق نمی‌گیرد، بلکه وجود این شرور، از آن جهت که از لوازم تکامل اختیاری انسان هستند، بالتبع مورد اراده حق تعالی قرار می‌گیرد.

### وظیفه انسان در برابر شرور

در این جا نوبت می‌رسد به بخش دوم و بخش عملی بحث، یعنی پاسخ به این پرسش که «در مقابل این شرور، چه موضعی باید اتخاذ کرد و چه رفتار اختیاری باید انجام داد؟».

این بخش هم گاهی به صورت بحث فلسفی و عقلی خالص مطرح می‌شود و به وسیله ادله عقلی و باتوجه به مصالح و مفاسدی که قابل درک عقل است جواب داده می‌شود. اما با توجه به معارف دینی خیلی فراتر می‌رود. اکنون گریزی از مسئله نظری به مسئله عملی می‌زنیم و نظر به این که این شبهات بیشتر برای دین‌داران یا در مقابل دین‌داران مطرح می‌شود، ارتباط آن را با مسائل دینی و اراده تشریحی الهی - تا حدی که برای ما میسر است و توفیق پیدا می‌کنیم - توضیح می‌دهیم.



یعنی کسی که بخواهد مسیر تکامل را ببیماید، باید حداقل واجبات و حداقل محرمات را رعایت کند. البته این مراتب درباره عقلیات هم مطرح است ولی در شرع کاملاً تفکیک شده و در اختیار عموم مردم قرار گرفته است.

#### انذار و تیشیر پیامبران، در کنار هدایت تشریحی

هدایت تشریحی الهی که به وسیله ارسال رسل و انزال کتب انجام می‌گیرد، در اصل، جنبه تعلیم دارد؛ یعنی همان‌طور که عقل، خیر و شر را درک می‌کند، وحی از عقل نیابت می‌کند و خیر و شر را معرفی می‌نماید. ولی حتی این شناخت خیر و شر هم باعث این نمی‌شود که انسان‌ها از نعمت‌های معنوی و سعادت الهی هر چه بیشتر بهره‌مند شوند. از این رو تدبیر حکیمانه الهی اقتضا دارد که در این عالمی که پر از تحولات و تأثیر و تأثرات متقابل و تراحمات است زمینه‌هایی فراهم شود که اولاً آن‌چه را انسان با عقل یا وحی فهمیده فراموش نکند، و ثانیاً انگیزه او برای انجام کارهای خیر، و نیز پرهیز از عوامل شر بیشتر شود. به همین جهت دعوت انبیا علیهم السلام توأم با انذار و تیشیر شده است: «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِيَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ»؛<sup>۱۳</sup> یعنی پیامبران الهی علاوه بر اصل هدایت و نشان دادن راه خیر و شر و حق و باطل، با یادآوری آثار مطلوبی که در دنیا و آخرت بر انتخاب‌های خداپسندانه مترتب می‌شود، مردم را تشویق به کارهای خوب می‌کردند، و از سوی دیگر، با یادآوری آثار نامطلوب کفر و عصیان و عذاب‌های دنیوی و اخروی مترتب بر آن‌ها، مردم را از آلوده شدن به گناه و موجبات شقاوت دنیا و آخرت، باز می‌داشتند.

بعد از فراغت از بحث نظری و توجه به حلقه واسطه بین مباحث نظری و مباحث عملی، نوبت می‌رسد به پاسخ دادن به سؤالات مربوط به وظیفه ما در برابر پدیده‌های خیر و مطلوب و پدیده‌های شر و نامطلوب؛ چه آن‌هایی که ابتدایی است و چه آن‌هایی که نتیجه اعمال خود شخص است، و چه آن‌هایی که به دست اشخاص دیگری حتی گذشتگان به وجود می‌آید، و چنان که دانستیم همه آن‌ها در نظام احسن به صورت بالعرض یا بالتبع منظور است، و با تکامل اختیاری انسان ارتباط پیدا می‌کند.

#### تأثیر عمل در تکامل انسان

گفتیم که کامل بودن نظام عالم - یعنی نظامی که شامل همه مخلوقات می‌شود - به این است که مخلوقی وجود داشته باشد که با اراده و انتخاب خودش مسیر خود را انتخاب کند و در اثر حسن اختیار به عالی‌ترین مقامی برسد که مخلوقی می‌تواند به آن مقام برسد. وقتی می‌گوییم «با اختیار خودش انتخاب کند» پای عمل در میان می‌آید. باید خیر و شری باشد تا یکی را با اختیار خود انتخاب کند - خواه انتخاب درونی و در حوزه روح و نفس خودش، یا حوزه بیرونی که مربوط به عمل‌های جوارحی می‌شود - بالاخره وقتی پای اختیار و انتخاب در کار آمد، مسئله «فعل» به معنای عامش مطرح می‌شود. بر این اساس، هر آن‌چه موجب محرومیت انسان از اصل چنین کمالی و یا درجانی از آن باشد متصف به «شریت» می‌شود، و برعکس، آن‌چه موجب نیل به اصل این کمال یا به درجات عالی‌تر آن باشد متصف به «خیریت» می‌شود و هر دو قسم، «عمل اختیاری» به معنای عامش نامیده می‌شود و به دو قسم جوارحی و جوارحی منقسم می‌گردد.

تدریجی بودن وجود انسان، برای فراهم آمدن زمینه‌های گسترده‌تر برای انتخاب موجود انتخاب‌گر برای این که زمینه گسترده‌ای برای انتخاب و تغییر مسیر داشته باشد، باید وجودش تدریجی باشد و همواره شرایط جدیدی برای انتخاب در عرصه‌های مختلف و ترقی و تنزل برایش فراهم شود؛ چیزهایی که فقط در این عالم طبیعت میسر می‌گردد.

#### لزوم شناخت و معرفت، برای انتخاب آگاهانه

از سوی دیگر، انتخاب آگاهانه نیاز به شناخت کمال و نقص و خوب و بد دارد، چیزی که در مراحل اول زندگی (مثل دوران شیرخوارگی) برایش حاصل نمی‌شود. باید تدریجاً رشد کند تا به مرحله عقل برسد که خود آن هم مراتبی دارد و تدریجاً از قوه به فعل می‌رسد. و روشن است که تکامل عقل برای همه انسان‌ها یکسان نیست. نگاهی به جامعه و تاریخ کافی است دریابیم که انسان‌ها بسیار متفاوت هستند، هم از لحاظ استعدادهای ذاتی برای تعقل، و هم از لحاظ شتاب تکامل. آن قدر این مراتب زیاد است که قابل احصا نیست و تنها به وسیله مفاهیم کلی و مبهمی می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرد.

نزول وحی برای کمک به عقل در تشخیص «خوب و بد» و «خیر و شر» اگر برای انسان‌ها راه دیگری غیر از عقل ممکن باشد که بتوانند به کمک آن هر چه بیشتر و هر چه بهتر راه خیر و شر را بشناسند، حکمت الهی اقتضا می‌کند که آن راه هم در اختیار بشر قرار بگیرد. این جاست که نقش دین در تکامل انسان، روشن می‌شود؛ یعنی خدای متعال غیر از شناخت‌هایی که از راه عقل به انسان‌ها می‌دهد، خودش عهده‌دار بیان حقایق و معارفی فراتر از شناخت‌های عادی و عقلانی می‌گردد و از راه وحی روشن می‌کند که چه کارهایی موجب کمال و سعادت می‌شود یا موجب عذاب و شقاوت می‌گردد و این جاست که شریعت و احکام شرع و اراده تشریحی الهی مطرح می‌شود.

#### فلسفه احکام شرعی، از جمله واجبات و محرمات

در شریعت، علاوه بر تقسیم کارها به مطلوب و نامطلوب، برای مطلوبیت و نامطلوبیت مراتبی قائل شده و توجه خاصی به مرزها و ضرورت‌ها و تراحم‌ها و شرایط متغیر انجام گرفته است. خدای متعال یک مرتبه از مراتب مطلوبیت را در نظر گرفته که بدون آن حرکت تکاملی انسان‌ها میسر نیست و ترک آن موجب محرومیت اساسی می‌شود. اسم این‌ها در لسان شرع «واجبات» است که خود آن‌ها هم مراتبی دارد و عندالتراحم باید اهم آن‌ها را مقدم داشت. در مقابل آن‌ها «محرمات» و مراتب آن‌ها قرار دارد.

### عبادت و بندگی، عامل اصلی تکامل انسان

خوب است در این جا اشاره بکنیم که عامل اصلی تکامل که موجب لیاقت انسان برای دریافت عالی ترین رحمت‌ها و فیوضات الهی می‌شود، همان است که در لسان شرع، «عبادت» نامیده شده است. یعنی انسان باید بداند که از خود چیزی ندارد و از خود چیزی نمی‌تواند داشته باشد و هر خیری به او برسد، از خدای متعال است؛ حقیقتی که طی یک مسیر بسیار طولانی، امکان تحقق دارد و طیف گسترده‌ای از مراحل را هم از لحاظ عرضی و هم از لحاظ طولی، در برمی‌گیرد.

### لوازم بندگی: حفظ نعمت‌ها، شکر آنها و تلاش برای رشد آن‌ها

و از جمله لوازم این بندگی آن است که آن‌چه را عقل موجب تنزل و سقوط انسان می‌داند ترک کنیم و آن‌چه را موجب صعود و ترقی ما می‌داند انجام دهیم، البته وقتی با وحی هم فهمیدیم که چیزی موجب ترقی و تکامل ما می‌شود باید آن را دوست داشته باشیم و آن را حفظ و نگهداری کنیم و بالعکس، کاری را که موجب از دست رفتن نعمت و زمینه تکامل می‌شود ترک کنیم. در مورد نعمت‌هایی که خدا در جسم و روح ما قرار داده، مانند چشم و گوش و دست و پا و عقل و شعور و امیال فطری، و نیز چیزهایی که با کسب و تلاش خودمان پیدا کرده‌ایم، مثل علم و ایمان، باید سعی کنیم اولاً شکر آن‌ها را به‌جا بیاوریم؛ ثانیاً این درک و شناخت را حفظ کنیم که از بین نرود؛ ثالثاً سعی کنیم به لوازم عملی آن ملتزم شویم. اگر در هر مرحله‌ای کوتاهی بکنیم در واقع قدمی در راه تنزل برداشته‌ایم.

### وظیفه ما در برابر نعمت دیگران

از سوی دیگر، وقتی توجه کردیم به این‌که اراده الهی فقط برای شخص من نیست و همه کسانی که بتوانند با اراده خودشان تکامل پیدا کنند، خدای متعال می‌خواهد که آن‌ها را به کمال برساند، پس هر نعمتی به هر کس دیگری هم داده باشد، ما حق نداریم آن نعمت را تضییع کنیم. چه رسد به این‌که آن‌ها را از بین ببریم. وقتی توجه پیدا کنیم که نعمت‌های دیگران می‌تواند در آینده برای ما هم منشأ کمالی شود و ما مثلاً از مال یا علم آن‌ها بهره‌مند شویم، نعمتی روی نعمت برای من تحقق پیدا می‌کند.

پس هم حفظ اصل نعمت، هم شکر نعمت، هم استفاده از نعمت، هم تلاش برای رشد نعمت، همه این‌ها خیر هستند و وظیفه عملی ما محسوب می‌شوند و هرچه در جهت ضد این‌ها باشد متصرف به شرور می‌شود. همان‌طور که شرور غیراختیاری ابتدایی، زمینه را برای اختیار خوب یا بد انسان فراهم می‌کند، شرور اختیاری هم می‌تواند زمینه را برای انتخاب‌های مطلوب یا نامطلوب ما فراهم کند. درباره این موضوع، مسائل زیادی هست که من یک مجموعه کامل و منظمی از آن را در جایی سراغ ندارم و حتماً از ضعف و کمبود مطالعات بنده است، ولی به هر حال در آیات قرآنی، مباحث زیادی در این زمینه‌ها مطرح شده که بسیار قابل توجه و آموزنده است و متأسفانه ما از این نعمت‌های قرآنی درست استفاده نمی‌کنیم و زمینه محرومیت را برای خودمان و برای دیگران فراهم می‌کنیم.

### خیر بودن بسیاری از امور نامطلوب

از جمله لطف‌هایی که عقل ما نمی‌رسد و خدا خودش بیان فرموده این است که گاهی اموری در ظاهر برای شما نامطلوب است و این‌ها را جزو شرور حساب می‌کنید، اما همین امور نامطلوب، زمینه را برای کمالات بعدی، فراهم می‌کند و در واقع نعمت‌هایی است که باید از آن‌ها استفاده کنید: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱۳</sup>

### نازل کردن بلا، هم‌زمان با ارسال پیامبران، یکی از مصادیق نکته فوق

یکی از این نعمت‌ها این سنت الهی است که خدای متعال هم‌زمان با ارسال پیامبران، بلاهایی را نازل می‌کرد که باعث توجه به خدای متعال شود و رفع آن‌ها را از او بخواهند و همین امر، زمینه بیشتری برای پذیرش دعوت انبیا علیهم السلام فراهم کند. از جمله، دو آیه در سوره انعام و سوره اعراف با همین مضمون است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضْمَرُونَ»<sup>۱۵</sup>، یا «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضْمَرُونَ»<sup>۱۶</sup> توضیح آن‌که: انسان در آغاز پیدایش هم‌سطح حیوانات است و تدریجاً مراحلی از تکامل را می‌گذراند تا مستعد رسیدن به کمالات انسانی شود، و طبعاً گرایش‌های حیوانی و علاقه به لذت‌های مادی در او فعلیت دارد و ارضای آن‌ها موجب دلبستگی بیشتر به آن‌ها می‌شود و اغلب انسان‌ها در معرض عواملی هستند که آن‌ها را به حد حیوانیت تنزل می‌دهد و لاقابل باعث این می‌شود که عامل ترقی در آن‌ها رشد نکند. دلبستگی به دنیا و لذت‌های آن گاهی به حدی می‌رسد که ادراکات فطری و عقلانی، حتی بیانات انبیا هم درست مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ بلکه مورد انکار واقع می‌شود. این است که خدای متعال وقتی پیغمبری را می‌فرستد، علاوه بر انذارها و تشریها، هشدار عملی هم می‌دهد: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضْمَرُونَ».

### عکس العمل‌های متفاوت انسان‌ها در برابر این هشدارها

انسان‌ها در مقابل این هشدارها هم عکس‌العمل‌های متفاوتی دارند، این است که به آن‌ها مهلت داده می‌شود تا تدریجاً تنبه بیشتری پیدا کنند و زمینه بهتری برای بازگشت به سوی خدا برایشان فراهم شود، و توبه و تضرع، باعث تقرب آن‌ها شود یعنی کمبود و نیاز خودشان را به خدا بهتر درک کنند و به‌طور کلی زمینه بندگی کردن بهتر فراهم شود. در بعضی از این آیات آمده است که: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا»<sup>۱۷</sup> یعنی این عامل هم که از روی محبت ما به‌منظور زمینه‌سازی برای تقرب و تکامل آن‌ها ایجاد شده بود، در بسیاری از مردم مؤثر واقع نشد و حتی کار به جایی رسید که آن‌ها لجاج کردند و بیشتر به همین امور دنیا دل بستند و از خدا دور شدند: «وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ»<sup>۱۸</sup> علت این‌که این‌ها تضرع نکردند و به طرف خدا برنگشتند، این بود که دل‌هایشان قساوت پیدا کرده بود و به تعبیر قرآن کریم: «كَأَلْحِجَارَةِ»<sup>۱۹</sup> مانند سنگ شده بود و دیگر حرف حق اصلاً در دل‌شان نفوذ نمی‌کرد و حتی در مقابل انبیا، پنبه در گوش خودشان می‌گذاشتند که سخن آن‌ها را نشنوند. در اوایل سوره «یس» خداوند این گونه فرموده است که: «إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْيُنِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ»<sup>۲۰</sup> و سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۲۱</sup> وقتی کار به این‌جا می‌رسد، دیگر استحقاق مدد الهی را از دست می‌دهند و گاهی از این هم فراتر می‌روند، یعنی نه تنها خودشان استحقاق مراتب نازل سعادت را از دست می‌دهند، بلکه باعث گمراهی و بدبختی دیگران هم می‌شوند. چنان‌که حضرت نوح عرض کرد: «إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا»<sup>۲۲</sup> خدایا من قریب هزار سال این‌ها را دعوت کردم، انواع و اقسام انذار و تشریح را هم در حق آن‌ها اعمال کردم، اما نه‌تنها هیچ سودی به آن‌ها نبخشید، بلکه زمینه گمراهی دیگران را هم فراهم کردند، و دیگر امید این‌که از نسل ایشان هم انسان صالحی به‌وجود بیاید وجود ندارد: «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا»<sup>۲۳</sup> کار که به این‌جا می‌رسد عذاب‌های دسته جمعی و عمومی نازل می‌شود و چنانکه قبلاً گفتیم، بخشی از شرور این عالم را چنین عذاب‌هایی تشکیل می‌دهد. در نقطه مقابل، کسانی هم هستند که مراتبی از سختی‌ها موجب بیداری و تنبیه آنها می‌شود و لاقابل کمتر به طرف گناه و عصیان و کفر و الحاد می‌روند: «وَلِكُلِّ يَوْمٍ هُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ»<sup>۲۴</sup> عذاب‌های الهی در این عالم، شامل این حوادث تلخ هم می‌شود بعد از آن‌که دانستیم که تدبیرهای الهی در این عالم، شامل این حوادث تلخ هم می‌شود



معتقدند، و تأثیر فاعل‌های دیگر را در حد ابزار کار می‌پذیرند.

#### نظریه اعتدالی «امر بین الامرین»

بین این دو گرایش تفریطی و افراطی، نظریه معتدل و در عین حال ذومراتبی قرار دارد که در لسان روایات «امر بین الامرین» نامیده شده که هم قائل به تأثیر حقیقی برای اراده الهی در همه پدیده‌ها است و هم به فاعل‌های متعدد در طول یکدیگر برای مخلوقات و نیز به تأثیر فاعل‌های معد و شرایط و موانع اعتقاد دارد، و درک کامل این نظریه، نیازمند به قوت عقل و عمق تفکر و نیز نیازمند به هدایت و توفیق الهی است و در پرتو این نظریه است که «توحید افعالی» تفسیر صحیحی می‌یابد؛ تفسیری که موافق آیات فراوانی از قرآن کریم و روایات شریفه، و نیز مدعای عارفان حقیقی و اهل کشف و شهود می‌باشد.

#### تأثیر نحوه شناخت انسان از خدا و نیز مراتب کمال انسان، در این اختلافات

محور این دسته از اختلاف‌نظرها در واقع، معرفت و شناخت انسان نسبت به خدای متعال و ارتباط وجودی او با مخلوقات و به‌خصوص فاعل‌های مختار است. اما دسته دیگر از عوامل اختلاف، مربوط به تفاوت مراتب کمال نفس و ظرفیت‌های آن است. توضیح آن که: روح انسان — هم‌چنان که قبلاً نیز اشاره شد — در آغاز، هم‌سطح روح حیوانات است و شادی و رضایت و خشنودیش کاملاً بستگی به لذت‌های مادی و حیوانی زودگذر دارد، تدریجاً با رشد قوای عقلی، دایره شادی و رضایت‌اش گسترش می‌یابد و بعضی از درد و رنج‌ها هم مورد رضایت او واقع می‌شود، چنانکه به خوردن داروی تلخ برای بهبود بیماری، و حتی قطع بعضی از اعضا برای تداوم زندگی، رضایت می‌دهد و گاهی این رضایت به حدی شدت می‌یابد که تحمل درد و رنج را آسان می‌کند و برای تهیه داروی تلخ و بریدن عضو معیوب حاضر می‌شود هزینه سنگینی بپردازد. ایمان به آخرت و حیات ابدی به نوبه خود، مرتبه کمال نفس را عالی‌تر می‌کند و ظرفیت بیشتری برای تحمل درد و رنج‌ها و ناگواری‌ها در جهت نجات از عذاب ابدی و نایل شدن به نعمت‌های زوال‌ناپذیر بهشتی فراهم می‌کند و گاهی بعضی از تجلیات الهی و درک رضوان پروردگار، چنان دوست خدا را تحت تأثیر قرار می‌دهد که تحمل هر مصیبتی را در برابر آن ناچیز و بلکه به یک معنا مطلوب می‌سازد؛ همان‌گونه که در حالات انبیا و اولیای الهی — سلام‌الله‌علیهم‌جمعین — آمده است و به‌ویژه از حضرت سیدالشهداء — سلام‌الله‌علیه — نقل شده که روز عاشورا در آخرین لحظات زندگی

زیباتش به این مضمون مترنم بود که:

تَرَكْتُ الْخَلْقَ طَرًا فِي هَوَاكَ وَأَيْتَمَّتْ الْعِيَالُ لِكَيِّ أَرَاكَ<sup>۳۳</sup>

حاصل آن که روح انسان در اثر تکامل دارای لایه‌های جدیدی می‌شود و در نتیجه می‌تواند در آن واحد، بین احساس مادی و درک درد و رنج بدن با یک یا چند نوع حالت روحی برتری (اعم از مطلوب یا نامطلوب و شادی و اندوه) جمع کند، مگر این که

و این شرور هم در واقع جزو تدبیرهای عالم است و به یک معنا جزو نظام احسن است، منتهی نه بالاصاله بلکه بالتبع یا بالعرض، آن وقت سؤال می‌شود که یک مؤمن عادی که نه آن‌چنان شقاوت در او تثبیت شده و نه سعادت، وظیفه‌اش نسبت به خیرات و نعمت‌های عالم و نیز نسبت به شرور و بلاها و ناهنجاری‌ها چیست؟

#### وظیفه ما در برابر نعمت‌های الهی

با توجه به نکته‌هایی که گفته شد روشن گردید که نعمت‌های این عالم، عطایای الهی است چه در وجود خود فرد، چه در بدنش، چه در روحش، چه در خانوادهاش، چه در محیط زندگی، و بالاخره چه در کل نظام هستی، و بندگی ما اقتضا دارد که تنها با اذن الهی در آن‌ها تصرف کنیم و از آن‌ها برای سعادت و تکامل خودمان بهره ببریم و طبعاً حق نداریم که آن‌ها را از بین ببریم، یا از آن‌ها سوءاستفاده کنیم، یا مانع استفاده دیگران از آن‌ها شویم؛ زیرا این‌ها براساس حکمت الهی ایجاد شده و نشانه لطف و مرحمت خداست، پس اگر ما کاری بکنیم که این نعمت‌ها تضعیف شود، یا از بین برود، مسئول خواهیم بود.

نکته شایان توجه دقیق این است که استفاده مطلوب از نعمت‌های الهی که مصداق «شکر نعمت» می‌باشد موجب افزایش و برکت نعمت‌ها می‌شود و متقابلاً سوء استفاده و کفران نعمت، مقتضی محرومیت و مجازات شدید است؛ «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»<sup>۳۴</sup>

پس اصل در مواجه شدن با نعمت‌های خدا در این عالم این است که انسان آن‌ها را به‌خوبی بشناسد، شکر آن را به‌جا بیاورد، از آن‌ها حسن استفاده بکند و باعث تضعیف آن‌ها نشود؛ نه برای خودش و نه برای دیگران، و متقابلاً از پیدایش عوامل شر و فساد و بیماری‌های سخت جلوگیری کند و مانع شیوع و گسترش آن‌ها شود.

#### تکلیف ما نسبت به رضایت یا عدم رضایت به شرور

این یک روی قضیه است که ما نعمت‌های خدا را تزیین و توفیت نکنیم، چه نعمت‌های خودمان، و چه نعمت‌های دیگران. اما یک روی دیگر آن مربوط به عکس‌العمل قلبی و اعمال جوانحی ماست که آیا باید در دلمان به آفات و رنج‌ها و بلاها و ناهنجاری‌ها و حتی جنایات دیگران راضی باشیم؟ و چگونه می‌توانیم بین نگرانی از درد و رنج‌ها و مصیبت‌ها با رضایت به تقدیرات الهی جمع کنیم؟

#### نگاه تفویضی غالب بر اکثر دینداران و نتیجه این نگاه

حقیقت این است که این سؤال برحسب اختلاف مراتب معرفت و نگرش انسان‌ها نسبت به خدا و جهان، و نیز بر حسب اختلاف مراتب کمال روحی و معنوی انسان‌ها پاسخ‌های متفاوتی خواهد داشت. توضیح آن که: بعضی از دین‌داران تنها پیدایش اصل جهان و مبادی آن‌ها را به خدای متعال نسبت می‌دهند و آثار طبیعی و انسانی را معلول فاعل‌های مادی و انسانی می‌دانند که خدای متعال تأثیر حقیقی در پیدایش آن‌ها ندارد و نسبت دادن آن‌ها به خدا تنها به لحاظ آفریدن فاعل آن‌ها و حداکثر اذن تکوینی در مؤثریت فاعل‌ها و مانع نشدن از تأثیر آن‌هاست. شاید بتوان گفت که اکثر معتقدین به خدای یگانه هم نقشی برای خدا در پیدایش امور طبیعی و امور اختیاری جن و انس قائل نیستند و به نوعی «تفویض» اعتقاد دارند برای چنین کسانی طبیعی است که از حوادث ناگوار ناراضی باشند و تقدیر الهی را تنها به تقدیر علمی و مانند آن تأویل نمایند که مستلزم تأثیر حقیقی الهی در پیدایش آن پدیده‌ها نباشد.

#### نگاه جبرگرایان به این مسئله

در برابر این دسته از معتقدین به خدا، دسته دیگری قرار دارند که به نوعی از «جبر»



در یکی از این لایه‌ها متمرکز شود و توجهی به لایه‌های دیگر نداشته باشد، که در این صورت تنها حالت مناسب با آن لایه را درک خواهد کرد.

### انجام تکالیف شرعی، اولین وظیفه ما در برابر بلاها و حوادث ناگوار

بنابراین، ما اولاً باید سعی کنیم تکالیف عملی و واجب و حرام شرعی را رعایت کنیم و نگران تقدیرات الهی نباشیم. نمونه بارز اهتمام به تکالیف شرعی حضرت امام رضوان‌الله‌علیه بود که در طول چندین سال مبارزه، روزبه‌روز این معنا در ایشان بیشتر ظهور پیدا می‌کرد و حوادث تلخ و شیرین، تأثیری در اراده ایشان نداشت و فقط در این فکر بود که ببیند در هر حالی وظیفه‌اش چیست و به وظیفه خودش عمل کند. از جمله وظایف شرعی حفظ نعمت‌های خداست که ما حق نداریم بگوییم حالا که ویروس کرونا آمد و آب از سر گذشت، چه یک نفر چه صد نفر! بلکه در هر حالی وظیفه را باید انجام داد؛ در حد وجوبش به مقتضای وجوب، و در حد استحبابش به مقتضای استحباب.

### وظیفه دیگر، راضی بودن از تقدیرات الهی

البته این وظایف، مربوط به عمل جوارحی است، در دل هم باید سعی کنیم به تقدیرات الهی راضی باشیم و هیچ گله‌ای از این تقدیرات نداشته باشیم هر چند موجب ناراحتی‌ها و مصیبت‌هایی برای خود و دیگران شود. و این یکی از مشکل‌ترین صحنه‌های عبودیت است که از یک سو اهتمام به انجام تکالیف داشته باشیم و از سوی دیگر رضایت قلبی به حوادثی که طبق تقدیر الهی واقع می‌شود داشته باشیم. البته همه افراد قدرت جمع بین تکالیف و تحمل درد و رنج‌های مادی دنیوی و بین رضایت قلبی به مقدرات الهی را با درجات مختلف ندارند. و رضایت داشتن و شادی و حتی استقبال از مصیبت‌های سنگین مخصوص کسانی است که به درجات عالی ایمان رسیده باشند.

لزم تلاش و تضرع بیشتر، برای فهم بهتر تکلیف و عمل به آن

البته ما باید سعی کنیم تکلیف را هر چه بهتر بفهمیم و خدای ناکرده هوای نفس و علاقه به پست و مقام و جلب رضایت مردم در تشخیص آن اثر نگذارد و در عمل شخصی خودمان هیچ وقت تحت تأثیر احساسات و عواطف بازدارنده قرار نگیریم، تمرین کنیم که همیشه بر احساساتمان حاکم و غالب باشیم. نسبت به دیگران، از سویی عواطف انسانی دل‌سوزانه داشته باشیم و احیاناً اشک بریزیم؛ «دل می‌سوزد، و اشک جاری می‌شود، ولی چیزی برخلاف رضای خدا نمی‌گویم»<sup>۳۴</sup>. از جمله این وظایف، حفظ نعمت‌های خدا برای خود و دیگران، و جلوگیری از فسادها در شهر و خانواده و جامعه است. تکالیف مختلفی است که باید خوب بشناسیم و عاقلانه و به دور از افراط و تفریط و وسواس‌های جاهلانه عمل کنیم و نسبت به آن چه واقع می‌شود به تقدیر الهی راضی باشیم، مخصوصاً با توجه به این که اراده حکیمانه الهی به آن‌ها تعلق گرفته تا زمینه درک فیوضات بیشتر و رسیدن به مراتب بالاتری از کمالات و رحمت و قرب الهی فراهم شود و به عبارت دیگر، از این جهت که جزئی از نظام احسن و تدبیر حکیمانه جهان است نه تنها ناراحت نباشیم، بلکه خوشحال هم باشیم، و این کار بسیار مشکلی است که در سایه دعا و توکل و تضرع به درگاه الهی و توسل به اولیاء خدا آسان می‌شود. و قفنا الله و یا کم این شاء الله

### پرسش و پاسخ

**پرسش ۱:** بحث‌هایی که در جلسات گذشته مطرح فرمودید به اینجا رسید که در این جهان خیرها و شرها همراه یکدیگر هستند؛ یعنی نظام احسن و حکمت‌های الهی اقتضای می‌کرده که جهان این گونه آفریده شود، و البته شرها مقصود بالاصاله نیستند، بلکه مقصود بالتبع هستند تا زمینه‌ای باشد برای تکامل انسان که با انتخاب آگاهانه خودش از این‌ها در جهت کمال استفاده کند، و انتخاب آگاهانه نیاز به شناختن انواع خیر و شر و راه رسیدن به آن‌ها دارد. ممکن است انسان با عقل خودش کلیاتی را درک کند، اما در

بسیاری از موارد، راهنمایی عقل عادی برای تشخیص مصادیق خیر و شر کافی نیست، و همین امر، دلیل نیاز به وحی الهی و تشریح احکام دینی است.

در این‌جا این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به اختلاف مردم در استفاده از عقل و در دسترسی به محتوای وحی، چگونه همه انسان‌ها می‌توانند شناخت صحیحی نسبت به همه وظایف عقلی و تکالیف شرعی پیدا کنند تا زمینه انتخاب صحیح در هر مورد برایشان فراهم شود؟

### پاسخ استاد:

با توجه به مطالب پیش گفته، این مسئله مطرح می‌شود که اگر ما باید جهات خیر و شر اشیاء را بشناسیم و رفتارهایمان را برای رسیدن به خیرها و مصونیت از شرور تنظیم کنیم، هر کسی باید همه خیرات و شرور را بشناسد تا انتخاب کند و چنین چیزی برای انسان‌های عادی میسر نیست، زیرا عقل انسان‌ها برای شناختن همه مسائل جزئی زندگی و شناختن جهات خیر و شر آن‌ها کافی نیست. از سوی دیگر، تجربه نشان می‌دهد که انسان‌ها از لحاظ درک عقلی کاملاً مثل هم نیستند، و چیزهایی را هم که با عقل می‌توان فهمید نیاز به مقدمات و استدلالاتی دارد که برای همه میسر نیست. پس از یک طرف، از لحاظ درک عقلی که یک درک طبیعی و عادی تلقی می‌شود انسان‌ها یکسان نیستند، و از طرف دیگر، تکمیل این معرفت به وسیله وحی اگر بخواهد برای هر انسانی مستقیماً انجام بگیرد باید همه مردم پیغمبر باشند، و واضح است که همه انسان‌ها لیاقت دریافت وحی را ندارند، و از اصول مسلم ما این است که تعداد انبیاء در طول تاریخ خیلی محدود بوده و حداکثر عددی که گفته شده ۱۲۴۰۰۰ نفر است. همچنین هیچ پیامبری نمی‌تواند وظایف فرد فرد امتش را مستقیماً به ایشان ابلاغ کند. مگر ممکن است که یک انسان وظایف روزانه صدها میلیون انسان دیگر را مستقیماً برای ایشان بیان کند؟! تنها راهی که باقی می‌ماند این است که وظایف مردم در قالب عناوینی کلی بیان شود، چیزی که در همه ادیان واقع شده و همه عقلاً برای بیان مقاصد اجتماعی، عمل کرده‌اند. مثلاً گفته می‌شود: همه انسان‌ها باید در روز چند رکعت نماز بخوانند و حد نصابش هم برای همه تعیین می‌شود، مثلاً نماز صبح دو رکعت بخوانند. باید این عدد باشد تا عموم مردم بتوانند این عمل را با ویژگی‌های خاصش انجام دهند. اما گاهی اتفاق می‌افتد که بعضی نمی‌توانند حتی همین عمل را انجام دهند. در این صورت، مطلب را به‌طور عام بیان می‌کنند و با تخصیص متصل یا منفصل، استثنا می‌زنند.

از طرف دیگر، گاهی حکمی روی یک عنوانی ثابت است و مصلحتی دارد که به‌وسیله آن رفتار تأمین می‌شود، اما شرایطی پیش می‌آید که انجام دادن این کار مفسده‌ای به بار می‌آورد که نمی‌شود این‌ها را از هم جدا کرد و کار را به گونه‌ای انجام داد که آن مفسده را نداشته باشد. هم مصلحت دارد به‌خاطر عنوان مصلحت‌دار، و هم مفسده دارد به‌خاطر عنوان جدیدی که عارض آن شده و مستلزم مفسده گردیده است. در این گونه موارد هم هر کدام از مصلحت و مفسده که قوی‌تر و مهم‌تر باشد ملاک حکم قرار می‌گیرد.

همه این‌ها مربوط به مقام ثبوت است. اما از کجا بفهمیم که آیا این حکم عام واقعا تخصیص زده شده یا نه؟ و این بیان به‌ظاهر مطلق، واقعا قیدی دارد یا نه؟ در مورد دو عنوان متزاحم، کدامیک از آن‌ها دارای ملاک مهم‌تری است و باید آن را مقدم داشت و مقتضای آن را حکم فعلی دانست؟ البته گاهی ممکن است مکلف یقین به تخصیص یا تقیید یا اهمیت یکی از دو ملاک متزاحم پیدا کند، ولی چنین یقین، بلکه اطمینانی هم همیشه میسر نیست و ممکن است حتی متخصصین و اهل فن هم نتوانند اطمینان و علم عرفی پیدا کنند، و ناچار باید به ظنون معتبر اکتفا کرد.

عقلاً برای این کار روشی دارند و آن این است که در چیزهایی که تخصص ندارند به متخصص رجوع می‌کنند؛ چیزی که ما در فقه به نام تقلید از آن یاد می‌کنیم و در امور اجتماعی و سیاسی هم فرمان ولی امر حجت است، گو این که عقلاً محال نیست که اشتباه کند. این‌ها مواردی است که در شرع عیناً مثل امور عرفی، روش‌های عقلاً مورد امضای



#### پاسخ استاد:

اشتباه در فهم وحی به این معنی که خدا بخواهد چیزی را به پیامبر بفهماند و او غیر از آن را استنباط کند، صحت ندارد و پیغمبر مصون از چنین اشتباهی است، اما مقصود خدای متعال از این رؤیای ابراهیم علیه‌السلام این بود که او را وادار به اقدام کند که آن را فهمید و انجام داد، چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا»،<sup>۲۶</sup> ولی علاوه بر فهم تکلیفش تصور کرد که این کار موجب ذبح کردن و کشتن اسماعیل می‌شود، اما این تصور، خارج از محتوای وحی و رؤیای ابراهیم بود، و منافاتی با عصمت پیامبر در فهم تکلیف الهی و انجام آن نداشت.

**پرسش ۴:** در مواردی که انسان‌ها در اثر دوری از پیامبران و نبودن مدارک کافی، از شناخت احکام واقعی بازمی‌مانند و طبعاً از مصالح عمل به آن‌ها محروم و بلکه متضرر می‌شوند، آیا این شُرور و ضررها قابل جبران است یا افراد مطیع و سربه‌فرمان هم چاره‌ای جز تحمل آن‌ها بدون داشتن راهی برای جبران ندارند؟

#### پاسخ استاد:

در واقع این‌جا چند مطلب مطرح می‌شود: یکی این‌که منظور از این‌که راه وحی و بیانات پیامبران علیهم‌السلام، ضعف و نقص ادراکات عقلی را جبران می‌کند، این نیست که با آمدن انبیا علت تامه برای فهم حقایق و شناخت تکالیف حاصل می‌شود و دیگر جهل و خطایی در این زمینه‌ها باقی نمی‌ماند، بلکه منظور این است که خدای متعال برای هدایت انسان‌ها به دادن عقل اکتفا نکرده و راه گسترده‌تری بر آن افزوده است، ولی به هر حال، همان‌گونه که استفاده از عقل، شریعی دارد، بهره‌مندی از هدایت و حیاتی هم شریعی دارد که بعضی از آن‌ها باید با اختیار فراهم شود.

جهت دیگر این است که خود این جهل وسیله می‌شود برای امتحان و انتخاب جدیدی که به نوبه خود زمینه تکامل بیشتری را فراهم می‌کند، وقتی می‌بایست کسانی تلاش کنند تا مفاد صحیح وحی را بفهمند، خود این امر، تکلیفی برایشان می‌شود که زمینه تکامل دیگری برای آن‌ها پیش می‌آورد، و عمل به آن موجب ثواب‌های فراوان می‌گردد، و در واقع، مقدمه برای امتحان دیگری می‌شود که آیا برای شناخت‌های لازم، تلاش کافی و سعی لازم را انجام می‌دهند، یا تنبلی و هوای نفس، باعث بقای جهل و انحراف از حقیقت می‌شود؟

شارع مقدس قرار گرفته است، و همان روش‌هایی که برای تشخیص مصلحت و مفسده یا خیر و شر یا راه وصول به خیر و شر بین عقلا مرسوم است، مورد قبول شارع واقع شده است، و در نتیجه، تکالیف ظاهری افراد با هم متفاوت می‌شود.

**پرسش ۲:** سؤال دیگر این است که آیا حکمت تشریحات و دستورات شرعی، فقط تأمین خیرات و مصالحی است که بر عمل به آن‌ها مترتب می‌شود یا ممکن است حکمت دیگری هم در کار باشد؟

#### پاسخ استاد:

البته اصل این است که احکام واجب برای تأمین مصالح واقعی است و منهیات و محرّمات برای اجتناب از مفاسد واقعی است، ولی ممکن است گاهی مصلحت دیگری در کار باشد، مثلاً منظور این باشد که آمادگی شخص برای عمل کردن به هر دستور سختی آزموده شود، چنانکه درباره حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه‌السلام اتفاق افتاد، در آن‌جا که به فرزندش اسماعیل (ع) فرمود: «إِنِّي أَرِي فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرِي قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمِرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»<sup>۲۷</sup>

به عنوان مقدمه عرض می‌کنم وحیی که به پیامبران می‌شد گاهی به این صورت بود که ملک وحی می‌آمد و کلامی را به آنان القاء می‌کرد، مثل نزول آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و سایر آیات قرآن کریم بر پیامبر اسلام (ص)، و گاهی مطلبی به ذهن پیامبر القاء می‌شد که مثلاً این کار باید انجام شود، ولی گاهی هم به صورت رؤیایی مجسم می‌شد و پیامبر در رؤیای الهی می‌دید که مشغول انجام کاری است و می‌فهمید که باید آن کار را در خارج انجام دهد. حضرت ابراهیم خواب دید که جناب اسماعیل را خوابانده و آماده بریدن سر اوست! حضرت ابراهیم تصور کرد که باید او را ذبح کند «إِنِّي أَرِي فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ»، در صورتی که این رؤیا یک امتحان الهی بود و مصلحت آن این بود که آمادگی وی برای انجام چنین کار عظیمی بدون چون و چرا به ظهور برسد، تا به عالی‌ترین مراتب عبودیت و قرب الهی نائل گردد.

پس کار مصلحت بزرگی داشت، اما نه آن مصلحتی که عادتاً بر خود کار مترتب می‌شود، و اصطلاحاً گفته می‌شود که این‌گونه دستورات «وامر امتحانی» است. البته همه احکام شرعی به یک معنا امتحانی است، و به زبان خودمانی، خدای متعال می‌خواهد ببیند که ما به دستوراتش عمل می‌کنیم یا نه، دستوراتی که عمل به آن‌ها مصالح فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی انسان‌ها را تأمین می‌کند، ولی در اوامر امتحانی به معنای خاص، منظور این است که آمادگی مکلف به ظهور برسد، هر چند آن عمل انجام نگیرد، حتی مصلحتی هم در انجام آن نباشد، چنانکه ذبح حضرت اسماعیل (ع) ظاهراً مصلحتی نداشت، اما کمالی که برای یک پدر پیر در اثر آمادگی برای ذبح فرزند جوانش حاصل می‌شود، بدون این‌که بگوید مگر اسماعیل چه گناهی کرده که من در این سن پیری باید او را ذبح کنم، مصلحت بی‌نظیری است که با همین امر امتحانی حاصل می‌شود. و عجیب‌تر این است که حضرت ابراهیم بعد از ده‌ها سال عبادت و تجربه و فکر و وحی، این آمادگی را پیدا کرد، ولی نوجوانی که قطعاً سن او زیر بیست سال بوده وقتی به او گفته شد: «إِنِّي أَرِي فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ» جواب داد: «يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمِرُ» دستور خدا را عمل کن، و چون احساس می‌کرد که نگرانی پدر این است که در حال انجام وظیفه، رفتار فرزند موجب اشکالی در عمل شود، اضافه کرد: «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» من کاملاً تسلیم و مطیع هستم و رفتار نگران‌کننده‌ای انجام نخواهم داد!

**پرسش ۳:** درباره همین داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام که در خواب دیدند که کارد بر گلوئی اسماعیل می‌کشند و از آن برداشت کردند که مأمور به ذبح اسماعیل شده‌اند، سؤالی مطرح می‌شود و آن این است که آیا ممکن است پیامبر در تفسیر وحی و درک مقصود واقعی آن، اشتباه کند؟

نکته سوم این است که اگر کسانی تلاش لازم را برای کشف حقیقت کردند و به دلایلی موفق نشدند، همین تلاششان عبادتی دارای اجر فراوان است که محرومیت از مصالح تکلیف را جبران می‌کند.

### پرسش ۵:

بنابر آن چه گفته شد، احکام تشریحی خدای متعال برای این است که مردم راه درست را تشخیص دهند و به وظایفشان عمل کنند تا به مصالح واقعی دست پیدا کنند، اما همه افراد از این دستورات پیروی نمی‌کنند و همیشه در طول تاریخ چنین بوده که اکثر مردم از قوانین و احکام الهی سرپیچی و نافرمانی می‌کردند و به آن‌ها عمل نمی‌کردند و در اثر عصیان به آفتی مبتلا می‌شدند و حتی مشکلاتی برای دیگران هم به بار می‌آوردند. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که افرادی که به وظیفه خودشان عمل کردند، ولی آثار اعمال دیگران دامن گیرشان شد، چه گناهی کرده‌اند که باید متضرر شوند و به این شرور مبتلا گردند؟ و آیا این شرور و مشکلات و نواقصی که به‌وسیله نافرمانی عده‌ای دامن گیر بقیه افراد جامعه می‌شود، قابل جبران هست یا نه؟

### پاسخ استاد:

آثار سوئی که بر گناه و ترمد و طغیان مترتب می‌شود چند نوع است:

یکی آن که ارتکاب گناه، شخص را مستعد تکرار آن گناه می‌کند و حتی زمینه را برای ارتکاب گناهان بزرگ‌تر فراهم می‌کند تا آن‌جا که ممکن است موجب عاقبت شر و ابتلا به شک و شبهه در دین و سپس منجر به کفر و الحاد گردد و از سعادت ابدی به کلی محروم شود. «مَنْ كَانَ عَقِبَهُ الَّذِينَ اسْتَوُوا السَّوَاءَ أُنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا إِسْتَهْرَءُونَ»<sup>۲۷</sup> آنگاه عاقبت کسانی که مرتکب اعمال ناشایست شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مستخره گرفتند. این شرور، لازمه طبیعی رفتار خود شخص است و می‌تواند به عذاب ابدی منتهی شود، و چنان که قبلاً اشاره شد لازمه انتخاب‌گری انسان است.

دوم این که گناهی موجب ضرر مادی به دیگران شود، مانند غصب اموال و قتل نفوس. در این موارد، اولاً خدای متعال برای کسی که مورد ظلم قرار گرفته، حق دفاع و قصاص قائل شده است تا ضرر وارد شده را جبران کند، و اگر موفق نشد که حقش را بگیرد، خدای متعال از فضل و کرم خودش آن را در دنیا یا آخرت جبران می‌کند. ثانیاً، همین ظلم زمینه تکامل جدیدی را برای شخص مظلوم فراهم می‌کند که قبلاً فراهم نبود، یعنی موضوع جدیدی برای تکالیف تازه و امتحانات و انتخاب‌های دیگر پدید می‌آورد؛ آیا از حقش دفاع می‌کند یا نه؟ آیا به زبان خوش نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند یا نه؟ آیا در صدد انتقام‌گیری از ظالم برمی‌آید یا نه؟ آیا آبرویش را می‌ریزد یا نه؟ و سایر تکالیفی که زمینه رشد بعدی را برای شخص مظلوم فراهم می‌کند.

فرض سوم این است که گناه شخصی موجب ضررهای معنوی و محرومیت از ثواب‌های اخروی دیگران شود، یعنی رفتار کسی موجب ضعف اعتقادات دینی و فسادهای اخلاقی و رفتاری دیگران شود. و روشن است که چنین گناهیانی زمینه امتحان و انتخاب را برای افراد و گروه‌ها و قشرهایی از جامعه فراهم می‌کند، و یکی از ابعاد شروری است که بالتبع یا بالعرض در نظام احسن منظور می‌شود و مسائل گوناگونی را در پی خواهد داشت که قبلاً به بعضی از آن‌ها اشاره شد، از جمله آن که زمینه آزمایش‌های فراوانی برای گمراه‌شدگان و دیگران فراهم می‌شود و ابواب وسیعی از رحمت الهی را می‌گشاید و آثار گوناگونی برحسب مراتب اختیارشان به بار می‌آورد، و هیچ امر غیراختیاری، موجب مؤاخذ و مجازات نخواهد شد.

### پرسش ۶:

نکته محوری که از بحث‌های گذشته مورد تأکید قرار گرفت این بود که حکمت عمومی

انواع و اقسام شرور و بلاهایی که در این عالم تحقق پیدا می‌کند، این است که در واقع، زمینه‌ای برای انتخاب انسان و تکامل و تعالی اختیاری او فراهم کند. با توجه به این نکته این سؤال مطرح می‌شود که آیا ممکن است بعضی از این شرور لاقفل برای برخی از افراد یک نوع عذاب و مجازات باشد؟ و آیا ممکن است یک جریان برای بعضی نعمت، و برای بعضی دیگر عذاب، و برای دسته دیگری صرفاً وسیله آزمایش باشد؟ مثلاً این بیماری که امروزه شایع و همه‌گیر شده، آیا ممکن است برای افرادی یا جوامعی وسیله تکامل و خیر و کسب فضائل اخلاقی، مثل خدمت به دیگران و ایثار و انواع و اقسام فداکاری‌ها باشد، مانند کارهایی که پرستارها و دکترها می‌کنند که جانشان را به خطر می‌اندازند و به مداوای بیماران می‌پردازند، و برای یک عده، نتیجه گناهانشان باشد یا عذابی باشد که خدای متعال بر آن‌ها نازل کرده تا مایه تنبیه‌شان باشد، یا موجب جبران و تکفیر سیئاتشان گردد، یا یک نوع عذاب ناشی از خشم و قهر الهی باشد؟

### پاسخ استاد:

قبلاً گفته شد که شروری که در این عالم اتفاق می‌افتد گاهی ابتدایی است و گاهی به دنبال رفتار دیگری است؛ آن رفتار هم گاهی رفتار خود فرد است و گاهی رفتار دیگران است، و هر کدام از آن‌ها مصالح خاص خودش را دارد.

ما انسان‌ها معمولاً کاری را که انجام می‌دهیم برای رسیدن به هدف خاصی است، و ممکن است منافع دیگری هم داشته باشد که اصلاً به آن‌ها توجه نداریم، یعنی کار را معمولاً برای یک هدف انجام می‌دهیم، و خیال می‌کنیم کارهای خدا هم همین‌گونه است، در صورتی که کار خدا این‌گونه نیست، و هر نوع اثری که هر پدیده‌ای در حال یا آینده برای فرد یا گروه دیگری ممکن است داشته باشد همه این‌ها منظور است، چیزی از علم خدا غایب نیست و خدای متعال هر چیزی را می‌خواهد و اگر شرور بالتبعی هم بوده باشد، بالعرض و بالتبع متعلق اراده او خواهد بود.

بنابراین ممکن است اولاً یک پدیده برای کسی یا گروهی فقط امتحان باشد، مثل شر ابتدایی که زمینه انتخاب را فراهم می‌کند: «لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»<sup>۲۸</sup> و در عین حال، همین کار برای کسانی می‌تواند وسیله تنبیه و گوش مالی باشد تا هوشیار و بیدار شوند، و نیز ممکن است برای کسانی موجب تخفیف عذاب و تکفیر سیئات و تطهیر از آلودگی‌های گناهان باشد. حتی در روایات داریم که گاهی خدای متعال، جان مؤمنی را سخت می‌گیرد تا موجب تطهیر و آموزش او شود و پاک از دنیا برود. پس کارهای خدا می‌تواند چند علت مختلف داشته باشد. جالب این است که بسیاری از آیات اشاره به هدف‌های متعدد دارد، می‌گوید: ما این کار را انجام می‌دهیم تا چنین شود و چنین شود و چنین شود، و گاهی معطوف علیه را حذف می‌کند و می‌فرماید: «وَلَعَلَّ...»<sup>۲۹</sup> یعنی لَعَلَّ و مِنْ جَمَلَتِهَا كَذَا.

### پرسش ۷:

سؤال: سؤال قبلی ما راجع به این بود که یک پدیده ممکن است برای افراد و گروه‌های مختلف خیر باشد یا شر، و موجب لذت باشد یا رنج. آخرین سؤال این است که آیا ممکن است یک پدیده خاص برای یک نفر، هم موجب لذت و هم موجب رنج باشد یا نه؟

### پاسخ استاد:

این یک مسئله عمیق و قابل توجهی است و جا دارد که در اطرافش بحث‌های گسترده‌ای انجام بگیرد. باید به این حقیقت روان‌شناختی توجه کرد که انسان‌ها از لحاظ رشد انسانی مراتب مختلفی دارند. همه ما می‌دانیم که انسان در ابتدای پیدایش خود، چندان فرقی با حیوان ندارد و معمولاً از یک امر ملایم با بدن لذت می‌برد و از امر نامالایم ناراحت می‌شود، و چیزی را که موجب لذت محسوس زودگذر باشد «خیر» می‌داند، و امر دردناک و رنج‌آور را «شر» می‌شمارد. ولی وقتی رشد می‌کند، گویا لایه دیگری در روح او به‌وجود می‌آید که فراتر از سطح پیشین است. بچه وقتی بزرگ می‌شود کم‌کم چیزی



## بی‌نوشت‌ها

۱. «عالین» نام گروهی از موجودات یا فرشتگان مقرب الهی است که در آیه ۷۵ سوره «ص» به آن‌ها اشاره شده است. قال تعالی: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ». برای اطلاع از تفسیر آن، رک: محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۲۲۶.

۲. صافات، ۱۶۴.

۳. انبیا، ۲۶-۲۷.

۴. فرازی از خطبه اول نهج‌البلاغه درباره گروهی از فرشتگان، بدین معنا که برخی از ایشان دائما در حال سجده هستند و برخی دیگر همواره در حال رکوع.

۵. البته ملائکه هم یک نوع اختیار دارند یعنی کار خیری را که انجام می‌دهند، از سر علاقه انجام می‌دهند و از انجام آن هم لذت می‌برند. به این معنا آن‌ها هم اختیار دارند، اما انتخاب به معنای اختیار بین خیر و شر و ترجیح یکی بر دیگری ندارند.

۶. بقره، ۳۰.

۷. همان.

۸. سجده، ۲۱.

۹. اعراف، ۱۶۸.

۱۰. انبیا، ۳۵.

۱۱. کهف، ۸۲.

۱۲. مراد از شر در این اصطلاح، موجودی است که به موجود دیگری آسیب رسانده و باعث سلب کمالی از او می‌شود.

۱۳. نساء، ۱۶۵.

۱۴. بقره، ۲۱۶.

۱۵. انعام، ۴۲.

۱۶. اعراف، ۹۴.

۱۷. انعام، ۴۳.

۱۸. بقره، ۷۴.

۱۹. یس، ۸-۱۰.

۲۰. نوح، ۲۷.

۲۱. سجده، ۲۱.

۲۲. ابراهیم، ۷.

۲۳. ترجمه: همه خلایق را در هوای رسیدن به کوی تو رها کردم و به کناری نهادم و به یتیمی و بی‌سرپرستی زن و فرزندتم، برای دیدن روی تو رضایت دادم.

۲۴. مضمون کلامی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که به هنگام مرگ فرزند هجده ماهه‌اش، جناب ابراهیم که حضرت بسیار وی را دوست می‌داشت، و در مقام پاسخ به اعتراض برخی از اصحاب نسبت به گریه حضرت در فراق فرزندش فرمود.

۲۵. صافات، ۱۰۲.

۲۶. صافات، ۱۰۵.

۲۷. روم، ۱۰.

۲۸. هود، ۷ و ملک، ۲.

۲۹. مانند: وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ و ما آیات را به تفصیل بیان کردیم و برای آن که بازگردند (اعراف، ۱۷۴).

۳۰. تفاوت ظرفیت و وسعت روحی افراد را می‌توان به تفاوت وسعت دید دو نفر تشبیه کرد که یکی از آن‌ها در دریچه‌ای تنگ به قطاری از شترهای در حال عبور می‌نگرد و طبعاً در هر لحظه تنها یکی از آن‌ها را می‌بیند و دیگری، بر فراز بامی قرار گرفته و همه آن‌ها را با هم می‌بیند.

۳۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۳۷.

۳۲. بو نمی‌دانم که درباره خودم و شما چه واقع خواهد شد (احقاف، ۹).

۳۳. ما (پیامبران) صرفاً بشری مانند شما هستیم (ابراهیم، ۱۱).

به نام احترام و آبرو را درک می‌کند و به آن دل می‌بندد. بجهه‌هایی که نزدیک سن بلوغ می‌رسند، می‌خواهند نزد دیگران محترم باشند و آبرویشان محفوظ باشد، اگر اشتباهی کردند کسی دیگر نفهمد، اگر نقصی دارند دیگران متوجه نشوند، و اگر در اثر فقر خانواده کمبودهایی دارند و حتی گرسنگی می‌کشند نزد دیگران ابراز نیاز نکنند. چنین کسی اگر احساس گرسنگی کند طبعاً ناراحت می‌شود، هم‌چنان که هر حیوانی از گرسنگی ناراحت می‌شود، اما یک احساسی فوق احساس گرسنگی دارد که می‌گوید، من نباید بگذارم نیاز خودم را دیگران بفهمند و با این که گرسنه است اظهار گرسنگی نمی‌کند و چنین وانمود می‌کند که سیر است و نیازی به غذا خوردن ندارد، برای این که آبرویش حفظ شود. و از این گونه مثال‌ها فراوان است. این وضع نشانه آن است که روح او یک ظرفیت طولی بیشتری پیدا کرده و رشد یافته است. روان‌شناسان تا حدودی این مراحل رشد را شناسایی و بیان کرده‌اند با اختلافاتی که در بیاناتشان هست.

و اما از نظر دینی، مطلب بسی فراتر است و گاهی ممکن است که انسانی در یک لحظه نسبت به یک پدیده، چند نوع احساس مختلف داشته باشد. فرض بفرمایید مثلاً کسی طفل فقیر مرضی را می‌بیند که از گرسنگی یا بیماری در حال جان دادن است و نمی‌تواند کاری برای او انجام دهد؛ دلش می‌سوزد و اشکش جاری می‌شود، و در همین حال توجه پیدا می‌کند به این که این احساس دل‌سوزی و هم‌دردی یک کمال انسانی است و از داشتن چنین کمالی خوشحال می‌شود و در یک سطحی از روحش لذت می‌برد. همچنین مراتب دیگری از کمال برای روح انسان وجود دارد که روان‌شناسان متعارف شناخت کاملی از آن‌ها ندارند، اما در معارف دینی به عنوان مراتب ایمان و عنوانی مانند آن، معرفی شده است، به طوری که ممکن است در زمان واحد در مورد پدیده واحدی انواعی از احساس لذت و رضایت، و متقابلاً ااضداد آن‌ها، برای انسان حاصل شود. بنابراین، ممکن است کسی مبتلا به بیماری ذات‌الریه شود، درد بکشد، تنگی نفس و سینه درد داشته باشد و از این آفت‌ها رنج ببرد، و در همین حال، توجه داشته باشد به این که وظیفه داشته که نزد دکتر برود و دوا بخورد و این کار را انجام داده است و پاداش اطاعت خدا را خواهد داشت، بعد توجه کند به این که تحمل این درد و رنج‌ها موجب آمرزیدن گناهانش می‌شود، و موجب درجات بهشت می‌گردد، و بالاخره موجب رضایت خدا می‌شود. چنین کسی در یک لحظه در عین رنج بردن از درد و بیماری، انواعی از لذت‌ها را بر حسب مراتب ایمان و معرفت و توجه به مقام ربوبی خواهد داشت.

حقیقت این است که گنجایش و ظرفیت انسان خیلی بیش از این‌هاست و تصور مراتب آرامش و رضایت اولیای خدا به مقدرات الهی و لذت‌های فوق‌العاده‌ای که برای ایشان حاصل می‌شود برای افراد عادی میسر نیست و طبعاً تصدیق به آن‌ها و درک نمونه‌های عینی آن‌ها سخت‌تر و دشوارتر خواهد بود. برای نمونه، ما در روایاتی داریم که اگر مصیبتی به شما وارد شود و شما مبتلا به رنج و المی شوید، ما ناراحت می‌شویم، و در بعضی نقل‌ها آمده که حتی ما بواسطه مرضی شما مرضی می‌شویم، و نیز در شادی و سرور شما شاد می‌گردیم، و طبعاً افزایش کمی و کیفی غم و شادی اقتضا دارد که بر مقدار و مرتبه غم و شادی امام (ع) نیز افزوده شود. اکنون ملاحظه کنید که روح امام چه ظرفیت عظیمی برای تحمل انبوه غم‌ها و شادی‌ها و حتی جمع بین آن‌ها دارد!<sup>۳۱</sup> یک نکته در این‌جا قابل توجه است و آن این است که همین انسانی که هم از لحاظ طولی و هم از لحاظ عرضی ظرفیت‌های متفاوتی دارد، اگر تمام توجه او به یک مرتبه معطوف شود و در همان مرتبه تمرکز پیدا کند، دیگر پدیده‌های سایر مراتب را درک نمی‌کند، مثل کسی که درد خیلی شدیدی دارد، و اصلاً نمی‌تواند به چیزی دیگر توجه کند. البته انسان‌های کامل می‌توانند مراتبی از این‌ها را با هم جمع کنند، اما شرایط حیات مادی تحمل تمرکز در همه آن‌ها را ندارد، و حتی اگر به مصداق «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ»<sup>۳۲</sup> در یک مرتبه خاص تمرکز کامل پیدا کند، می‌تواند بگوید که از مراتب دیگر اطلاعی ندارم: «وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ»<sup>۳۳</sup> «إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»<sup>۳۴</sup> البته ما هر اندازه دلیل و حیاتی داشته باشیم می‌توانیم وجود چنین مقاماتی را برای کسانی تصدیق کنیم و آرزو داریم که خدای متعال به برکت عنایت اولیای کاملش روزه‌ای از این حقایق به روی ما بگشاید و اندکی از این مواهب ویژه به ما هم مرحمت کند، ان شاء الله تعالی.



## مردم در گام دوم

حسن ملکشاهی

# بیشتر و جوان‌تر شده‌اند

نگاه همراه با تقدس در گام اول و برخورد آنان با کلام و رهنمودهای «مقام ولایت» برخوردی متعبدانه است که ریشه در عقلانیت دینی و ملی دارد، نگاهی که در عین تکلیف‌مداری و عمل به وظیفه‌ی الهی و شرعی، نگاهی کاملاً واقع‌بینانه به نماد انسجام، وحدت ملی، حفظ و حراست از تمامیت ارضی و استقلال در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

کافی است به شعارهای مردم، کلام و وصیت‌نامه‌های شهیدان گام اول به ویژه سرداران شهید، از بهشتی‌ها، رجایی‌ها، همت‌ها و باکری‌ها نگاهی داشت و آن را در کلام و وصیت‌نامه‌ی شهیدان گام دوم؛ چون سردار سلیمانی، حججی و شهدای مدافع حرم نیز مشاهده کرد، نگاه، همان نگاه است و رابطه‌ی امت و امامت همان رابطه.

□ در نگاه دوباره به ایستادگی مردم در گام اول و دوم، چیزی دیده می‌شود که هرگز در انقلاب‌های دیگر جهان دیده نمی‌شود، چیزی که قطار انقلاب را همچنان بدون هیچ انحرافی از گذرگاه‌هایی سخت به پیش می‌برد، چیزی که در ماهیت نهفته‌ی این انقلاب وجود داشته و دارد، ماهیتی که بنیانگذار انقلاب، آن را از ماهیت همه‌ی انقلاب‌های دیگر جدا می‌داند و هر روز که می‌گذرد شفاف‌تر و آشکارتر از گذشته خود را نمایان می‌سازد و آن رویش معجزه‌آسای انقلاب حتی در نسل‌های سوم و چهارم در داخل و خارج از مرزهای جغرافیای آن است، رویشی در عین تحریم، مظلومیت و هجمه‌ی همه‌جانبه‌ی دستگاه تبلیغاتی نظام سلطه، رویشی که خبر از ریشه داشتن شجره‌ی مقدسه و جاودانه‌ی این انقلاب در توحید دارد و در هیچ یک از انقلاب‌های دیگر دنیا نمونه و بدیلی برای آن نمی‌توان یافت، ماهیت انقلاب و مردم در گام دوم همان ماهیت انقلاب و مردم است با این تفاوت که مردم در گام دوم بیشتر، جوان‌تر و فرمانطقه‌ای‌تر شده‌اند.

□ حرکت مردم در گام دوم، تداعی کننده‌ی حرکت مردم در گام اول است. گویی مردم در گام دوم، همان مردم گام اول هستند، با همان اراده، با همان ایمان و صلابت و با حرکت از نقطه‌ای به نام «عاشورا» به سوی مقصدی به نام «ظهور»، حرکتی که در مسیر پایه‌ریزی تمدنی است که هر روز فاصله‌ی ظهور را تا عاشورا کم و کمتر می‌کند، حرکتی که چرایی و چگونگی‌اش را هرگز پنهان نمی‌کند و شعارها و عملش هرگز در تضاد و تناقض با یکدیگر نیست. شعارها و عملکردی شفاف به شفافیت اراده‌ی گام‌های ۲۲ بهمن و ۹ دی، به شفافیت ایمان گام‌های روز قدس و اربعین حسینی.

□ نگاه مردم به آسمان در گام دوم، همان نگاه مردم به آسمان در گام اول است. در این نگاه اعتماد به نصرت خدا و ایمان به غیب به عنوان اصل اولیه در حرکت و منشاء اصلی قدرت است، نگاهی که همواره بر زبان امام و رهبری و مردم بوده و هست. نه شبهه‌افکنی‌های گروهک‌های چپ و راست درباره‌ی این گوهر گران سنگ، توانست نگاه مردم را از آسمان جدا کند و نه برخی جریان‌های به اصطلاح اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا توانستند با محصور کردن نتیجه‌ی حرکت‌های سیاسی و اجتماعی در معادلات زمین، نگاه امیدوارانه‌ی آنان را از آسمان معطوف به زمین کند و نه افسانه‌سرای‌های حجتیه‌ها، جریان انحرافی و منادیان عرفان‌های کاذب قادر بود که روحیه‌ی کار، تلاش، پیشرفت، به روز شدن و عقلانیت در برخورد با پدیده‌های نو را از آنان بگیرد.

حرکت فعالانه بر زمین با نگاه معطوف به آسمان و پرواز با دو بال علم و ایمان در گام دوم، همان حرکت، نگاه و پرواز در گام اول است و همین ایران اسلامی را در آغاز گام دوم، قوی‌تر و پیشرفته‌تر از گام اول در قاب نگاه جهانیان قرار داده است.

□ نگاه مردم به «ولایت فقیه» و شخص «ولی فقیه» در گام دوم، همان

# همسفر ما باشید

چاپ آمیجی و اطلاعیه‌های فرهنگی  
دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی، سازمان‌ها و مؤسسات  
در فصلنامه پویا

جوانان علاقه‌مند به پژوهش  
و شخصیت‌های برجسته علمی  
مخاطبین اصلی ما هستند

شماره تلفن: ۰۲۵-۳۶۶۳۳۸۱۱  
فکس: ۰۲۵-۳۶۶۳۳۵۱۷



## راهنمای اشتراک فصلنامه فرهنگ پویا

۱. وجه اشتراک را به حساب شماره ۰۱۰۴۹۳۷۵۰۵۰۰۲ بانک ملی واریز نمایید و اصل فیش بانکی با تصویر آن را همراه برگه اشتراک و مشخصات کامل خود را به نشانی دفتر مجله ارسال دارید.
۲. بهای اشتراک سالانه (۴ شماره) ۸۰۰۰۰۰۰ ریال و تکیه شماره ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد. در صورت فرستادن نشریه با پست سفارشی مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ نشریه اضافه می‌شود.
۳. در صورت تغییر نشانی، مجله را از آدرس جدیدتان مطلع سازید.
۴. در کلیه مکاتبات خود، شماره اشتراک‌تان را نیز ذکر کنید.
۵. در صورت افزایش نرخ مجله، مبلغ مزبور از موجودی شما کسر می‌گردد.

نشانی: قم - خیابان امامزاده - چهارراه قطاری - خیابان ایستگاه - کوچه بوعلی - کوچه ۲۲ - پلاک ۲۷ - فصلنامه فرهنگ پویا  
تلفن: ۰۲۵-۳۶۶۳۳۸۱۱ فکس: ۰۲۵-۳۶۶۳۳۵۱۷

# معمولاً

## با مدد الهی کرونا را شکست می‌دهیم

شماره ۲۲ فصلنامه فرهنگ بویاه در اسفند ۱۳۹۸ زمانی داشت به چاپخانه فرستاده می‌شد که سخن از ویروس منحوس کرونا جو جامعهی انقلابی ایران را همانند سایر جهان فراگرفته بود. زمانی که مردم خود را برای ایجاد رنجیه و تبعیضیه و عید باستانی نوروز آماده می‌کردند. ترس از کرونا طعم شیوین دید و بازدیدها و صلح رحمها را در کمان‌ها تلخ و طراوت عطر گل‌های بهاری را از میان جامعهی ما برچید. ترس از ورود این گریبه ناشناخته و ناخوانده به خانه‌ها، مردم میهمان‌نواز را مجبور به خانهنشینی و بستن درب خانه‌ها به روی دوست و آشنا کرد. در این زمان دشمنان دین و انقلاب اسلامی با سوء استفاده از این وضعیت از طریق فضای مجازی و سایر رسانه‌های معاند با شبهه‌پراکنی اقدام به تضعیف اعتقادات و باورهای ملت انقلابی کرده و یاس و ناامیدی را در دل اتحاد جامعه ایجاد کردند. در حالی که تاریکی‌های این پدیده‌ی شوم دانش‌فضای جامعه‌ی فرهنگی ما را فرامی‌گرفت. هدایت‌ها و روشنگری‌های بزرگان و علما دین پرده از غبار این تاریکی‌ها زدودند. از جمله حکیم فرزانه حضرت علامه آیتالله معیاج بزدی‌دوست برگاه در این زمینه سخنان ارزش‌مندی ایراد فرمودند و در پی آن، مجموعه‌ای از سخنان ایشان با عنوان «بلاها و شرور: زمینه امتحان‌های جدید» تهیه گردید. معالجه در این رهنمودها به طور مختصر بلافاصله و شرور را از جهت نظری و عقلی بررسی و با توجه به علم و حکمت، پرور دگار، توجیه و فلسفه‌ی وجود بلاها و شرور را بیان می‌فرمایند. همچنین واکنشی را که یک فرد موحد و مسلمان در زمان وقوع بلاها، بیماری‌ها و حوادث باید از خود بروز دهد، روشن می‌فرمایند و به این سوال پاسخ می‌دهند که در چنین موقعیتی از جهت فکری آیا ما باید نسبت به این حوادث راضی یا ناراضی باشیم و از نظر ظاهری و اعمال جوارحی چه عکس‌العملی باید از خود نشان دهیم.

ایشان ضمن پاسخ به دو پرسش مزبور با استفاده از مقدمات عقلی و همچنین آیات و روایات، با بیانی شیوا و روان، شبهه‌های ذهنی موجود درباره این مسائل را به خوبی می‌کشایند و سپس در مقام پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده برآمده و ابهام‌ساز را به خوبی روشن می‌کنند. می‌توان ادعا کرد که این مقاله، علمی‌رغم اختصار، در بررسی حقیقت‌های ابهام‌بلافاصله و شرور، گیرنده‌ی و یا بی‌نظیر است. از این روی، مطالعه دقیق و عالمانه‌ی آن را که در این شماره تقدیر شده است، به همه از باب معرفت و تمام‌گسائی که دغدغه فهم دقیق‌تر و عمل بهتر را دارند، سفارش می‌کنیم.